

پژوهش‌های اقتصادی

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال چهارم ● شماره ۱۲ ● زمستان ۱۴۰۰ ● صفحه ۱۴۴ ● ۳۵ هزار تومان



معادن مس سرچشمه

زمین سخاوتمند

اپرونده‌های درباره معدن و صنایع معدنی

با مطالبی درباره سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رییس اتاق کرمان
فرایند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری معادن

گفت‌وگو با دکتر «حسین معین‌آبادی بیدگلی»
عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

در مسیر توسعه چه باید کرد


گفت‌وگو با «محسن جلال پور» فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی
رویکرد حاکمیت اقتصادی نیست


گفت‌وگو با دکتر «اردشیر سعد محمدی»
مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران


آینده مطمئن شرکت ملی مس ایران




اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

 www.otagh-bazargani.com

 sepehr@kccim.ir

 ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸

 ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸

 ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ (فضای مجازی)

 Kccima

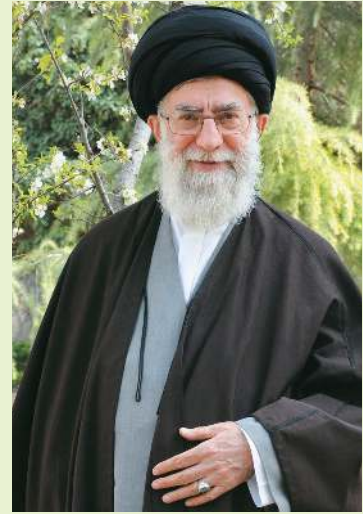
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



روایت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله):
هرگاه بهار وارد شد زیاد به فکر نشور
(قیامت) باشید که شبیه بهار است.

تولید به معنای واقعی



کشور به تولید اشتغال آفرین توجه ویژه‌ای بکند؛ بعضی از تولیدات کشور، تولیدات اساسی و مهمی است و نیاز حیاتی کشور است؛ مثلاً فرض کنید صنعت نفت، صنعت فولاد و امثال این‌ها، لکن این‌ها از لحاظ اشتغال آفرینی آن‌چنان که برخی از صنایع دیگر اشتغال آفرینی دارند، این‌ها ندارند. البته توجه به این صنایع اصلی لازم است، ضروری است، واجب است لکن غفلت از صنایع اشتغال آفرین یک مشکل بزرگی است، نایبستی این معنا پیش بیاید. دستگاه‌های دولتی، دستگاه‌های بانکی [باید] کاری بکنند که تولید به معنای واقعی کلمه در جهت ایجاد اشتغال باشد؛ چون مسئله‌ی اشتغال یک مسئله‌ی حیاتی است برای کشور و همین صنایع مهم هم در حول و حوش خودشان می‌توانند یک زنجیره‌ای از صنایع اشتغال آفرین، صنایع پایین‌دستی که غالباً هم اشتغال آفرین است به وجود بیاورند. مثلاً حالا در ذیل صنعت نفت، این صنایع پایین‌دستی انبوهی که وجود دارد که یک نمونه‌اش همین پتروپالایشگاه‌ها است که قانونش هم در مجلس در سال ۹۸ تصویب شد و به دولت وقت هم ابلاغ شد؛ منتها متأسفانه دنبال‌گیری نشده، باید دنبال‌گیری بشود. این‌ها، هم سرمایه‌های متوسط مردم را وارد میدان اشتغال می‌کند، هم اشتغال آفرین است؛ از این نمونه‌ها در صنایعی از قبیل صنایع فولاد و غیره هم وجود دارد. حمایت‌های بانکی، تسهیلات باید به این سمت حرکت بکند که به صنایع اشتغال آفرین بیشتر توجه بشود.



اتاق بازرگانی معادن و کشاورزی کرمان

افصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /
 دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی /
 سال چهارم / شماره دوازدهم / زمستان ۱۴۰۰ / ۱۴۴ صفحه

سپهر اقتصاد

<p>با نوشتارها و گفتارهایی از: هادی حق‌شناس / حسین معین‌آبادی بیدگلی / فریدون شیرین‌کام / محمدحسین قربانی / محمدامین عبدالله نژاد / سیدمهدی طیب زاده / سعید کریمی نسب / بهرام بهرام بیگی / امیر شفیعی بافتی / سعید عدالتی / حدیثه رحیمی صادق / محمدرضا بهرامن / عبدالرضا تحسینی / اردشیر سعدمحمدی / مسعود رضایی زاده / علی عباسلو / علی رشیدی / مسلم مروچی فرد / علی اکبر نیک‌نفس / سیدحامد موسوی راد / نعمت اسماعیلی / محمدرضا حیدری پور / امیر صفری / شیما ملک پورزاده / آسیه سادات حسینی نسب / منوچهر علی نژاد / مرتضی آیین / حمید نظری پور / بتول علیزاده</p>	<p>صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده / سردبیر و ویراستار: ذبیح‌الله کریمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: احسان-قم</p>
<p>نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ / www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir</p>	<p>«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.</p>
<p>شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹</p>	<p>برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴</p>

سیاست‌گذاری

۰۶ | گفت‌وگو با دکتر «هادی حق‌شناس» کارشناس اقتصاد؛ **اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم**
۱۰ | گفت‌وگو با دکتر «حسین معین‌آبادی بیدگلی» عضو هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ **در مسیر توسعه چه باید کرد**
۱۴ | مقاله‌ای از «فریدون شیرین‌کام» محقق تاریخ اقتصادی؛ **سیاست حمایتی؛ حرکت بر لبه تیغ**
۱۸ | یادداشتی از دکتر «محمدحسین قربانی» مشاور مالیاتی اتاق بازرگانی کرمان؛ **نظام مالیاتی، تحول و بازنگری**

تولید

۲۲ | گزارشی از «محمدامین عبدالله‌نژاد» کارشناس آمار مرکز مطالعات اتاق کرمان؛ **نیم‌نگاهی به معادن و صنایع معدنی استان کرمان**
۲۵ | مقاله‌ای از دکتر «بهرام بهرام بیگی» مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان پترو کویر ماهان و مدرس دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ **تحلیل ساختار و کارایی اقتصادی بخش معدن در استان کرمان**
۳۱ | مقاله‌ای از دکتر «امیر شفیعی بافتی» عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنده؛ **گذری بر زمین‌شناسی و فرصت‌های اقتصادی استان کرمان**
۳۴ | مقاله‌ای از دکتر «سعید کریمی‌نسب» عضو هیئت‌علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ **نقش صنعت و دانشگاه‌ها در سوزاندن فرصت‌های سرزمین استان کرمان**
۳۸ | گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رییس اتاق کرمان؛ **فرآیند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری معادن**
۴۲ | مقاله‌ای از «محمدرضا بهرامن» عضو کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران و رییس خانه معدن ایران؛ **آیا استراتژی‌های دولت در راستای کمک به توسعه است**
۴۵ | گفت‌وگو با دکتر «اردشیر

سعدمحمدی» مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران؛ **آینده مطمئن شرکت ملی مس ایران**
۵۰ | مقاله‌ای از دکتر «مسعود رضایی‌زاده» عضو هیئت‌علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی و فناوری پیشرفته، معاون فناوری پارک علم و فناوری، مشاور امور تحقیقات و توسعه مجتمع مس سرچشمه؛ **بررسی نقش مجتمع مس سرچشمه در تکمیل زنجیره ارزش صنعت مس در ایران**
۵۲ | گفت‌وگو با «علی عباسلو» نایب‌رئیس اول اتاق کرمان و مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان؛ **جهان فولاد پیشگام**
۵۸ | مقاله‌ای از دکتر «سعید عدالتی» پژوهشگر حوزه صنعت و معدن و مدیر مهندسی و توسعه شرکت فولاد بوتیای ایرانیان، شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو)؛ **بازآفرینی ثروت در بهشت معادن**
۶۰ | گفت‌وگو با دکتر «عبدالرضا تحسینی» رئیس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان و فعال اقتصادی؛ **تو خود حجاب خودی از میان برخیز**

۶۵ | گفت‌وگو با «علی رشیدی» مدیرکل سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی استان کرمان؛ **مرور وضعیت اکتشافات معدنی در استان کرمان**
۷۰ | گفت‌وگو با «مسلم مروچی‌فرد» رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب استان کرمان؛ **جذب سرمایه‌گذاران قدرتمند**
۷۴ | مقاله‌ای از دکتر «حدیثه رحیمی صادق» سرپرست واحد طرح، برنامه و نظارت شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان؛ **۵۰ تحلیل SWOT شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان**
۷۶ | مقاله‌ای از سیدمحمدعلی گلابزاده؛ **«بهشت معادن» و دوزخ بی‌تدبیری‌ها**

بازرگانی و خدمات

۸۰ | گفت‌وگو با «محسن جلال‌پور» فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی، رییس سابق اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی ایران؛ **رویکرد حاکمیت اقتصادی نیست**
۸۶ | مقاله‌ای از دکتر «علی‌اکبر نیک‌نفس» عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی کامپیوتر دانشکده

فنی و مهندسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ **تجارت الکترونیک؛ آسمان‌خراش نوین**
۹۳ | مقاله‌ای از دکتر «سیدحامد موسوی‌راد» عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی صنایع دانشگاه شهید باهنر کرمان، **نقش مدیریت زنجیره تأمین**
۹۶ | مقاله‌ای از «نعمت اسماعیلی» مدیرعامل محترم شرکت ارزبا بان نام‌آور توسعه رویدادهای فناوری (اینترتک)؛ **عوامل مؤثر بر عملکرد صادراتی شرکت‌ها**
۹۸ | مقاله‌ای از «محمدرضا حیدری‌پور» مدیرعامل شرکت مدیریت صادرات آلا تجارت بین‌الملل امین؛ **فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسیه**
۱۰۲ | مقاله‌ای از «امیر صفری» مشاور بهبود سیستم‌ها در صنایع؛ **مدیریت دانش در بنگاه‌های اقتصادی**

۱۰۵ | مقاله‌ای از «شیمایا ملک‌پورزاده» و «آسیه سادات حسینی نسب» کارشناسان بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق کرمان؛ **تولیدات پرتقاضای استان کرمان**

جامعه

۱۱۲ | مقاله‌ای از دکتر «منوچهر علی‌نژاد» عضو هیئت‌علمی گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد؛ **تأثیر فقر بر نظام همکاری اجتماعی**
۱۱۶ | مقاله‌ای از دکتر «مرتضی آیین» عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی برق دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان؛ **مقایسه وضعیت انرژی در ایران و جهان**
۱۲۱ | گفت‌وگو با دکتر «حمید نظری‌پور» عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیا طبیعی- اقلیم‌شناسی دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ **کلید اصلی بحران آب**
۱۲۶ | مقاله‌ای از «بتول علیزاده» کارشناس پژوهش مرکز مطالعات اتاق کرمان؛ **سوار بر ریل منابع**

رویدادها

۱۲۹ | **مروری بر گزیده اخبار اتاق کرمان**

شکوفه بهار بر نهال فرصت‌ها

◆ سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



اقتصاد به منابع تجدید ناپذیر، تغییرات اساسی و بنیادین در ساختارهای اقتصادی را می‌طلبد و گرنه ادامه این مسیر چیزی جز آینده‌ای قابل‌تصور و قابل‌تأسف به همراه ندارد.

اتاق کرمان به استناد جایگاه قانونی خود به‌عنوان مشاور سه قوه و به اتکای مطالعات و بررسی‌های کارشناسی همواره به دنبال تبیین مدل جامعی از مسیر توسعه اقتصادی استان بوده است و در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار، استراتژی خود را گذار از اقتصاد منابع محور به اقتصاددانشی تعریف کرده است در این مسیر شش محور اساسی شامل ۱. فرهنگ، ۲. ارتباطات و شبکه‌سازی، ۳. زیرساخت، ۴. توانمندسازی، ۵. نوآوری و ۶. بازار تعیین‌شده که در هر محور فعالیت‌های اساسی در حال اقدام و پیگیری می‌باشد.

در محور فرهنگ، به‌عنوان اولین و زیربنایی‌ترین محور، فعالیت‌های مختلفی در زمینه اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، ترویج و نشر مفاهیم و کلیدواژه‌های اساسی توسعه مدنظر قرار گرفته، در حوزه زیرساخت بر ساختارسازی، تسهیل‌گری، شناسایی و رفع موانع، عموماً از طریق سیستم‌های الکترونیکی تأکید شده، در حوزه ارتباط و شبکه‌سازی، فراهم کردن موجبات تبادل فکر و تسهیل‌گری تعاملات با تأکید بر نهادسازی مورد توجه است. در حوزه توانمندسازی، عمدتاً هدف آشنا کردن فعالان اقتصادی با مهارت‌های کاربردی و سیستم‌های مدیریتی روز دنیا از طریق آموزش، مشاوره و ترویج بوده به‌علاوه اقدامات مختلف در زمینه حمایت از کسب‌وکارها نیز در همین حوزه جای می‌گیرد. در حوزه نوآوری، توسعه کسب‌وکارهای نوین، ارتقای نوآوری و فناوری و ترویج کسب‌وکارهای مبتنی بر دانش و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا مورد توجه قرار گرفته است و نهایتاً در محور آخر یعنی بازار، هدف کمک به بازاریابی و بازاریابی محصولات استان می‌باشد.

برای ما در اتاق کرمان هر بهار، تجدید عهدی دوباره است که بیش از پیش تلاش کنیم تا منشأ بسیاری از تغییرات و بهبودها در استان باشیم و با بازآفرینی توان خود و ایجاد انگیزه‌ای بیش از پیش، برای تحقق آینده‌ای روشن و در شأن ظرفیت‌های سرشار این استان بکوشیم. ◆◆

نام کرمان در کشور همواره تداعی‌کننده فرصت‌های بی‌شمار و منابع سرشار بوده است، پهنای و تنوع جغرافیایی، نیروی انسانی جوان و فعال، ظرفیت‌های تاریخی و طبیعی گردشگری که هر یک به‌تنهایی می‌تواند بسترساز و متضمن رشد و توسعه اقتصاد و رفاه یک منطقه باشد. هرچند نهال فرصت‌ها و ظرفیت‌ها هنوز تا تبدیل شدن به درخت تنومندی که بتواند از گزند چالش‌ها و موانع در امان بماند، راه درازی در پیش دارد، اما تا به امروز هم باوجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در محیط کسب‌وکار کشور و استان وجود داشته، ثمرات زیادی برای توسعه اقتصاد کشور به بار آورده است. تاریخ اقتصاد کشور نشان می‌دهد که کرمان در بسیاری از پدیده‌های اقتصادی پیشرو بوده، اولین شرکت هواپیمایی خصوصی و اولین منطقه ویژه اقتصادی در کرمان ایجاد شد، اولین سیستم آبیاری مدرن، اولین نمایشگاه بین‌المللی و اولین خودروسازی خصوصی در کرمان راه‌اندازی شد. ویژگی منحصربه‌فرد دیگر استان را می‌توان در توان خلق مزیت دید؛ به‌عنوان مثال باوجود این‌که در استان در زمینه تولید لاستیک ظاهراً مزیت نسبی خاصی وجود ندارد و دوری از عرضه‌کنندگان ماده اولیه، حجیم بودن محصولات و هزینه‌های بالای حمل‌ونقل محدودیت‌هایی در این فضا ایجاد کرده‌اند، اما امروز یکی از بهترین برندهای لاستیک کشور در کرمان در حال فعالیت است، همچنین در مورد لوله‌های پلی‌اتیلن نیز شرایط مشابهی وجود دارد. این توان خلق مزیت و پیشرو بودن در کنار ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه اگر به‌درستی هدایت شود می‌تواند اقتصاد استان را از اتکا به منابع طبیعی که خیلی زود به اتمام خواهد رسید، نجات دهد و به سمت تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و توسعه‌ای پایدار سوق دهد؛ ضرورتی که بود و نبود آینده اقتصاد استان را تعیین خواهد کرد، چرا که وضعیت آب استان و وابستگی بالای



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

سال نو را به همه هموطنان عزیز تبریک می گوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلِّوا وَسَلِّمُوا
بِأَنْبِيَائِهِمْ كَمَا صَلَّيْتُمْ وَسَلَّمْتُمْ
بِأَنْبِيَائِكُمْ يَاقَوْمِ

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی

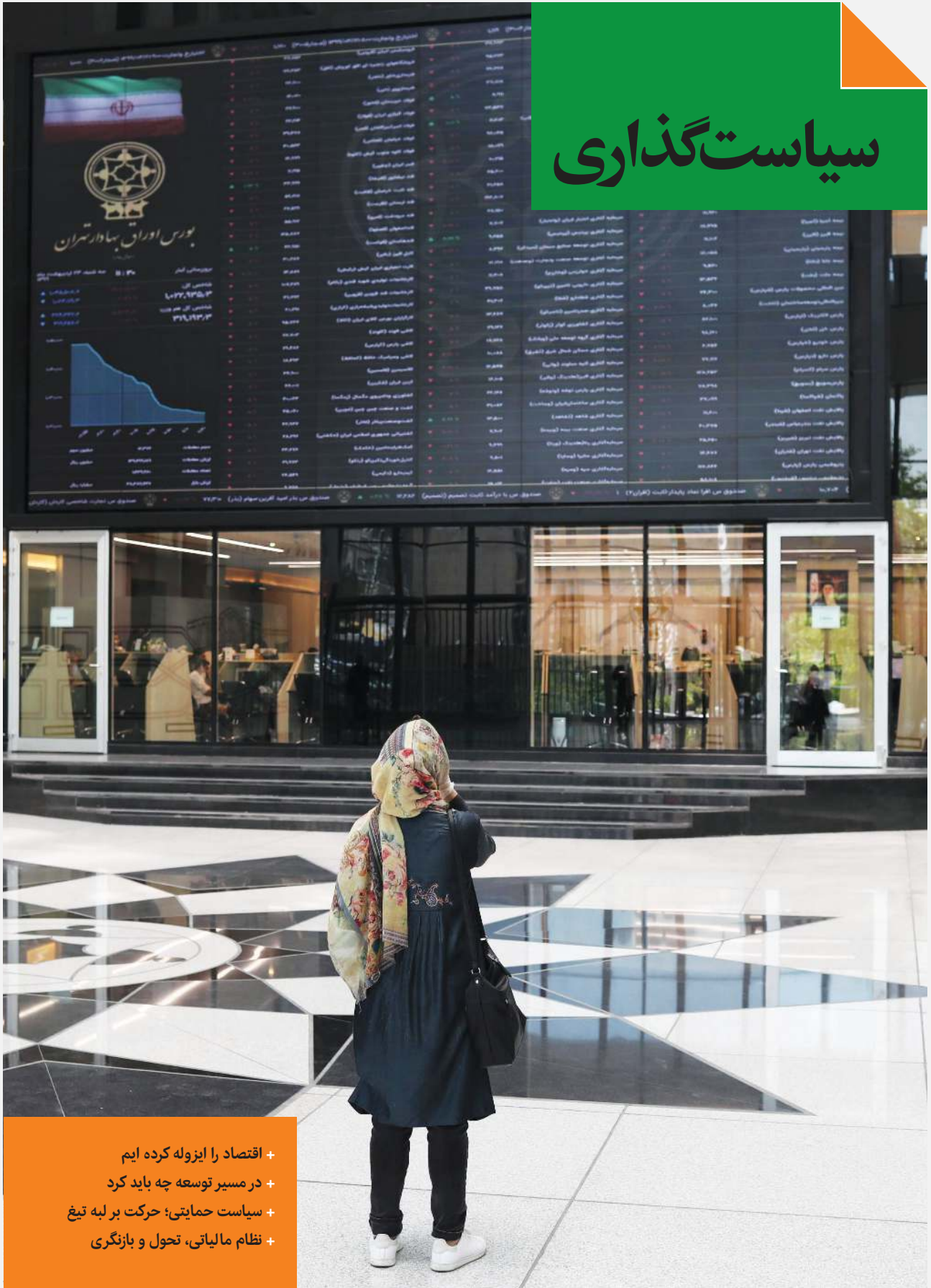


نوروز ۱۴۰۱ مبارک باد



شرکت معدنی و صنعتی گلگهر
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY
روابط عمومی و امور بین الملل

سیاست گذاری



- + اقتصاد را ایزوله کرده ایم
- + در مسیر توسعه چه باید کرد
- + سیاست حمایتی؛ حرکت بر لبه تیغ
- + نظام مالیاتی، تحول و بازنگری



گفت‌وگو با دکتر «هادی حق شناس»، کارشناس اقتصادی

اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم

موضوع برنامه را خیلی جدی نگرفته‌ایم و مهم‌تر از آن قوانین را جدی نگرفته‌ایم. وجود قوانین کامل و جامعی که منجر به این شود که همه کسانی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به شکلی وضعیت آینده را پیش‌بینی کنند. یک نکته کلیدی این است که به معنای واقعی، نگاه به گذشته نداریم، از اطلاعات گذشته به‌درستی استفاده نمی‌کنیم و گرنه برنامه‌های کوتاه‌مدت میان‌مدت و بلندمدت ما واقع‌بینانه بود. باید عدم موفقیت برنامه‌ها، آسیب‌شناسی شود و گرنه باز هم برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را با شاخص‌های ایده‌آل تدوین خواهیم کرد.

مهم‌ترین اشتباه این است که ما اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم و نه رقابتی. اقتصاد ایران نمی‌تواند جدا از اقتصاد جهان باشد، این را باید به‌عنوان یک اصل بپذیریم. اصلی‌ترین موضوع این است که در کشور ما نظام حزبی وجود ندارد و نظام ما جریانی است و همین نقطه اول اشکال کار در نظام سیاسی و اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور است. اگر به اصلاحات ساختاری اعتقاد داریم، اولین گام استقلال بانک مرکزی است. کشور ما تقریباً جزو معدود کشورهایی در جهان است که در چهل سال گذشته، چهار سال تورم یک‌رقمی و ۳۶ سال تورم دورقمی را تجربه کرده است؛ چون پول، متناسب با ظرفیت نرخ رشد اقتصادی چاپ نشده است.

شرح کامل گفت‌وگو با دکتر هادی حق شناس را در ادامه مطالعه کنیم.



◆ شما چه تحلیلی از انتظار توسعه در شرایط کنونی ایران دارید؟

توسعه واژه یک‌بعدی نیست، بلکه یک واژه چندبعدی است. وقتی که صحبت از توسعه می‌شود، همه فکر می‌کنیم که توسعه یعنی افزایش؛ برای مثال، افزایش در اشتغال، رفاه، تولید و این‌گونه مسائل در ذهنمان تداعی می‌شود، درحالی‌که توسعه مقدماتی دارد که اگر آن‌ها فراهم نشود طبیعتاً ما نمی‌توانیم از ثمره توسعه بهره ببریم. مهم‌ترین موضوع زیرساختی توسعه نرم‌افزار است منظور از نرم‌افزار یعنی وجود قوانین کامل و جامعی که منجر به این شود که همه کسانی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به شکلی وضعیت آینده را پیش‌بینی نمایند، به عبارتی ثبات قوانین وجود داشته باشد؛ به‌عنوان مثال در حال حاضر یا شش ماه دیگر قیمت ارز کم یا زیاد می‌شود؟ بخشی از این مسئله که قیمت ارز یک‌دفعه جهش پیدا می‌کند، ناشی از متغیرهای کلان پولی است، اما بخشی از آن ناشی از پیش‌بینی این موضوع است که روابط اقتصادی ما با کشورهای همسایه در دنیا چه شکلی پیدا می‌کند و در چه چارچوبی است. به عبارتی مسائل زیادی بایستی تحقق پیدا کند تا بگوییم توسعه امکان‌پذیر است که مهم‌ترین آن در بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی است. آیا درس خواندن دانش‌آموز یا دانشجو در کشور ما متناسب با نیاز توسعه است یا خیر؟ اخیراً مطرح شده که در چند سال اخیر در کشور پزشک عمومی کم گرفته شده است و این موضوع بایستی ظرف چند سال آینده جبران شود! آیا این موضوع پنج سال پیش قابل پیش‌بینی نبود؟ حتماً باید امروز اتفاق می‌افتاد تا ما یک‌دفعه تصمیم بگیریم که از سال آینده سالی ۲۰ درصد ظرفیت دانشگاه علوم پزشکی زیاد شود؟ اگر کشور در مدار توسعه بود، منتظر نمی‌ماند که حتماً اتفاقی در مسکن، برق، گاز و ... بیفتد و بعد تصمیم به برنامه‌ریزی بگیرد. در مجموع پیش‌بینی در بخش نرم‌افزاری کشور یعنی قوانین؛ برای مثال قانون برنامه پنج‌ساله، قانون بودجه سنواتی و غیره ضروری است. هرگاه توانستیم قوانین پنج‌ساله را به‌درستی اجرا کنیم، گام اول را برای توسعه برداشته‌ایم. در کشور ما هیچ‌یک از شش برنامه توسعه پنج‌ساله به اهداف خود نرسیده است و تازه نکته جالب و طنز تلخ آن این است که وقتی برنامه پنج‌ساله ششم تمام شد، تصمیم به تمدید تا یک سال آن را گرفتند! یک سال چه چیزی را تمدید می‌کنید، کدام شاخص را تمدید می‌کنید؟ ما در کشور موضوع برنامه را خیلی

جدی نگرفته‌ایم و مهم‌تر از موضوع برنامه، قوانین را جدی نگرفته‌ایم. مرتب قانون تصویب می‌کنیم و بعد اجرا نشد کسی نیز مواخذه نمی‌شود. در این شرایط بحث کردن در مورد توسعه معنی ندارد. راهکار اساسی این است که باید یک آسیب‌شناسی جدی در مورد اینکه چرا برنامه‌ها اجرا نمی‌شوند، داشته باشیم و بعد به فکر برنامه‌ریزی برای توسعه باشیم.

◆ در تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه در واقع با نگاه به گذشته هدف‌گذاری می‌کنیم. اگر گذشته چراغ راه آینده است، چرا آینده را درست نمی‌بینیم؟

نکته کلیدی همین‌جاست، ما به معنای واقعی نگاه به گذشته نداریم، اگر نگاه ما به گذشته بود با وجود تنظیم شش برنامه پنج‌ساله‌ای که در هیچ‌کدام به هیچ‌یک از اهداف شاخص کل برای مثال نرخ رشد هشت درصدی، نرخ رشد نقدینگی ۲۰ درصد، نرخ تورم یک‌رقمی و نرخ بیکاری یک‌رقمی نرسیده‌ایم، بلافاصله در تنظیم برنامه هفتم، همه این موارد را پیش‌بینی نمی‌کردیم! جالب است توجه کنید در بودجه سال ۱۴۰۱ دولت پیش‌بینی کرده است که رشد اقتصادی هشت درصد باشد، وقتی که در کل دهه ۹۰، میانگین رشد اقتصادی ما نزدیک به یک درصد است چه اتفاقی باید بیفتد که ما در سال آینده به نرخ اقتصادی هشت درصد برسیم؟! البته ممکن است با رفع تحریم‌ها به این عدد برسیم، اما با روال طبیعی این عدد دور از دسترس است. چرا هدف‌گذاری به این شکل می‌شود؟ چون نگاه به گذشته نداریم و از اطلاعات گذشته به‌درستی استفاده نمی‌کنیم. اگر از اطلاعات گذشته به‌درستی استفاده می‌کردیم برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ما واقع‌بینانه بود. در مجموع در کشور چه در عده‌های کلان اقتصادی و چه در

- کشور ما تقریباً
- جزء معدود
- کشورهایی در
- جهان است که در
- ۴۰ سال گذشته،
- چهار سال
- تورم یک‌رقمی
- و ۳۶ سال تورم
- دورقمی را تجربه
- کرده است! چرا؟
- چون متناسب با
- ظرفیت نرخ رشد
- اقتصادی، پول
- چاپ نشده است
- بلکه بر اساس
- اینکه دولت یا
- مجلس تکلیف
- کرده‌اند، عمل
- کرده‌ایم. برای مثال
- تکلیف کردند که
- افزایش فلان
- مستمری انجام
- گیرد و چون دولت
- منابع نداشته،
- سراغ استقراض از
- بانک رفته است!



بخش صنعت، اصلاً با نگاه به گذشته هدف‌گذاری انجام نشده است.

♦♦ اصولاً تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه کشور نیازمند چه تغییر و تحول ریشه‌ای است؟

مهم‌ترین تغییر لازم این است که ببینیم چرا شش برنامه پنج‌ساله در ایران در دولت‌های مختلف موفقیت‌آمیز نبوده است. اگرچه برنامه سوم نسبت به بقیه تحقق یافته و بیشتر دستاورد داشته است، ولی در مجموع باید دلیل عدم موفقیت این برنامه‌ها بررسی و به‌درستی آسیب‌شناسی شود که کدام یک از عوامل خارجی، داخلی، دولت‌ها و مدیران مقصر بوده‌اند یا اینکه برنامه غلط طراحی شده است یا خیر؟ تا زمانی هم آسیب‌شناسی جدی صورت نگیرد، باز هم برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را با شاخص‌های ایده‌آل تدوین خواهیم کرد و طبیعی است که راه به‌جایی نمی‌بریم.

♦♦ به نظر شما مهم‌ترین اشتباهات و دام‌های تصمیم‌گیری در حوزه اقتصاد کشور چیست؟

مهم‌ترین اشتباه این است که ما اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم، اقتصاد ایران را رقابتی نکرده‌ایم. تا زمانی که اقتصاد ایران رقابتی نشود نمی‌توان انتظار داشت که محصول این اقتصاد همانند محصول بقیه اقتصادهای دنیا باشد. به‌عنوان مثال خودروی ایران چرا هم‌سطح خودروی جهان نیست؟ چون خودروساز ایرانی با هیچ خودروسازی در جهان رقابت نمی‌کند! همین موضوع در بخش مسکن صادق است، اینکه چرا مسکن در کشور ما کیفیت مناسبی ندارد؟! چرا صنعت فولاد ما کیفیت مناسب ندارد؟ تنها راه جبران این اشتباه این است که ما رقابتی تولید کنیم. یک مثال ساده قابل‌ذکر این است که از زمانی که نانوايي‌های پخت آزاد وارد بازار شده‌اند، نانوايي‌های سنتی کیفیت کارشان بهتر شد. دلیل آن این است که مردم اگر ببینند نان سنتی کیفیت خوبی ندارد، نان آزاد خریداری می‌کنند. یا از زمانی که بانک‌های خصوصی وارد کار شده‌اند، رفتار بانک‌های دولتی بهتر شد. چون مردم این اختیار را دارند که پول خود را در بانک خصوصی سرمایه‌گذاری کنند. لذا رقابت است که می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. اقتصاد ایران رقابتی نیست به دلیل اینکه هم دولتی است هم نسبتاً بسته است. چرا محصولاتی که ما در داخل کشور تولید می‌کنیم بازار جهانی را فتح نمی‌کنند؟ چون در کیفیت، بسته‌بندی و بازاریابی دچار مشکل هستیم. محصولات کشاورزان ترکیه

با محصولات کشاورزان در ایران در بخش ابتدایی تولید شاید تفاوت زیادی نداشته باشند، اما در مرحله بازاریابی، بسته‌بندی و صادرات و نظام بانکی و حمایت‌هایی که از تولیدکنندگان صورت می‌گیرد، بسیار متفاوت هستند.

♦♦ در کل کشورمان در مسیر رسیدن به بلوغ اقتصادی چه اتفاقاتی را باید رقم بزنند؟

راهکار این است که در کشور هر کسی در جای خودش قرار بگیرد. اصلی‌ترین موضوع ما این است که در کشور ما نظام حزبی وجود ندارد و نظام ما جریانی است، چه جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا چه جریان اعتدال‌گرا و در هر مقطع حاکمیت پاسخگوی عملکرد آن مقطع به‌عنوان یک حزب نیست، بلکه جریانی دفاع می‌کند. راه‌حل این است زمانی که یک دولت حاکم می‌شود، پاسخگو باشد، نه اینکه عدم موفقیت‌های خود را گردن جریان‌های مقابل یا بالعکس بیندازد. برای رسیدن به بلوغ اقتصادی و توسعه؛ ابتدا باید هم دولت و هم مجلس به‌عنوان نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی که هر دو در بخش سیاسی کشور هستند پاسخگوی تصمیمات خود باشند، چه زمانی که خودشان تصمیم می‌گیرند و چه آن مقطعی که تصمیم می‌سازند و این مسئله در قالب احزاب قابل پیگیری است. واقعیت این است که عموم کسانی که در ایران رئیس‌جمهور شده‌اند افتخارشان این است که بگویند ما متعلق به هیچ جریان یا جناح یا وامدار هیچ‌کس نیستیم و همین نقطه اول اشکال کار در نظام سیاسی و اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور است.

♦♦ در جهان کشورهایی هستند که عبور از بحران را تجربه کرده‌اند و امروز جزو کشورهای پیشرفته یا حداقل در عداد اقتصادهای نوظهور هستند، در یک جمع‌بندی عوامل اصلی نجات آن‌ها از بحران و رسیدن به جایگاهی که در اقتصاد امروز جهان دارند چیست؟

به‌طور مشخص می‌توان از تجارب کشورهای ژاپن، کره جنوبی، ویتنام (که در جنگ با آمریکا دو میلیون کشته داد) و بالاخره در یک مقطعی حتی کشور چین (کشوری که سه دهه چراغ خاموش به سراغ توسعه رفت و حتی اساسنامه حزب کمونیسم را تغییر داد و اصل سرمایه‌داری را پذیرفت) بهره برد، منتهی شرط آن این است که در ابتدا مشکل را بپذیریم. تا زمانی که من یک دیدگاه، دیگران دیدگاه دیگری داشته باشند و اصل مشکل را نپذیریم طبیعی است که به راه‌حل واحدی نخواهیم رسید. مبنای این است که اقتصاد ایران نمی‌تواند جدا

▼

مابه‌معنای واقعی

نگاه به گذشته

نداریم، اگر نگاه ما

به گذشته بود با

وجود تنظیم‌شش

برنامه پنج‌ساله‌ای

که در هیچ‌کدام به

هیچ‌یک از اهداف

شاخص کل برای

مثال نرخ رشد

هشت درصدی،

نرخ رشد نقدینگی

۲۰ درصد، نرخ تورم

یک‌رقمی و نرخ

بیکاری یک‌رقمی

نرسیده‌ایم،

بلافاصله در

تنظیم برنامه

هفتم، همه این

موارد را پیش‌بینی

نمی‌کردیم! جالب

است توجه کنید در

یودجه سال ۱۴۰۱

دولت پیش‌بینی

کرده است که رشد

اقتصادی هشت

درصد باشد،

وقتی که در کل دهه

۹۰، میانگین رشد

اقتصادی مانزدیک

به یک درصد

است چه اتفاقی

باید بیفتد که مادر

سال آینده به نرخ

اقتصادی هشت

درصد برسیم؟!

تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. در اقتصاد ایران نیز لازم است که سازوکارهای علمی و اقتصادی را به کار گیریم. کشور ما تقریباً جزء معدود کشورهایی در جهان است که در ۴۰ سال گذشته، چهار سال تورم یک‌رقمی و ۳۶ سال تورم دورقمی را تجربه کرده است! چرا؟ چون متناسب با ظرفیت نرخ رشد اقتصادی، پول چاپ نشده است بلکه بر اساس اینکه دولت یا مجلس تکلیف کرده‌اند، عمل کردیم. برای مثال تکلیف کردند که افزایش فلان مستمری انجام گیرد و چون دولت منابع نداشته، سراغ استقراض از بانک رفته است! دولت تکلیف کرده فلان محصول با قیمت تضمینی خریداری شود و به دلیل عدم وجود منابع، به سراغ استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی رفته است، یا در مسکن مهر چون منابع وجود نداشته است، سراغ استقراض از بانک رفته و ... همه این موارد دلایلی برای افزایش رشته نقدینگی و افزایش نرخ تورم است و در نتیجه نرخ بهره متناسب با این تغییرات رشد نکرده و شاخص‌ها به هم ریخته است. اگر به اصلاحات ساختاری اعتقاد داریم و قرار است در ایران این اصلاحات صورت بگیرد اولین گام، استقلال بانک مرکزی است. درست است که رئیس بانک مرکزی را دولت و مجلس می‌تواند تعیین کنند، اما در تصمیمات آن دولت و مجلس حق مداخله ندارند. اگر این استقلال حفظ شود شاید گام مهمی برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران برداشته شود و در آن صورت است که می‌توان به سراغ گام دوم یعنی اصلاح سیاست‌های مالی در سیاست‌های بودجه رفت و بودجه واقعی تصویب کرد و در ادامه پروژه‌های عمرانی واقعی و ... شکل گیرد.

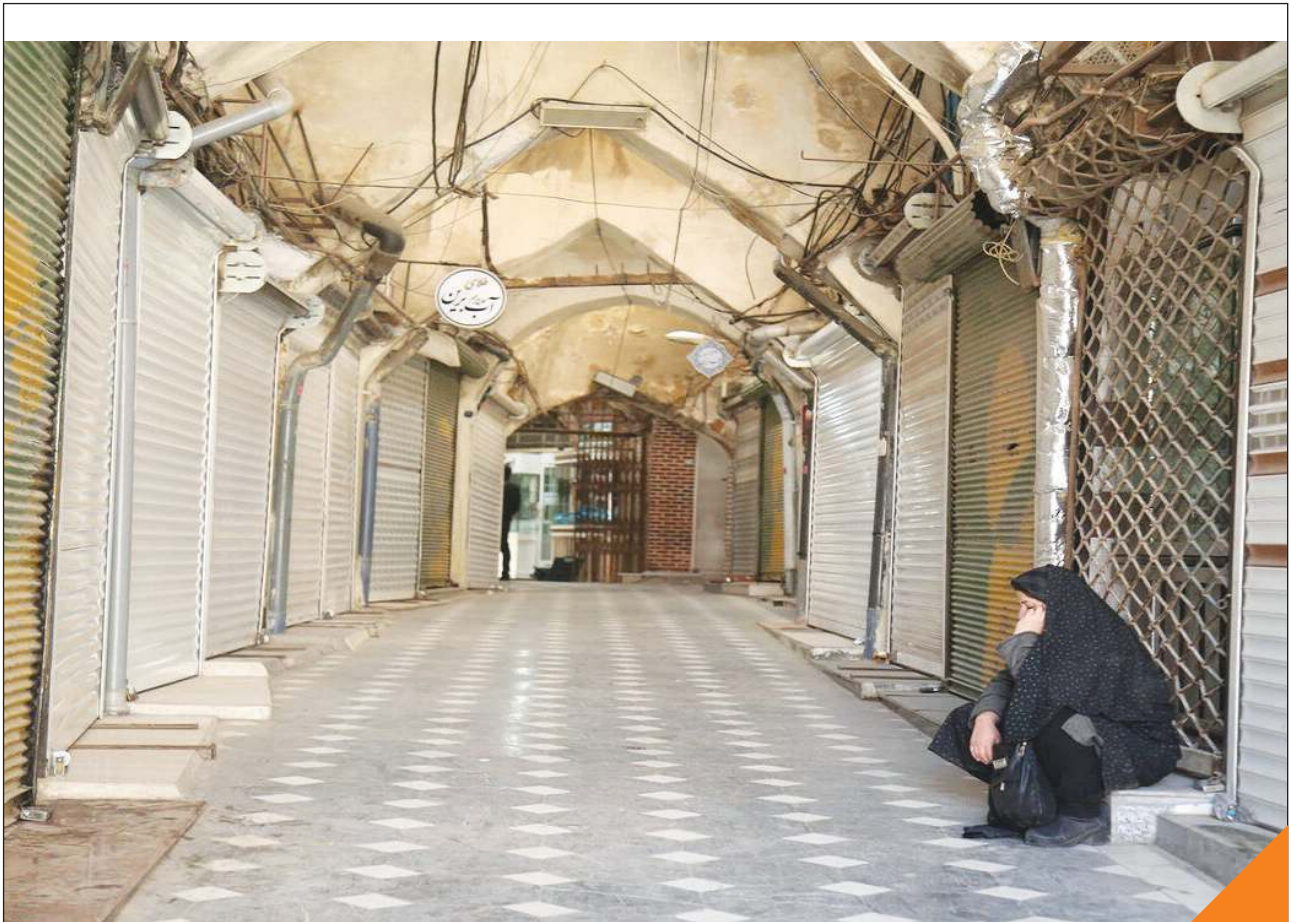
♦ ♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان نمایید. اقتصاد ایران را نمی‌شود به شکل یک پروژه در نظر گرفت و گفت مثلاً اگر مشکل مسکن را حل کنیم، مشکل اقتصاد حل می‌شود. مشکل خودرو حل می‌شود یا اگر قیمت بنزین یا قیمت نان را واقعی کنیم، مشکل اقتصاد حل می‌شود. اقتصاد ایران را باید به شکل یک بسته در نظر گرفت یک بسته سیاستی و همه مسائل را با هم در یک برنامه دید، در آن صورت است که می‌توان امیدوار بود که به ریل توسعه برگردیم. می‌توان گفت در حال حاضر وضعیت اقتصاد ایران شبیه یک انسانی که دچار بیماری‌های مختلف است و پزشک برای مثال فقط مشکل ارتوپدی آن را حل می‌کند یا کار زیبایی برای او انجام می‌دهد، درحالی‌که این بیمار جهت درمان نیاز به برنامه جامع دارد، اقتصاد ایران هم به همین شکل است. ♦ ♦

از اقتصاد جهان باشد، این مسئله‌ای است که باید آن را به‌عنوان یک اصل بپذیریم. چطور قبول داریم که امروز تحریم‌ها به اقتصاد ایران ضربه زده‌اند، ترامپ صادرات نفت ایران را به حداقل رسانده و مواردی از این دست. بالاخره اقتصاد ایران نمی‌تواند تافته جدا بافته از دنیا باشد. اگر این مسئله را بپذیریم آن وقت می‌توانیم به یک راه‌حل مشخص و مشترک هم برسیم. خیلی از ما هنوز بر سر اینکه مسئله کشورمان چیست، اختلاف‌نظر داریم. درست است که در حال حاضر بخشی از مسئله کشور تحریم است، نه اینکه کل مشکل ما تحریم است، خیر. ما در دهه دوم، سوم و چهارم به اندازه دهه نود تحریم نداشتیم، در صورتی‌که در آن مقاطع هم دچار مشکل بودیم؛ بنابراین علاوه بر موضوع تحریم به‌عنوان یک بخش، سوء تدبیرهای داخل کشور، عدم اجرای قوانین و برنامه‌ها و ... نیز بخش دیگری از مشکلات هستند و راهکار و شرط لازم این است که آن‌ها را بپذیریم و سپس سراغ ارائه راهکار برویم.

♦ ♦ اصلاحات ساختاری اقتصاد کشور ضرورت مورد تأکید حکمرانی، کارشناسان و فعالان اقتصادی است، واقعاً دیگر چقدر مجال سعی و خطا وجود دارد، این سؤال مطرح است که تدوین اصلاحات ساختاری تا چه حد مربوط به سیاست‌گذاری و تا چه حد بر عهده تلاش کارشناسان و اساتید اقتصاد است؟

منظور از اصلاحات ساختاری این است که واقعیت‌های اقتصاد را بپذیریم. نمی‌شود که نرخ تورم ۴۰ درصد باشد بعد به بانک‌ها بگوییم که نرخ سود بانکی برای مثال معادل یک‌سوم باشد. امروز اگر کشور ترکیه را در نظر بگیریم. رئیس‌جمهور این کشور (رجب طیب اردوغان) در نرخ بهره دست‌کاری کرد و گفت نرخ بهره زبوی است و باید کمتر شود. بر اساس این تصمیم، نرخ بهره در ترکیه تا ۱۵ درصد کاهش یافت و نرخ تورم بیشتر از نرخ بهره شد و اتفاقی که افتاد ارزش لیر در طی یک سال (از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱) بیش از ۶۰ درصد کاهش پیدا کرد. تردیدی در این مسئله که نرخ بالای سود، حرام است، وجود ندارد باید با سازوکار علمی به سراغ کاهش سود رفت نه اینکه براساس تصمیم یک نفر چنین برنامه‌ای اجر شود، آقای اردوغان در ترکیه بدون در نظر گرفتن سازوکار علمی و اقتصادی دستور کاهش نرخ سود را داده است و امروز تورم در ترکیه به بالای ۳۰ درصد رسید و هیچ‌کدام از شاخص‌های پولی اصلاح نگردید. اگر به اقتصاد ایران برگردیم باز هم از این دست

تازمانی که اقتصاد ایران رقابتی نشود نمی‌توان انتظار داشت که محصول این اقتصاد همانند محصول بقیه اقتصادهای دنیا باشد. به‌عنوان مثال خودروی ایران چرا هم سطح خودروی جهان نیست؟ چون خودرو ساز ایرانی با هیچ خودرو سازی در جهان رقابت نمی‌کند! همین موضوع در بخش مسکن صادق است، اینکه چرا مسکن در کشور ما کیفیت مناسبی ندارد؟ چرا صنعت فولاد ما کیفیت مناسب ندارد؟ تنه‌اره جبران این اشتباه این است که ما رقابتی تولید کنیم.



گفت‌وگو با دکتر «حسین معین‌آبادی بیدگلی»، عضو هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

در مسیر توسعه چه باید کرد

ما نیازمند تحول هم در سطح فردی و هم در سطح سیاسی و اجتماعی هستیم که آن را سطح ساختاری می‌نامیم. دو سطح خرد و کلان در چرایی توسعه و توسعه‌نیافتگی مؤثر است، اما نقش ساختاری یا همان سیاستی (سطح کلان) مؤثرتر است. این‌که آیا به سمت اولویت‌های اقتصاد کشور حرکت می‌کنیم یا خیر، جواب مثبت است، اما سیر حرکت بسیار کند است؛ گویا تا مجبور نشویم، کاری را انجام نمی‌دهیم یا روندی را اصلاح نمی‌کنیم.

دکتر حسین معین‌آبادی بیدگلی عضو هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان همچنین می‌گوید در فقدان نظام حزبی، افراد اهمیت پیدا می‌کنند نه برنامه و اهداف؛ افرادی که هیچ نوع سازوکاری برای بازخواست سیاست‌های اجرایی آن‌ها وجود ندارد و شاید مهم‌ترین دلیل بی‌توجهی به مسائل کلان و علل ناکارآمدی اقتصادی، توسعه‌خواه نبودن نخبگان حاکم و مشکلات سیستمی در باب توسعه است. او معتقد است تا زمانی که اساتید و خبرگان اقتصادی و سیاست‌گذار به یکدیگر نیاز نداشته باشند، با هم همکاری نخواهند کرد و مهارت لازم برای توسعه و تعامل را نخواهند آموخت. بخش خصوصی هم به علت ضعف و وجود برخی رانتهای اقتصادی، نیازمند توسعه توانایی‌های خود نیست هنوز نخبگان حاکم برای گذر به توسعه به اجماع نرسیده‌اند و گرنه بدون تعامل با جهان، توسعه غیرممکن است. توسعه یک گفتمان جهانی است که محصول تعامل نخبگان جهان است و راه‌گیری از آن وجود ندارد. به مطالعه مشروح این گفت‌وگو دعوت می‌شوید.



◆ به لحاظ علمی و تجربی مهم‌ترین راه برون‌رفت جوامع از عقب‌ماندگی چیست؟

باید به موضوع در دو سطح خرد و کلان نگریم که آن را سطح فردی و سطح اجتماعی سیاسی می‌نامیم. در سطح خرد که حوزه فردی است، نیازمند تحول جدی هستیم. توسعه انسانی از الزامات مهم توسعه یک کشور است. بر همین اساس باید گفت ابتدا نیازمند تحول در سطح فردی هستیم پس از آن در سطح اجتماعی و سیاسی. توسعه فردی دارای استلزاماتی است که می‌توان به رواداری، ریسک‌پذیری، توان درک متقابل، آگاهی و دانش، مهارت‌های ارتباطی، توان پیش‌بینی، روحیه نقاد، مطالعه، تخصص‌گرایی و تقویت توان فردی، احساس تعلق، احساس وظیفه و حس وطن‌پرستی اشاره کرد. اگر فرد در مورد توانایی‌های خود اهتمام داشته باشد می‌توان منتظر جامعه بهتری بود. بی‌شک مباحث مرتبط با روان‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند کمک زیادی به توسعه فردی بکند. مثلاً فقدان اعتماد به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی از دلایل عدم شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ در ایران است و یا عدم وجود مهارت ارتباطی و یا ویژگی‌های شخصیت اقتدارگرایانه که باعث می‌شود افراد نتوانند در کنار هم یک کار مشترک اقتصادی را شروع نمایند و یا در طول مسیر آن را رها کنند. بر همین اساس ما نیازمند یک انقلاب رفتاری در سطح فردی هستیم. مثلاً چه تعداد از ما می‌داند که ممکن است کلامش چه تأثیر منفی شگرفی در سرنوشت یک نفر داشته باشد؟ بی‌شک اگر ما توان و درک چنین شناختی را داشته باشیم بهتر می‌توانیم در کنار یکدیگر جامعه را به توسعه برسانیم. به نظر می‌رسد ما به‌صورت جدی نیازمند آموزش‌های عمومی در ارتباط با مهارت‌های فردی هستیم و این آموزش‌ها باید از خانه و مدرسه آغاز گردد.

زمانی که گفتمان توسعه، رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص داخلی، مسئله دولت نباشد، توسعه اتفاق نخواهد افتاد. در جمع‌بندی بحث می‌توان گفت ما نیازمند تحول هم در سطح فردی و هم در سطح سیاسی اجتماعی هستیم که آن را سطح ساختاری نامیدم. دو سطح خرد و کلان در چرایی توسعه و توسعه‌نیافتگی مؤثر است، اما نقش ساختار یا همان نظام سیاسی (سطح کلان) مؤثرتر است.

◆ به نظر شما اولویت‌های اقتصادی کشور چیست و چقدر به آن‌ها پرداخته می‌شود؟

ابتدا باید گفت که اولویت اقتصادی کشور، سیاست است. لازم است سیاست دست از سر اقتصاد بردارد تا اقتصاد بتواند نفس بکشد. بهبود شرایط کسب‌وکار به رفتارهای دولت و کاهش بروکراسی و عدم نگاه امنیتی به اقتصاد است. کاهش بروکراسی و کاغذبازی می‌تواند روند سرمایه‌گذاری را شدت بخشد. پس از تسهیل شرایط کسب‌وکار می‌توان به بهبود تصویر کشور و یا ویتترین کشور در سطح جهانی اندیشید. یادم هست یک سرعت در دبی اتفاق افتاد و پس از دو ماه دولت اعلام کرد که سارقین در آلمان دستگیر شده‌اند... صحت یا سُقم این خبر را رها کنید، اما آنچه مهم است حاکم دبی نگران کاهش ضریب امنیت این کشور برای سرمایه‌گذاران است و به دنبال بهبود ویتترین کشور خود می‌باشد. زمانی که سیاستمداران به بحران‌های کشور، فساد، اغتشاشات سیاسی و اجتماعی بی‌توجه باشند و این خشونت‌ها گسترش یابد، باعث کدر شدن تصویر کشور در ذهن جهانیان می‌شود و نتیجه آن بی‌علاقگی به سرمایه‌گذاری در کشور و عدم تقاضای خرید کالای ایرانی خواهد شد. بر همین اساس می‌توان گفت بهبود زیرساخت‌های قانونی و اجرای طرح‌های کلان همچون جاده، قطارهای سریع‌السیر و بهبود سیستم حمل‌ونقل، استفاده از ظرفیت‌های گردشگری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود قوانین جذب سرمایه، فراهم‌سازی شرایط مساعد برای

در ارتباط با سطح کلان که مربوط به دولت و ساختار اجتماعی سیاسی است، نیازمند تغییر گفتمان هستیم. اگر جامعه‌ای می‌خواهد به توسعه برسد به گفته لفت و بیچ اقتصاددانان باید گفتمان توسعه به گفتمان غالب تبدیل شود. تا زمانی که گفتمان کشور حول مسائل غیرتوسعه‌ای باشد، توسعه اتفاق نخواهد افتاد. تأثیر سیستم یا نظام سیاسی بر سرنوشت افراد غیرقابل کتمان است بر همین اساس بر دولت لازم است تا برای توسعه کشورش بکوشد. رابینسون و عجم اوغلو در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» توسعه‌نیافتگی یک کشور را بر گردن دولت می‌داند و معتقد است که تاریخ توسعه در جهان نشان می‌دهد هر جا دولت‌های توسعه‌خواه زمام امور را به دست گرفته‌اند، توسعه اتفاق افتاده است و شکست ملت‌ها در توسعه ناشی از فقدان حاکمیت دولت توسعه‌خواه است. بر همین اساس باید گفت دولت‌ها نقش اصلی را در توسعه و یا عدم توسعه یک کشور دارند. اگر همین الگو را مبنای تحلیل خود قرار دهیم باید به سراغ دولت برویم و چرایی عدم توسعه را از ساختار دولت پرسش کنیم. تا

- ▲
- اگر مبنای ثروتمند شدن، ابتکار، خلاقیت، نوآوری و تولید باشد، نخبانان به ثروت آفرینی رو می‌آورند، اما اگر مبنای ثروت، رانت باشد، گرد آن جمع می‌شوند.
- تجربه توسعه نشان می‌دهد تا زمانی که مبنای ثروت رانت باشد، توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد.
- بی‌شک خروج دولت از نقش کارفرمای اقتصادی نقش مؤثری در توسعه اقتصاد کشور دارد. آدم‌اسمیت در دو سده گذشته گفت دولت کارفرمای خوبی نیست.

به نظر شما چرا یک تعامل جدی و مفید بین اساتید و خبرگان اقتصاد با سیاست‌گذار در عمل وجود ندارد؟

بحث منافع اقتصادی و تعامل میان نخبگان از دلایل مهم ارتباط است. بر همین اساس، به علت آن که درآمد هیچ‌یک از ایشان به یکدیگر مرتبط نیست، فقدان همپوشانی منافع باعث عدم تعامل میان آن‌ها شده است. به‌عبارت‌دیگر هیچ‌یک از سه گروه فوق برای حل مشکلات خود به یکدیگر اتکا ندارند. به همین علت هیچ ارتباط سازنده‌ای میان ایشان وجود ندارد؛ مثلاً در جوامع توسعه‌یافته شغل جدیدی داریم تحت عنوان برن‌دینگ سیاسی که بر طبق آن نخبگان سیاسی و دانشگاهی به نامزدهای انتخاباتی برای پیروزی در انتخابات مشاوره می‌دهند و یا در گروه‌های فکری و پژوهش‌کده‌ها برای استراتژی‌های سیاسی و نظامی امریکا، طرح‌هایی را ارائه می‌دهند و یا برای نفوذ در یک کشور و فروش محصولات اقتصادی، پژوهش می‌کنند. بخش تحقیق و توسعه شرکت‌ها علاوه بر تحقیق در بهبود تولید با پژوهشگران دانشگاهی هم مرتبط است. گفته می‌شود شرکت سامسونگ بیش از دولت مصر دارای مستخدم با درجه دکتری است. از دکترای جامعه‌شناسی تا متخصصین فرهنگ و رسانه... بی‌شک هرگاه یک شرکت به موفقیت اقتصادی می‌رسد منابع مناسبی برای جذب اساتید دارد. نقش سیاستمداران هم رفع مشکلات بخش خصوصی است. در دیدار یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از مجلس کره جنوبی، برخلاف رویه ما متوجه عدم برگزاری جلسات مجلس در طول هفته شد و علت را جویا شد که یکی از نمایندگان به او گفت وظیفه ما در مجلس شورا در سؤال حل مشکلات اقتصادی تولیدکنندگان است و نیاز به جلسات علنی نیست و در صورت ضرورت این جلسات برگزار می‌شود. در ارتباط با دانشگاه هم همین رویه عدم ارتباط با سیاسیون و نخبگان صنعتی وجود دارد؛ زیرا فرصت‌های مطالعاتی، هزینه‌های پژوهشی و ... به عهده دولت نفتی است و برخلاف کشورهای توسعه‌یافته استاد دانشگاه مجبور نیست برای حقوق و مزایای تحصیلی، کار پژوهشی انجام دهد. در دانشگاه مهمی چون هاروارد تا ۳۰ درصد درآمد دانشگاه از محل کمک‌های صنایع و طرح‌های پژوهشی دانشگاهیان تأمین می‌گردد. بر همین اساس معتقدم تا زمانی که این سه ضلع مثلث به یکدیگر نیاز نداشته باشند، با هم همکاری نخواهند کرد و مهارت لازم برای توسعه و تعامل را نخواهند آموخت. بخش خصوصی هم به علت ضعف و وجود برخی رانتهای اقتصادی، نیازمند توسعه توانایی‌های خود نیست؛ مثلاً تا زمانی که رانت دولت برای حفظ تولیدات داخلی است، کمتر به فکر حل مشکلات بخش تولیدی خود می‌رود. از سوی دیگر به علت عدم جهانی شدن تولیدات ایرانی، نخبه اقتصادی نیازمند تعامل با نخبگان دانشگاهی برای شناخت بازار هدف خود در خارج نیست. شاید یکی دیگر از مشکلات بخش خصوصی ناتوانی این بخش برای اختصاص پول برای تحقیق و پژوهش است. از نظر فرهنگی هم اختصاص بودجه برای پژوهش

حفظ سرمایه‌های مادی و معنوی کشور، جذب نخبگان، تخصص‌گرایی و سپردن امور اقتصادی به نوایغ اقتصادی و قطع رانتهای موجود و گذار به حکمرانی مطلوب و توجه به مؤلفه‌های آن و گذار از ورود ایدئولوژی به اقتصاد و بهبود نگرش به روابط بین‌الملل از اولویتهای اساسی اقتصاد ایران است. بی‌شک نخبگان اقتصادی کشور بر گرد سرمایه جمع می‌شوند... اگر مبنای ثروتمند شدن، ابتکار، خلاقیت، نوآوری و تولید باشد، نخبگان به ثروت‌آفرینی رو می‌آورند، اما اگر مبنای ثروت، رانت باشد، گرد آن جمع می‌شوند. تجربه توسعه نشان می‌دهد تا زمانی که مبنای ثروت رانت باشد، توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد. بی‌شک خروج دولت از نقش کارفرمای اقتصادی نقش مؤثری در توسعه اقتصاد کشور دارد. آدام اسمیت در دو سده گذشته گفت دولت کارفرمای خوبی نیست. اینکه آیا به سمت اولویتهای اقتصاد کشور حرکت می‌کنیم یا خیر، جواب مثبت است، اما سیر حرکت آن بسیار کند است. گویا تا مجبور نشویم، کاری را انجام نمی‌دهیم یا روندی را اصلاح نمی‌کنیم.

◆ نمی‌توان گفت که دولت‌ها در طول دهه‌ها از سیاست‌زدگی و روزمرگی و دردهای عدم پای‌بندی به یک برنامه بلندمدت اقتصادی بی‌اطلاع هستند، اما این سؤال باقی است که چرا در کشور به رفع علت‌ها در فرآیند اقتصاد بی‌توجهی می‌شود و عمدتاً و به‌طور مداوم به رفع معلول‌ها پرداخته می‌شود؟

برای شناخت علل توسعه‌نیافتگی کشور باید نگرش کلان را مدنظر قرار داد. بر همین اساس به‌علت فقدان همبستگی در ساختار نظام در باب توسعه، توسعه‌ای اتفاق نمی‌افتد. بی‌شک تمامی سیاستمداران و نخبگان اقتصادی به‌خوبی می‌دانند که مشکلات اقتصادی کشور کدام است، اما توان حل مشکل وجود ندارد. این ناتوانی را من ناشی از ساختار سیستم می‌بینم. علی‌رغم تأکید رهبری، در برنامه‌های هفتگانه توسعه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دستاورد قابل دفاعی نداشته‌ایم. مشخص است که اگر در بر همین پاشنه بچرخد دستاوردی قابل پیش‌بینی نیست. بر همین اساس من معتقدم بهبود روابط خارجی و نگرش اقتصادی به روابط بین‌الملل قدم مؤثری برای توسعه کشور است. نکته دیگری که در باب تأثیر سیاست بر اقتصاد است، فقدان نظام حزبی و پاسخگو نبودن نخبگان حاکم است و متأسفانه افراد مقصر قلمداد می‌شوند، نه تفکر یا مکتب سیاسی فکری ایشان و در فقدان نظام حزبی، افراد اهمیت پیدا می‌کنند نه برنامه و اهداف. وقتی هم دوره ایشان به پایان می‌رسد هیچ نوع سازوکاری برای بازخواست سیاست‌های اجرایی ایشان وجود ندارد. شاید مهم‌ترین دلیل بی‌توجهی به مسائل کلان و علل ناکارآمدی اقتصادی، فقدان توسعه‌خواه بودن نخبگان حاکم و مشکلات سیستمی در باب توسعه است. آن زمانی که اولویت نظام سیاسی، توسعه اقتصادی نباشد، توسعه‌ای اتفاق نمی‌افتد.

طبق سند

چشم‌انداز ۲۰

ساله ۱۴۰۴ که

چهار سال دیگر

به پایان می‌رسد،

ما باید اقتصاد اول

منطقه می‌شدیم،

اما اکنون اقتصاد

ما از امارات ۱۰

میلیون نفری

کوچک‌تر است.

اقتصاد عربستان

و ترکیه دو برابر

ماست و وضعیت

شاخص‌های

اقتصادی ما نشان

می‌دهد که در

وضعیت رکود

تورمی هستیم و در

طول تحریم، رشد

اقتصادی کشور

منفی و یا نزدیک به

صفر بوده است.

به آمریکا متمایل شد و این روند در دوره دنگ شیائوپینگ تکمیل گردید به طوری که بیشتر وقت دنگ در آمریکا به بازدید از تأسیسات صنعتی و الگوگیری از آن‌ها صرف می‌شد. شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم گردید به طوری که سه دهه بعد از این تحول، چین به بزرگ‌ترین کارخانه جهان تبدیل شد و امروزه به دومین اقتصاد جهان تبدیل شده است.

◆ بسیاری از کشورها از مسیر توسعه عبور کرده‌اند، آیا علاوه بر راه‌های رفته در جهان می‌توان راه‌های تازه‌ای را کشف کرد که تجربه و دانش جهانی نمی‌تواند در فرآیند توسعه کشورمان اثربخش باشد؟

دو مکتب کاپیتالیسم و کمونیسم که هر دو محصول تمدن غرب می‌باشند، راه‌های جداگانه‌ای را برای توسعه ارائه کرده‌اند. در مکتب کاپیتالیسم، نوسازی اقتصادی و توسعه ثروت و رفاه فردی مدنظر است و در مکتب کمونیسم که برگرفته شده از آموزه‌های سوسیالیستی است، توجه به عدالت و برابری عمومی است و جامعه را بر فرد اولویت می‌دهد. در چارچوب مکتب سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم، روش‌ها یا استراتژی‌های توسعه اقتصادی را در چهار الگو یا روش دسته‌بندی می‌کنند، سیاست صنعتی شدن، سیاست‌های مالی و پولی، انقلاب سبز یا توسعه کشاورزی، سیاست‌های تولیدی جایگزین واردات. در نظام کمونیستی، سرمایه‌ها ملی است و دولت نقش مؤثری در توسعه دارد و به جای رفاه و ثروت شخصی به عدالت اجتماعی می‌پردازد. بی‌شک روند جهانی توسعه سرمایه‌داران و سقوط گفتمان کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی، گفتمان غرب را تبدیل به گفتمان غالب کرده است. نظریه‌پردازان راه رشد غیر سرمایه‌داری در نقد گفتمان کاپیتالیستی، هیچ الگوی جایگزینی معرفی نکردند و به توسعه بومی و ملی تأکید کردند بدون اینکه الگوی مناسبی ارائه نمایند. در ارتباط با توسعه کشور هم باید گفت، نباید به دنبال خلق یک مکتب جدید از توسعه باشیم و بهتر است از تجربه دو مکتب اقتصادی سرمایه‌داری و کمونیسم بیاموزیم و مدل بومی توسعه خود را طراحی کنیم. مدل بومی توسعه ایرانی، الگوی منحصر به فرد ایرانی است که با توجه به اولویت‌های ایران، راه رشد انتخاب می‌شود و از تجربه جهانی بهره‌برداری می‌گردد. به عبارت دیگر وقتی سخن از الگوی توسعه ایرانی می‌کنیم این الگو متفاوت از گفتمان توسعه جهانی نیست، بلکه در ذیل آن قرار می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان گفت، توسعه یک گفتمان جهانی است که محصول تعامل تمامی نخبگان جهان است و راه‌گریزی از آن وجود ندارد. ایران هم متفاوت با سایر کشورها نیست و باید همچون کشورهای دیگر که به‌تازگی وارد روند توسعه شده‌اند از الگوهای غالب بهره‌برداری نماید. تا زمانی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از الگوی غالب توسعه اقتصادی جهان دور باشد، دستاوردی نخواهد داشت. ◆◆

در نخبگان اقتصادی نهادینه نشده و فقدان بودجه برای پژوهش و عدم ارتباط میان اقتصاد و دانشگاه باعث می‌شود که هر دو بخش خصوصی و دانشگاه تقویت نشوند.

◆ ما که در اشتیاق کشور اول منطقه بودن هستیم، در این مرحله در کجای کار هستیم و برای عقب نماندن چه باید بکنیم؟

طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴ که چهار سال دیگر به پایان می‌رسد، ما باید اقتصاد اول منطقه می‌شدیم، اما اکنون اقتصاد ما از امارات ۱۰ میلیارد نفری کوچک‌تر است. اقتصاد عربستان و ترکیه دو برابر ماست و وضعیت شاخص‌های اقتصادی ما نشان می‌دهد که در وضعیت رکود تورمی هستیم و در طول تحریم، رشد اقتصادی کشور منفی و یا نزدیک به صفر بوده است. وابستگی درآمدهای اقتصادی کشور به نفت و عدم تأکید بر توانمندسازی بخش خصوصی، بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی اقتصادی ایران همچون تولید فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، سایه سنگین سیاست بر اقتصاد و فشار حداکثری خارجی بر کشور و گفتمان انقلاب اسلامی و تلاش برای جلوگیری از الگو شدن ایران به‌عنوان یک گفتمان سیاسی رقیب در کنار دولتی بودن اقتصاد ایران، رانت، عدم شفافیت و وجود فساد باعث عقب افتادن اقتصاد کشور شده است. بی‌شک تا زمانی که سیاست سایه خود را از اقتصاد بر ندارد و گفتمان توسعه بر تمامی ارکان فکری و ساختاری ما هژمون نشود وضعیت بهبود نخواهد یافت. متأسفانه در تمامی شاخص‌های تبیین شده تنها در دو شاخص، توسعه انسانی شامل آموزش و بهداشت، پیشرفت خوبی داشته‌ایم، اما در سایر شاخص‌های اقتصادی چون درآمد سرانه، رشد اقتصادی، توسعه پایدار و... دستاوردهای خوبی به دست نیآورده‌ایم.

◆ بدیهی است که حکمرانی اقتصادی و سیاسی در ایران به این مسئله مهم آگاهی دارد که دیپلماسی فعال بین‌المللی نیاز برنامه توسعه است، آیا در این امر کوتاهی می‌شود یا ضعف از نظام حقوق بین‌المللی است؟

من معتقدم هنوز نخبگان حاکم برای گذار به توسعه به اجماع نرسیده‌اند و گرنه بدون تعامل با جهان، توسعه غیرممکن است. توسعه در خلأ اتفاق نمی‌افتد و نیازمند تعامل با جهان هستیم. توسعه امری جهانی است نه منطقه‌ای یا کشوری. بدون پیوستن به موج جهانی توسعه، توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد و هزینه‌ای گزافی پرداخت می‌شود. تاریخ توسعه جوامع نشان می‌دهد علی‌رغم وجود دشمنی و اختلافات سیاسی در منطقه، تعامل را سرلوحه عمل خود قرار داده و برای توسعه کشور خود کوشیده‌اند. تاریخ توسعه در چین و ویتنام گویای این واقعیت است که نخبگان حاکم به دنبال توسعه کشور با دشمنان به تعامل و یادگیری پرداخته‌اند؛ مثلاً در چین در سال ۱۹۷۰ مائو به توصیه نخست‌وزیر خود چوئن لای

تاریخ توسعه در چین و ویتنام گویای این واقعیت است که نخبگان حاکم به دنبال توسعه کشور با دشمنان به تعامل و یادگیری پرداخته‌اند؛ مثلاً در چین در سال ۱۹۷۰ مائو به توصیه نخست‌وزیر خود چوئن لای به آمریکا متمایل شد و این روند در دوره دنگ شیائوپینگ تکمیل گردید به طوری که بیشتر وقت دنگ در آمریکا به بازدید از تأسیسات صنعتی و الگوگیری از آن‌ها صرف می‌شد. شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم گردید به طوری که سه دهه بعد از این تحول، چین به بزرگ‌ترین کارخانه جهان تبدیل شد و امروزه به دومین اقتصاد جهان تبدیل شده است.

سیاست حمایتی؛ حرکت بر لبه تیغ

فریدون شیرین کام
محقق تاریخ اقتصادی



با افزایش تورم در دهه پنجاه، مرکز بررسی قیمت کالاهای صنعتی، معدنی و وارداتی از مهر ۱۳۵۲ تأسیس شد و از تیرماه سال بعد، قیمت خرده‌فروشی و خدمات رانیز به همراه آورد. سیاست‌های سرکوب قیمت، به‌طور گسترده از سوی دولت به دلیل تورم مورد توجه قرار گرفت. هزاران نفر فعالان بازار درگیر پرونده گران‌فروشی، جرمیمة زندان و تبعید شدند. با افزایش درآمدهای نفتی در همین سال‌ها، در مرداد ۱۳۵۳ صندوق ضمانتی حمایت از مصرف‌کننده، اجازه پرداخت سوبسید و زیان‌کرد را به دولت داد.

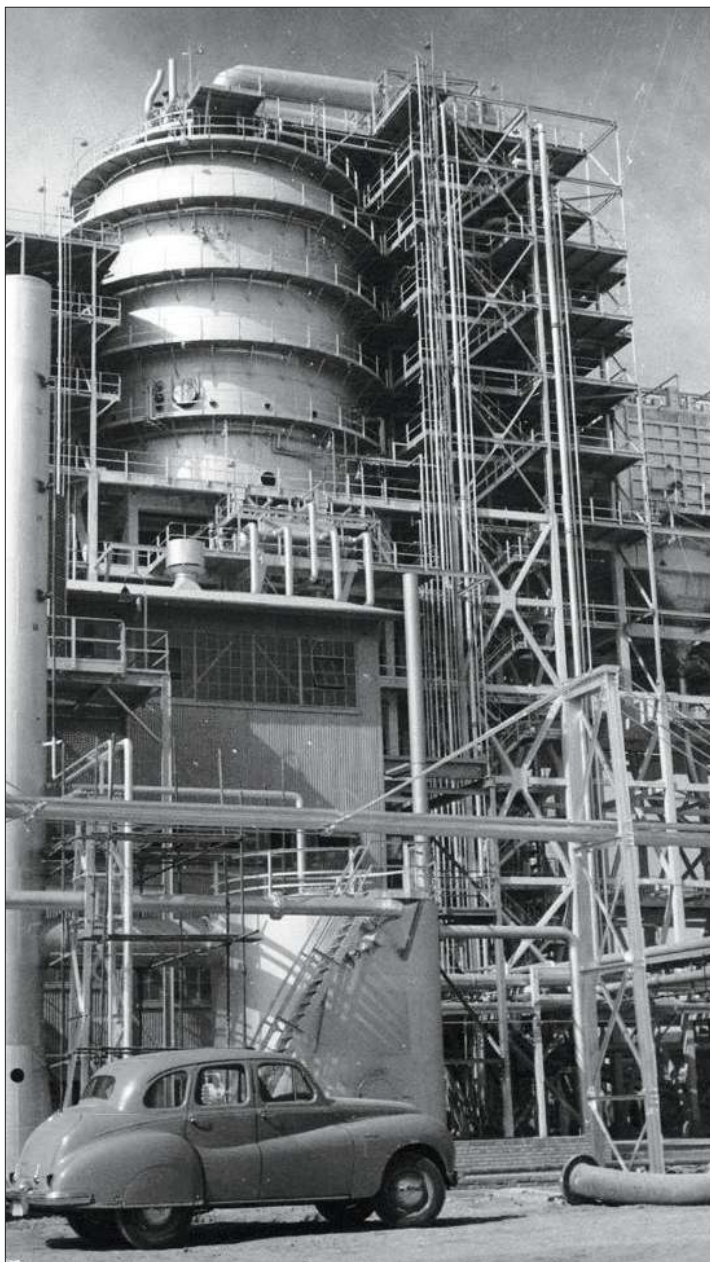
پوست و... صادر می‌شد. دانش لازم برای پرورش نیروی انسانی ماهر فراهم نبود. نوآوری در تولید و فرآوری این محصولات امکان‌پذیر نبود. ماشین‌آلات وارداتی پس از مدتی به دلیل کمبود قطعات، خرابی و فقدان نیروی انسانی ماهر به‌صورت ناقص به فعالیت خود ادامه می‌دادند یا تعطیل می‌شدند. شرکت‌های خارجی در زمینه نوآوری نظام تولید در برخی از محصولات مثل ابریشم، قالی، توتون و... نقش داشتند.

شرکت‌های خارجی عمده‌تأ به سرمایه‌گذاری در زمینه تولید محصولات صادراتی از سال ۱۸۷۰ م اقدام نمودند. سهم شرکت‌های روسی و انگلیسی در این سرمایه‌گذاری‌ها برجسته بود. حضور بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی و اعطای امتیازات به اروپایی‌ها، موجب اعتراض تجار و اصلاحگران به جنبش تحریم تنباکو در سال ۱۸۹۲ م و لغو قرارداد رژئی منجر گردید. ۳ پس از آن نیز اروپایی‌ها، حضور گسترده‌ای در سرمایه‌گذاری ایران داشتند. کنترل بر بانک گمرک، راه‌آهن، بنادر و جاده‌ها، تلگراف و... در سه دهه آخر حکومت قاجار به وابستگی هر چه بیشتر کشور به روسیه و انگلیس منجر شد. کشورهای صنعتی به دنبال فروش محصولات خود در بازارهای خارجی و واردات مواد خام از آن بازارها بودند. صدور سرمایه و ماشین‌آلات و جذب نیروی ماهر بخشی از این فرایند بود. نیاز جهان سوم توسط اروپایی‌ها شناسایی و تنظیم می‌شد. کشورهای عقب‌مانده نقش منفعلی در نظام اقتصاد بین‌الملل داشتند. افزایش تجارت‌خانه‌های خارجی و فقدان پویایی در نهادهای اقتصادی و اجتماعی کشور، وابستگی به نظام بین‌الملل را تشدید نمود. افزایش واردات نسبت به صادرات به خروج

ایران همچون دهه‌ها کشور جهان سوم از تحولات علمی و انقلاب صنعتی طی چهار قرن بی‌خبر بود. پس از استقرار صفویه در سال ۱۵۰۱ م، پرتغالی‌ها بندر هرمز و گمبرون را در سال ۱۵۰۷ به اشغال خود درآوردند. شاه اسماعیل در چالداران به دلیل فقدان توپ و تفنگ از عثمانی‌ها در سال ۱۵۱۵ شکست خورد. ناتوانی و ناکامی نظامی در برابر دولت عثمانی و قدرت دریایی اروپایی در جنوب در معرض چشمش قرار داشت. این روند طی چهار قرن بعد با اشکال مختلفی از شکست ادامه یافت. عهدنامه گلستان و ترکمانچای ۱۸۱۳/۱۸۲۸ م و قراردادهای کامله‌الوداد با ۱۲ دولت طی سال‌های ۱۸۷۳-۱۸۴۱ م ورود و خروج هر یک از کالاهای دولت خارجی را با پرداخت ۵٪ عوارض بدون هیچ نوع ممانعت گمرکی ممکن ساخت. روابط تجاری با دولت عثمانی بر اساس پیمان ارزنة الروم با حقوق گمرک ۴٪ تعیین شد.^۱ در همین حال، تجار ایرانی به دلیل عدم شرایط برابر با خارجی در پرداخت عوارض راهداری و پرداخت تعرفه گمرکی موظف بودند در شهرهای مختلف عوارض بپردازند. رشوه‌گیری و فساد کارگزاران گمرکی و دولتی، به افزایش هزینه کالاهای صادراتی کشاورزی و کارگاهی منجر شد. همچنین اختلافات بین تجار ایرانی و خارجی، توسط کنسول خارجی حل‌وفصل می‌شد و همین مسئله به ضرر تجار ایرانی تمام می‌شد.^۲

با ناتوانی دولت در تأمین امنیت، وضع قوانین و ایجاد ساختارهای زیربنایی به ضرر تولید داخلی تمام می‌شد. با وجود مشکلات فراوان در یک قرن، ظرفیت لازم برای پیشرفت و توسعه، نهاد اداری، اقتصادی و نظامی در سطح سرزمینی در قرن نوزدهم فراهم نشد. کشاورزی و دامداری به‌صورت سنتی، نظام پیشه‌وری با تولید کارگاهی و صنایع‌دستی به‌صورت ابتدایی تا اواخر پهلوی اول شیوه مسلط اقتصادی بود. ابریشم و پیله، تریاک، توتون و تنباکو، پنبه، برنج، قالی، خشکبار، سنگ‌های قیمتی، انواع دام‌های حیوانی به‌صورت زنده،

گردید؛ گر چه به دلیل تراز تجاری منفی، محدودیت‌های مختلف بر واردات، گاهی اعمال می‌شد. تراز تجاری منفی در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۴۲ به محدودیت و کنترل واردات منجر گردید. سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در صنایع سنگین مثل ذوب‌آهن، ماشین‌سازی، تراکتورسازی، لوازم‌خانگی طی ۳۵ سال صورت گرفت. با وجود همه تلاش‌ها، ارزش کل تولیدات صنعتی ۲۱ رشته اصلی اتومبیل، فلزات، نساجی، وسایل الکتریکی، روغن نباتی و... در سال ۱۳۵۴ «به قیمت ثابت ۱۳۴۸» کمتر از ۳ میلیارد دلار و اشتغال ۱۷۰ هزار نفر



مسکوکات ایران به خارج از کشور منجر شد. در این دوره حجم مبادلات تجارت خارجی و تولید مواد خام برای بازار جهانی مثل ابریشم، برنج، تریاک و پنبه و خشکبار افزایش یافت. ناتوانی کارگاه‌های نساجی ایران در رقابت با ورود پارچه‌های خارجی تعطیلی کثیری از کارگاه‌ها در اصفهان، کاشان، تبریز و... را به همراه داشت. واردات ایران از روسیه و انگلیس چهار میلیون لیره و صادرات ایران دو میلیون لیره در سال ۱۹۰۰ م بود. پارچه، قند، شکر و چای، نفت و ادویه بیشترین حجم واردات ایران را تشکیل می‌داد. از نظر جان فوران تنها ۱۹٪ تجارت خارجی در سال ۱۸۰۰ م دست بازرگانان خارجی بود، در حالی که سال ۱۹۱۴، ۹۴٪ از تجارت خارجی در دست آن‌ها قرار داشت. نتایج عدم توازن صادرات و واردات، به تورم اقتصادی و ارزش پول رسمی طی یک قرن (۱۹۰۰-۱۸۰۰ م) ۴۱۰٪ (سالی ۴٫۱ درصد) کاهش یافت.^۴

سیاست‌گذاری دوره پهلوی

نابرابری اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و... بین ایران و غرب تشدید گردید. حاکمان ایران تصور کردند بدون ایجاد تحول همه‌جانبه در جوامع خود، همچنان در موقعیت فرودست باقی خواهند ماند. بر همین اساس تشکیل دولت توانا و بازسازی جامعه از سال‌های ۱۳۰۰ش مورد توجه نیروهای سیاسی قرار گرفت. گسترش امنیت در سطح ملی، توسعه مدارس، برقراری دادگستری و ثبت، جاده‌سازی، تلگراف و تلفن، ساخت راه‌آهن، اصلاح زراعی و دامی، تأسیس کارخانه‌های صنعتی، توسعه دانشگاه، اعزام دانشجو به خارج، جذب کارشناسان خارجی و... مورد توجه حکومت قرار گرفت. همه این تلاش‌ها با هدف رهایی از عقب‌ماندگی صورت گرفت. نقش دولت برای جبران عقب‌ماندگی‌ها در حیات اقتصادی و اجتماعی پررنگ شد. دولت به سرمایه‌گذاری عظیم در زمینه ارتباطات و سایر نهادهای تمدنی اقدام نمود. در زمینه اقتصادی نیز حضور دولت بسیار پررنگ بود. در چنین فضایی سیاست‌های حمایتی از صنایع با روی کار آمدن دولت پهلوی شکل گرفت.^۵ زیربنای لازم برای حمایت از محصولات داخلی با تأسیس بانک ملی و برقراری تعرفه کالاهای وارداتی به نفع تولیدات داخلی، انحصارات دولتی برای قند، شکر، چای و قماش و کنترل تجارت خارجی از سال ۱۳۱۰، ایجاد ۶۴ کارخانه دولتی و تدابیر حمایتی مختلف در مورد کارخانه‌های خصوصی فراهم شد.^۶

شدت کنترل دولت بر اقتصاد در دوره پهلوی دوم نسبت به قبل کاسته شد. آزادی واردات کالاهای غیرضروری و محصولاتی که در داخل تولید نمی‌شد تا حدودی فراهم

سیاست‌ها نتیجه هوس‌ها و آرزوهای شبه مدرنیستی ناگهانی بود که هماهنگ با افزایش ناگهانی عواید نفت روی هم تلنبار می‌شد.»^۹

سیاست‌های اقتصادی انقلاب ۱۳۵۷

سیاست‌های شبه سوسیالیستی در دهه اول مسلط بود. عمده کارخانه‌های صنعتی بخش خصوصی، بانک و بیمه مصادره گردید. سازمان بورس عملاً غیرفعال بود. بخش بزرگی از مدیران سابق از فعالیت کنار گذاشته شدند. آرمان‌گرایی و جوان‌گرایی در حوزه مدیریت صنعتی مورد توجه قرار گرفت. سهام سرمایه‌گذاری مشترک بزرگ‌ترین شرکت‌های خارجی مثل توشیبا، جنرال الکتریک، شرکت دوپان، نستله و... خریداری شد. پس از یک دهه محصولات آن شرکت‌ها به صورت مستقیم وارد شد و دانش فنی به داخل کشور منتقل نگردید. سیاست‌های بازرگانی بعد از انقلاب با استفاده از موانع تعرفه‌ای و ضرورت اخذ مجوز همواره در جهت حمایت از صنایع داخلی به کاهش قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی در صحنه بین‌المللی منجر شد. اثرات کنترل دولت بر کارخانه‌ها در اواخر دهه هفتاد خود را نشان داد. تمام کارخانه‌های بزرگ کفش مثل کفش ملی، بلا و وین، بسیاری از کارخانه‌های نساجی بزرگ مثل مخمل کاشان، راوند کاشان ریسندگی و بافندگی کاشان، پوشینه بافت، پوشش و... همچنین بخشی از صنایع خانگی مثل ارج تعطیل شدند. پس از جنگ تغییراتی در سیاست‌گذاری رخ داد. خصوصی‌سازی و واگذاری کارخانه‌ها به افراد مورد اعتماد، صورت گرفت. این گروه‌ها به منابع بانکی، مجوزهای سرمایه‌گذاری، تسهیلات ارزی سوبسیدی، انرژی ارزان و زمین دسترسی داشتند. ممنوعیت یا محدودیت‌های وارداتی کالاهای مشابه تولید داخل و انواع حمایت‌ها مورد توجه قرار گرفتند. بخشی از نیازهای داخل را تأمین نمودند، همچنین به برخی از کشورهای همسایه صادرات کالاهای ساخته شده فراهم شد. تحریم از سال ۱۳۹۰ محدودیت‌های گسترده‌ای برای همین بخش فراهم نمود.

نتیجه‌گیری

صدا سال از شروع سیاست‌های حمایتی با سیاست‌گذاری انواع دولت‌های سکولار و انقلابی می‌گذرد. این کودک صدساله، همچنان چشم‌به‌راه حمایت است. دخالت دولت در مکانیزم قیمت در قیل و بعد از انقلاب به کار گرفته شد. واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با نرخ ارز سوبسیدی در تأسیس بنگاه‌ها و تولید کالاهای طی دو دهه پس از

منجر شد. محصول کل تولید بخش تولیدی مدرن «دولتی و خصوصی» تنها ۱۴/۵٪ سهم درآمد در تولید ناخالص ملی بود. در همین زمان ارزش کل صادرات محصولات صنعتی و کشاورزی کشور حدود ۵٪ صادرات کشور را در سال ۱۳۵۶ تشکیل می‌داد. اکثر صنایع جدید توانایی بالفعل و یا امید چندانی برای صادرات نداشتند. توسعه و بقایشان در گرو استمرار درآمد نفت و هزینه کردن آن در بازار داخل بود.^۷ با افزایش تورم در دهه پنجاه، مرکز بررسی قیمت کالاهای صنعتی، معدنی و وارداتی از مهر ۱۳۵۲ تأسیس شد و از تیرماه سال بعد، قیمت خرده‌فروشی و خدمات را نیز به همراه آورد. سیاست‌های سرکوب قیمت، به‌طور گسترده از سوی دولت به دلیل تورم مورد توجه قرار گرفت. هزاران نفر فعالان بازار درگیر پرونده گران‌فروشی، جریمه، زندان و تبعید شدند. با افزایش درآمدهای نفتی در همین سال‌ها، در مرداد ۱۳۵۳ صندوق ضمانتی حمایت از مصرف‌کننده، اجازه پرداخت سوبسید و زیان‌کرد را به دولت داد. حجم زیان‌کرد دولت از ۱,۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ به ۱۷,۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۴ افزایش یافت.^۸ از نظر کاتوزیان «برای توسعه هیچ برنامه قابل‌ذکری وجود نداشت.



به شرکت‌های موفق در بازار داده شود و شرکت‌هایی که نسبت به صادرات عملکرد ضعیفی دارند، مورد حمایت قرار نگیرند. همچنین بنگاه‌ها به همکاری در سطح بین‌المللی نیازمندند. توجه به واقعیت دانش و تکنولوژی در سطح نظام بین‌الملل، کاستن از موانع منطقه‌ای و جهانی در زمینه واردات و صادرات، توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی، به بازی گرفتن سرمایه‌های انسانی، اجازه تنفس و مشارکت به نیروهای مختلف، گشودن مسیرهای تازه و ایجاد ظرفیت‌های جدید در یک نظام بروکراسی سالم و منصفانه، احتمال موفقیت را امکان‌پذیر می‌کند. ♦♦

انقلاب اعمال شد تا هزینه سرمایه‌گذاری و تولید و به تبع آن قیمت کمتر محصولات برای مصرف‌کننده داخلی فراهم شود. ده‌ها میلیارد دلار در زمینه سرمایه‌گذاری صنعتی از سوی دولت و بخش خصوصی صرف گردید. یارانه‌های فراوان، انرژی ارزان و عدم اجازه سازمان‌دهی آزاد به نیروی کار برای صنعتی شدن اختصاص یافت. بنگاه‌های ناکارآمد با وجود همه یارانه‌ها نتوانستند جایگاهی در بازار جهانی به دست آورند. بیش از ۱۰۰ سال از تأسیس برخی از کارخانه‌های نساجی و لوازم‌خانگی و ۸۵ سال از تأسیس کارخانه داروگر و ۷۰ سال از تأسیس کارخانه‌های کفش می‌گذرد. آن‌ها جایگاه و سهمی در تولید جهانی ندارند. صنایع خودرویی (ایران‌خودرو و سایپا) با وجود نیم‌قرن فعالیت، در تولید کیفی و صادرات جایگاهی ندارند. این دو بنگاه حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یعنی بیش از دو برابر سرمایه‌شان زیان انباشته دارند.

به نظر می‌رسد نابرابری اقتصادی و علمی بین ایران و کشورهای توسعه‌یافته بسیار عمیق است. طرح ایران ۱۴۰۴ قرار بود به جایگاه اول در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای میانه دست یابد. محدودیت‌های دسترسی به منابع ارزی، صدور کالا، واردات، تورم گسترده، گواهی بر سال‌های عقب‌ماندگی است. همه مقام‌های عالی‌رتبه نظام و سازمان‌های دولتی اهداف خود را بر این اساس تدوین نمودند امروز ۱۶ سال پس از تصویب آن طرح در آستانه پایان سال ۱۴۰۰، نگاهی به شاخص‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی، بیانگر وضعیت اقتصاد ناپایدار کنونی می‌باشد. باید در همین نظم بین‌الملل بر اساس ظرفیت سیاسی و اقتصادی، برنامه‌ای طراحی شود که در زیست اقتصادی و منابع طبیعی «با همه محدودیت‌های کنونی‌اش»، بهبودی حاصل شود. سیاست‌های حمایتی همچون عبور از پل صراط است؛ راهی به‌غایت سخت که تعدادی اندک، امکان عبور به سلامت از آن را داشته‌اند. کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، مالزی، چین، برزیل و... از میان ده‌ها کشور این مسیر را پیموده‌اند. راه رسیدن به توسعه، سخت و پیچیده می‌باشد. تجربه تاریخی ما در صدسال گذشته نشان داد، نتیجه اندکی از سیاست‌های حمایتی از سوی دولت‌های مختلف حاصل شد. نگاهی به نوع صادرات و کشورهای واردکننده محصول ایرانی، بیانگر چگونگی ظرفیت صنعتی ایران می‌باشد.

راه‌حل: سیاست حمایتی، احتمالاً زمانی نتیجه‌بخش می‌باشد که بنگاه‌های داخلی پس از مدتی در پیوند با بازار خارجی و در رقابت با سایر تولیدکنندگان امکان عرضه محصولات خود را داشته باشند. یارانه و سوبسید

منابع:

۱. با اینکه مدت قرارداد ۱۰ ساله بود، به دلیل ضعف سیاسی، تلاشی برای تغییر آن پس از پایان مدت صورت نگرفت. سهیلا ترابی فارسانی، «تجار، مشروطیت و دولت مدرن»، تاریخ ایران، ۱۳۸۴، ص ۲۴.
۲. ترابی فارسانی، همان ص ۲۴.
۳. با پرداخت ۵۰۰ هزار لیره غرامت، از طریق استقراض از بانک شاهنشاهی قرارداد لغو گردید.
۴. ترابی فارسانی همان، ص ۳۳-۲۹.
۵. در سالگرد تصویب قانون اسعار خارجی قانون انحصار تجارت خارجی در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ و ۴ فروردین ۱۳۱۰ حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعت و تعیین موقتی یا دائمی میزان واردات و صادرات به دولت واگذار شد. «اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه ۱۳۱۱-۱۳۰۵» معاونت خدمات دفتر رئیس‌جمهور، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ص ۵۰
۶. از نظر باریر در نتیجه عدم کارایی اداری و حسابداری عملاً تمام ۶۴ کارخانه دولتی در اواخر دهه ۱۳۱۰ زیان می‌دادند. ج باریر «اقتصاد ایران ۱۳۴۹-۱۲۷۹» موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۰.
۷. همایون کاتوزیان «اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پهلوی» ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، مرکز، ۱۳۷۳، ص ۳۲۹-۳۲۵.
۸. محمدمهدی به‌کیش «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن» نی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲.
۹. همایون کاتوزیان، پیشین، ص ۳۲۹-۳۲۵.
۱۰. کتاب‌های هوشنگ امیر احمدی «ابزارهای توسعه صنعتی تداوم و گوسست» علیرضا طیب، شیرازه، ۱۳۷۷. حمید الیاسی «واقعیت توسعه‌نیافتگی» سهامی انتشار ۱۳۶۸ و «تجدید حیات صنعتی جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۹۹۳» ترجمه مسعود هاشمیان و ماندانا فاضل، مطالعات و پژوهش‌های بازگانی، ۱۳۸۴.

صدسال از شروع

سیاست‌های

حمایتی با

سیاست‌گذاری

انواع دولت‌های

سکولار و انقلابی

می‌گذرد. این

کودک صدساله،

همچنان

چشم‌به‌راه

حمایت است.

دخالت دولت در

مکانیزم قیمت

در قبل و بعد از

انقلاب به کار

گرفته شد. واردات

کالاهای واسطه‌ای

و سرمایه‌ای بانرخ

ارز سوبسیدی در

تأسیس بنگاه‌ها

و تولید کالاها

طی دو دهه پس

از انقلاب اعمال

شد تا هزینه

سرمایه‌گذاری

و تولید و به تبع

آن قیمت کمتر

محصولات برای

مصرف‌کننده

داخلی فراهم

شود.

نظام مالیاتی، تحول و بازنگری

♦ دکتر محمدحسین قربانی

مشاور مالیاتی اتاق بازرگانی کرمان



- در خصوص
- تشخیص مالیات
- یک ایراد کلی
- وجود دارد و آن
- هم عدم رعایت
- اصل برائت است.
- طبق این اصل
- مسئولیت اثبات
- درآمد با سازمان
- است نه مؤدی،
- اما در حال حاضر
- چنانچه درآمد
- مشمول که توسط
- سازمان اعلام
- می‌گردد، فاقد
- مبانی مستدل
- باشد، مؤدی باید
- به دنبال اثبات
- عدم تحقق درآمد
- باشد و مسلماً
- اثبات عدم تحقق
- درآمد کاری بسیار
- سخت و بعضاً
- بعید است. در
- این خصوص
- پیش‌بینی جریمه
- برای مأمورین
- تشخیص که در بالا
- گفته شد متمرکز
- خواهد بود.

که هزینه‌هایی که مؤدی به‌صورت یک رکورد مشخص در سامانه معاملات فصلی اعلام می‌کند، ۱۰۰ درصد پذیرفته شود؛ چون سازمان مالیات آن را از طرف مقابل دریافت می‌کند.

۳- نکته بعدی که خیلی هم مهم می‌باشد، عدم آشنایی ممیزین مالیاتی با استانداردهای حسابداری است. این در حالی است که استانداردهای حسابداری مبنای کار حسابداران و مدیران مالی است. طبق استانداردهای حسابداری، به‌صورت کلی فروش و درآمد در زمان شناسایی آن مشخص می‌گردد و عدم آشنایی ممیزان با استانداردهای حسابداری باعث ایجاد تعارض بین سازمان و مؤدی می‌گردد که نارضایتی‌های بعدی را در پی دارد.

۴- در خصوص تشخیص مالیات یک ایراد کلی وجود دارد و آن هم عدم رعایت اصل برائت است. طبق این اصل مسئولیت اثبات درآمد با سازمان است نه مؤدی، اما در حال حاضر چنانچه درآمد مشمول که توسط سازمان اعلام می‌گردد، فاقد مبانی مستدل باشد، مؤدی باید به دنبال اثبات عدم تحقق درآمد باشد و مسلماً اثبات عدم تحقق درآمد کاری بسیار سخت و بعضاً بعید است. در این خصوص پیش‌بینی جریمه برای مأمورین تشخیص که در بالا گفته شد متمرکز خواهد بود.

مسئله دیگر در حوزه مالیات، عدالت مالیاتی است. یک نظام مالیاتی کارآمد بر پایه عدالت مالیاتی قرار دارد؛ یعنی عدالت مالیاتی شاخص اصلی یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد محسوب می‌گردد.

عدالت مالیاتی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام یعنی توجه

کشور ما ایران در حال گذر از یک شرایط غیرعادی و بحرانی است. از طرفی تحریم‌های ظالمانه کمر به ورشکستگی اقتصادی ایران بسته است و از طرف دیگر، حل مشکلات اقتصادی کشور نیاز به سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه دارد. باید توانمان را برای تولید بالاتر و ایجاد اشتغال بیشتر بگذاریم؛ بنابراین برای تحقق این هدف باید ابزارهای لازم و مناسب را به همراه داشته باشیم. یکی از این ابزارها قانون مالیات است. مسلماً قوانین کشور با توجه به شرایط کشور باید انعطاف‌پذیر باشد. قوانین و مقررات مالیاتی کشور همخوانی لازم را با شرایط روز جامعه ندارد و هیچ کمکی به بهبود وضعیت اقتصاد کشور نمی‌کند.

وقتی کشور در شرایط رکود قرار دارد، میزان بیکاری رو به افزایش است و تنها راه برون‌رفت از بحران، سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر است، باید قوانین و مقررات و بخشنامه‌ها متناسب با این وضعیت باشد نه اینکه بیش از ۶۰ درصد از مالیات کشور از تولید تأمین گردد.

در خصوص مفاد قانون مالیات چند مورد قابل ذکر می‌باشد.

۱- ممیز محور بودن رسیدگی‌ها در حال حاضر، باعث اعمال سلیقه شده و بالطبع برگ تشخیص صادر شده فاقد مبانی مستدل می‌باشد. در این خصوص برای دستیابی به مالیات حقه و جلوگیری از فساد، باید جرائم کافی در قانون برای مأمورانی که برگ تشخیص فاقد مبانی مستدل صادر می‌کنند پیش‌بینی گردد. همچنین اصلاحات کلی «در حد متعارف» و «بنا به تشخیص ممیز» از متن قانون حذف گردد.

۲- دیگر مسئله هزینه‌های برگشتی توسط سازمان امور مالیاتی است. در این مورد اعمال سلیقه موج می‌زند. هزینه‌های سرفصلی توسط سازمان مردود می‌شود و همچنین بخش عمده‌ای از هزینه‌ها به علت عدم پرداخت، برگشت داده می‌شود، درحالی‌که مبنای حسابداری تعهدی بوده و بالطبع هزینه‌ها در زمان تحقق در حسابها ثبت می‌گردد. در این خصوص تمهیداتی باید پیش‌بینی شود



- اصلی‌ترین مشکل در این زمینه اجرای قرارهای رسیدگی است. سازمان خود مأمور تشخیص است و در صورت اعتراض، مؤدی باید به سازمان شکایت کرده و خود سازمان مسئول رسیدگی دوباره است که نتیجه این فرآیند از قبل مشخص و قابل پیش‌بینی است. لذا ضرورت دارد آیین دادرسی اصلاح و امکان انجام اجرای قرارهای رسیدگی توسط مراجع مستقل قانونی نظیر کارشناسان رسمی دادگستری، جامعه حسابداران رسمی، جامعه مشاوران رسمی مالیاتی میسر گردد. انجام این مهم قطعاً به بهبود فرآیند تشخیص و دادرسی مالیاتی کمک خواهد نمود.

- نکته بعدی، پیش‌بینی سامانه جهت رؤیت گزارش اجرای قرار قبیل از تشکیل جلسه هیئت حل اختلاف مالیات برای مؤدی است. مؤدی باید بتواند لایحه دفاعی خود را بر اساس گزارش اجرای قرار تنظیم و به هیئت ارائه کند و مشخص است عدم اطلاع از گزارش اجرای قرار، فرصت تنظیم لایحه دفاعی را از مؤدی سلب نموده و موجبات تضییع حق مؤدی را فراهم می‌نماید.

در پایان امیدواریم با اعمال اصلاحات موردنیاز در قانون مالیات کشور، موجبات رشد و توسعه کشور فراهم گردد و عدالت مالیاتی محقق شود. ♦♦

به عمران و آبادانی در اخذ مالیات، عدم ایجاد محرومیت از حقوق مشروع، خود اظهاری اولیه توسط مؤدیان و توجه به دولت مرکزی است و به مأموران وصول مالیات همیشه توصیه می‌نمودند که مایحتاج ضروری مردم را به‌عنوان مالیات از آن‌ها نگیرند. برای دستیابی به عدالت مالیاتی، نیازمند یک نظام مالیاتی مترقی هستیم که بتواند درآمد عمومی موردنیاز را به دست آورده و به‌صورت منصفانه در جهت کاهش نابرابری اقتصادی و جنسیتی باز توزیع کند. برای تحقق درآمد عمومی موردنیاز باید راه‌های فرار مالیاتی مسدود گردد. مسیر کار برای مشاغل غیر مولد و بدون شناسنامه بسیار سخت و ناهموار گردد، تا درآمدهایی که از کارهای غیررسمی و دلالی محقق می‌شود به حداقل برسد. تولید موردحمایت مالیاتی و سایر حمایت‌ها قرار گیرد و ارزش ویژه‌ای برای تولیدکننده در جامعه ایجاد گردد. کارآفرینی به یک ارزش تبدیل گردد و مسیر برای سرمایه‌گذاری و ورود سرمایه‌های جدید و مشاغل نوظهور فراهم شود.

یکی از راه‌های تحقق عدالت مالیاتی آیین دادرسی مالیاتی صحیح و منصفانه است. در این خصوص چند نکته مهم است.

درمان درد اقتصاد

رهبر انقلاب اسلامی، در دیدار رمضان مسئولان، بیماری های مزمن اقتصاد ایران را برشمردند و جهش اقتصادی کشور را در گرو درمان این بیماری ها بیان کردند. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENI.IR در این اطلاع نگاشت این بیماری ها و راه های علاج آنها را که مورد اشاره رهبر انقلاب بوده است، مرور می کند.

دردها

شرطی شدن اقتصاد به تصمیم دشمنان

اقتصاد را وابسته نکنیم به اینکه ببینیم آمریکا آیا آن مصافحتها را تصدیق خواهد کرد یا نه
خیلی از کارها و اقدامات لازم عمرانی معطل این مانده که ببینیم دیگران چه تصمیمی میگیرند

مشکلات ساختاری نبود چه ویانگ

قرار شد که در چهار ماه اول سال ۹۸ مجلس و دولت، مشکل ساختاری بودجه را برطرف کنند

عوامل مخرب اقتصاد

فاجعای احتکار دلایل مضر خرید خبیانتکارانه گندم، گوشت و...

مداخلات غیر لازم دولت در اقتصاد

دولت باید نقش نظارت و مراقبت و هدایت داشته باشد
سیاستهای اصل ۴۴ برای این بود که این باب بسته بشود و لسی کاری که باید، انجام نگرفته است

تخریب فضای کسب و کار

پیچ و خم ها و دلانتهای عجیب و غریب دستگاه های دولتی موجب میشود فضای کسب و کار در جامعه تخریب بشود

وابستگی به نفت

نفت را بدون هیچ ارزش افزوده ای میفروشیم و خرج امور جاری می کنیم

درمان ها

افزایش سهولت کسب و کار

بارها از مسئولین دولتی خواسته ایم که فضای کسب و کار تسهیل شود ولی به اندازه ای لازم هفت نشده

برداشتن موانع تولید

نتیجه
حل مسئله ای توزم
رونق صادرات
نمونه موفق
موشکهای غنی سازی ۲۰ درصد
به کارگیری جوانان متخصص، مؤمن و پرتانگیزه
عزم جهادی

خودکفایی

موانع
تفکر توجیه به «صرفه ای اقتصادی»
ما را از خودکفایی دور کرد
نمونه موفق
تولید بنزین در پالایشگاه شماره خلیج فارس
موارد مهم
دامداری بنزین تولید گندم
مواد غذایی

اقتصادی کشور را خودکفایی است باید بتوانیم ارگان های ما را با هم را خودمان تهیه کنیم.

توجه به بخش صنایع و معادن

فرصت امروز
رونق کارخانه جات کشور
باجبران خسارات سیل
وظیفه مسئولان
مشخص کردن حلقه
مفقد صنایع
استفاده از نیروهای جوان
کارآمد برای رفع مشکلات

اولویت بخش کشاورزی

دلایل اهمیت
غذای مردم
سهم در اشتغال
حل مشکلات تولید روستاها

توجه به مسکن سازی

تولید مسکن باعث اشتغال گسترده و به کار افتادن بسیاری از صنایع
غفلت چند ساله در نبرد آختن به مسکن
استفاده از فرصت نیاز به مسکن در مناطق سیل زده

۳۰٪ بیشتر

تولید



- + نیم‌نگاهی به معادن و صنایع معدنی استان کرمان
- + تحلیل ساختار و کارایی اقتصادی بخش معدن در استان کرمان
- + گذری بر زمین‌شناسی و فرصت‌های اقتصادی استان کرمان
- + نقش صنعت و دانشگاه‌ها در سوزاندن فرصت‌های سرزمین استان کرمان
- + فرآیند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری معادن
- + آیا استراتژی‌های دولت در راستای کمک به توسعه است؟
- + آینده مطمئن شرکت ملی مس ایران
- + بررسی نقش مجتمع مس سرچشمه در تکمیل زنجیره ارزش صنعت مس در ایران
- + جهان فولاد پیشگام
- + بازآفرینی ثروت در بهشت معادن
- + تو خود حجاب خودی از میان برخیز
- + مرور وضعیت اکتشافات معدنی در استان کرمان
- + جذب سرمایه‌گذاران قدرتمند
- + تحلیل SWOT شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان
- + «بهشت معادن» و دوزخ بی‌تدبیری‌ها



نیم‌نگاهی به معادن و صنایع معدنی استان کرمان

محمدامین عبدالله‌نژاد

کارشناس آمار مرکز مطالعات اتاق کرمان



کرومیت کشور با استخراج سالانه بیش از ۲۲۰ هزار تن و دومین واحد فرآوری طلا در کشور متعلق به استان پر ظرفیت کرمان است، معادن استان کرمان شهرت جهانی دارند؛ به طور کلی ۸۳/۵ درصد ذخایر معدنی استان کرمان مربوط به ۴ ماده معدنی مطابق جدول (۱) می‌باشند. طبق بررسی‌های صورت گرفته بیشترین میزان استخراج سنگ‌های معدنی مربوط به سنگ آهن با حدود ۴۳ میلیون تن و در رتبه بعد مربوط به شن و ماسه حدود ۴ میلیون تن می‌باشد. از لحاظ ارزش استخراج مواد معدنی به ترتیب رتبه‌ها شامل سنگ آهن، سنگ مس، زغال سنگ و کرومیت می‌باشند. جدول (۲) اطلاعات در خصوص میزان استخراج، ارزش استخراج بخش معدن استان و سهم استان از میزان استخراج شده در کشور را نشان می‌دهد.

وضعیت استان کرمان در صنایع معدنی

با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص جلوگیری از خام فروشی و برنامه محوری نهضت کاهش خام فروشی وزارت صمت، در استان کرمان نیز در این خصوص، تکمیل زنجیره تولید در بخش‌های مختلف معدنی در دست اقدام می‌باشد. در ذیل به‌طور مختصر به هر بخش پرداخته‌ایم.

• وضعیت زنجیره تولید فولاد استان

در استان کرمان، ۴ گام از زنجیره تولید فولاد وجود دارد که به ترتیب عبارتند از کنستانتزه آهن، گندله آهن، آهن اسفنجی و تولید شمش فولادی. نمودار (۱) نشان دهنده میزان تولید هرکدام از حلقه‌های زنجیره تولید فولاد در استان کرمان در سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

اینجا زمین از داشته‌هایش می‌گوید، از داشته‌هایی که سخاوتمندانه در دل خود نهاده تا انسان‌هایی از جنس اندیشه و تلاش با تیشه‌های استوار علم و فن به سراغشان رفته و بر ارزش آن‌ها بیفزایند. بدون تردید معادن غنی و متنوع یکی از قابلیت‌های اقتصادی استان کرمان به شمار می‌رود که به گفته اغلب کارشناسان و مسئولان در صورت بالفعل شدن این قابلیت‌ها و بهره‌مندی استان از فواید و نتایج آن‌ها، کرمان می‌تواند به مرز خودکفایی برسد و بخش زیادی از درآمد غیرنفتی کشور را تأمین کند.

وضعیت استان کرمان در بخش معدن

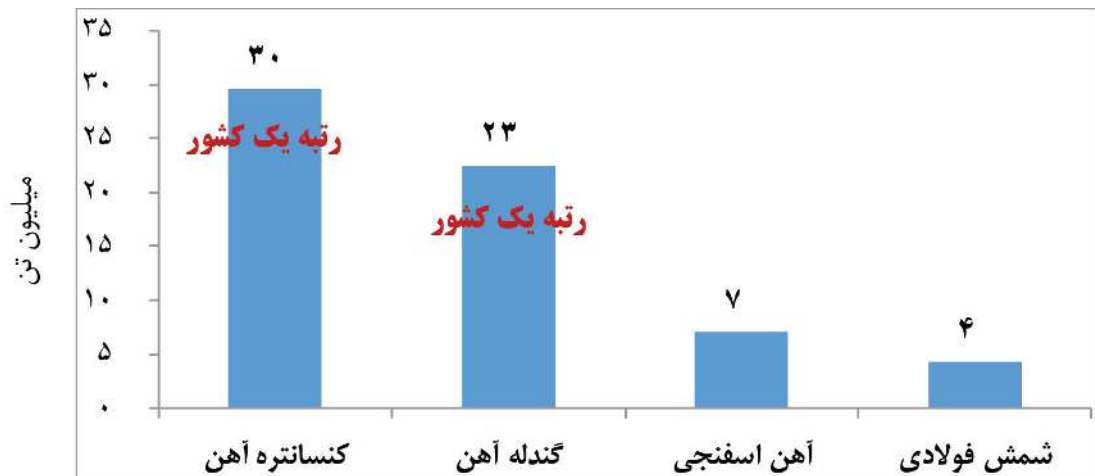
سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی استان در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۴ درصد است. این میزان ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی بخش معدن کشور می‌باشد. طبق گزارش‌های منتشر شده، در استان کرمان ۴۲ ماده معدنی در ۴۳۸ معدن در حال بهره‌برداری کشف شده است که دارای بیش از ۵/۸ میلیارد تن ذخایر معدنی است. در این استان با استخراج سالانه بیش از ۹۳ میلیون تن ماده معدنی از جمله مس، ذغال سنگ و سنگ آهن لقب بهشت معادن را از آن خود کرده است. استان کرمان در حوزه فرآوری مواد معدنی نظیر فولاد و مس نیز رتبه اول کشور را دارد. همچنین بزرگ‌ترین معدن تیتانیوم کشور با وجود ذخایر قابل توجه تیتانیوم، بزرگ‌ترین ذخیره و تولیدکننده

جدول (۱): درصد مواد معدنی ذخایر معدنی استان کرمان

ماده معدنی	سهم (درصد)
مس	۴۴
آهن	۳۶
زغال سنگ	۳
کرومیت	۰.۵

جدول (۲): میزان استخراج، ارزش استخراج و سهم استان از میزان استخراج شده بخش معدن در کشور

عنوان ماده معدنی	مقدار استخراج استان در سال ۹۸ (هزار تن)	ارزش استخراج در سال ۹۸ استان (میلیون ریال)	سهم از مقدار استخراج کشور (درصد)
استخراج زغال سنگ	۷۲۹	۳۰۷۳۲۸۹	۱۸
استخراج سنگ آهن	۴۲۵۹۹	۲۴۳۷۷۸۰۳۸	۵۴
استخراج سنگ مس	۲۳۹۳	۱۳۵۸۳۹۹۸۵	۶۶
استخراج کرومیت	۱۸۳	۱۵۵۶۶۱۳	۷۰
استخراج منگنز	۵	۱۹۳۴۳	۴
استخراج شن و ماسه	۴۰۲۳	۳۵۴۹۴۸	۷
استخراج سنگ‌های تزئینی	۱۵۸	۱۰۱۷۶۳	۲
استخراج سنگ لاشه	۱۷	۴۸۰۵	۱
استخراج سنگ آهک	۲۳۵۱	۱۵۵۵۷۵	۲
استخراج سنگ گچ	۱۰۳	۱۶۹۰۹	۱
استخراج کائولن، خاک نسوز	۲۰۵	۴۱۰۵۹	۳
استخراج دولومیت	۸۲	۲۱۰۳۵	۱۰
استخراج بنتونیت و گل سرشوی	۴۹	۱۰۹۶۸	۷
استخراج سولفات سدیم	۲	۸۷۴	۱
استخراج نمک	۶۷	۱۶۹۴۶	۲
استخراج سیلیس	۷۸	۲۰۹۶۶	۲
استخراج پوکه معدنی	۸۵	۲۹۷۲۰	۵
استخراج فلدسپات	۹۲	۱۹۵۷۷	۴



نمودار (۱): میزان تولید هرکدام از حلقه‌های زنجیره تولید فولاد در استان کرمان در سال ۱۴۰۰

فعال می‌باشند. همچنین در بخش تولید مس آند، ۲ واحد صنعتی با مجموع ظرفیت تولید ۲۵۰ هزار تن و تولید مس کاند، ۲ واحد صنعتی با مجموع ظرفیت تولید ۲۶۰ هزار تن فعال می‌باشند که استان کرمان در این بخش در رتبه اول کشور قرار دارد. همچنین ۳ واحد صنعتی با مجموع ظرفیت تولید ۱۱۲ هزار تن در بخش تولید مصنوعات مسی فعالیت دارند.

وضعیت صنایع زنجیره فرآوری مس استان کرمان

همان‌طور که گفته شد ۴۴ درصد ذخایر معدنی استان کرمان مربوط به مس می‌باشد. طبق آخرین گزارش حدود ۲/۴ میلیارد تن سنگ مس استخراج شده است. حلقه اول زنجیره فرآوری مس مربوط به کنسانتره مس می‌باشد که در استان کرمان ۷ واحد صنعتی با مجموع ظرفیت تولید ۹۵۰ هزار تن در سال

در استان کرمان
۴۲ ماده معدنی
در ۴۳۸ معدن در
حال بهره‌برداری
کشف شده است
که دارای بیش از
۵٫۸ میلیارد تن
ذخایر معدنی
است. در این
استان با استخراج
سالانه بیش از
۹۳ میلیون تن
ماده معدنی
از جمله مس،
ذغال سنگ و
سنگ آهن لقب
بهشت معادن را
از آن خود کرده
است. استان
کرمان در حوزه
فرآوری مواد
معدنی نظیر فولاد
و مس نیز رتبه
اول کشور را دارد.

جدول (۳): صنایع زنجیره فرآوری مس استان کرمان

تعداد واحدهای تولیدی	ظرفیت تولید (هزار تن)	
۷	۹۵۰	کنسالتره مس
۲	۲۵۰	مس آند
۲	۲۶۰	مس کاتد
۳	۱۱۲	مصنوعات مسی

وضعیت صنایع زنجیره فرآوری ذغال سنگ استان کرمان

در زمینه صنایع زنجیره فرآوری ذغال سنگ استان کرمان در تأمین ۲ حلقه آن، یعنی کنسالتره ذغال سنگ و کک فعالیت دارد. در استان کرمان ۴ واحد تولیدی با ظرفیت ۳ میلیون تن کنسالتره ذغال سنگ و ۲ واحد تولیدی با مجموع ظرفیت تولیدی ۱/۲ میلیون تن کک فعالیت دارند جدول (۴).

جدول (۴): صنایع زنجیره فرآوری ذغال سنگ استان کرمان

تعداد واحدهای تولیدی	ظرفیت تولید (میلیون تن)	
۴	۳	کنسالتره ذغال سنگ
۲	۱.۲	کک

وضعیت صنایع زنجیره فرآوری کرومیت استان کرمان

کنسالتره کرومیت و فروکروم دو حلقه زنجیره فرآوری کرومیت می‌باشند که در استان کرمان فعال هستند. طبق گزارش‌های منتشرشده در استان کرمان ۳ واحد صنعتی در زمینه تولید کنسالتره کرومیت با ظرفیت تولید ۱۰۰ هزار تن و ۴ واحد تولیدی در زمینه تولید فروکروم با ظرفیت ۱۳۵ هزار تن فعالیت دارند، جدول (۵).

جدول (۵): صنایع زنجیره فرآوری کرومیت استان کرمان

تعداد واحدهای تولیدی	ظرفیت تولید (هزار تن)	
۳	۱۰۰	کنسالتره کرومیت
۴	۱۳۵	فروکروم

وضعیت صنایع زنجیره فرآوری فرو منگنز، طلا و تیتانیوم استان کرمان

با توجه به کشف معدن طلا در استان کرمان، در جنوب استان کرمان یک واحد تولیدی کنسالتره طلا با ظرفیت تولید سالانه ۶۵ کیلوگرم، فعالیت دارد ولی در زمینه تولید شمش طلا هنوز واحد تولیدی به بهره‌برداری نرسیده است. همچنین در زمینه تولید فرومنگنز ۳ واحد تولیدی با ظرفیت ۶۷ هزار تن فعالیت دارند. در زمینه تولید کنسالتره تیتانیوم نیز یک واحد تولیدی با ظرفیت تولید ۱۰ هزار تن در استان کرمان فعالیت دارد. ♦♦

تحلیل ساختار و کارایی اقتصادی بخش معدن در استان کرمان



● معدن مس سرچشمه | عکس: حامد سعادت



♦ دکتر بهرام بهرام بیگی

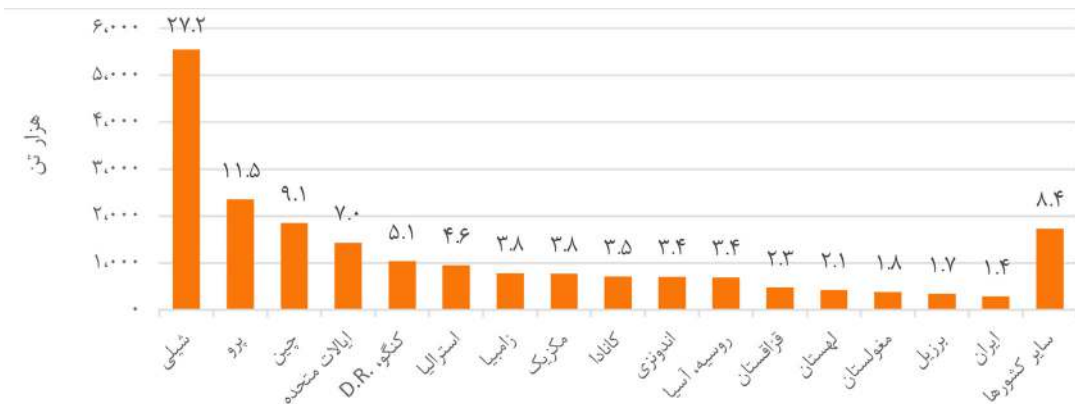
مدیرعامل شرکت دانش بنیان پترو کویر ماهان و مدرس دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

سرزمین ایران دارای قابلیت‌های اقتصادی کم‌نظیری در حوزه‌های اقتصادی متنوع است. نفت، گاز، پتروشیمی، فناوری اطلاعات، گردشگری، صنعت، معدن و ... از جمله حوزه‌های بسیار مستعد است. در این میان منابع طبیعی غنی زیرسطحی کشور در قالب ذخایر هیدروکربنی و مواد معدنی حائز اهمیت است. ایران، دومین کشور دارای ذخایر گازی جهان، سومین کشور از نظر ذخایر نفتی جهان و یکی از کشورهای مهم عضو اوپک به شمار می‌رود. منابع غنی هیدروکربنی ایران در کنار فرصت‌های بسیار، اما موانع بزرگی نیز بر سر راه نمود قابلیت‌های متنوع سرزمینی ایران ایجاد کرده‌اند. به‌واقع یکی از حوزه‌های مغفول در زیر سایه اقتصاد نفتی، دنیای ذخایر معدنی کشور بوده است. پهنه ایران در قلب کمربند آلپ - هیمالیا و با ژئودینامیک متنوع زمین‌شناسی میزبان ذخایر معدنی غنی و متنوعی است که در بین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا از مزیت ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاری در این حوزه برخوردار است. قرارگیری در این کمربند مهم که مرز برخورد دو ابرقاره اصلی کره زمین بوده و ۱۵٪ ذخایر شناخته‌شده دنیا را در خود جای داده، سبب گردیده تا ایران سرزمین ذخایر حاصلخیز و از لحاظ میزبانی مواد معدنی بسیار پرآستعداد باشد. شاید باور این عبارت سخت باشد که برخی متخصصین در دنیا، از لحاظ ذخایر زیرسطحی ایران را بیشتر معدنی می‌دانند تا نفتی! در این سرزمین مستعد و غنی اگر نگاهی اجمالی به برترین معادن کشور که در کلاس جهانی فعال هستند داشته باشیم، به اهمیت جغرافیایی به نام استان کرمان

قرارگیری در این کمربند مهم که مرز برخورد دو ابرقاره اصلی کره زمین بوده و ۱۵٪ ذخایر شناخته‌شده دنیا را در خود جای داده، سبب گردیده تا ایران سرزمین ذخایر حاصلخیز و از لحاظ میزبانی مواد معدنی بسیار پرآستعداد باشد. شاید باور این عبارت سخت باشد که برخی متخصصین در دنیا، از لحاظ ذخایر زیرسطحی ایران را بیشتر معدنی می‌دانند تا نفتی!

پی خواهیم برد. ذخایر آهن گل گهر، ذخایر بزرگ مس سرچشمه و میدوک و دره زار و درالو، ذخایر کرومیت جنوب استان کرمان، ذخایر کم‌نظیر زغال‌سنگ شمال استان کرمان، ذخایر سرب و روی منطقه راور، ذخایر طلای زرترش و زهمکان و بسیاری ذخایر فلزی و غیرفلزی متنوع دیگر که گاهی بخشی از ذخایر معدنی بزرگ منطقه و حتی در برخی موارد جهان محسوب می‌گردند همگی در پهنه استان زرخیز کرمان آرام گرفته‌اند. برای درک بهتر موقعیت جغرافیای استان کرمان در اقتصاد معدنی کشور و منطقه، برای مثال کافی است نگاهی به تولید مس کشور و منابع تأمین‌کننده اصلی این تولید داشته باشیم. شکل ۱ سهم تولید در مهم‌ترین کشورهای تولیدکننده مس در جهان را نشان می‌دهد. ایران با استخراج ۳۱۶ هزار تن مس، سهمی حدود ۱،۵ درصد از تولید جهان را دارا بوده و بدین ترتیب در تولید مس رتبه شانزدهم جهان متعلق به کشور ایران است. ۹۸ درصد ذخایر مس کشور در دو استان کرمان و آذربایجان شرقی وجود دارد که سهم اصلی از آن استان کرمان است.



شکل ۱- جایگاه ایران در تولید مس جهان

جدول ۱- ذخایر معادن بزرگ مس کشور و جایگاه استان کرمان در میزبانی این ذخایر

ردیف	نام معدن	عیار مس	تناژ (بر حسب تن)	تیپ
۱	معدن مس سرچشمه	۰,۵	۲۰۸۱	پورفیری
۲	معدن سونگون	۰,۶	۸۴۶	پورفیری-اسکارن
۳	معدن نوچون	۰,۲۶	۵۲۷	پورفیری
۴	معدن میدوک	۰,۶۱	۱۷۶	پورفیری
۵	معدن درهزار	۰,۳۸	۲۸۳	پورفیری
۶	معدن (کنسار) مسجد داغی	۰,۳۴	۲۰۴	پورفیری- اپی ترمال
۷	معدن درآلو	۰,۳۶	۱۸۶	پورفیری- اپی ترمال
۸	معدن هفت چشمه	۰,۲۶	۱۸۴	پورفیری- اپی ترمال
۹	معدن چاه فیروزه	۰,۴۱	۱۴۹	پورفیری- اپی ترمال

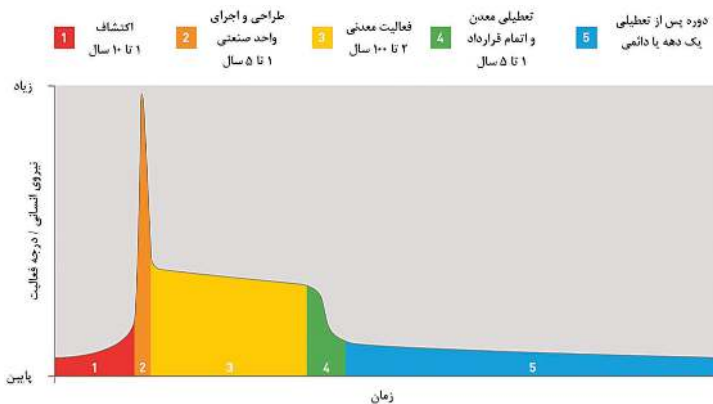
اکنون از جنبه اقتصاد معدنی در چه موقعیتی هستیم

اقتصاد معدنی به‌درستی به‌عنوان یکی از ارکان مهم قانون برنامه ششم توسعه کشور تعریف و تدوین شده است. قانون برنامه ششم توسعه به‌عنوان چارچوب اصلی شکل‌دهنده راهبرد توسعه به‌تعیین استراتژی مدیریت در راستای اهداف چشم‌انداز توسعه مدنظر قانون‌نویس می‌پردازد. در نمودار شکل ۳ مطالعات استاندارد سازمان تجارت جهانی از تأثیرات فعالیت‌های معدنی بر اهداف توسعه پایدار جوامع به‌خوبی نشان‌دهنده نقش اقتصاد معدنی در توسعه کشورها نشان داده شده است. شکل ۴ نیز چرخه عمر فعالیت‌های معدنی و نسبت اشتغال‌زایی در مناطق میزبان این منابع را نشان می‌دهد که خود شاخصی مهم از توسعه و تولید به حساب می‌آید.



شکل ۲- تأثیرات فعالیت‌های معدنی بر اهداف توسعه پایدار جوامع

در نخستین گام پس از طرح راهبردها، نوبت به طراحی قوانین جزء و سازوکارهای اجرایی با لحاظ شرایط میدانی صنایع در کشور می‌رسد که بسیاری از مشکلات دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود. راهبردهای صحیح و چشم‌انداز قابل‌دسترس بدون زیرساخت‌های قانونی و سازوکارهای قابل‌اجرا با توجه به واقعیت‌های جاری مناطق صنعتی و معدنی کشور در همان نقطه ابتدایی متوقف می‌شوند و بدون رعایت استانداردهای علمی و پذیرفته‌شده در اقتصاد بین‌الملل به‌سختی می‌توان شاهد پیشرفت قابل‌توجهی در این زمینه‌ها بود. در تعیین استراتژی‌ها شرایط خوب است، اما در اقدام و عمل تا نزدیک شدن به شرایط آرمانی فاصله بسیار زیاد. بدون شک تأثیرات فعالیت‌های معدنی بر اهداف توسعه پایدار کشور بسیار روشن و ملموس خواهد بود.



شکل ۳- چرخه عمر فعالیت‌های معدنی و نسبت اشتغال‌زایی در مناطق میزبان

چه باید کرد

چه باید کردها بسیار زیادند. بخشی به سطح کلان ملی و تصمیم سازی‌های راهبردی برمی‌گردند و بخش‌های زیادی در سطح میدانی کف جامعه از صنعتگران تا آحاد مردم را شامل می‌شود. در سطح کلان یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های توسعه جایگاه اقتصاد معدنی، اصلاح زیرساخت‌های قانونی و سازوکارهای واقع‌گرایانه و تدوین نموداری است که جایگاه صحیح اقتصاد معدنی در فرایند بخش‌های مختلف سیستم اقتصادی کشور را مشخص نماید. در وهله دوم نیازمند اصلاح تفکر مدیریتی بسیاری از مدیران ارشد صنعتی و معدنی هستیم. پس از ایجاد زیرساخت‌های قانونی و سازوکارهای واقع‌گرایانه گام مهم بعدی ایجاد و توسعه روحیه پذیرش تغییرات در تفکر مدیران ارشد صنعتی و معدنی کشور است که خود حدیث مفصلی است که سر بسته گفتیم و بیشتر در این مجال نمی‌گنجد.

از میان چه باید کردهای بسیار در میدان جامعه معدنی ترجیح می‌دهیم، به دو حوزه یکی راهبردی و دیگری مصداقی بپردازیم. در بخش راهکارهای میان‌مدت راهبردی نقش دانش و پژوهش در توسعه اقتصاد معدنی کشور

را توضیح می‌دهیم که قطعاً زمینه‌ساز انقلابی در اقتصاد معدنی کشور خواهد بود. در قسمت راهکارهای کوتاه‌مدت جهت لمس ثمره‌های ملموس به امکان راه‌اندازی کارگاه‌های توسعه Cut Of Grade در مقیاس‌های مختلف می‌پردازیم که به‌واقع می‌تواند اقتصاد و زندگی بسیاری از اقشار جامعه در استان کرمان را متحول سازد.

پژوهش؛ گلوگاه پیشرفت در اقتصاد معدنی کشور

بخش عمده صنعت و معدن در ایران از فعالیت‌های توسعه فناوری به دور است و عمدتاً در فاز بهره‌برداری وارد میدان می‌شود؛ این یعنی صنعت ما «عملیات محور» است نه «دانش‌محور»! واقعیت این است که هزینه تحقیق و پژوهش در مقایسه با بودجه‌های مورد نیاز برای هرگونه عملیات اجرایی بویژه در صنایع معدنی بسیار ناچیز و غیرقابل مقایسه است؛ بنابراین کاملاً بدیهی است که شرکت‌های بزرگ و موفق دنیا در تمامی حوزه‌ها به‌خصوص حوزه‌های مربوط به صنایع معدنی، پژوهش‌کننده‌های بسیار فعال و قدرتمندی دارند و تمام واحدهای اجرایی خود را موظف به همکاری تنگاتنگ با پژوهش‌کننده‌های خود می‌نمایند. پژوهش‌کننده‌ها نیز



ارتباط دانشگاه و صنعت مولد توسعه دانش بنیان

بخشی از فقدان ارتباط دانشگاه و صنعت بر عهده دانشگاه‌های کشور است. به‌طور کلی مشکل، دولتی و فربه بودن بیش‌ازحد صنایع و دانشگاه‌های ما است. مشکل، ایجاد انگیزه برای پیشرفت است. در کشورهای پیشرفته دنیا به لحاظ تکنولوژی، دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی خوراک دهنده به صنایع هستند و بودجه دولتی ندارند و به‌جای ردیف بودجه دولتی قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی، ایجاد رقابت طراحی گردیده که شرکت‌های بزرگ با رغبت طرح‌ها و پروژه‌های خود را در اختیار پژوهشکده‌ها می‌گذارند و آن‌ها را در نتایج اقتصادی و بهره‌وری حاصل سهمیم می‌نمایند. این شیوه محاسن بسیاری حتی در کارآمد نمودن سیستم آموزش عالی کشور دارد. دانشجویانی که در پروژه‌های مرتبط دانشگاهی و تحت نظر و در کنار اساتید متخصص خود صنعت را لمس می‌نمایند قطعاً دانش و تجربیاتی فراتر از دانشگاه و آزمایشگاه به دست خواهند آورد. در این شرایط بدیهی است دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، پیش از آن‌که از فارغ‌التحصیل شوند در دل صنعت رشد نموده و جزئی از آن گردیده‌اند. این چنین دانش‌آموختگانی را چرا صنعت رها کند؟ آیا با این شرایط دیگر نیازی به قوانین مرهمی داریم که صنایع را مجبور به استخدام دانش‌آموختگان نمایند؟ گاهی قانون‌گذاران ما بسیار دلسوزند، اما به بیان عام نمی‌دانند دیوار دعا کجا است.

واردات و بومی‌سازی تکنولوژی‌های نوین

با اطلاعات میدانی که بنده دارم یکی از ضعف‌های واقعی در عدم انگیزه صنایع بزرگ در واردات تکنولوژی‌های نو به کشور است! در واقع نبود رقابت در تولید دانش بنیان، این بی‌انگیزگی را به وجود آورده و باعث شده با وجود نیروی کار ارزان بسیاری از صنایع ما، تولیدی قابل‌رقابت در بازارهای بین‌المللی نداشته باشند. باید در نظر داشت برخلاف برخی نظرات ورود تکنولوژی مسئله منفی نیست، زیرا قرار نیست ما چرخ را از ابتدا اختراع کنیم. با دانستن مسیرهای بهینه کشف یا ابداع شده توسط دیگران بسیاری از آزمون و خطاهای هزینه‌بر از سیستم حذف خواهد شد و آن‌وقت در مرزهای علم و در ادامه پیشرفت‌های دیگران بهینه‌ترین راه‌کارها را به دست خواهیم آورد. ارتباط تنگاتنگ با دانشگاه‌های صنعت محور و شرکت‌های موفق دنیا در حوزه‌های تخصصی مختلف نقطه عطفی در رسیدن به بهره‌وری بهینه خواهد بود. البته در این راه علاوه بر آزاد شدن از بند دولتی بودن، نیازمند ارتقاء تفکرها، تجهیزات و بانک‌های اطلاعاتی نیز خواهیم بود.

در افزایش بهره‌وری سهمیم هستند و بودجه خود را از ماحصل کار خود دریافت می‌نمایند. از آنجاکه بخش معدن، مادر و سرمنشأ و تغذیه‌کننده دریایی از صنایع پایین‌دستی صنعتی است و عملیات اجرایی در این حوزه بسیار پرهزینه می‌باشد، پژوهش پیش از اجرا بسیار مهم است. هرگونه اجرا و عملیات بدون پشتوانه قدرتمند تحقیقی در صنایع معدنی می‌تواند به ضررهای هنگفت و گاه جبران‌ناپذیری منجر شود. تصور بفرمایید بدون یک مطالعه و پژوهش جامع در حوزه اکتشاف در موقعیتی، دست به اجرای پلن استخراج زده شود و یا بدون مدل‌سازی تحقیقی و رسیدن به نتایج مستند و قابل‌اتکا در حوزه استخراج نقشه فرآوری پیاده گردد. در صنایع معدنی با توجه به هزینه‌های بسیار سنگین در حوزه‌های اکتشاف، استخراج و فرآوری هرگونه خطای محاسباتی می‌تواند به‌اندازه کل ارزش یک کمپانی بزرگ غیر معدنی ضرر اقتصادی به دنبال داشته باشد. لذا اگرچه در تمام صنایع و تکنولوژی‌ها نقش مثبت تحقیق و پژوهش به اثبات رسیده است، اما این مهم در مورد صنایع معدنی حیاتی است.

پژوهش کلید موفقیت اکوسیستم‌های موفق اقتصادی دنیا

درک جایگاه تحقیق و پژوهش و فعالیت‌های دانش بنیان نیازمند مطالعه و بررسی نقش حیاتی این عوامل در موفقیت اکوسیستم‌های اقتصادی و صنعتی بزرگ دنیا است. موفقیت‌های امروز بسیاری از شرکت‌های مولد و بزرگ دنیا، میوه تحقیقات و پژوهش‌های بسیار زیاد آن‌ها است و این موضوعی است که مدیران و قانون‌نویسان ما باید در مورد آن بسیار مطالعه نمایند. در بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، بر گسترش همکاری و تعاملات فعال بین صنعت و دانشگاه تأکید شده است، اما متأسفانه آن‌طور که نتیجه‌بخش باشد، اقدامی صورت نگرفته. در گزارش ادواری «نمایه رقابت‌پذیری جهانی کشورها» وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۸ کشور جهان از جمله ایران در دهه گذشته بررسی شده که رتبه کل ایران در حدود ۷۶ ارزیابی گردیده است. تحصیلات عالی و آموزش و تکنولوژی به ترتیب رتبه‌های ۴۹ و ۹۷ را در اختیار داشتند. این یعنی هرچند در افزایش سطح و دانش و آموزش عالی تقریباً موفق بوده ایم، اما به همان اندازه در راستای نوآوری و تکنولوژی از آن استفاده نکرده ایم. حلقه مفقوده، عدم باور مدیران کشور به نقش مهم فعالیت‌های پژوهش محورانه است.

چه باید کرد

بسیار زیادند.

بخشی به سطح

کلان ملی و

تصمیم‌سازی‌های

راهبردی برمی‌گردند

و بخش‌های

زیادی در سطح

میدانی کف جامعه

از صنعتگران

تا آحاد مردم را

شامل می‌شود.

در سطح کلان

یکی از مهم‌ترین

پیش‌شرط‌های

توسعه جایگاه

اقتصاد

معدنی، اصلاح

زیرساخت‌های

قانونی و

سازوکارهای

واقع‌گرایانه و

تدوین نموداری

است که جایگاه

صحیح اقتصاد

معدنی در فرایند

بخش‌های مختلف

سیستم اقتصادی

کشور را مشخص

نماید. در وهله

دوم نیازمند اصلاح

تفکر مدیریتی

بسیاری از مدیران

ارشد صنعتی و

معدنی هستیم.

طرح‌های توسعه Cut Of Grade

توسعه Cut Of Grade یکی از مهم‌ترین مسائل مورد مغفول در اقتصاد معدنی منطقه است که با تکیه بر فعالیت‌های علمی در بسیاری از حوزه‌های منابع فلزی موردنیاز قابلیت تعمیم دارد. مس، آهن، کرم، تیتان، سرب و روی، طلا، باریوم و عناصر نادر خاکی از جمله منابع موردنیاز آینده کشور هستند که در تمامی این حوزه‌ها نیاز به توسعه Cut Of Grade روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. به‌عنوان مثال آهن از نظر ارزش افزوده دارای ارزش افزوده و تقاضای بازار در بالاترین سطح در طی سالیان گذشته بوده است. فلز مس، پس از فولاد، رتبه دوم بین فلزات اصلی، از نظر ایجاد ارزش افزوده در جهان را داراست و در حال حاضر، ذخایر معدنی مس جهان، در حال کم شدن و کاهش عیار هستند. در این بخش مختصری به برخی مصادیق قابل‌اجرا در توسعه Cut Of Grade در استان کرمان که در گروه تحقیق و توسعه و معاونت اجرایی شرکت دانش‌بنیان پترو کویر ماهان مطالعات گسترده‌ای بر روی آن‌ها انجام شده است می‌پردازیم.

مصادیقی از طرح‌های توسعه Cut Of Grade

یک موازنه ساده بین طرح‌های توسعه صنعتی جاری و منابع موجود کافی است تا سطح نیاز و اهمیت اکتشاف منابع جدید و مالکیت منابع موجود به‌عنوان مثال از ذخایر سنگ آهن در آینده نزدیک را درک نماییم. با شیب کنونی در تولید و مصرف سنگ آهن قطعاً در آینده نزدیک ایران یکی از واردکنندگان سنگ آهن خواهد بود، در آن شرایط تولیدکنندگان دارای منابع داخلی، تعیین‌کنندگان اصلی بازار خواهند بود، ضمن آن‌که IRR (بازده داخلی) ورود به بحث تولید کنسانتره از منابع کم‌عیار در شرایط جاری نیز به عددی بالغ بر ۷۷ درصد در بازه‌های کوتاه می‌رسد.

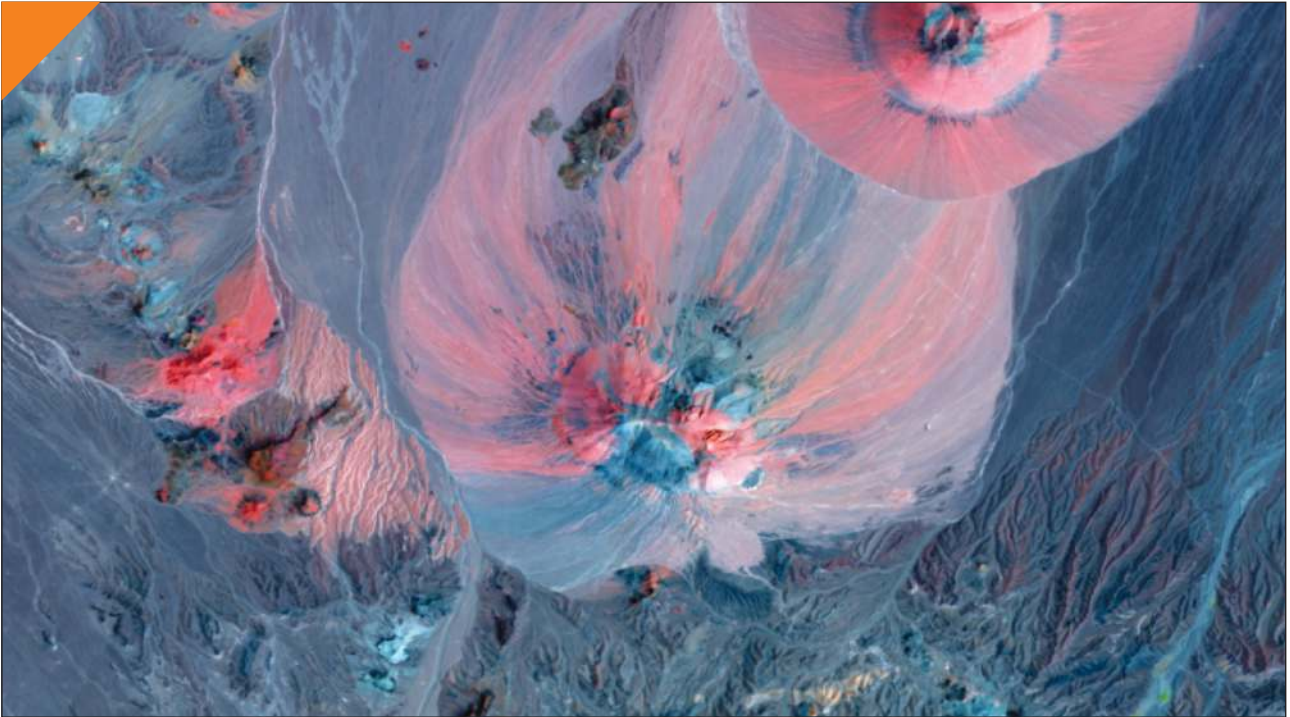
نکته قابل‌تذکره و مهم در این طرح، بحث مطالعات مفصل امکان‌سنجی در موضوعات وسیع حوزه اقتصاد معدنی و اولویت‌بندی طرح‌ها با لحاظ مسئله بسیار مهم و تعیین‌کننده حمل در جغرافیای تولید و مصرف است. نقشه راه طرح‌های تدوین شده در شرکت پترو کویر ماهان نیز با پشتوانه مطالعاتی گسترده در شناسایی منابع، مطالعه نیازهای کنونی و آتی صنایع ایجادشده در منطقه موردنظر، مطالعه بازار مصرف منطقه‌ای و بین‌المللی، مکان‌یابی دقیق منابع، مکان‌یابی علمی موقعیت احداث سایت تولید محصول و کنسانتره نسبت به کارخانجات مصرف‌کننده محصول، موقعیت منابع تأمین‌کننده کانسنگ و آینده‌نگری و خلاقیت در طراحی واحد تولید کنسانتره و با عنایت به امکان رسیدن به حداکثر راندمان خواهد بود. شناسایی و ایجاد پایگاه داده مدرن از منابع دارای پتانسیل میزبانی ذخایر بزرگ فلزی و هم‌زمان توسعه فعالیت‌های اکتشافی مدرن و علمی در آن‌ها و اثبات ذخایر در کلاس‌های قطعی برای آن‌ها با چارچوب‌های علمی مدرن، آن‌چنان ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌نماید که با کمتر فعالیت تولیدی و صنعتی قابل‌مقایسه است.

نمونه‌هایی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری کم‌نظیر و طرح‌های مصادیقی قابل‌اجرا در استان کرمان

در پایان به‌عنوان نمونه‌ای از طرح‌های اقتصادی کارآمد و زودبازده با پتانسیل بسیار بالا در اقتصاد معدنی کم‌نظیر استان کرمان، کلیاتی در قالب خلاصه جدولی از شرایط اقتصادی برخی طرح‌های تخصصی تدوین شده و اجرا شده در شرکت دانش‌بنیان پترو کویر ماهان برای سرمایه‌گذاری در استان کرمان که آماده جذب سرمایه‌گذار در حوزه اقتصاد معدنی هستند ارائه گردیده است. ♦♦

طرح	حداقل سرمایه اولیه موردنیاز بر اساس نرخ تسعیر روز	نرخ بازگشت سرمایه	IRR
نمونه‌ای از طرح‌های توسعه Cut Of Grade آهن در استان کرمان	\$ ۱۰۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	کمتر از ۱۸ ماه	بیشتر از ۷۰%
نمونه‌ای از طرح‌های توسعه Cut Of Grade مس در استان کرمان	\$ ۱۰۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	کمتر از ۲ سال	بیشتر از ۶۰%
نمونه‌ای از طرح‌های توسعه Cut Of Grade کرومیت در استان کرمان	\$ ۱۰۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	کمتر از ۲ سال	بیشتر از ۶۰%
نمونه‌ای از طرح‌های توسعه Cut Of Grade سرب و روی در استان کرمان	\$ ۱۰۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	کمتر از ۲ سال	بیشتر از ۶۰%
نمونه‌ای از طرح‌های توسعه Cut Of Grade طلا در استان کرمان	\$ ۱۰۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	کمتر از ۲ سال	بیشتر از ۵۰%
نمونه‌ای از طرح‌های توسعه Cut Of Grade طلا در استان کرمان	\$ ۱۰۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	کمتر از ۲ سال	بیشتر از ۵۰%

با شیب کنونی در تولید و مصرف سنگ آهن قطعاً در آینده نزدیک ایران یکی از واردکنندگان سنگ آهن خواهد بود، در آن شرایط تولیدکنندگان دارای منابع داخلی، تعیین‌کنندگان اصلی بازار خواهند بود، ضمن آن‌که IRR (بازده داخلی) ورود به بحث تولید کنسانتره از منابع کم‌عیار در شرایط جاری نیز به عددی بالغ بر ۷۷ درصد در بازه‌های کوتاه می‌رسد.



گذری بر زمین‌شناسی و فرصت‌های اقتصادی استان کرمان



♦ دکتر امیر شفیعی بافتی

عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند

اقتصاد و توسعه اقتصادی هر منطقه تابع متغیرهای گوناگون است. هر متغیر بسته به تأثیر آن به دارای اهمیت ویژه می‌باشد. متغیرهای پتانسیل اقتصادی را شاید بتوان از دیدگاهی به دو دسته طبیعی و ایجاد شده طبقه‌بندی نمود. شرایط زمین‌شناسی و پتانسیل‌های معدنی و زمین‌گردشگری از آن دسته از متغیرهای توسعه اقتصادی طبیعی هستند که در صورت استفاده کامل از تمامی ظرفیت‌های آن‌ها می‌توان به پیشرفت‌های بزرگی دست پیدا کرد. در این بحث در گذری به زمین‌شناسی استان کرمان و فرصت‌های اقتصادی آن پرداخته می‌شود.

فرصت‌های اقتصادی ایجاد شده توسط شرایط زمین‌شناسی را می‌توان به دو دسته فرصت‌های معدنی و فرصت‌های ژئوتوریسم طبقه‌بندی نمود. در مورد فرصت‌های معدنی و ذخایر زمین‌شناسی ابتدا به بحث در مورد پیکره‌های سنگی

و ذخایر معدنی وابسته می‌پردازیم. از دیدگاه زمین‌شناسی- ساختاری (Petro- Structural Geology) بزرگ‌مقیاس، استان کرمان دارای تنوع بالایی از توده‌های سنگی با جنس‌ها و ترکیبات مختلف و الگوهای متنوع ساختاری می‌باشد. این تنوع از دیرباز مورد توجه مردم و کشف‌کنندگان بوده و معدنکاری در این خطه را به چندین هزار سال پیش قدمت داده است که عبارت «بهشت زمین‌شناسی و معدن» خود گویای این مدعاست.

ه: رسوبات جوان که عمدتاً در دشت‌ها، رودخانه‌ها و کوبرها یافت شده و اغلب آبرفتی و بادی می‌باشند. این رسوبات در سرتاسر استان پراکنده بوده و اغلب مناطق بین کوهستانی را پوشانیده اند.

پیکره‌های سنگی اشاره شده در استان کرمان دارای آرایش نواری بوده و به‌صورت موازی با روند شمال غرب - جنوب شرق کشیده شده‌اند (شکل ۱). به‌طوری‌که شمالی‌ترین نوار از نوع رسوبی بوده و شمال استان را در برمی‌گیرد.

کمر بند آذرین در بخش میانی و دگرگونی‌ها اغلب در جنوب غرب و جنوب استان دیده می‌شوند. هر پیکره سنگی بسته به جنس سنگ ها و تنوع سنگی می‌تواند، میزبان یک یا گروهی از عناصر و ترکیبات دارای ارزش معدنی باشد. لذا تمرکز بر نوع پیکره‌های سنگی و مواد معدنی وابسته، شاه‌کلید اکتشافات ذخایر و منابع معدنی می‌باشد.

بررسی توان معدنی پیکره‌های سنگی

الف- پیکره سنگ های رسوبی استان: توان معدنی این پیکره ها بسیار متنوع بوده و شامل مواد معدنی خالص و بدون فرآوری، مواد معدنی دارای نیاز فرآوری و سنگ‌های ساختمانی می‌باشد. ذخایر عظیم سنگ های ساختمانی مانند مرمریت، کنگلومرا، سنگ لاشه، گچ، سنگ آهک و... که اغلب آن‌ها با وجود شناخته شدن هنوز به‌صورت بکر و دست‌نخورده باقی‌مانده و روش های فراوری نوین در استخراج و استحصال محصولات آن ها جهت عرضه در بازارهای جهانی به کار گرفته نشده است.

ذخایر زغال سنگ استان که به همراه مس و آهن بالاترین اشتغال‌زایی معدنی استان را به عهده دارند، هنوز فرصت

پیکره‌های بزرگ سنگی استان بر اساس جنس و توان معدنی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

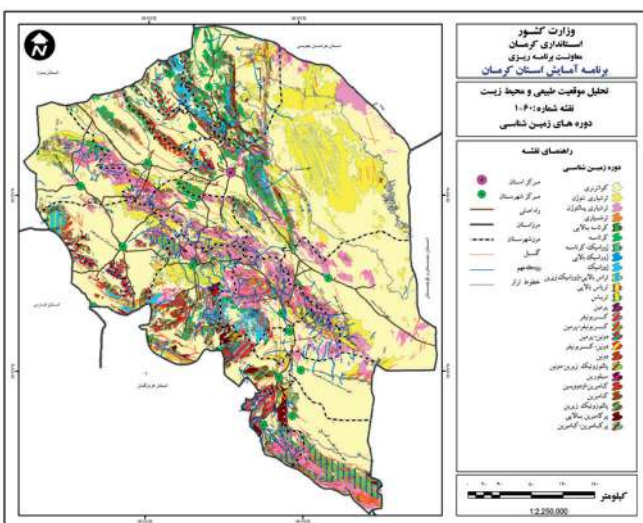
الف- پیکره های رسوبی که شامل رسوبات محیط های خشکی و دریایی با اعماق مختلف می‌باشند که اغلب متعلق به دوران دیرینه زیستی (Paleozoic) و میانه زیستی (Mesozoic) می‌باشند. به مقدار کمتر رسوبات دوران نوزیستی (Cenozoic) و دوران قبل از دیرینه زیستی (Proterozoic) نیز در کرمان دیده می‌شود. این پیکره به‌صورت غالب در شمال استان دیده می‌شود.

ب- پیکره‌های آذرین نفوذی و خروجی که بخشی از پیکره بزرگ‌تر ماگمایی به نام ارومیه - دختر بوده و مانند یک کمر بند بخش میانی استان را به‌صورت مورب در میان گرفته و به نام کمر بند دهج - ساردوییه خوانده می‌شود. ترکیب غالب سنگ ها از نوع کالکوالکال-آلکالین و توده‌های نفوذی از جنس گرانیتوئیدی بوده و از لحاظ زمین‌شناسی سنی جوان داشته و متعلق به دوران نوزیستی (حدود ۶۵ میلیون سال پیش تاکنون) می‌باشند.

ج- پیکره‌های دگرگونی استان که غالباً در قسمت غرب تا جنوب استان کشیده شده است دارای سن دیرینه زیستی بوده و ردیف سنگ‌شناسی از انواع دگرگونی در آن به‌خوبی مشهود می‌باشد. این پیکره از شهرستان شهربابک تا ناحیه شمال موجدان و جنوب کهنوج واقع گردیده و خود بخشی از پیکره دگرگونی بزرگ‌تر سندانج - سیرجان می‌باشد. ردیف سنگ‌های شیستی، اولترامافیک و مافیک و اسیدی از ویژگی‌های آن است.

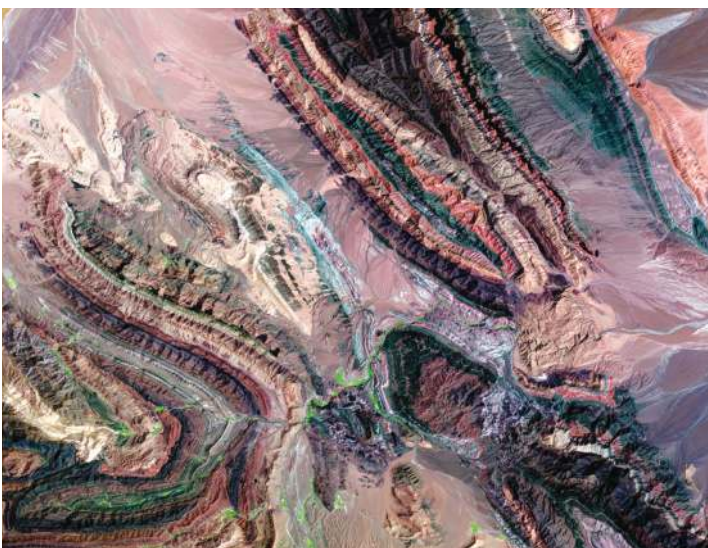
د: پیکره‌های سنگی، آمیزه های رنگی و افیولیتی با ترکیب مافیک و اولترامافیک به سن دوران دیرینه زیستی و میانه زیستی که اغلب در جنوب استان و مناطق اسفندقه، بافت، کهنوج و شهربابک گسترش دارند.

با نگاهی به
پتانسیل معدنی
استان و مقایسه
با استان‌های
دیگر و حتی
بعضی کشورها،
می‌توان دریافت
اقتصاد بدون
نفت و بر پایه
اقتصاد معدنی
و فرآورده های
آن چشم اندازی
واقعی بوده و
با برنامه ریزی
و همکاری بین
دستگاه‌های
اجرائی، ایجاد
و استفاده از
روش‌های
نوین اکتشاف،
استخراج و
فرآوری، راه
شکوفایی آن
هموار می‌گردد.



شکل شماره ۱: تحلیل موقعیت طبیعی و محیط زیست استان کرمان

سنگی که به صورت مشخص در مناطق بافت، اسفندقه و فاریاب قرار گرفته‌اند، مواد معدنی مهمی را در خود جای داده‌اند که در این میان، کروم جزو مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مواد معدنی کشف شده در استان می‌باشد، اما در این میان، عناصر خانواده پلاتین، آهن، منگنز، تیتانیوم، وانادیوم، کبالت، مس و طلا، تالک، منیزیت و آزبست مورد اکتشاف و بهره برداری کمتری قرار گرفته‌اند که جا دارد بر روی این موارد توجه بیشتری معطوف شود. با نگاهی به پتانسیل معدنی استان و مقایسه با استان‌های دیگر و حتی بعضی کشورها، می‌توان دریافت اقتصاد بدون نفت و برپایه اقتصاد معدنی و فرآورده‌های آن چشم اندازی واقعی بوده و با برنامه‌ریزی و همکاری بین دستگاه‌های اجرایی، ایجاد و استفاده از روش‌های نوین اکتشاف، استخراج و فرآوری، راه شکوفایی آن هموار می‌گردد. ♦♦



اکتشافات نوین و نوسازی معادن و دستیابی به ذخایر جدید را پیدا نکرده است. در این زمینه عدم استفاده از تکنولوژی روز، موانع موجود در واردات ماشین آلات و ... موجب کاهش و بی‌انگیزگی در تولید چه در بخش دولتی و چه خصوصی گردیده است. ماده گران‌بهای که حدوداً ۵۵۰ نوع ماده ارزشمند از جمله بنزن، اسیدهای مختلف، اسانس، عطر، شوینده‌ها، مواد اولیه دارویی و ... از آن استخراج می‌شود. **ب- پیکره‌های آذرین:** همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، مهم‌ترین پیکره آذرین استان کرمان کمر بند دهج - ساردوییه می‌باشد که در این پیکره تنها حدود ۳۵ نوع کانسار فلزی شناسایی شده که تنها از این کانسارها ۵۰ اثر کانی سازی مس به همراه عناصر مولیبدن، طلا، نقره، سرب، روی و شمار زیادی از ذخایر چندفلزی (Cu,Pb,Zn) طلدار نوع رگه ای و کانسارهای پورفیری شناسایی گردیده و تنها تعداد محدودی از آن‌ها مورد بهره برداری قرار گرفته است.

بررسی‌های نوین اطلاعات حاصل از پردازش و تحلیل مطالعات و داده‌های سنجش از دور، کانه زائی مس و عناصر همراه از نوع پورفیری را با الگوهای خطی و حلقوی به نمایش گذاشته است. الگوبرداری و تحلیل صحیح از توزیع فضایی، چه در سطح و چه در عمق می‌تواند در آینده منجر به اکتشاف ذخایر جدید در این زمینه گردد. به همراه اکتشافات جدید، حمایت از بخش خصوصی جهت تولید ماده معدنی، محصول خام و فرآوری شده ارزش افزوده چندین ده‌درصدی را نصیب استان خواهد نمود. لازم به ذکر است که توده‌های نفوذی بزرگ که در پیکره‌های رسوبی و دگرگونی جایگزین شده‌اند، منشأ کانسارهای بزرگ و گاه بزرگ‌ترین معادن استان گردیده‌اند. لزوم شناسایی این قبیل توده‌ها نیز به توان معدنی استان و کشور کمک شایانی می‌نماید.

ج- پیکره‌های دگرگونی: این پیکره‌های سنگی که در حقیقت دنباله منطقه سهندج- سیرجان در استان کرمان می‌باشند، ساختارهای دگرشکل شده دگرگونی- ماگمایی می‌باشند که در استان کرمان از غرب سیرجان تا منوجان در جنوب کشیده شده است.

اغلب سنگ‌های این پهنه دارای سن پالئوزوئیک و مزوزوئیک بوده و درجه دگرگونی پایین تا متوسط را متحمل گردیده‌اند. ذخایر بالا از انواع سنگ مرمر (چینی)، آهک، دولومیت با دسترسی نسبتاً آسان از مهم‌ترین پتانسیل‌های معدنی و زمین شناسی این پهنه می‌باشد که در تمامی گستره استان پراکنده شده‌اند. منابع مهم گارنت (زینتی و صنعتی) منگنز، ورمیکولیت، آهن، شپست و گنیس از دیگر منابع مهم معدنی و پیشنهادی برای سرمایه‌گذاری در استان می‌باشند.

د- پیکره‌های افیولیتی و مافیکی - اولترامافیکی: این پیکره‌های

نقش صنعت و دانشگاه‌ها در سوزاندن فرصت‌های سرزمین استان کرمان

بضاعت علمی دانشگاه‌های استان کرمان در صنعت معدنکاری
و چگونگی استفاده از توان علمی و تجربی اساتید در بخش معدن



♦ دکتر سعید کریمی نسب

عضو هیئت‌علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

نسل آتی سرزمین کرمان، به کدامین گناه باید مجازات شود؟! پدران و مادران این خطه از آب‌وخاک این کشور عزیز، به کدامین بهانه حق زندگی در محیطی سالم و برخوردار از رفاه و آسایش را بر فرزندان خودشان حرام کرده‌اند؟ مسئولان و سیاست‌گذاران خرد و کلان به کدامین منطق، نسل‌های آینده این سرزمین را بر سفره‌های آلوده از فعالیت‌های معدنی و صنعتی امروز استان قرار است بنشانند؟؟ همه آنانی که قلبشان برای ایران عزیز و این خطه کریمان می‌تپد، به این نکته مهم توجه نمایند که باید هر چه سریع‌تر به خود آیینم و مانع از سوزاندن فرصت‌ها و غارت ثروت این سرزمین به بهانه‌های مختلف شویم.

اقتصاد متکی بر منابع تجدید ناپذیر

اقتصاد استان کرمان متکی بر منابع تجدید ناپذیر معدنی

است، فردا روز، این منابع به انتها می‌رسند و یا از حیز انتفاع می‌افتند. روزی خواهد آمد که شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی مس و آهن و... دیگر در استان منابع مقرون به‌صرفه‌ای جهت استخراج و بهره‌برداری نداشته باشند. این شرکت‌ها به‌منظور تأمین منابع معدنی موردنیاز، به دیگر منابع سایر استان‌ها و یا حتی واردات از دیگر کشورها روی خواهند آورد و یا در بدترین حالت با رهاسازی تجهیزات فرسوده خود، از این منطقه خواهند رفت. در آن روز، استان نظاره‌گر مشکلات مترتب بر آلودگی‌های معادن متروکه، چاله‌ها و گودال‌های عمیق،

باطله‌های انباشت شده مخمل محیط‌زیست و... خواهد بود. در آن زمان، استان، برای رفع مشکلات مترتب بر این فعالیت‌های معدنی و صنعتی نیازمند منابع عظیم مالی است؛ درحالی‌که دستاورد نهی از درآمدهای معدنی و صنایع مربوطه است! امروز می‌توان به محاسبه ثروتی افسانه‌ای پرداخت که از میان دل زمین، به دست پدران و مادران ما استخراج می‌شود و نگاه غارت‌گرانه به این منافع آن‌گونه است که کارگزاران معدنی و صنایع مربوطه با شیوه‌های مختلف، حتی اجازه نداده‌اند این ثروت افسانه‌ای وارد چرخه پولی و بانکی استان شود. چگونه با بهانه‌های مختلف از سهم حق ۱۵ درصدی حقوق معادن که مطابق قانون باید به چرخه و زیرساخت‌های استان تزریق شود، به مقدار خیلی کمتر از یک درصد رسانده‌اند؟! حاصل تلاش پدران و مادرانمان با عمر کوتاه ناشی از امراض معدنی و صنعتی، سرزمین سوخته‌ای خواهد بود در زیر پای فرزندان مدرک به دست، با دستانی خالی!!

جایگاه دانشگاه‌ها از دیدگاه ملی

با اینکه امروزه بیشتر بار تأمین مالی آموزش عالی در دنیا بر دوش منابع عمومی قرار دارد، ناکارایی حاصل از وابستگی مالی و تصمیمات دانشگاه‌ها به دولت، باعث شده است که طی یک و نیم دهه اخیر بسیاری از دانشگاه‌های دولتی و عمومی در کشورهای مختلف، آلت‌ناتپوهای چون ارتباط علمی با صنعت، گزینش‌های شخصی، حق اختراع، نوآوری و اکتشاف و کمک مالی فارغ‌التحصیلان برجسته را جایگزین تأمین مالی از کانال بودجه دولت کنند. رویکردی که نتیجه آن کاهش عدم تطابق تحصیلی با نیازهای بازار، بهبود کیفیت خدمات و افزایش کارایی نظام آموزشی است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که عامل‌های؛ ملاحظات سیاسی محیط محلی و منطقه، پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضای جامعه، ملاحظات دولت، فرآیند تصمیم‌گیری در توسعه دانشگاه، تعامل برنامه‌های کلان آموزش عالی و سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی، مدیریت و رهبری، اعتبارات و منابع مالی دولتی و استقلال دانشگاهی از جمله عامل‌هایی هستند که دارای بیشترین بسامد بوده و از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل در توسعه دانشگاهی برخوردارند (مرجع: دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه مازندران، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرآیند «توسعه دانشگاهی» در دانشگاه‌های دولتی ایران، عیسی ثمری، محمد یمنی دوزی سرخابی، ابراهیم صالحی عمران، غلامرضا گرانی‌نژاد).

از منظر دانشگاهی، در یک نگاه ملی، تلاطم‌های سیاسی حاکم بر کشور در دوره‌های مختلف با بسامدهای متفاوت، دانشگاه را قربانی سیاست‌ورزی‌های ناروا کرده است! بر اساس آمار یونسکو تعداد دانشجویان از ۴,۳۵ میلیون در سال ۱۳۹۴ به ۳,۶۲ میلیون در سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. بیشترین آسیب را رشته‌های دانشگاهی شامل علوم کشاورزی/دامپزشکی (۵۷٪-) و علوم فنی و مهندسی (۴۶٪-) متحمل شده‌اند. در طی این مدت تعداد دانشگاه‌های دولتی ۱۴۱ و تعداد مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۲۴۴۸ مورد می‌باشد [unesco]. این در حالی است که آمار دانشجویان در سال ۱۴۰۰ به ۳,۲ میلیون رسیده است.

طی دهه ۸۰ در کشور، عدم آینده‌پژوهی دقیق و تأمین زیرساخت‌های لازم، موجب رشد دو برابری تعداد مراکز دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم شد. آسیب‌ها و تبعات ناشی از این تصمیمات عجولانه، ناگهانی و بی‌تدبیرانه در عرصه علم و آموزش کشور امروزه و باگذشت چندین سال گریبان‌گیر جامعه شده است. رشد گسترده مراکز آموزش عالی در حالی صورت گرفت که دانشگاه‌ها سال‌به‌سال شاهد کاهش تعداد متقاضیان بودند؛ به‌گونه‌ای که بنا بر اعلام وزارت علوم در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ دانشگاه‌های دولتی ۶۴ درصد، غیرانتفاعی ۶,۴ درصد و پیام نور ۲۷ درصد کاهش پذیرش دانشجوی داشته‌اند. بر اساس آمارهای موجود سیر افزایشی فزاینده غیرمنطقی در پذیرش دانشجو از سال ۸۴ آغاز شد که به‌عنوان نمونه از ۴۴ موسسه غیرانتفاعی به ۳۴۰ موسسه غیرانتفاعی در کشور افزایش یافت.

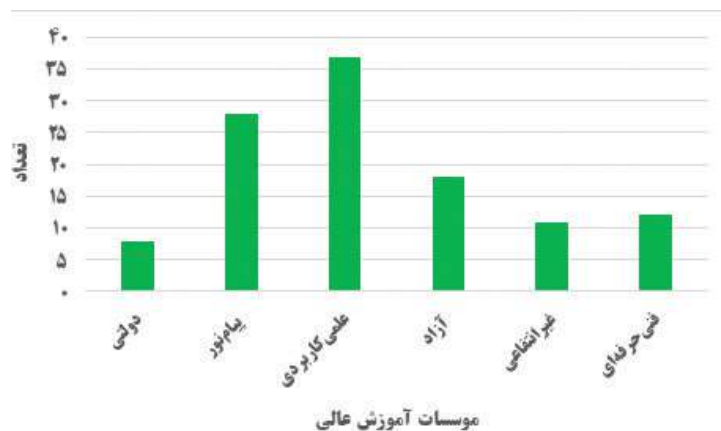
امروز، درواقع بسیاری از ظرفیت‌ها و هزینه‌های ایجادشده در بدنه آموزشی کشور در عمل کارایی ندارد و این مراکز بعد از گذشت چند دهه نه‌تنها کمکی به رفع معضلات جامعه نکرده است، بلکه خود به معضل اصلی در کشور نیز تبدیل شده است، به‌طوری‌که کشور در حال حاضر از یک‌سو شاهد افزایش آمار بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هست و از سوی دیگر هم صندلی‌های خالی از دانشجو، سالیانه بودجه هنگفتی از سرمایه کشور را می‌بلعد. وزیر پیشین وزارت علوم تحقیقات و فناوری، آقای دکتر منصور غلامی در سال ۱۳۹۹ در مصاحبه‌ای بیان می‌کند که: ما نگران ۴۰ درصد فارغ‌التحصیلان کارشناسی، ۳۰ درصد کارشناسی ارشد و ۱۰ درصد دکترای غیرشاغل که هم‌اکنون کاری ندارند، هستیم، ضمن اینکه بیشتر فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی در کشور که اشتغال به‌کار ندارند را زنان تشکیل می‌دهند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲ شهریور ۱۳۹۹).

امروز می‌توان به محاسبه ثروتی افسانه‌ای پرداخت که از میان دل زمین، به دست پدران و مادران ما استخراج می‌شود و نگاه غارت‌گرانه به این منافع آن‌گونه است که کارگزاران معدنی و صنایع مربوطه با شیوه‌های مختلف، حتی اجازه نداده‌اند این ثروت افسانه‌ای وارد چرخه پولی و بانکی استان شود. چگونه با بهانه‌های مختلف از سهم حق ۱۵ درصدی حقوق معادن که مطابق قانون باید به چرخه و زیرساخت‌های استان تزریق شود، به مقدار خیلی کمتر از یک درصد رسانده‌اند؟! حاصل تلاش پدران و مادرانمان با عمر کوتاه ناشی از امراض معدنی و صنعتی، سرزمین سوخته‌ای خواهد بود در زیر پای فرزندان مدرک به دست، با دستانی خالی!

دانشگاه‌ها در استان کرمان

دانشگاه‌های استان از یک‌طرف با بحران کاهش دانشجو و از طرف دیگر با کثرت مؤسسات آموزش عالی مواجه‌اند. بر اساس آمار سال تحصیلی ۹۶-۹۵ فقط در استان کرمان تعداد ۱۱۴ موسسه آموزش عالی ثبت شده است!!! مؤسساتی که دستانشان را در جیب پدران و مادران این سرزمین کرده‌اند تا مدرکی را برای فرزندان ما فراهم سازند و عمر بالارزش آن‌ها را به ناکجاآباد بکشانند، مؤسساتی که به علت کاهش دانشجو خوشبختانه رو به خاموشی می‌روند.

باید تدبیری دیگر پیش گرفت، با ممیزی و جمع‌بندی مؤسسات آموزش عالی و ساماندهی آن‌ها و جلوگیری از ادامه فعالیت مؤسساتی که استانداردهای لازم آموزشی و پژوهشی را ندارند، وضعیت آموزش عالی استان را در تراز بین‌المللی سامان داد، اما بدون توجه به الزامات این قبیل فعالیت‌ها و فراهم‌سازی زمینه‌ها، دانشگاه‌ها لقمه‌های بزرگ برداشته‌اند! دانشگاهی که در مجموعه ساختمان‌هایش یک سرویس بهداشتی با توالت فرنگی به‌سختی پیدا می‌شود، مدعی بین‌المللی کردن دانشگاه می‌شود. از طرف دیگر **از نظر اقتصادی، دانشگاه‌های ما در آینده مجبور به درآمدسازی خواهند شد و موضوعاتی همچون جذب دانشجویان و محققان غیر ایرانی بخشی از راه‌حل هستند**، اما از الزامات در بین‌المللی‌سازی آینده‌اندیشی و داشتن نگاه بلندمدت و نگاه به بازه‌های زمانی ۲۰ تا ۳۰ ساله و حتی بیشتر است. استان می‌توانست با ارتقاء وضعیت آموزش عالی علاوه بر افزایش کارآمدی فارغ‌التحصیلان در زمینه جذب مهاجران افغانستانی ساکن در استان و حتی متقاضیان در آن‌طرف مرز و در کشورهای همسایه که تقاضا برای تحصیل در آن‌ها وجود دارد، اقدام کند. با جذب این دانشجویان در دانشگاه‌های استان، از آنان سفیرانی برای اهداف فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کشور باید ساخت، اما متأسفانه به علل مختلف دانشگاه‌های استان در حال سوزاندن این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها هستند.



استفاده از مزیت‌های منطقه‌ای، توزیع عادلانه منابع، جلوگیری از تمرکز امکانات و مشارکت دانشگاه‌های هر منطقه در حل مسائل منطقه‌ای از مهم‌ترین اهداف باید باشد. حجم عظیم داده‌های گوناگون استخراج شده از فعالیت‌های مختلف معدنی و صنعتی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی کارگران و خانواده‌های آن‌ها در معادن بزرگ مس سرچشمه، مس میدوک، مجموعه معادن آهن گل‌گهر، معادن زغال‌سنگ، معادن سنگ‌های ساختمانی می‌توانست پس از پردازش، اطلاعات ارزشمندی در راستای رفع مشکلات مرتبط بر این قبیل فعالیت‌های معدنی و صنعتی به دنبال داشته باشد و علاوه بر آن نیازهای تحقیقی و آموزشی بسیار فراتر از نیاز دانشگاه شهید باهنر کرمان به‌عنوان دانشگاه مادر استان فراهم آورد. این داده‌ها می‌توانست در عرصه فناوری، در عرصه شرکت‌های دانش‌بنیان، در پژوهش و آموزش نیز عامل ایجاد ارزش‌افزوده اقتصادی محسوب شود. به‌عنوان نمونه سومین بخش صادرات کشور معدن خیز استرالیا عرضه خدمات آموزش عالی بوده است. این کشور در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۸ میلیارد دلار خدمات آموزش عالی ارائه کرده است. متأسفانه نگاه غالب مدیران دانشگاهی استان در راه تأمین محل درآمد دانشگاه‌ها، از جیب پدر و مادر دانشجویان و یا کمک‌های وزارتخانه می‌باشد!!! غافل از آنکه ارتقاء توانایی دانشجویان و جذب دانشجویان نخبه بخصوص از مناطق محروم استان بدون چشم‌داشت مالی، باید در رأس تصمیمات مدیران ارشد دانشگاهی باشد. هزینه‌های مرتبط بر آموزش عالی که بر اساس قانون اساسی باید رایگان می‌بود!! موجب شده است که عموماً دانشجویان طبقه متوسط و مرفه جامعه توانایی اعزام فرزندان‌شان را برای تحصیل به دانشگاه داشته باشند و این باعث می‌شود که دانشگاه از هوش و استعدادی که در بین افراد طبقه ضعیف جامعه وجود دارد، محروم شود. برگ برنده دانشگاه مادر استان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، در بزرگ‌ترین استان کشور در این است که نسبت به کشف و جذب این استعدادها که در جای‌جای نقاط محروم این استان هستند با مکانیزمی کارشناسانه اقدام کند و شرایط را به‌گونه‌ای ایجاد کند که فارغ‌التحصیلان، این استان را مرکز ارائه خدمات خود قرار دهند. **مهاجرت افراد باهوش استان در بلندمدت می‌تواند بر موضوع تقلیل ذخایر زنتیکی و در نتیجه کاهش ضریب هوش مردم این خطه تأثیرگذار باشد.** مدیران دانشگاه‌های استان متوجه نیستند که اگر دانشجوی مستعدی در مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد در حال تحصیل است باید به‌راحتی زمینه ادامه تحصیل وی را در مقطع بعد فراهم کنند. آن‌ها می‌دانند که کشورهای توسعه‌یافته و بزرگ، مانند کانادا، استرالیا و حتی کشورهایی مثل چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و روسیه، به دنبال جذب استعدادهای برتر دنیا هستند، ولی بسیار بی‌تحرک و بی‌رمق

دانشی خود را در جهت نوآوری و خلاقیت به کار گیرند، شرایط تغییر می‌کند. اینکه جایگاه ایران در انتشار مقالات بین‌المللی برتر باشد خوب است، اما از لحاظ اقتصادی چه رتبه‌ای در جهان داریم؟ هیچ همبستگی مثبتی بین این دو وجود ندارد؟! درحالی‌که شاخص توسعه علمی کشورهایمانند ترکیه، سنگاپور و مالزی افزایش پیدا می‌کند، همزمان شاخص‌های توسعه اقتصادی و دیگر شاخص‌هایشان هم افزایش و اعتلا پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر رقابت‌پذیری سرلوحه کار قرار داده شود، به‌مراتب معنا بخش‌تر از آن است که خلق پول ملاک قرار گیرد.

نقش سیاست‌گذاران ارشد استان در فرار مغزها از استان

مراکز معدنی و صنعتی نیز با اعمال نفوذ سیاستمداران و صاحبان قدرت استان، روند منطقی استخدام نیرو در این قبیل مراکز را تحت عنوان بومی‌گزینی، غبارآلود کرده‌اند و شرایط جذب نیروهای نخبه را از دست داده‌اند. سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران ارشد استان! کلاه خود را قاضی کنید، چند نفر از رتبه‌های نخست کنکور، فارغ‌التحصیلان با رتبه‌های بالای دانشگاه‌ها تاکنون مدیریت معادن و صنایع استان را در رده‌های مختلف بر عهده داشته‌اند؟ چند نفر از این نخبگان در سطوح بالای تصمیم‌گیری در هیئت‌مدیره‌های صنایع بزرگ استان نقش آفرینند؟ چرا میان نخبگان و کارآفرینان، هیچ‌یک از مدیران عامل وجود ندارند؟ اینکه از ظرفیت فارغ‌التحصیلان نخبه بهره گرفته نشود، آیا معنائی به‌جز زنده به‌گور کردن این استعدادها تلقی می‌شود؟؟ بایء ذنب قُتِلت؟! این استعدادها به کدامین گناه زنده به‌گور شده‌اند؟ چه کسانی مسئولند؟ کافی است نگاهی به تخصص و کارنامه تحصیلی مدیران گذشته و حال که با همه ارتباطات در مسند پست‌های معدنی و صنعتی استان بوده و هستند، انداخته شود، کدامین نخبه حاضر است در زبردست مدیری با این‌چنین گذشته‌ای از ناکارآمدی تحصیلی، خلق ثروت کند، ابتکارات خود را عرضه کند، استعداد و توانائی خود را نثار مجموعه خودش کند؟! در این نوشتار منکر حضور نخبگانی که از سر ناچاری و گذران زندگی، در معادن و صنایع معدنی استان هستند نمی‌توان شد، ولی این قبیل افراد معمولاً ترجیح می‌دهند که همانند یک کارمند عادی فعالیت‌های حرفه‌ای خود را دنبال نمایند.

با توجه به کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه و یا به‌عبارت‌دیگر به علت نبود دانشجو و خالی ماندن صندلی‌های دانشگاهی در مقاطع مختلف آموزشی، دانشگاه‌های شهرستان‌ها و نواحی دور از پایتخت متضرر می‌شوند؛ چراکه دانشجویان برتر استان جذب دانشگاه‌های برتر پایتخت می‌شوند. از طرف دیگر متقاضیانی که توان علمی بسیار ضعیفی دارند جذب دانشگاه‌های استان می‌شود. ♦♦

حرکت می‌کنند. کشورهای مذکور سعی می‌کنند با ایجاد استخرهای هوش (pools of talent)، افراد بااستعداد را از سراسر کشورهای جهان جذب کرده و از سرمایه‌ معنوی، علمی، دانشی و مهارتی آن‌ها برای شتاب بخشیدن به فرآیندهای توسعه کشور خود بهره‌مند شوند. مدیران دانشگاه‌های استان، باید نگاهی به کشورهای همسایه همچون امارات و قطر بیندازند، این کشورها با ایجاد شعبات دانشگاه‌های بین‌المللی در کشورشان در راستای جذب دانشجویان و استعدادها برتر ایرانی هستند، آن‌ها به‌زودی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی خواهند کرد که هزینه‌های تحصیل یک ایرانی ارزان‌تر از یک دانشگاه برتر ایران باشد، آنگاه چه کسانی بازنده هستند؟ کشورهای امارات و قطر برای آموزش رایگان استعدادها برتر ایران، در شعبات دانشگاه‌های بین‌المللی، خیز برداشته‌اند. با جذب و آموزش رایگان این دانشجویان و نیز اشتغال بلافاصله پس از فراغت از تحصیل آن‌ها در پست‌های درآمدزا، عملاً دست ما را خالی از استعدادهای برتر خواهند کرد!! دانشگاه برای رویارویی با بحران‌ها محلی و ملی چه کرده است؟ دانشگاه برای پاسخ به بحران‌هایی همچون آلودگی ناشی از معدن و صنایع معدنی، خشک‌سالی، اشتغال، افزایش بهره‌وری بخش‌های غیردولتی، حمایت و گسترش بنگاه‌های خرد و متوسط و ... چه کرده است؟ زمان آن رسیده که باید به‌صورت جدی به عملکرد و اثربخشی دانشگاه‌های استان نگاه کرد.

دانشگاهی که در منطقه معدنی و صنایع معدنی است، دامنه ذینفعانش به اهالی شهر هم گسترش پیدا می‌کند. این دانشگاه باید بتواند مثلاً برای بحران‌های زیست‌محیطی مترتب بر فعالیت‌های معدنی و حوزه‌های دیگر اثربخشی داشته باشد. لازمه این امر هم اجرای ساختار مشارکتی در سیستم برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها است تا بتوان از اسناد تشریفاتی فراتر رفت و به تحقق کارکردهای دانشگاه در سطوح مختلف نزدیک شد. دانشگاه‌های ما با دو عدم قطعیت خیلی مهم در آینده مواجه هستند: یکی اقتصاد و دیگری بین‌المللی‌سازی. این دو به‌شدت با هم ارتباط دارند. دانشگاه باید بتواند به درآمدهای غیردولتی متکی شود و خدماتش را در عرصه پژوهش، آموزش و فناوری، بین‌المللی کند. در زمینه بین‌المللی‌سازی مشارکت در برنامه‌های پژوهشی بین‌المللی؛ ایجاد زمینه‌های جذب دانشجو از کشورهای منطقه، کشورهای دارای مرز زمینی با ما و کشورهای دارای مشترکات تاریخی و زبانی و دینی با ما تعریف زمینه‌ها و حوزه‌های دارای مزیت نسبی برای ما و تعریف شاخص‌هایی برای ارزیابی فعالیت‌ها در این زمینه و دادن امتیاز به دانشگاه‌های واجد این شاخص‌ها از جمله اقداماتی است که باید صورت گیرد. اگر دانشگاه‌ها به عرصه رقابت‌پذیری وارد شوند، در این عرصه است که خلاقیت و نوآوری شکوفا می‌شود. اگر یک فضای رقابتی در دانشگاه ایجاد شود، تا استادان توان تخصصی و

با تمیزی و تجمیع
مؤسسات آموزشی
عالی و ساماندهی
آن‌ها و جلوگیری
از ادامه فعالیت
مؤسساتی که
استانداردهای
لازم آموزشی و
پژوهشی را ندارند،
وضعیت آموزش
عالی استان را در
تراز بین‌المللی
سامان داد.



گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رئیس اتاق کرمان

فرآیند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری معادن

اختلال در اکتشاف، طراحی، استخراج و بهره‌برداری گریبان‌گیر معادن کوچک است که فعالیت در آن‌ها را غیراقتصادی کرده است. ثبت تقریباً همه پهنه جغرافیایی استان کرمان به‌عنوان محدوده معدنی و عدم انجام کار جدی، نتیجه فرآیند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری است. اصولاً مدیریتی در پایش ذخایر معدنی استان دیده نمی‌شود؛ اعلام نیروی ذخایر، حدسی و تخمینی است، ظرفیت پروانه‌های بهره‌برداری، مطابق با واقعیت موجود نیست و استخراج هم به میزان واقعی ذکر نمی‌شود. معادن بخش خصوصی اغلب کوچک و به لحاظ ارزش ماده معدنی، پایین درجه است. گروه غالب بهره‌برداران معادن بزرگ و ارزشمند، شرکت‌های دولتی یا خصوصی می‌باشند، لذا امکان شکل‌گیری رقابتی وجود ندارد.

سید مهدی طبیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان همچنین می‌گوید که بخش معدن بهره‌ور نیست، زیرا زنجیره ارزش کامل نیست. اگر یارانه انرژی حذف شود، معلوم نیست توجیه اقتصادی فعالیت‌های معدنی چه وضعی پیدا کند. وی با برشماری شواهدی در قالب سؤال‌هایی چند، سیاست‌گذاری در بخش معدن کشور را درست نمی‌داند و یادآوری می‌کند که اگر یارانه انرژی حذف شود، معلوم نیست توجیه اقتصادی فعالیت‌های معدنی چه وضعی پیدا کند، معادن منابع تجدیدپذیرند، این سرمایه بین نسلی را نباید صرف هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری‌های غیرحرفه‌ای کرد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه کنیم.



ثبت تقریباً همه پهنه جغرافیایی استان به‌عنوان محدوده معدنی و عدم انجام کار جدی، نتیجه این فرآیند ناقص است، برای نجات از این وضعیت، اول باید کلیه محدوده‌هایی را که ثبت شده‌اند و کار قابل توجهی انجام نداده‌اند، باطل و مجدد به‌صورت مزایده با تعیین شرایط احراز به شرکت‌ها یا افراد ذی‌صلاح واگذار نمود، البته حمایت‌های لازم برای کمک به اکتشاف و بهره‌برداری از طریق منابع بانکی به صندوق‌های تضمین سرمایه‌گذاری به عمل آید.

اصلاً مدیریتی

در پایش دیده

نمی‌شود.

ذخیره قطعی و

قابل اتکایی ذکر

نمی‌شود، همه

ذخایر حدسی و

تخمینی است و

وقتی آمار دقیق

بااحتمال‌های

مرسوم در بخش

معدن نداشته

باشید چگونه

می‌توانید پایش

کنید، ظرفیت

پروانه‌های

بهره‌برداری، مطابق

با واقعیت موجود

نیست و استخراج

هم به همان

دلایل، واقعی ذکر

نمی‌شود.

♦ روشن است که آسیب‌پذیری معادن کوچک و متوسط در حد قابل توجهی بیشتر از مجتمع‌های بزرگ معدنی است. به نظر شما ایجاد هلدینگ‌هایی با مشارکت معادن کوچک و متوسط چقدر می‌تواند امکان‌پذیر و درست باشد؛ جهت اینکه این معادن تقویت‌شده و در زنجیره معدن و صنایع معدنی در جایگاه مناسب نقش‌آفرینی کنند؟

این یک الزام است. تعدد و پراکندگی و ذخیره‌های محدود مانع از یک فعالیت مستقل برای هرکدام از معادن می‌شود و از آنجا که حمل ماده معدنی خام در اندازه‌های کوچک، فاقد توجیه اقتصادی است، تجمیع و یکپارچه‌سازی و احداث واحد فرآوری و پُرعیارسازی در مرکز ثقل این معادن، استفاده از امکانات استخراج معدن به‌صورت مشترک، استفاده از تجارب و دانش و سرویس‌های مشاوره مشترک می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی معادن کوچک کمک کند.

♦ در فضای بخش معدن استان کرمان، چه میزان از رقابت‌های احتمالی ناهمسان شرکت‌های دولتی با بخش خصوصی پرهیز می‌شود؟ بخش خصوصی کجای کار است و دولت چقدر بستری لازم خصوصی‌سازی در بخش معدن را فراهم کرده است؟

گروه غالب بهره‌برداران معادن در استان کرمان به لحاظ

♦ شما چه تحلیلی بر چگونگی سیاست‌گذاری بخش معدن

کشور دارید؟

من این سؤال را با سؤال پاسخ می‌دهم، آیا کشور از ذخایر ارزشمند معدنی متنوع خود برای ایجاد توسعه متوازن مناطق، تکمیل زنجیره کامل ارزش، خلق تکنولوژی‌های استخراج، اکتشاف، فرآوری، اشتغال پایدار، حفظ محیط-زیست و توسعه زیرساخت‌ها استفاده کرده است؟ یعنی آیا ما هم‌اکنون دانش اکتشاف سیستماتیک وسیع و عمیق را داریم یا استخراج و بازیافت مواد معدنی کم‌عیار را با تکنولوژی پیشرفته انجام می‌دهیم؟ بهره‌وری مطلوب است؟ دانش زنجیره کامل فولاد و مس را داریم؟ در زمینه معدن ماشین‌ساز شده‌ایم؟ اگر شده‌ایم یعنی سیاست‌گذاری درست بوده است و در صورت عدم وجود چنین دستاوردهایی، باید بگوییم سیاست‌گذاری درست نبوده است.

♦ مدیریت پایش ذخایر معدنی در استان را چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

اصلاً مدیریتی در پایش دیده نمی‌شود. ذخیره قطعی و قابل اتکایی ذکر نمی‌شود، همه ذخایر حدسی و تخمینی است و وقتی آمار دقیق با احتمال‌های مرسوم در بخش معدن نداشته باشید چگونه می‌توانید پایش کنید، ظرفیت پروانه‌های بهره‌برداری، مطابق با واقعیت موجود نیست و استخراج هم به همان دلایل، واقعی ذکر نمی‌شود.

♦ مهم‌ترین اختلالات موجود فراراه فعالیت بنگاه‌های

معدنی (بویژه معادن کوچک) که آن‌ها را در معرض خطر قرار داده است، چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نمود؟

اصولاً فرآیند اکتشاف و بهره‌برداری معادن شامل شناسایی، ثبت محدوده، اخذ پروانه اکتشاف، انجام عملیات اکتشاف و اخذ گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری می‌شود. در شروع کار یعنی شناسایی، اصول و استانداردهای خاصی وجود ندارد و بر اساس مطالعات کامل انجام نمی‌شود و بیشتر این شناسایی‌ها اتفاقی است؛ لذا آغاز فرآیند، تصادفی و اتفاقی است به همین جهت افراد حرفه‌ای، توانمند و متخصص وارد این چرخه نمی‌شوند. اکتشاف که درست صورت نگیرد مابقی فرآیند ناقص اجرا می‌شود و تقریباً همه معادن کوچک چنین وضعی دارند و منابع قابل اتکا یا شناسایی نمی‌شوند یا بیش‌ازحد ارزیابی می‌گردند. لذا اختلال در اکتشاف، طراحی، استخراج و بهره‌برداری، گریبان‌گیر معادن کوچک است که فعالیت در این معادن را غیراقتصادی کرده است و به‌نوعی ائتلاف منابع بدون ایجاد ارزش‌افزوده قابل توجه است.

بخصوص در گردآوری و تحلیل دقیق داده و تهیه مدل‌های خاص اکتشافی معدن قرار گرفته و شرایط لازم برای طراحی مدل‌های استخراجی را فراهم می‌آورد که بسیار اهمیت دارد تا به‌طور کامل به‌عنوان یک سرفصل جدید در فعالیت‌های معدنی جای گیرد. از برآوردهای اولیه چنین استنباط می‌شود که در این زمینه فعالیت چندانی بویژه در معادن کوچک انجام نشده است.

♦♦ آیا با توجه به مرتبه استان در ذخایر معدنی کشور، بخش معدن می‌تواند به‌عنوان پیشران اقتصاد و تحقق اهداف صنعتی استان چه در کوتاه‌مدت و چه بلندمدت تلقی شود؟ اقتصاد استان کوچک است و هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده در این اقتصاد نسبتاً کوچک، بخش معدن و صنایع معدنی پیشران است، اما این پیشرانی در غیاب یک بخش کشاورزی اقتصادی و مدرن و نیز صنعت پیشرفته برخوردار از زنجیره کامل ارزش اتفاق افتاده است، البته اگر بخش معدن و صنایع معدنی با روش‌های مدرن اکتشاف، استخراج شود



اقتصاد استان

کوچک است

و هنوز جایگاه

واقعی خود را

پیدا نکرده در

این اقتصاد

نسبتاً کوچک،

بخش معدن و

صنایع معدنی

پیشران است، اما

این پیشرانی در

غیاب یک بخش

کشاورزی اقتصادی

و مدرن و نیز

صنعت پیشرفته

برخوردار از زنجیره

کامل ارزش اتفاق

افتاده است، البته

اگر بخش معدن

و صنایع معدنی با

روش‌های مدرن

اکتشاف، استخراج

شود و زنجیره

ارزش کامل شود به

دلیل پتانسیل‌های

فراوانی که وجود

دارد می‌تواند

پیشران باشد.

پیشرانی فعلی نه

به دلیل عملکرد

خوب بلکه

به دلیل ضعف در

صنعت، خدمات و

کشاورزی در شرایط

فعلی است.

ذخیره و ارزش مواد معدنی، شرکت‌های دولتی یا شبه‌دولتی به عبارتی خصولتی می‌باشند و معادن بخش خصوصی اغلب کوچک و از لحاظ ارزش ماده معدنی در سطح بالایی نیستند، لذا رقابتی شکل نمی‌گیرد. عمده رقابت‌ها در بهره‌برداری، واگذاری پهنه‌های معدنی و محدوده‌های اکتشافی می‌باشد، در این شرایط، اصلاً بخش خصوصی توان حضور در مزایده‌ها را ندارد و با اینکه شرکت‌های بزرگ محدوده‌های وسیع را در اختیار دارند و امکان ورود بخش خصوصی به این محدوده‌ها وجود ندارد. استخراج و یا انجام اکتشاف در سطحی محدود به بخش خصوصی واگذار می‌شود. این عادت وجود دارد که شرکت‌های بزرگ معدنی تمامی زنجیره از اکتشاف تا فرآوری را خود انجام دهند و حتی برای انجام خدمات پشتیبانی هم شرکت‌ها و هلدینگ‌هایی با سهامداری عمده همان شرکت‌ها تشکیل گردیده است.

♦♦ به نظر شما مدیریت حوزه معدن در استان کرمان چه اندازه مبتنی بر دانش است؟ برای استقرار و مداومت مدیریت دانش در این حوزه چه باید کرد؟

در یک نگاه اجمالی می‌توان گفت بخش معدن بهره‌ور نیست؛ به این دلیل که زنجیره ارزش کامل نیست، اکتشاف سیستماتیک انجام نشده، تکنولوژی‌های استخراج به‌روز نیست، ماشین‌آلات و تجهیزات به دلیل تحریم فرسوده است، نیروی آموزش‌دیده در سطح عالی نیست، اگر یارانه انرژی حذف شود و آب و برق با قیمت واقعی محاسبه گردد معلوم نیست توجیه اقتصادی فعالیت‌های معدنی چه وضعی پیدا نماید و این نوع نابسامانی در سایه فقدان مدیریت دانش در حوزه معدن اتفاق می‌افتد. البته تلاش‌هایی در سطح معادن بزرگ انجام شده، اما کافی نیست. اگر رانتهای انرژی حذف شود، الزام بهره‌ور شدن فعالیت‌ها ایجاد می‌شود، این مهم استقرار مدیریت دانش و تبدیل مزیت‌های نسبی به مزیت‌های رقابتی را حتماً در پی خواهد داشت.

♦♦ الزامات تولید دقیق و هوشمند در فعالیت‌های معدنی کدامند؟ و وضعیت بخش معدن استان از باب فراهم نمودن این الزامات چگونه است؟

لزوم حفظ ایمنی برای حفاظت از جان ارزشمند است، کاهش و به صفر رسیدن تلفات، جراحات، همچنین ایمنی ماشین‌آلات و ابزارآلات و سرمایه معدن‌دار و حفظ محیط‌زیست و تخریب کمتر، استخراج هدفمندتر و افزایش بهره‌وری و حفظ قدرت رقابت‌پذیری معدنکاری، استفاده از معدنکاری هوشمند را بسیار ضروری نموده است. این موضوع یعنی هوشمندسازی فعالیت‌ها در معدن در تمامی زنجیره،

وجود نخواهد داشت. به دلایل متعدد، امکان تأمین و ورود این مواد یا وجود نخواهد داشت یا اقتصادی نخواهد بود. لذا این روند که تمرکز ویژه‌ای بر استخراج مواد معدنی شده است و زنجیره کامل ارزش افزوده‌ای هم ایجاد نمی‌شود و درآمد حاصل از معادن هم به اشکال مختلف، مانند حقوق دولتی، بهره مالکانه، سود سهام، سود سرمایه‌گذاران، سود بانکی مشارکت در پروژه‌های ملی و کمک به اقتصادی بودن کارخانجات دولتی از استان خارج می‌شود، با اتمام این معادن، استان دچار چالش جدی می‌شود.

◆◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

وجود معادن و برداشت از آن‌ها برای تبدیل به ثروتی زاینده و پایدار، بسیار خوب می‌باشد. اگر معدن، بنیان صنعت منطقه شود و درآمد حاصل از آن صرف هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری‌های غیرحرفه‌ای نشود، نمی‌تواند موجبات رشد درازمدت را فراهم آورد. از این زاویه به معدن نگاه کنیم و این سرمایه بین نسلی را صرف امور جاری کوتاه‌مدت ننماییم. ◆◆

و زنجیره ارزش کامل شود به دلیل پتانسیل‌های فراوانی که وجود دارد می‌تواند پیشران باشد. پیشرانی فعلی نه به دلیل عملکرد خوب بلکه به دلیل ضعف در صنعت، خدمات و کشاورزی در شرایط فعلی است.

◆◆ در موضوع آینده‌نگری در توسعه معادن استان کرمان توضیح دهید، آینده این بخش چقدر روشن است و چه چشم‌اندازی برای آن ترسیم شده است؟

معادن، منابع تجدیدناپذیرند؛ ممکن است به سه دلیل در آینده مهم نباشند:

- به‌طور کامل ذخیره آن‌ها تمام شود،
 - برداشت و استخراج، اقتصادی نباشد،
 - با جایگزینی تکنولوژی‌های جدید، نیازی به معادن نباشد؛ مثل نفت و گاز که دیری نخواهد پایید تا ارزش خود را از دست بدهند.
- لذا نباید اقتصاد را بر این پایه بنا نهاد؛ چرا که با اتمام این ظرفیت‌ها و ذخیره‌ها، خوراک کارخانجات احداث شده



آیا استراتژی‌های دولت در راستای کمک به توسعه است؟



محمد رضا بهرامن

عضو کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران و رییس خانه معدن ایران

همان‌طور که در یادداشتی در آغاز دولت سیزدهم، هم اشاره کرده بودم، فعالان بخش خصوصی انتظار دارند دولت سیزدهم در حوزه صنعت و معدن در سه سطح وزارتی (کلان)، سطح کسب‌وکار (سطح میانی) و سطح وظیفه‌ای (عملیاتی/ اجرا)، سه نوع استراتژی دقیق و مجزا را پیاده‌سازی کند.

استراتژی‌های بخش معدن هم باید در پنج حوزه اصلی و کلان توسط متولی بخش و براساس قانون معادن، با ابزارهای در اختیار خود، مشابه سازمان ایمیدرو و سازمان مهندسی معدن ایران، صورت‌بندی و شناسایی شود؛ «محیط کسب‌وکار»، «توسعه پایدار» (از طریق مدیریت در اجرای دقیق قانون معادن و قوانین مرتبط با آن جهت ایجاد امنیت و حفظ و جذب سرمایه‌ها)، «بهره‌وری»، «تأمین و پشتیبانی» و «روابط و تعاملات خارجی» که مسلماً در جهت بهبود وضعیت هر یک از پارامترها مطالعه و برنامه‌ریزی بر روی هفت شاخص «سرمایه‌گذاری»، «نظام مدیریت در معادن»، «جهانی‌شدن بخش معدن»، «منابع انسانی»، «فناوری در معادن»، «زیرساخت در معادن» و «توسعه منطقه‌ای» از اهمیت خاصی برخوردار است. امروز بعد از گذشت شش ماه از آغاز فعالیت دولت سیزدهم به بررسی اقدامات انجام‌شده در هر یک از شاخص‌های ضروری جهت توسعه صنعت معدن در دولت سیزدهم می‌پردازیم.

شاخص سرمایه‌گذاری در معادن

ذخایر غنی معدنی با تنوع گسترده، می‌تواند عامل رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها در جهان محسوب شود. توان معدنی ایران شامل ذخایر اثبات‌شده سنگ‌آهن به مقدار تقریبی سه میلیارد تن در شرایط کنونی (۰.۸ درصد کل ذخایر جهان)، ذخایر سنگ معدن مس به مقدار تقریبی ۳/۲ میلیارد تن در شرایط کنونی (چهار درصد از ذخایر جهانی) و همچنین ذخایر روی به میزان ۱۱ میلیون تن (۰.۴ درصد از ذخایر جهانی) هست. که با عنایت

علی‌رغم اینکه

کشور عزیزمان

در بین ۱۵ کشور

مطرح معدنی

دنیا جای داشته

و ارزش ذخایر

بالقوه آن بیش از

۱۰۰۰ میلیارد دلار

هم‌اکنون برآورد

گردیده است، اما

متأسفانه تنها

حدود یک درصد

از تولید ناخالصی

داخلی کشور در

بخش معدن و

صنایع معدنی را

به خود اختصاص

داده است. این

سهم ناچیز معدن

در GDP کشور،

نشان دهنده

ضعف در نگاه

توسعه‌ای به

معادن کشور

به واسطه عدم

سرمایه‌گذاری

کافی و به موقع در

تمام حلقه‌های

زنجیره در این

حوزه است.

به پتانسیل‌های (استراتژیک موجود در بخش معدن کشور) این غنای مواد معدنی به‌تنهایی تضمین‌کننده نقش مؤثر این حوزه در اقتصاد کشور نبوده است.

علی‌رغم اینکه کشور عزیزمان در بین ۱۵ کشور مطرح معدنی دنیا جای داشته و ارزش ذخایر بالقوه آن بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار هم‌اکنون برآورد گردیده است، اما متأسفانه تنها حدود یک درصد از تولید ناخالص داخلی کشور در بخش معدن و صنایع معدنی را به خود اختصاص داده است. این سهم ناچیز معدن در GDP کشور، نشان‌دهنده ضعف در نگاه توسعه‌ای به معادن کشور به واسطه عدم سرمایه‌گذاری کافی و به‌موقع در تمام حلقه‌های زنجیره در این حوزه است.

دولت سیزدهم همگام با حمایت‌های کامل مجلس محترم یازدهم باید نسبت به حذف قوانین و دستورالعمل‌های دست‌وپاگیر در حوزه معدن هر چه سریع‌تر اقدام نمایند؛ این هشدار جدی برای برداشتن سد ورود و راهکاری برای اعتماد ورود سرمایه‌ها به بخش معدن کشور است.

و در این راستا قوه محترم قضاییه باید از سرمایه‌های سرمایه‌گذاران به‌صورت تمام‌قد حمایت کند و از غصب عامدانه سرمایه‌ها و ایجاد هراس در میل به سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران، پرقدردان ممانعت به‌عمل آورد تا بتوانیم با کمک این بخش مزیتی و کلیدی در اقتصاد کشور، در سال ۱۴۰۲، شاهد رشد اقتصادی شش درصدی باشیم که در غیر این صورت کماکان شاهد رشد سرمایه‌گذاری در بخش معدن نخواهیم بود.

بازارهای هدف مناسب، به‌عنوان سنگ‌های لاشه و ضایعات به هدر می‌روند. البته کشورهایی مثل چین و ایتالیا با سرمایه‌گذاری بر روی همین ضایعات سنگ، مصنوعات بسیار ارزشمندی را تولید می‌کنند که از لحاظ ارزش افزوده بسیار بیشتر از سنگ اولیه ارزش دارند. کشور ما به دلیل نبود تکنولوژی به‌روز و عدم وجود سرمایه کافی، در شرایط کنونی سالانه حجم بزرگی از انواع سنگ‌های ساختمانی در این نوع معادن انباشته شده است.

امروزه در جهان شعار «تولید در معادن با ضایعات صفر» مطرح شده که قاعدتاً بدون توجه به مباحث فناوری و سرمایه‌گذاری در این حوزه نمی‌توان به این مهم دست یافت. به‌عنوان نمونه نیز در مورد باطله‌های موجود در معادن فلزی و غیرفلزی در کشورمان به دلیل ضعف در تکنولوژی بازیافت و عدم سرمایه‌گذاری کافی، حجم عظیمی از این ثروت خدادادی در معادن فعال موجود در کشور انباشته شده که سرمایه‌گذاری در این مسیر می‌تواند ثروت بزرگی را عاید کشور نماید.



شاخص‌های زیرساخت و توسعه در معادن

کشورهای شرق آسیا، مواد معدنی و سوخت و انرژی را از ما می‌خرند و هزینه حمل می‌پردازند و به کشور خود می‌برند و در آنجا محصولاتی با قیمتی بسیار نازل‌تر از محصول تولیدشده در کشور ما، تولید می‌کنند درحالی‌که می‌توان با جذب سرمایه این کشورها، سرمایه‌گذاری برد-بردی را برای هر دو کشور انتظار داشت. چراکه می‌توان با انتقال پروسه تولید به کشور ایران و استفاده از زیرساخت‌ها؛ همچون تأمین انرژی و نیروی کار فراوان و کافی، ارزش افزوده قابل توجهی را در حلقه‌های زنجیره صنعت معدنکاری برای ایران ایجاد نمود و از طرف دیگر نیز می‌توان با توجه به افزایش غیرمترقبه هزینه حمل‌ونقل در میان بار این هزینه حمل مواد اولیه به کشور سرمایه‌گذار و هزینه استفاده از انرژی و نیروی کار گران‌تر را از دوش سرمایه‌گذار برداشت و در نتیجه محصول نهایی با هزینه تمام شده ارزان‌تری در بازارهای رقابتی عرضه می‌شود. همچنین از آنجایی‌که موقعیت ژئوپلیتیک ایران به‌گونه‌ای است که دسترسی آسانی به کشورهای رو به رشد منطقه دارد، بنابراین هزینه ارسال کالای نهایی برای کشور سفارش‌دهنده نیز مقرون به‌صرفه‌تر خواهد بود.

شاخص ورود فناوری در معادن و استفاده از تکنولوژی و نوآوری در ماشین‌آلات معدنی

همان‌گونه که همگان مستحضرنند ارکان جهش اقتصادی کشور در بخش معدن مهیاست و برای نیل به این جهش اقتصادی می‌بایست تمامی این امتیازات را با حلقه مفقوده فناوری در شرایط کنونی به هم متصل کرد.

درواقع تهیه نقشه راه و توجه به مدیریت دانش‌بنیان و استفاده از فناوری‌های نوین در زنجیره صنعت معدنکاری از اکتشافات تا بازارهای هدف و نیز اهمیت دادن به مسائل زیست‌محیطی و دوری از خام‌فروشی می‌تواند منجر به رشد چشمگیر اقتصاد معدنی شده و کشور را از اقتصاد تک‌محصولی وابسته به نفت نجات دهد.

• توجه به فناوری‌های نوین در بخش معدن و صنایع معدنی می‌بایست در شاخه‌های متعددی مدنظر قرار گیرد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

سالانه میلیون‌ها تن سنگ‌های تزئینی کشور به دلیل عدم استخراج اصولی و صحیح از معادن کشور و عدم سرمایه‌گذاری در بخش فرآوری نوین آن و شناخت

استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه فین تک (Fin-Tech) ارائه می‌شود، به‌خوبی در این نوع کشورها جا افتاده‌اند و به‌صورت وسیع در بخش‌های مختلف اقتصاد معدنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. نظر به اینکه کشور ما بین سال‌های ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ می‌تواند تأمین‌کننده بخش بزرگی از مواد اولیه کارخانجات در جهان باشد، لذا امروزه به‌کارگیری و بومی‌سازی فناوری‌های نوین در مباحث مربوط به افزایش بهره‌وری در مصرف منابع آب و انرژی، حمل‌ونقل و کنترل و کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های معدنکاری می‌بایست به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد. می‌دانیم که فعالیت‌های معدن‌کاری و بویژه فرآیندهای فرآوری مواد معدنی و صنایع معدنی مرتبط با آن به حجم زیادی از آب نیاز دارد. متأسفانه بسیاری از معادن بزرگ ما در ایران مرکزی یعنی جایی که معضل آب به‌شدت احساس می‌شود قرار گرفته‌اند. حتی به دلیل معضل کمبود آب بسیاری از معادن کوچک و متوسط در این نواحی عملاً غیرفعال بوده و بسیاری از کانسارهای شناسایی‌شده نیز به‌صورت دست‌نخورده باقی مانده‌اند. بررسی پارامترهای شیمیایی آب‌های انتقال‌یافته به این مناطق و بهینه‌سازی کیفیت آب انتقالی به‌منظور استفاده در هریک از سایت‌های فرآوری مواد معدنی و تعریف روش‌های کم‌هزینه و با راندمان بالای استحصال مواد معدنی، ساخت تجهیزات مختلف از جمله دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی و بادی برای تأمین انرژی موردنیاز این تجهیزات و ...، تماماً مباحث فناورانه‌ای هستند که نقش کلیدی در آینده توسعه بخش معدن کشورمان خواهند داشت و در این خصوص سرمایه‌گذاری کافی در مسیر، هرچه سریع‌تر انجام شود.

در مورد ضرورت ورود فناوری و تکنولوژی در ماشین‌آلات در معادن متأسفانه به دلایل مختلف در معادن کشور تاکنون این مهم به‌موقع صورت نگرفته و امروز شاهد بحران کمبود ماشین‌آلات نوین و موردنیاز در معادن می‌باشیم؛ از جمله دلایل این فقدان می‌توان به عدم شناخت کامل متولی بخش به‌نیاز صنعت‌گران این حوزه استراتژیک نام برد که خوشبختانه طی شش ماه اخیر با تصمیمات هوشمندانه و سریع متولی در حال جبران می‌باشد.

امروز باید هدف تأمین ماشین‌آلات موردنیاز معدنکاران و ماشین‌آلات نوین به ساده‌ترین شکل ممکن و حمایت صددرصدی دولت در این صنعت کلیدی باشد. ♦♦

• درخصوص ذخایر عناصر نادر خاکی که منابع قابل‌توجهی از آن‌ها در کشور با توجه به ساختار زمین‌شناسی شناسایی موجود می‌باشند، ولی متأسفانه در حوزه اکتشاف، استخراج و فرآوری، سرمایه‌گذاری که می‌بایستی در حوزه استحصال فناوری به این بخش انجام می‌پذیرفته، تاکنون صورت نپذیرفته است.

• قابل ذکر است که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در زنجیره بخش معدن، اعم از اکتشاف، استخراج و فرآوری می‌توان ضمن توسعه فعالیت معادن کنونی و فعال نمودن مجدد معادن متروکه و غیرفعال موجود در کشور که بالغ بر ۳۰۰۰ معدن است، در شرایط کنونی ظرفیت‌های اشتغال جدید زیادی ایجاد نمود. که در این راستا بدهی است با افزایش هرگونه اشتغال، بسیاری از معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از بیکاری نیز در کشور کاهش خواهد یافت.

• با توسعه فناورانه فعالیت‌های اکتشافی و افزایش کارایی تولید معادن و صنایع معدنی، می‌توان مواد اولیه موردنیاز بسیاری از صنایع کشور را که امروزه به‌صورت واردات تأمین می‌شود، به‌صورت پایدار و مطمئن تأمین کرد. شایان ذکر است، هم‌اکنون صنایع آلومینیم کشور برای تأمین مواد اولیه خود همواره با مشکل تأمین بوکسیت و آلومینا از منابع داخلی روبرو بوده‌اند و الزاماً بخش زیادی از خوراک آن‌ها از طریق واردات به کشور، تأمین می‌گردد. حال در صورتی که بتوان فناوری استحصال آلومینا از سایر منابع بالقوه آلومینیم از جمله رس‌ها، آلونیت و سنگ‌های پرآلومین (که منابع بسیار زیادی از آن‌ها را در اقصی نقاط کشور در اختیار داریم) را به‌دست آورده و آن را بومی و تجاری‌سازی کنیم، به‌طور قطع مشکل کارخانجات آلومینیم کشور نیز به‌صورت کلی و پایدار حل خواهد شد.

• امروزه فناوری‌های نو می‌تواند در اختیار کامل بخش معدن قرار گرفته و از ارکان توسعه پایدار بخش معدن محسوب می‌شود، در شرایط کنونی در کشورهای معدن‌خیز و توسعه‌یافته شیوه‌های نوین تأمین مالی و برقراری نظام‌های بیمه‌ای برای حمایت از ریسک‌های معدنی اعم از اکتشاف، استخراج و فرآوری مواد معدنی کاربرد بالایی داشته و در واقع ساختارهای سرمایه‌گذاری و صاحبان سرمایه می‌بایست با فناوری‌های جدید آشنا شده و ضمن پذیرش ریسک مربوطه، از مزایای فناوری‌های پیشرفته در بخش معدن و در بازارهای رقابتی بهره‌مند شوند.

امروزه مباحث فناوری سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای که توسط

در مورد ضرورت

ورود فناوری و

تکنولوژی در

ماشین‌آلات در

معادن متأسفانه

به دلایل مختلف

در معادن کشور

تاکنون این مهم

به‌موقع صورت

نگرفته و امروز

شاهد بحران

کمبود ماشین‌آلات

نوین و موردنیاز در

معادن می‌باشیم؛

از جمله دلایل این

فقدان می‌توان

به عدم شناخت

کامل متولی بخش

به‌نیاز صنعت‌گران

این حوزه

استراتژیک نام برد

که خوشبختانه

طی شش ماه

اخیر با تصمیمات

هوشمندانه و

سریع متولی

در حال جبران

می‌باشد.



گفت‌وگو با دکتر «اردشیر سعد محمدی»
مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران

آینده مطمئن شرکت ملی صنایع مس ایران

مجموع ذخیره محتوایی مس شرکت ملی صنایع مس ایران به بیش از ۴۳ میلیون تن از ۴۴ میلیون ذخیره محتوایی کشور می‌رسد. کشورمان اکنون دارای رتبه هفتم ذخایر مس دنیاست که با تکمیل فعالیت‌های اکتشافی در اطراف معدن مس سرچشمه، دستیابی به رتبه بالاتر قطعی است. بیش از ۹۷ درصد تولید کاتد کشور در سال ۲۰۲۱ مربوط به شرکت ملی مس ایران است که کل آن در استان کرمان تولید گردیده است. بیش از ۷۴ درصد تولید کنسانتره شرکت در سال ۱۴۰۰ نیز در این استان انجام شده است. با اکتشاف‌های جدید، کشورمان حداقل تا ۸۰-۹۰ سال آینده برخوردار از وجود این ماده معدنی است، لذا شروع ورود به احداث‌های جدید را پیش‌بینی کرده‌ایم؛ شرکت ملی صنایع مس ایران آینده مطمئنی را در پیش خواهد داشت.

انتظار می‌رود که میانگین رشد سالانه جهانی مصرف کاتد طی ۱۵ سال آینده به ۱,۷ درصد برسد و از ۲۲,۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۰ به ۲۸,۹ میلیون تن در سال ۲۰۳۵ افزایش یابد.

تغییرات نرخ ارز، تغییرات قیمت جهانی مس و قیمت حامل‌های انرژی، تشدید تحریم‌های تجاری، اکتشاف ذخایر پنهان و عمیق و اسکارن، سیاست‌های بانک مرکزی در رابطه با تنظیم بازار ارز و آثار مخرب ویروس کرونا بر تعاملات و اقتصاد کشور و دنیا، مهم‌ترین چالش‌ها در فرآیند تولید و تجارت است. ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن، جلوگیری از بخشی‌نگری در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با فعالیت‌های معدنی، جلوگیری از تصمیمات سلیقه‌ای و غیرکارشناسی، حمایت همه‌جانبه از تولیدات و توسعه جاری شرکت‌ها و عدم صدور دستورالعمل‌های مغایر با رونق تولید، به‌عنوان راه‌کارهای عبور از موانع و چالش‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار است. شرح کامل گفت‌وگو با دکتر اردشیر سعدمحمدی مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران را در ادامه بخوانیم.

تن مس محتوای معدنی رتبه ۱۴ تولیدات معدنی و با تولید بیش از ۲۹۸ هزار تن کاتد رتبه ۱۷ تولید مس پالایش‌شده را در دنیا دارا بوده به‌طوری‌که سهم تولید مس محتوای معدنی ۱,۵۷ درصد و سهم تولید مس پالایش‌شده ایران در دنیا در این سال ۱,۲۲ درصد بوده است. قطعاً با توجه به ظرفیت‌های جدید ایجادشده در کارخانجات تغلیظ درآلو، دره‌زار و فلوتاسیون سرپاره سرچشمه دستیابی به رتبه‌های بالاتر دور از دسترس نیست.

در این سال سهم تولید شرکت ملی صنایع مس ایران از کل تولید مس محتوای معدنی کشور رقم ۲۹۶ هزار تن است و سهم شرکت از تولید کل مس کاتدی کشور رقم ۲۸۹ هزار تن می‌باشد، به‌عبارت‌دیگر بیش از ۹۷ درصد تولید کاتد کشور مربوط به شرکت ملی صنایع مس ایران می‌باشد.

سهم استان کرمان از مجموع تولید کنسانتره شرکت در سال ۱۴۰۰ بیش از ۷۴ درصد است و نیز کل کاتد در استان کرمان تولید می‌گردد.

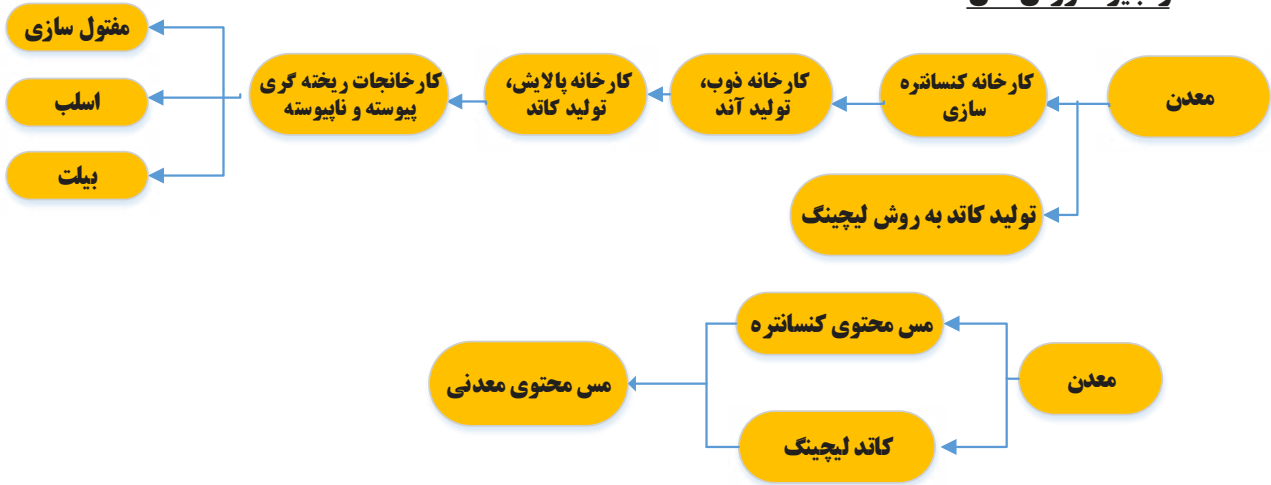
◆ کشورمان چه سهمی از ذخایر شناخته‌شده، استخراج و نیز تولید مس جهان را دارد و استان کرمان چه سهمی از کشورمان؟

با احتساب ۴۲۰۰ میلیون تن ذخایر اکتشافی کشف‌شده در ۲,۵ سال گذشته، مجموع کل ذخیره محتوایی مس شرکت ملی صنایع مس ایران بیش از ۴۳ میلیون تن و کشور ایران بیش از ۴۴ میلیون تن ذخیره مس محتوای معدنی آن خواهد شد. هم‌اکنون کشور ایران دارای رتبه هفتم ذخایر مس دنیا است. با ثبت ذخایر فوق و تکمیل فعالیت‌های اکتشافی در اطراف معدن مس سرچشمه، دستیابی به رتبه‌های بالاتر قطعی است که این مهم برنامه‌ریزی‌شده و در دستور کار شرکت است.

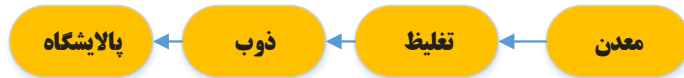
در سال ۲۰۲۱ کشور ایران با تولید بیش از ۳۳۴ هزار



زنجیره ارزش مس



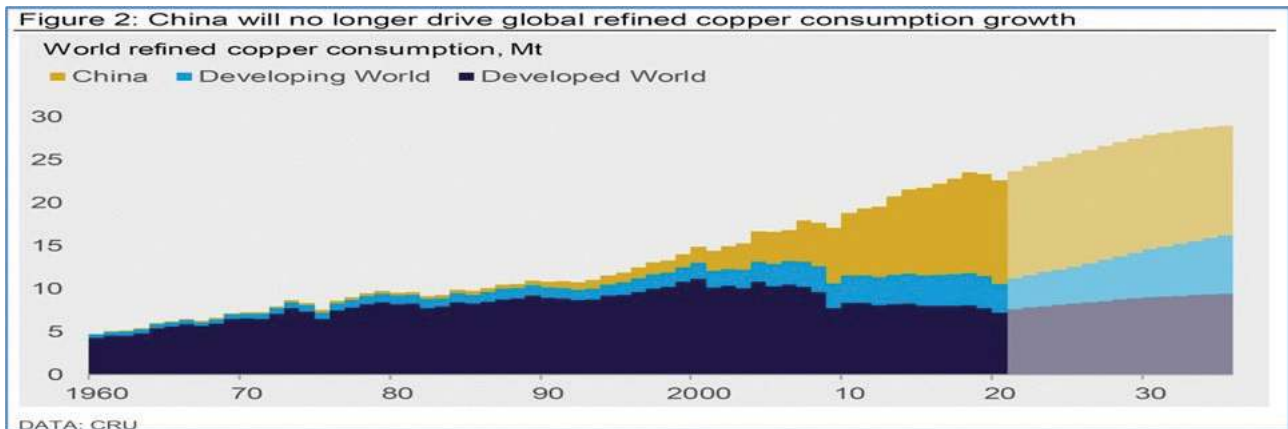
خط پیرو متالوژی



رتبه ۱۷ دنیاست. با به کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته در ذوب و کارخانجات تغلیظ زنجیره ارزش مس کشور از اطمینان لازم برخوردار است. بهره‌گیری از توان داخلی و بومی‌سازی قدم‌به‌قدم کارخانجات از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که با جدیت در حال انجام است.

♦♦ در مورد چگونگی زنجیره ارزش مس در کشورمان توضیح دهید و اینکه در این زمینه در مقایسه با جهان پیشرفته در چه فاصله‌ای قرار داریم؟
ایران در تولید آند (بلیستر) با میزان ۳۶۱ هزار تن در رتبه ۱۲ دنیاست و با تولید بیش از ۲۹۸ هزار تن کاتد در





نمودار مصرف جهانی کاتد (میلیون تن) تا سال ۲۰۳۵

بازگردانده می‌شود. در ریخته‌گری‌ها و در خط مفتول‌سازی دورریز و ضایعات وجود ندارد و چنانچه در ابتدای ریخته‌گری میزانی از مفتول لازم باشد «قیچی شود» این میزان بازم به کوره‌های ذوب بازمی‌گردد و دوباره قابل استفاده است. لذا در این صنعت بازیافت کامل صورت می‌گیرد و دورریز به‌عنوان ضایعات در حداقل ممکن است و یا اصلاً وجود ندارد.

♦♦ به نظر جنابعالی در حوزه انرژی‌های تجدید پذیر در جهت بهره‌برداری در معادن و صنایع مربوطه در کشور و بویژه در استانی چون کرمان چه می‌توان کرد و چگونه؟

♦♦ به نظر شما به اقتصاد چرخشی در حوزه معادن چگونه نگاه شده است و تناسب ظرفیت‌های قابل بازیافت و میزان بازیافت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مس از مهم‌ترین عناصری است که به‌هیچ‌عنوان دورریز ندارد. برای مثال در کارخانجات تغلیظ سنگ سولفور ورودی تبدیل به کنسانتره می‌گردد و حداکثر ممکن در این مسیر تصفیه می‌شود میزان اتلاف با توجه به وجود تیکنرهای مختلف در مسیر عملیات به حداقل ممکن می‌رسد و مطابق با استانداردهای روز دنیا است. در کارخانجات ذوب سرباره و مواد سرد دوباره به کوره‌های کنورتر



● معدن مس سرچشمه ●

شرکت ملی صنایع مس ایران اخیراً در این باره برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی دستورات عملیاتی لازم را صادر کرده است و مطالعات در این خصوص در حال انجام است که نتایج آن با توجه به شرایط جوی منطقه قطعاً امیدبخش است.

◆ در مورد بازار جهانی مس و جایگاه کشورمان در این بازار توضیح دهید به‌طور کلی مهم‌ترین مشکلات بازارهای داخلی و جهانی مس چیست؟

در بخش تقاضا، پیش‌بینی می‌شود که مصرف جهانی کاتد طی یک و نیم دهه آتی، حدود ۶٫۳ میلیون تن یا ۲۸ درصد افزایش داشته باشد. این موضوع ناشی از شناسایی بیشتر پتانسیل رشد انرژی سبز و چشم‌انداز قدرتمندتر تقاضای چین است. رشد تقاضای بلندمدت مس ناشی از دو عامل اصلی است: رشد اقتصادی گسترده‌تر و تغییرات شدت مصرف. در شرایط عادی GDP جهانی طبق نرخ ارز، باید تا ۱۵ سال آتی ۵۵ درصد افزایش یابد و تا اواسط قرن بیش از دوبرابر شود. در کشورهای توسعه‌یافته، با فرض استمرار کاهش‌های اخیر در شدت مصرف مس که ناشی از کاهش بیشتر فعالیت صنعتی و کاهش تقاضای فلزات به ازای هر دلار تولید است، کل تقاضای فلزات تا سال ۲۰۳۵ به پایین‌تر از سطوح بالای پیش از بیماری کووید-۱۹ خواهد رسید؛ اما انتظار می‌رود که تغییر به انرژی سبز، تقاضا را افزایش دهد (از جمله در چین). حدود ۵۰ درصد از رشد مصرف جهانی مس تصفیه‌شده، در کشورهای درحال توسعه خارج از چین صورت خواهد گرفت که شامل آمریکای جنوبی و مرکزی، آفریقا، خاورمیانه، هند و دیگر کشورهای نوظهور آسیایی است. رشد اقتصادی گسترده‌تر می‌تواند محرک اصلی افزایش مصرف فلزات باشد. علاوه بر این، درآمد در برخی از این کشورها در نقطه عطف و یا نزدیک به آن قرار دارد که افزایش شدت مصرف مس در این نقطه آغاز می‌شود، اما در نبود تغییر اساسی در سیاست‌های دولت، افزایش ظرفیت تولید برق به سمت سوخت‌های فسیلی حرکت خواهد کرد که ناشی از منابع طبیعی غنی کشورهایمانند هند و اندونزی است. در مجموع، انتظار می‌رود که میانگین رشد سالانه جهانی مصرف کاتد طی ۱۵ سال آینده به ۱٫۷ درصد برسد و از ۲۲٫۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۰ به ۲۸٫۹ میلیون تن در سال ۲۰۳۵ برسد. این نرخ رشد از پیش‌بینی ۱٫۳ درصدی سال گذشته بیشتر است که دلیل اصلی آن، تأثیر کووید-۱۹ بر تقاضای مس در سال ۲۰۲۰ است.

◆ در مورد استراتژی بین‌المللی در معدن و صنایع معدنی و اینکه این استراتژی چه تأثیری بر تولید و تجارت تولیدات معدنی کشور دارد چه توضیحی ارائه می‌فرمایید؟

استراتژی دنیا بر اساس تولید حداکثری است و سبذفروشی در کشورهای آمریکای لاتین به کشور چین در مرحله اول است. این استراتژی به مقدار تولید کنسانتره ارسال شده به کشور چین و ژاپن و نیز تولید کاتد با حداقل هزینه استوار است. شرکت ملی صنایع مس ایران نیز از این استراتژی پیروی می‌کند، اگرچه فعلاً فروش شرکت با توجه به کمبود کنسانتره، کاتد محوری است. با اتمام احداثات جدید و افزایش تولید کنسانتره، سبذفروشی شرکت با توجه به شرایط حاکم آن روز، استراتژی لازم را می‌توان اتخاذ نمود.

◆ بدیهی است که چالش‌های بنگاه‌های بزرگ متفاوت از بنگاه‌های کوچک است. اگر ممکن است بفرمایید مهم‌ترین محدودیت‌ها و مشکلات بنگاه‌هایی چون شرکت ملی مس در فرآیند تولید و تجارت چیست؟

۱. تغییرات نرخ ارز،
۲. تغییرات قیمت جهانی مس،
۳. تغییرات قیمت حامل‌های انرژی،
۴. تشدید تحریم‌های تجاری و اثرات مختلف آن بر شرکت (صرفاً در میان‌مدت) تحریم‌های بین‌المللی (دشواری خرید برخی تجهیزات و دستگاه‌ها، محدود شدن قدرت انتخاب و چانه‌زنی، مشکل و هزینه‌بر شدن حمل‌ونقل کالا و ارز، افت درآمد فروش و ...)
۵. اکتشاف ذخایر پنهان، عمیق و اسکارن که در انحصار شرکت‌های بزرگ اکتشافی دنیا است،
۶. تأثیر سیاست‌های بانک مرکزی در رابطه با تنظیم بازار ارز بر فعالیت‌های مالی شرکت،
۷. آثار مخرب ویروس کرونا بر تعاملات و اقتصاد کشور و دنیا.

◆ برای برون‌رفت بخش معدن و صنایع معدنی کشور چه راهکارهایی وجود دارد؟

با توجه به مزیت‌های فراوان بخش معدن کشور به جهت تنوع مواد معدنی و ذخایر بسیار بالای آن و وجود انرژی مناسب در ایجاد اشتغال مولد، محرومیت‌زدایی نقش و اهمیت بخش معدن در اقتصاد کلان مملکت آشکارتر می‌شود. کشور با توجه به ظرفیت‌ها و شرایط صنعت معدن به جایگزینی معدن به جای نفت نیاز مبرم دارد و در این خصوص ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن، جلوگیری از حاکم شدن مسئله بخشی‌نگری در همه دستگاه‌های اجرایی مرتبط با فعالیت‌های معدن و جلوگیری از تصمیمات سلیقه‌ای و غیرکارشناسی و نیز عدم صدور دستورات عملیاتی مغایر با رونق تولید و نهایتاً حمایت هم‌جانبه از تولیدات و توسعه‌های جاری شرکت‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار است.

خوشبختانه با اکتشافات جدید حداقل تا ۹۰-۸۰ سال آینده کشور ما از این نعمت الهی برخوردار است برای همین شروع ورود به احداثات جدید را پیش‌بینی کرده‌ایم و پروژه‌های احداث کارخانجات تغلیظ سونگون فاز ۳ و ۴، سرچشمه فاز ۳ و میدوک فاز ۲ جهت کنسانتره سازی به میزان یک میلیون و صد هزار تن تولید کنسانتره جدید تعریف شده است. بر این اساس شرکت ملی صنایع مس ایران آینده مطمئنی در پیش خواهد داشت.



● مجتمع مس سرچشمه | عکس: حامد سعادت

اکتشافات معدنی مس را چگونه ارزیابی می‌کنید اگر ممکن است در کل در مورد آینده‌نگاری حوزه مس توضیح دهید. خوشبختانه با اکتشافات جدید حداقل تا ۸۰-۹۰ سال آینده کشور ما از این نعمت الهی برخوردار است برای همین شروع ورود به احداثات جدید را پیش‌بینی کرده‌ایم و پروژه‌های احداث کارخانجات تغلیظ سونگون فاز ۳ و ۴، سرچشمه فاز ۳ و میدوک فاز ۲ جهت کنسانتره سازی به میزان یک‌میلیون و صد هزارتن تولید کنسانتره جدید تعریف شده است. بر این اساس شرکت ملی صنایع مس ایران آینده مطمئنی در پیش خواهد داشت. طرح جامع مس تا سال ۱۴۱۰ تعریف و ابلاغ شده است و برنامه توسعه شرکت از سال ۱۴۱۰ به بعد در حال مطالعه فنی و اقتصادی و بررسی هم‌جانبه است.

◆ از همان ابتدا از مجتمع مس سرچشمه با انتظار ایفای نقش محوری در توسعه منطقه یاد شده است، لطفاً بفرمایید که صنعت مس در جهت تحقق این امر چه نتایجی را از برنامه‌ها و اقدامات خود رقم زده است؟

توسعه پایدار همواره بر اساس ذخایر و داشتن منابع لازم و نیز زیرساخت‌ها تحقق می‌یابد و از طرف دیگر مباحث اقتصادی و اجتماعی دو رکن دیگر توسعه پایدار است که در شرکت مس به آن‌ها توجه لازم معطوف شده است. مجتمع مس سرچشمه نیز در این مسیر به گواه کلیه دست‌اندرکاران بسیار مطلوب عمل کرده است. ایجاد اشتغال و توسعه مناطق جوارکارخانه‌ای، ایجاد ارزش‌افزوده بالا و افزایش ریکاوری و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های برتر در این مجتمع زبان زد عام و خاص است. ◆◆

◆ ارتباط صنعت و دانشگاه بویژه در بخش معدن و صنایع معدنی را چگونه ارزیابی می‌کنید، دانشگاه چگونه می‌تواند در تولید، فرآوری و به‌روزرسانی در بخش معدن و صنایع معدنی حضور داشته باشد؟ ارتباط بین دانشگاه و بخش معدن و صنایع معدنی در کشور ایران با توجه به ظرفیت‌های موجود کشور کافی به نظر نمی‌رسد و در جهت تقویت رابطه دانشگاه و بخش معدن و صنایع معدنی لازم است:

۱. اطلاع دانشگاه‌ها از آخرین تکنولوژی‌های روز دنیا در خصوص معدن و صنایع معدنی،
۲. برگزاری کرسی‌های فرآوری معدنی در دانشگاه‌ها جهت اطمینان از وجود دانش روز در این حوزه‌ها،
۳. ارتباط دانشگاه‌های فنی و صنعتی کشور با دانشگاه‌های رتبه بالای فنی دنیا.

زمانی ارتباط بین دانشگاه و معدن و صنایع معدنی مستحکم‌تر می‌گردد که متولیان بخش معدن و صنایع معدنی به تسلط دانشگاه بر دانش روز دنیا پی ببرند، در این خصوص ارتباط دانشگاه‌های داخلی با دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌تواند مؤثر باشد. ارزیابی کلی این ارتباط هم‌اکنون از درجه مناسبی برخوردار نیست، اگرچه در مباحث مختلف ارتباطات شرکت ملی صنایع مس ایران با دانشگاه‌های کشور در حد خوب ارزیابی می‌شود که خود لازم است، اما کافی نیست، به دلایلی که توضیح داده شد.

◆ روند رشد معدن‌کاری و صنایع جنبی در حوزه مس کشور چقدر متناسب است؟ با روند فعلی استخراج، ظرفیت‌های شناخته شده چه مدت دیگر تهی خواهد شد؟ وضعیت

بررسی نقش مجتمع مس سرچشمه در تکمیل زنجیره ارزش صنعت مس در ایران

♦ دکتر مسعود رضایی زاده

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی و فناوری پیشرفته، معاون فناوری پارک علم و فناوری، مشاور امور تحقیقات و توسعه مجتمع مس سرچشمه



بر اساس داده‌های مربوط به شاخص‌های خرید مدیران (PMI) کشورهای مختلف از جمله

چین و آمریکا نشان می‌دهد، قیمت جهانی مس در حال افزایش بوده و بر اساس آخرین شماره نشریه

اپکس (APEX)، پیش‌بینی می‌گردد قیمت جهانی در سال ۲۰۲۵ به مرز ۸ هزار دلار به ازای هر تن برسد.

با توجه به عوامل ذکر شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری در هر دو حوزه یعنی تولید مس محتوا و صنایع پایین‌دستی، کاملاً توجیه‌پذیر است.

توسعه روزافزون تکنولوژی‌های نوین با الگوهای مصرف، باعث افزایش چشمگیر رشد مصرف و قیمت جهانی مس شده است و به‌عنوان یک محصول صادراتی غیرنفتی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. عوامل مهمی نظیر رشد جمعیتی، آینده پاک و سبز کره زمین از طریق جایگزینی سوخت‌های فسیلی و کاهش انتشار کربن و گازهای گلخانه‌ای، تولید روزافزون وسایل نقلیه الکتریکی (EVs)، توسعه صنایع برق و الکترونیک در حوزه



رایانه، تلفن همراه، شبکه‌های ارتباطی، دیجیتال شدن و ایجاد فناوری‌های نوظهور باعث افزایش مصرف این فلز ارزشمند شده و از طرفی نشان می‌دهد محورهای توسعه صنایع پایین‌دستی به کدام سمت‌وسو در حال گسترش است.

همچنین پیش‌بینی می‌شود عواملی نظیر مشکلات احتمالی کشور شیلی به‌عنوان تولیدکننده بیش از یک‌چهارم نیاز جهانی، به دلایلی نظیر کاهش سرمایه‌گذاری در این حوزه ناشی از اعلام مقررات جدید به بخش معدن و ریسک سیاسی، بهره‌وری پایین معادن قدیمی، کمبود آب، مشکلات کارگری و منابع انسانی و همچنین ممنوعیت صادرات و استخراج در سایر کشورهای تولیدکننده مانند استرالیا، کنگو و پرو و همچنین مشکلات حوزه فرایند ذوب و پالایش باعث شکاف عرضه و تقاضا به میزان ۸،۲ میلیون تنی در سال ۲۰۳۰ گردد. علاوه بر این بر اساس داده‌های مربوط به شاخص‌های خرید مدیران (PMI) کشورهای مختلف از جمله چین و آمریکا نشان می‌دهد، قیمت جهانی مس در حال افزایش بوده و بر اساس آخرین شماره نشریه اپکس (APEX)، پیش‌بینی می‌گردد قیمت جهانی در سال ۲۰۲۵ به مرز ۸ هزار دلار به ازای هر تن برسد. با توجه به عوامل ذکر شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری در هر دو حوزه یعنی تولید مس محتوا و صنایع پایین‌دستی، کاملاً توجیه‌پذیر است. از طرفی برخورداری کشور از ذخایر غنی مس، اکتشاف منابع جدید، بومی‌سازی تدریجی صنعت و تکنولوژی فرآوری مس از مرحله اکتشاف تا مرحله تولید مس محتوا و زیرساخت‌های موجود، ضرورت

مناسب دارد. کشورهای پیشرفته جهت دستیابی به این صنایع مسیر ایجاد و تکنولوژی را بر اساس برنامه‌ریزی و طی سال‌های متمادی طی نموده و به آن دست یافته‌اند، لذا برای ایجاد این صنایع در کشور شاید مناسب‌ترین روش، برنامه‌ریزی در حوزه انتقال تکنولوژی، تحقیق و توسعه پایدار و همزمان ایجاد صنایع کوچک و متوسط مورد نیاز جهت همگام شدن با سایر کشورها باشد. در این میان اهمیت واحدهای تحقیق و توسعه شرکت ملی مس ایران، مراکز نوآوری، شرکت‌های فن‌اور و دانش‌بنیان از یک‌طرف و توسعه و ساماندهی روش‌های سرمایه‌گذاری از طرف دیگر، در این حوزه‌ها بسیار مهم خواهد بود. ترغیب بخش خصوصی از طریق روش‌های هم سرمایه‌گذاری به‌خصوص در صنایعی که نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد دارند از روش‌های مناسب توسعه سرمایه‌گذاری در این حوزه است. از طرفی ایجاد شبکه و اکوسیستم فناوری به‌منظور توسعه صنایع پایین‌دستی بسیار مهم است. در همین راستا ظرفیت بالای منابع انسانی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور با ایجاد یک شبکه مناسب فناوری، مهارت‌آموزی و توانمندسازی و نوآوری می‌تواند اوضاع فعلی را متحول نماید.

در سال‌های اخیر مجتمع مس سرچشمه با برنامه‌ریزی هدفمند از طریق واحدهای تحقیق و توسعه، آموزش، منابع انسانی، تشکیل کارگروه پژوهش و فناوری و ایجاد مرکز نوآوری شهید ستاری، توانسته با تعریف اکوسیستم فناوری مجتمع، ایجاد شبکه آموزش و مهارت‌آموزی گسترده، کمک به توانمندسازی صنایع بومی و دانشگاه‌ها از طریق برگزاری کارگاه‌های تخصصی، استقرار شرکت‌های فن‌اور برگزیده در صنایع وابسته به مس در مرکز نوآوری و ارتباط با شرکت‌های دانش‌بنیان و فن‌اور، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی براساس مدل اکوسیستم فناوری و همچنین برگزاری رویدادهایی نظیر رویداد «ایده‌های برگزیده در حوزه صنعت مس» و حمایت از آن‌ها گام‌های نخست را در راستای اهداف مذکور بردارد.

پیشنهاد می‌گردد بر اساس مدل اکوسیستم فناوری تدوین شده، شناسایی ایده‌ها از طریق برگزاری رویدادهای تخصصی در حوزه صنایع پایین‌دستی صورت گرفته و پس از آن با حمایت و نظارت پیوسته و کمک به سرمایه‌گذاری مشترک تا رسیدن به مرحله تولید نهایی اقدام گردد. در آخر می‌توان به‌منظور توسعه بیشتر صنایع پایین‌دستی به چند نکته کلیدی اشاره نمود: شناسایی و اولویت‌بندی صنایع پایین‌دستی بر اساس محورهای توسعه جهان در صنعت صنایع پایین‌دستی مس، برنامه‌ریزی جهت انتقال تکنولوژی‌های لازم و درنهایت ایجاد یک اکوسیستم فناوری مبتنی بر شرکت‌های فن‌اور و دانش‌بنیان و صنایع کوچک و متوسط به‌منظور توسعه فناوری و همگام شدن با تکنولوژی‌های روز دنیا. ♦♦

برنامه‌ریزی و توسعه هدفمند بر اساس محورهای توسعه جهانی در زمینه صنایع پایین‌دستی را نشان می‌دهد. بدیهی است تشکیل زنجیره ارزش مس نه تنها منجر به افزایش ارزش افزوده محصول محتوی می‌گردد بلکه دستاوردهایی نظیر ایجاد کسب‌وکارهای جدید، افزایش اشتغال، توسعه منابع انسانی، توانمندی صنایع کشور و استان، تکمیل شبکه تولید، توسعه تکنولوژی‌های نوین، کاهش واردات و ارزآوری را به همراه خواهد داشت. در حال حاضر کمتر از ۴۰۰ هزار تن مس محتوی در کشور تولید می‌شود که کمتر از یک‌سوم آن در صنایع پایین‌دستی کشور مصرف می‌گردد. با توجه به توسعه تولید مس محتوی در سال‌های آتی، ضرورت توجه به صنایع پایین‌دستی بیشتر احساس می‌گردد.

از مهم‌ترین صنایع پایین‌دستی می‌توان به تولید لوله، مفتول، ورق و فویل، کابل و تجهیزات برق و الکترونیک، تجهیزات فتوولتائیک، خودروهای برقی، صنعت باتری‌سازی، صنایع غذایی و آرایشی، پزشکی، کودهای شیمیایی، فلزات گران‌بها و صنایع دستی و غیره اشاره نمود. تکنولوژی ایجاد و توسعه بعضی از محصولات مذکور در حال حاضر در کشور وجود دارد و قابل توسعه است، صنایعی مانند تولید لوله، مفتول، ورق، کابل، بعضی از فلزات گران‌بها مانند مولیبدن، رنیوم، اسیدسولفوریک، اسید فسفریک، کودهای شیمیایی فسفاته، بخشی از صنایع باتری‌سازی و صنایع دستی در حال حاضر فعال و در حال توسعه هستند که می‌توانند به‌طور مؤثر به زنجیره ارزش مس کمک کنند، اما در بعضی از حوزه‌ها مانند حمل‌ونقل الکتریکی، تجهیزات فتوولتائیک و تولید انرژی تجدیدپذیر، صنایع دیجیتال و شبکه‌های ارتباطی و فناوری‌های نوظهور، جایگاه مناسبی نداشته و نیاز به ایجاد زیرساخت و برنامه‌ریزی سریع در این حوزه داریم. در سال‌های اخیر با حمایت شرکت ملی مس ایران و همکاری بخش خصوصی در حوزه توسعه صنایع پایین‌دستی، مانند صنایع تولید لوله، مفتول و کابل، تولید اسیدسولفوریک، اسید فسفریک، کودهای شیمیایی و فلزات گران‌بها، اقدامات شایسته‌ای انجام شده، اما با توجه به ظرفیت‌های اشاره شده در این حوزه، در ایجاد و توسعه صنایع پایین‌دستی نیاز به اقدامات برنامه‌ریزی شده و گسترده است. همان‌طور که ذکر شد تنها در حوزه انرژی تجدیدپذیر و حمل‌ونقل الکتریکی (شامل حمل‌ونقل خودروهای سبک شهری و ریلی) بیش از ۲۰ میلیون تن مس در سال ۲۰۳۵ مورد نیاز است که بیانگر اهمیت توسعه صنایع پایین‌دستی در این دو حوزه است. نکته قابل ملاحظه این است که در این حوزه‌ها نیاز به انتقال تکنولوژی و ایجاد شبکه فناوری هدفمند است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد و بدیهی است، صنایع مذکور به لحاظ تکنولوژی‌های تک (تکنولوژی بالا) نیازمند به ایجاد زیرساخت

در سال‌های

اخیر مجتمع

مس سرچشمه

با برنامه‌ریزی

هدفمند از طریق

واحدهای تحقیق

و توسعه، آموزش،

منابع انسانی،

تشکیل کارگروه

پژوهش و فناوری و

ایجاد مرکز نوآوری

شهید ستاری،

توانسته با تعریف

اکوسیستم فناوری

مجتمع، ایجاد

شبکه آموزش

و مهارت‌آموزی

گسترده و

همچنین برگزاری

رویدادهایی نظیر

رویداد «ایده‌های

برگزیده در حوزه

صنعت مس» و

حمایت از آن‌ها

گام‌های نخست را

در راستای اهداف

مذکور بردارد.





گفت‌وگو با «علی عباسلو» نایب‌رئیس اول اتاق کرمان و مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان

جهان فولاد پیشگام

با علی عباسلو مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان، گفت‌وگو کرده‌ایم، او می‌گوید: اگر در بخش اکتشافات و شناسایی ذخایر جدید کوتاهی کنیم، در آینده‌ای که بیش از ۲۰ تا ۲۵ سال نخواهد پایید، با مشکل مواد اولیه معدنی روبرو می‌شویم. درحالی‌که بخشی از صنایع فولادی مطابق استانداردهای روز دنیا احداث شده و ظرف سال‌های فعالیت، تجهیزات و تکنولوژی آن‌ها به‌روز شده است، اما بخش قابل‌توجهی از تولید فولاد کشور توسط واحدهای کوچک القایی با تجهیزات دست‌دوم انجام می‌شود که اگر قرار باشد در شرایطی برابر، به رقابت با تولیدکنندگان جهانی بپردازند، تاب‌آوری لازم را ندارند؛ اگرچه در شرایط کنونی بازار کشور، این واحدها سودده هستند. زنجیره تولید فولاد در استان کرمان به‌طور کامل وجود دارد و برنامه‌ریزی و انجام پروژه‌های جدید فولادی در منطقه، این نوید را می‌دهد که تا پایان سال ۱۴۰۴، تقریباً ۳۰ درصد صنعت فولاد کشور در کرمان شکل می‌گیرد که باید به‌سوی توسعه صنایع پایین‌دستی؛ توسعه و تأسیس کارخانه‌هایی که مواد مصرفی و قطعات یدکی برای ۱۲ میلیون تن فولاد را تولید می‌کنند، حرکت نماییم.

وی یادآوری می‌کند که صدمات ناشی از عدم توسعه انرژی متوجه صنعت فولاد است؛ قطع برق در تابستان و قطع برق و گاز در زمستان موجب شده است که با وجود برنامه‌ریزی‌ها نتوانیم تعهدات داخلی و خارجی خود را به انجام رسانیم. همچنین چالش‌های عمومی که متوجه صنایع دیگر هم هست؛ مانند تغییر سریع و یک‌شبه قوانین و مقررات بانکی و گمرکی، تصمیم‌گیری‌های آبی و بدون کارشناسی و دخالت در قیمت‌گذاری‌ها، از جمله مشکلاتی هستند که اثرات منفی بر تولید دارند. عباسلو در مورد جایگاه شرکت تحت مدیریت خود در تولید و صادرات تولیدات فولادی و توسعه فناوری و بومی‌سازی تکنولوژی، برندسازی و حضور در بازار جهانی نیز توضیح داده است. دعوت می‌شود مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه نمایید.

درصد از آهن اسفنجی کشور، ۵۱/۱ درصد از تولید شمش بیلت استان و ۴/۵ درصد از شمش بیلت کشور و بیش از ۹۰ درصد تولید میلگرد استان کرمان و ۳/۱ درصد از تولید میلگرد کشور را به خود اختصاص داده است.

در سال ۱۳۹۹ استان کرمان نیز ۱۵ درصد از آهن اسفنجی کشور و ۸/۸ درصد از شمش فولاد کشور و ۳/۵ درصد میلگرد کشور را تولید کرده است.

♦♦ در زمینه توسعه فناوری، بومی‌سازی تکنولوژی، ارتقاء دانش در فضای کار و استفاده از فناوری‌های پیشرفته و تکنولوژی روز جهان در مجتمع جهان فولاد سیرجان توضیح دهید. خوشبختانه شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در زمینه بومی‌سازی در راستای اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های

♦♦ تولید مجتمع جهان فولاد سیرجان در سال گذشته و نیز شش‌ماهه اول سال جاری ققدر بوده و چه سهمی از تولید فولاد استان را به خود اختصاص داده است، ضمناً تولید فولاد استان کرمان چه سهمی از تولید فولاد کشور است؟

در سال، ۱۳۹۹ تولید آهن اسفنجی شرکت به میزان ۹۵۷۵۳۴ تن، تولید شمش فولادی به میزان ۸۵۰۷۷۷ تن و میزان تولید میلگرد ۲۹۱۰۰۷ تن بوده و در شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۰ نیز میزان تولید آهن اسفنجی ۵۲۰۱۳۰ تن، شمش فولادی ۳۸۲۰۴۳ و میلگرد ۱۳۴۶۹۹ تن بوده است.

به استناد کتاب سال فولاد ایران در سال ۱۳۹۹ جهان فولاد سیرجان ۲۰ درصد از تولید آهن اسفنجی استان و ۳



با توجه به اینکه در استان کرمان، ظرفیت تولید ۱۲ میلیون تن فولاد پیش‌بینی شده است که بخشی از آن در حال اجرا و بخشی نیز به مرحله تولید رسیده است و با وجود تعداد زیاد کارخانه‌هایی که در کرمان، سیرجان، زرنند و ... احداث شده‌اند، می‌طلبید برای تأمین مواد اولیه آن‌ها برنامه‌ریزی اساسی و اصولی صورت گیرد. در حال حاضر که این شرکت‌ها در سوددهی به سر می‌برند، بهترین خدمتی که این شرکت‌ها می‌توانند به سهامداران خود بنمایند، سرمایه‌گذاری در بخش اکتشافات و دسترسی به معادن جدید است.

از طرفی با توجه به وجود بیشترین ذخایر شناسایی شده قابل برداشت سنگ آهن ایران در منطقه گل گهر و ایجاد صنایع فولادی در مجاورت معدن گل گهر، مهم‌ترین چالش پیش رو صنایع فولادی تأمین آب بوده که با انتقال آب خلیج فارس مشکل حل گردیده و تناسب خوبی در تولید فولاد و وجود معدن سنگ آهن در استان وجود دارد.

♦♦ ارزیابی جنابعالی از پشتوانه تأمین مواد اولیه صنعت فولاد در استان در آینده چیست؟

مجموع ذخایر قطعی مواد معدنی استان کرمان ۵,۸ میلیارد تن تعیین شده که ۸۳,۵ درصد این ذخایر مربوط به مس، آهن، زغال سنگ و کرومیت است. با توجه به این ذخایر، تأمین مواد اولیه فولاد در استان با مشکل روبه‌رو نخواهد بود. از طرفی شرکت جهان فولاد به واسطه سهام‌داری ۵۱ درصدی شرکت معدنی و صنعتی گل گهر برای تأمین مواد اولیه که گندله می‌باشد مشکلی ندارد. البته در حالت خوش بینانه، پشتوانه صنعت فولاد در حدود ۲۰ تا ۲۵ سال بیشتر نخواهد بود و طبیعی است که ما برای دسترسی به مواد اولیه در این فاصله باید سرمایه‌گذاری اکتشافی بیشتری انجام دهیم. قطعاً اگر ما در بخش اکتشافات و تأمین ذخایر مواد اولیه جدید کوتاهی کنیم در آینده با مشکل روبه‌رو خواهیم شد.

♦♦ اگر ممکن است یک مقایسه از بهره‌وری نیروی انسانی و منابع مورد مصرف یک بنگاه فولادی در کشور شامل آب، انرژی و سنگ آهن با وضعیت جهانی بنمایید.

اگر بهره‌وری بودن فولادسازان معادل سود ده بودن آن‌ها تعریف شود، می‌توان گفت که در حال حاضر فولادسازی ایران، صنعتی بهره‌ور به‌شمار می‌رود که می‌تواند سود ذی‌نفعان خود را محقق کند، اما واقعیت این است که معادل‌سازی بهره‌وری با سوددهی چندان درست نیست و برای آنکه مشخص شود یک صنعت بهره‌ور است یا خیر،

مختلف پیش‌گام بوده است. به‌طوری که در تجهیزات این مجتمع از بهترین برندهای اروپایی و بهترین سازندگان داخلی استفاده می‌شود و محصولات تولیدی شمش و فولاد این مجتمع از کیفیت بالایی برخوردار هستند، دلیل کیفیت بالای محصولات علاوه بر آموزش نیروهای متخصص که در حال کار هستند، استفاده از تجهیزات و تکنولوژی‌های روز دنیا است که این امر تأثیر بسزایی در مصرف بهینه برق و آب داشته به‌طوری که در حال حاضر در کارخانه ذوب این مجتمع، مصرف آب نسبت به کارخانه‌های قدیمی نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ درصد پایین‌تر آمده است. در پروژه‌های توسعه‌ای نیز سعی کرده‌ایم از تکنولوژی‌های روز از جمله سیستم‌های هات شارژ استفاده کنیم. هیدرولیک‌های موردنیاز در کارخانه‌های احیا مستقیم فولاد که پیش از این وارد کشور می‌شدند، برای نخستین بار در مجموعه ما توسط یک شرکت ایرانی طراحی و ساخته شدند و مشابه نمونه خارجی با هزینه پایین‌تر در حال کار هستند. برنامه‌نویسی این کارخانه‌ها در داخل کشور نیز توسط مجموعه ما انجام شده و نیز اصلاح و طراحی قسمت‌های جدید خط نورد و بهینه‌سازی خطوط توسط کارشناسان متخصص و جوان شرکت صورت گرفته و اینجا نیز از تمامی افراد و گروه‌هایی که تمایل به فعالیت در عرصه بومی‌سازی دارند، دعوت به همکاری کرده و مجتمع جهان فولاد سیرجان به‌صورت اختصاصی در خدمت آن‌ها خواهد بود.

♦♦ مجتمع جهان فولاد در زمینه برندسازی تولید خود به حضور در بازار جهانی چه کرده است؟

در راستای استانداردسازی، ارتقاء بهره‌وری و ایجاد اطمینان برای مشتریان داخلی و خارجی شرکت، اقداماتی در خصوص ثبت برند و دریافت استانداردهای بین‌المللی به عمل آورده و یا در دست اقدام دارد که نتایج این اقدامات منجر به دریافت گواهینامه‌های ISO۹۰۰۱ - ISO۱۴۰۰۱ - ISO۲۱۵۰۰ - OHSAS1۸۰۰۱ و CE اروپا گردیده است. با توجه به کیفیت بالای محصولات صادراتی از جمله شمش و میلگرد، هم‌اکنون شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان به یک برند و نشان جهانی تبدیل شده است و بالا بودن کیفیت محصولات صادراتی موجب شده که در زمان مزایده فروش، همیشه متقاضی خرید صادرات را داشته باشیم. در بورس داخل نیز محصولات این مجتمع همواره جز محصولات است که بیشترین تقاضا را دارند.

♦♦ در حال حاضر تناسب صنعت فولاد و تولیدات معدنی موردنیاز آن، در استان کرمان چگونه است؟

پشتوانه صنعت فولاد در حدود ۲۰
تا ۲۵ سال بیشتر نخواهد بود و طبیعی است که ما برای دسترسی به مواد اولیه در این فاصله باید سرمایه‌گذاری اکتشافی بیشتری انجام دهیم. قطعاً اگر ما در بخش اکتشافات و تأمین ذخایر مواد اولیه جدید کوتاهی کنیم در آینده با مشکل روبه‌رو خواهیم شد.

فاصله نزدیک تا معدن گل گهر و تأمین گندله به‌وسیله نوار نقاله و کاهش قیمت تمام‌شده محصول توان رقابت بالایی در مقایسه با سایر تولیدکنندگان فولاد دارد؛ لذا به‌واسطه این امر و با توجه به کیفیت بالای محصول تولیدی سهم خوبی از صادرات شمش فولادی را دارد. در جهان فولاد سیرجان بخشی از برنامه تولید به صادرات اختصاص داده شده است، در حال حاضر ۳۰ درصد تولید را صادر می‌کنیم و بعد از تأمین نیاز داخلی، به صادرات ادامه داده و مازاد بر نیاز داخل آماده صادرات است؛ بازار جهانی نیز از کیفیت محصولات ما استقبال می‌کند.

♦♦ ارزیابی شما از ظرفیت‌های موجود و روند ایجاد صنایع پایین‌دستی بخش معدن در استان کرمان چیست؟

ظرفیت‌های موجود استان در بخش فولاد خوب است و با توجه به ایجاد پروژه‌های جدید تا سال ۱۴۰۴ این ظرفیت‌ها نیز چند برابر خواهد شد.

با توجه به این‌که در استان باید همزمان با تولید شمش و ورق، صنایع جانبی و پایین‌دستی شکل گیرد، هنوز نه در بخش ساخت قطعات و نه در تولید مواد مصرفی اتفاق نیفتاده است. البته در منطقه گل گهر در حاشیه شرکت جهان فولاد به میزان کمی به تولید مواد مصرفی فولاد اقدام نموده‌اند، اما انتظارات بیش از آن است و باید در واقع بخش خصوصی فعال‌تر در این حوزه حضور پیدا کند و بارها شرکت جهان فولاد سیرجان اعلام نموده است که به‌صورت پایلوت آمادگی برای تهیه قطعات یدکی و کمک به صنایع پایین‌دستی را دارد، اما آن چیزی که مورد انتظار ماست هنوز شکل نگرفته است. شاید بهتر باشد در این خصوص در اتاق بازرگاری نشست و بحث و بررسی با صنعتگران و فعالان اقتصادی تدبیری بیندیشیم تا بتوانیم این خلأ را در استان جبران کنیم.

♦♦ به نظر شما انگیزه سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی معدنی در استان کرمان به لحاظ علمی و عملی چگونه می‌تواند تشویق شود تا رشد و توسعه واقعی سرمایه‌گذاری در این بخش محقق شود؟

سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی معدنی در استان با راه‌اندازی شرکت‌های پروژه محور و عام پروژه در دستور کار شرکت‌ها قرار گرفته است و تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری پروژه محور و تأسیس شرکت‌های سهامی عام پروژه می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد؛ چرا که از یک‌سو می‌تواند مشکل جدی و چالش اصلی در نظام تولیدی اقتصاد کشور را که همان مسئله تأمین مالی است،

باید علاوه بر سوددهی مؤلفه‌های متعدد دیگری مدنظر قرار گرفته و بررسی شود.

در حالی که بخشی از صنایع فولادی مطابق استانداردهای روز دنیا احداث شده و ظرف سال‌های فعالیت نیز تجهیزات و تکنولوژی آن‌ها به‌روز شده است، اما بخش قابل‌توجهی از تولید فولاد کشور توسط واحدهای کوچک القایی انجام می‌شود که تجهیزات آن‌ها دست‌دوم خریداری شده و حتی این تجهیزات دست‌دوم نیز مربوط به شرکت‌های صاحب نام در تکنولوژی فولادسازی دنیا نیست. اگرچه در شرایط کنونی بازار کشور، این واحدها سودده هستند، اما اگر قرار باشد که این فولادسازان در شرایطی برابر به رقابت با تولیدکنندگان جهانی بپردازند، تاب‌آوری لازم را نداشته و این یعنی این‌که مجموعه‌ها بهره‌ور نیستند.

منابع انسانی موضوع مهم دیگری است که در افزایش بهره‌وری یک مجموعه تأثیری بسزایی دارد. اگر مجموعه‌ای با به‌روزرسانی تکنولوژی‌های روز دنیا ساخته شود، بهره‌برداری از آن با نیروی انسانی با دانش قدیمی امکان‌پذیر نیست.

لذا قطعاً ما نسبت به وضعیت جهانی فاصله داریم و دلیل آن این است که در نقاط دیگر دنیا در معادن با تعداد نیروی کمتری به تولید دست پیدا می‌کنند و این امر ناشی از جمعیت و میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی و خصوصاً در کشورهای توسعه‌یافته است. نیروی انسانی یکی از پارامترهایی است که باید در نظر داشته و در این زمینه به طریقی عمل کنیم که قدرت رقابت و بخصوص قدرت رقابت جهانی را از دست ندهیم. در جهان فولاد سعی بر آن است که با استفاده از تکنولوژی‌های جدید از جمله در مصرف انرژی، قابل‌مقایسه با کشورهای دیگر باشیم.

♦♦ زنجیره ارزش تولید فولاد و قابلیت صادرات این محصول در استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زنجیره تولید فولاد در استان کرمان به‌صورت کامل وجود دارد از معدن سنگ‌آهن و برداشت سنگ‌آهن و مراحل فرآوری آن و تبدیل به کنسانتره آهن و سپس تبدیل به گندله و تبدیل گندله به آهن اسفنجی و ذوب‌آهن اسفنجی و تبدیل به شمش فولادی و در انتها هم نورد محصول نهایی و تبدیل به میلگرد که شرکت جهان فولاد سیرجان در تکمیل ارزش این زنجیره نقش بسزایی را به‌واسطه راه‌اندازی اولین کارخانه آهن اسفنجی در سیرجان و سپس راه‌اندازی اولین و تنها کارخانه فولادسازی سیرجان ایفا کرده و در این مورد همیشه پیشگام بوده است و به دلیل

در بخش صنایع

معدنی، بیشتر

تأکید بر صنایع

پایین‌دستی،

صنایع جنبی و

در واقع صنایع

تولید قطعات

یدکی و مواد

مصرفی است.

پیشنهاد بنده

حرکت به سمتی

است که با وجود

تولید ۱۲ میلیون

تن فولادی که در

حال حاضر در

کرمان برنامه‌ریزی

شده است، بتوان

مواد مصرفی،

قطعات موردنیاز و

سایر نیازهای این

بخش تأمین شود

و باید بیشترین

سرمایه‌گذاری

نیز در صنایع

پایین‌دستی و

صنایع جانبی

صورت گیرد.

برای ۱۲ میلیون تن فولاد را تولید می‌کنند، حرکت نماییم.

♦♦ یک مسئله بسیار مهم زیست‌محیطی، کربن‌زدایی در صنعت فولاد است، راهبرد کربن‌زدایی در صنعت فولاد کشور چیست؟

از جمله راهبردهای کربن‌زدایی استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز و جدید در صنعت فولاد و گسترش فضای سبز است که هر دویی این موارد در برنامه شرکت فولاد گنجانده شده‌اند. از طرفی نظارت محیط‌زیست بر صنایع فولادی لازم است و در مقابل صنایع فولادی نیز موظف به تبعیت از این بخش است و تولید ما زمانی ارزشمند است که بتوانیم به‌موازات هم مسائل زیست‌محیطی را نیز مدنظر قرار دهیم.

راهبرد دیگر راه‌اندازی سیستم مدیریت CDM است. مکانیسم توسعه پاک CDM یک مکانیسم همکاری بین‌المللی است که تحت پیمان کیوتو بنا نهاده شده است و منابع بسیار مهمی را برای دستیابی به توسعه پایدار از طریق ترویج سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سازگار با محیط‌زیست در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهد. بر اساس آمار منتشر شده توسط کنوانسیون تغییرات آب‌وهوای سازمان ملل، ایران علیرغم برخورداری از پتانسیل‌های لازم با ثبت چهار پروژه در سازمان توسعه پاک بین‌الملل تاکنون سهم بسیار ناچیزی از این بازار بین‌المللی برده است. این در حالی است که کشورهای چین، هند و برزیل به ترتیب با ۱۴۴۷،۶۸۳ و ۱۹۳ پروژه ثبت شده، بیشترین جذب سرمایه را به خود اختصاص داده‌اند.

اهم اهداف کنوانسیون و فعالیت‌های مرتبط با آن به قرار زیر است:

- ۱- تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو، در سطحی که از اثرات خطرناک فعالیت‌های بشر بر سیستم اقلیم جلوگیری نماید،
- ۲- ارائه گزارش دوره‌ای وضعیت ملی تغییر آب و هوا به کنوانسیون، توسط کلیه کشورهای عضو،
- ۳- تهیه میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و جذب توسط چاهک‌های جوی به‌صورت دوره‌ای،
- ۴- تنظیم و اجرای برنامه‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای،
- ۵- همکاری و توسعه روش‌های انتقال تکنولوژی برای کاهش انتشار در بخش‌های مختلف انرژی، حمل‌ونقل، صنعت، کشاورزی، جنگل و زائدات جامد و مایع،
- ۶- همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی در تهیه روش‌های

برطرف کند و از طرفی دیگر روندهای تشکیل سرمایه در کشور و اجرای طرح‌های اقتصادی توجیه‌پذیر را در راستای مردمی کردن اقتصاد و تحقق اقتصاد مقاومتی پیش برد. همان‌طور که اشاره شد این انگیزه در حال حاضر وجود دارد. در بخش صنایع معدنی، بیشتر تأکید بر صنایع پایین‌دستی، صنایع جنبی و در واقع صنایع تولید قطعات یدکی و مواد مصرفی است. پیشنهاد بنده حرکت به سمتی است که با وجود تولید ۱۲ میلیون تن فولادی که در حال حاضر در کرمان برنامه‌ریزی شده است، بتوان مواد مصرفی، قطعات موردنیاز و سایر نیازهای این بخش تأمین شود و باید بیشترین سرمایه‌گذاری نیز در صنایع پایین‌دستی و صنایع جانبی صورت گیرد.

♦♦ بارها مسئولان محلی ذریبط در استان کرمان خبر داده‌اند که این استان به‌زودی به قطب تولید فولاد در ایران تبدیل خواهد شد، به نظر شما توسعه صنعت فولاد در استان کرمان چقدر موجه و ممکن است و دیگر اینکه چه تأثیری در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه خواهد داشت؟

بله خوشبختانه این اتفاق افتاده و در حال افتادن است و می‌توان گفت بیش از ۳۰ درصد فعالیت‌های فولادی در کشور تا پایان سال ۱۴۰۴ در استان کرمان خواهد بود و برنامه‌ریزی و انجام پروژه‌های جدید فولادی در منطقه نویدبخش این خبر است که توسعه بیشتر اقتصادی و اجتماعی در آینده نزدیک رقم خواهد خورد. به عبارتی با وجود تولید ۱۲ میلیون تنی حال حاضر فولاد در استان، اگر ظرفیت تولید و به عبارتی برنامه‌ریزی تولید در کشور را ۴۰ میلیون تن در نظر بگیریم، می‌توان گفت تقریباً نزدیک به ۳۰ درصد صنعت فولاد در کرمان شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه این امر در حال اجرا و عملیاتی است؛ بنابراین برای توسعه صنعت فولاد، دلیل غیر موجهی وجود ندارد، چون در کنار معدن، صنعت در حال شکل‌گیری است. البته موضوع آب همواره یکی از مشکلاتی بوده که صنعت فولاد کرمان را عقب نگه داشته که با انتقال آب از بندرعباس این مشکل حل شده است. علاوه بر آب خلیج فارس، سیستم‌های تصفیه فاضلابی که در کرمان و سیرجان در حال احداث و اجرا هستند به تأمین منابع آب کمک خواهند کرد و عملاً در این بخش هیچ مانعی وجود ندارد و این امر تأثیرات مثبتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت؛ چون اشتغال‌زایی خوبی ایجاد می‌کند و زمانی این تأثیرات چشمگیرتر و چند برابر خواهد بود که ما به سمت‌وسوی توسعه صنایع پایین‌دستی، توسعه و تأسیس کارخانه‌هایی که مواد مصرفی و قطعات یدکی

نبايد صدمات

ناشی از عدم

توسعه انرژی که

متولی آن بخش

نیروگاه‌ها و وزارت

نیرو است، متوجه

صنعت فولاد

باشد. لازم است

برنامه‌ریزی جهت

افزایش ظرفیت

تولید نیروگاه‌های

برق و احداث

نیروگاه‌های

جدید انجام گیرد

تا چشم‌انداز

تولید فولاد کشور

در طرح‌های

توسعه‌ای با

مشکل مواجه

نشود.



و متوجه صنایع دیگر هم هست؛ مانند تغییر سریع و یک‌شبه قوانین و مقررات در بانک مرکزی، گمرک، تصمیم‌گیری‌های آبی و فوری و بدون کارشناسی شده، دخالت در قیمت‌گذاری‌ها و ... از جمله مشکلاتی هستند که اثرات منفی خود را بر تولید دارند.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید. ♦♦ با توجه به نعمت خدادادی معادن غنی سنگ‌آهن و مس که در استان ما قرار گرفته است، باید برنامه‌ریزی‌های زیادی صورت گیرد تا مانع خام فروشی این نعمت بزرگ گردد و با ایجاد کارخانه‌های تولید و فرآوری هم به اشتغال پایدار استان کمک شود و هم با جلوگیری از واردات، مانع خروج ارز از کشور شده و شاهد توسعه اقتصادی استان باشیم. خبر خوبی که خدمت سهامداران داده می‌شود این است که شرکت جهان فولاد سیرجان در طی چهار سال آینده ظرفیت تولید و عیارسنجی خود را به چهار برابر خواهد رساند به طوری که پروژه‌های اجرایی آن در حال اصلاح هستند. در همین بازه زمانی ظرفیت تولید فولاد سه برابر خواهد شد و سهامداران می‌توانند یک نگاه بلندمدت به جهان فولاد داشته باشند، در آینده قطعاً شرایط خوبی در انتظار جهان فولاد است. ♦♦

تطبیق با پدیده تغییر آب و هوا،
۷- در نظر گرفتن موضوع تغییر آب و هوا در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه.

♦♦ مهم‌ترین چالش‌ها و راه‌حل‌های رفع موانع رونق تولید و رشد و توسعه صادرات فولاد کشور چیست؟

متأسفانه علی‌رغم اینکه امسال، سال پشتیبانی از تولید نامگذاری شد، بیشترین موانع و مشکلات سر راه تولید بوده، در صنعت فولاد در تابستان با مشکل کمبود برق و در زمستان با کمبود برق و گاز مواجه هستیم! لذا مشکلات قطعی برق و گاز موجب شده است که با وجود برنامه‌ریزی‌ها و توسعه صادرات نتوانیم تعهدات داخلی و خارجی خود را به انجام رسانیم. لذا لازم است از تصمیمات یکباره در رابطه با صنعت مظلوم فولاد که با قطع برق، آب و گاز انجام می‌گیرد، خودداری نمایند. به عبارتی نباید صدمات ناشی از عدم توسعه انرژی که متولی آن بخش نیروگاه‌ها و وزارت نیرو است، متوجه صنعت فولاد باشد. لازم است برنامه‌ریزی جهت افزایش ظرفیت تولید نیروگاه‌های برق و احداث نیروگاه‌های جدید انجام گیرد تا چشم‌انداز تولید فولاد کشور در طرح‌های توسعه‌ای با مشکل مواجه نشود. از طرفی چالش‌های عمومی که در کشور وجود دارد

بازآفرینی ثروت در بهشت معادن

پتانسیل ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی معدنی در استان کرمان



♦ دکتر سعید عدالتی

پژوهشگر حوزه صنعت و معدن و مدیر مهندسی و توسعه شرکت فولاد بوتیای ایرانیان، شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو)

استان کرمان با مساحتی بیش از ۱۸۰ هزار کیلومترمربع، دارای معادن مهمی از جمله مس (رتبه دوم ذخایر مس جهان)، آهن (بزرگ‌ترین معدن شناخته‌شده سنگ‌آهن خاورمیانه)، تیتانیوم، سنگ‌های قیمتی، کروم و زغال‌سنگ است که موجب شده است این استان به‌عنوان قطب و بهشت معادن ایران شناخته شود. باین‌وجود، شناسایی و اکتشاف معادن همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی توسعه و راه‌اندازی صنایع تبدیلی معدنی گریبان‌گیر حوزه صنعت در این استان است. از طرف دیگر، عدم استقرار فن‌آوری‌های نوین استخراج، نوسازی و به‌روزرسانی ماشین‌آلات، تجهیزات و بهره‌برداری از معادن، ضعف در مدیریت و عدم برنامه‌ریزی صحیح در تأمین منابع مالی در طول سالیان گذشته، گرایش به خام‌فروشی را در بهره‌برداری از معادن بالا برده است.

ثروت خدادادی و انبوه ذخایر مواد معدنی در استان کرمان تا زمانی که در خدمت توسعه، پیشرفت و آبادانی استان و به‌تبع آن کشور قرار نگیرد، با افزایش خام‌فروشی و افزایش حجم نقدینگی به‌عنوان یکی از عوامل تهدیدکننده اقتصاد، قلمداد می‌شود. بنابراین، ارزش‌آفرینی این ثروت در گرو سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی معدنی و تکمیل زنجیره‌های ارزش‌افزوده در اقتصاد معدنی استان کرمان با رویکرد توسعه پایدار برای نسل حاضر و نسل‌های بعدی است. البته بازآفرینی این ثروت تنها با تکیه بر ذخایر معدنی و جذب سرمایه میسر نیست و استفاده و بهره‌مندی از سایر عوامل تأثیرگذار از جمله سرمایه‌های انسانی، ارتقای بهره‌وری، مدیریت دانش و به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین ضروری است.

از این‌رو، برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی معدنی در استان کرمان نیز ارتقای توانمندی، افزایش بهره‌وری و اثربخشی متقابل در سه حلقه کلی و به هم وابسته زنجیره ارزش صنایع معدنی به شرح زیر ضروری است:

- توسعه اقتصاد
- چرخشی، نگاهی
- جامع‌نگر است
- که می‌تواند
- علاوه بر
- پایداری طبیعی،
- جذابیت‌هایی
- را برای پایداری
- سیستمی ایجاد
- کند تا از این
- طریق، بسیاری
- از شرکت‌های
- پایین‌دستی
- (شرکت‌های
- مربوط به توسعه
- مدیریت ضایعات
- و پسماند و
- ایجاد محصولات
- درآمدزا (مانند
- قراضه)، وارد بازار
- شده و بنابراین،
- بازار محصولات
- دسته دوم به
- دلیل قیمت‌های
- کمتر، کم‌کم
- جایگزین استفاده
- از مواد اولیه
- خالص می‌شود.

(۱) صنایع بزرگ

(۲) صنایع کوچک و متوسط

(۳) شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه‌دهنده خدمات فنی و مهندسی

در طول سالیان گذشته، صنایع بزرگ فرآوری و استحصال محصول در مجاورت معادن استان کرمان احداث شده‌اند که منجر به توسعه زیرساخت‌های موردنیاز از جمله آب، برق، گاز و مخابرات برای این صنایع و انتفاع مناطق هم‌جوار شده است. از جمله زیرساخت‌های اجرا شده و یا در حال اجرای سال‌های اخیر می‌توان به خط انتقال آب خلیج فارس برای کارخانجات مس، آهن و فولاد در سرچشمه و گل‌گهر سیرجان، شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب در شهرهای کرمان، زرنند و سیرجان، نیروگاه‌های تولید برق سیکل ترکیبی در شهرهای کرمان و سیرجان، خط دوم انتقال گاز شهری از کرمان به زرنند، احداث جاده و یا باند دوم راه‌های بین‌شهری و غیره اشاره کرد.

هم‌زمان با فعالیت صنایع بزرگ در استان کرمان، ایجاد راه‌اندازی و توسعه حلقه دوم زنجیره ارزش صنایع معدنی شامل سایر صنایع متوسط مرتبط از جمله کارخانجات تولید آهک، اسید، لاستیک، فروآلیاژ، نسوز و غیره نیز به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای فرایندی صنایع بزرگ، گام دیگری در جهت توسعه صنعتی استان، ایجاد اشتغال پایدار، تولید ارزش‌افزوده و بهبود فضای کسب و کار است. همچنین تعداد ۴۰ شهرک و ناحیه صنعتی در سطح استان کرمان، موقعیت

مجاور، توسعه فناوری‌های جدید در جهت بهره‌برداری و تولید ارزش‌افزوده کارآمد از منابع و مدیریت دانش در صنایع معدنی به منظور به اشتراک‌گذاری تجارب صنایع برای استحصال بهینه از منابع و تولید اشتغال پایدار می‌تواند از جمله موارد اصلی بازآفرینی ثروت از طریق صنایع معدنی و صنایع تبدیلی معدنی در کشور باشند.

البته در حال حاضر صنایع معدنی با مخاطرات گوناگونی از جمله محدودیت‌های منطقه‌ای مربوط به دسترسی به زیر-ساخت‌های جاده‌ای و ریلی، افزایش و یا عدم ثبات در نرخ حامل‌های انرژی و یا قطع یا کاهش میزان حامل‌های انرژی (برق و گاز) و یا آب در فصول سرد و یا گرم سال و لزوم سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در حوزه اکتشاف، تجهیز و نوسازی معادن و به‌روزرسانی فن‌آوری‌های استخراجی روبه‌رو هستند. از این‌رو، باید توجه داشت که موهبت ذخایر معدنی تنها زمانی می‌تواند ضامن رشد و توسعه اقتصاد ملی شود که همراه با رونق صنایع بزرگ معدنی باشد؛ به عبارتی دیگر می‌توان گفت توسعه از معدن آغاز می‌شود. از این جهت برای حفظ رونق صنایع معدنی، تحقق استقرار کامل زنجیره ارزش مواد معدنی در داخل کشور همراه با استقرار بهره‌وری سبز مشتمل بر ارتقای پیوسته بهره‌وری منابع انسانی، محیط‌زیستی، تجهیزاتی و فرایندی، افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی و بلوغ صنعتی، مدیریتی و بازرگانی به منظور پایداری و حفظ تاب‌آوری در مقابل مخاطرات درونی و خارجی ضروری است. ♦♦



ممتازی برای ایجاد و توسعه صنایع کوچک و متوسط، خوشه‌های صنعتی کسب‌وکار و پیمانکاری فرعی صنعتی (SPX)^۱ ایجاد کرده است که تاکنون آن‌گونه که شایسته است از این زیرساخت با ظرفیت بالا، به دلایل گوناگون در صنایع تبدیلی معدنی استفاده مطلوبی نشده است و در پاره‌ای موارد، صنایع بزرگ برای رفع نیازهای عادی خود ناچار به صرف زمان و هزینه بیشتر برای دریافت کالا و یا اخذ خدمات موردنیاز از سایر تأمین‌کنندگان کالا و خدمات در خارج از استان کرمان شده‌اند.

و در سطح سوم شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه‌دهنده خدمات فنی و مهندسی، پیشران ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی معدنی در استان کرمان و حلقه واسط صنایع بزرگ با صنایع کوچک و متوسط در بازآفرینی ثروت ملی هستند که در واقع نقش مهم و انکارناپذیری دارند.

در حلقه ارتباط زنجیره ارزش صنایع بزرگ، صنایع کوچک و متوسط و شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه‌دهنده خدمات فنی و مهندسی در حوزه صنایع معدنی، توجه به این نکته ضروری است که ذخایر در دسترس منابع معدنی در آینده‌ای دور یا نزدیک به اتمام می‌رسند و در این رهگذر و در صورت عدم رشد متوازن کلیه حلقه‌های زنجیره ارزش و عدم اتخاذ رویکردهای اقتصاد چرخشی^۲ (مدور)، نه تنها اهداف توسعه‌ای محقق نمی‌شود، بلکه تأثیرات وارده بر محیط‌زیست، آب‌وهوا نیز تا مدت‌ها غیرقابل جبران خواهند ماند. برای حصول به اقتصاد چرخشی در معادن، شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه‌دهنده خدمات فنی و مهندسی از طریق تأمین نیازهای مربوط به طراحی محصول با ماندگاری طولانی، سهولت در نگهداری و تعمیرات، بازسازی، نوسازی، بازچرخانی و بازیافت و با تکیه بر فن‌آوری‌های به‌روز علاوه بر رشد بازارهای پایین‌دستی، راه غلبه بر چالش تغییرات آب‌وهوایی و حفظ منابع محدود برای آیندگان را فراهم می‌کنند تا منجر به استفاده بهینه از ذخایر و منابع و کمینه نمودن ضایعات شوند. در این رابطه می‌توان گفت که توسعه اقتصاد چرخشی، نگاهی جامع‌نگر است که می‌تواند علاوه بر پایداری طبیعی، جذابیت‌هایی را برای پایداری سیستمی ایجاد کند تا از این طریق، بسیاری از شرکت‌های پایین‌دستی (شرکت‌های مربوط به توسعه مدیریت ضایعات و پسماند و ایجاد محصولات درآمدزا) (مانند قراضه)) وارد بازار شده و بنابراین، بازار محصولات دسته دوم به دلیل قیمت‌های کمتر، کم‌کم جایگزین استفاده از مواد اولیه خالص می‌شود. لذا، ایجاد شبکه‌ای از صنایع در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع، استفاده از محصولات جانبی، مدیریت ضایعات و پسماند، شکل‌گیری و اجرای فعالیت‌های ترویجی و ایجاد هم‌راستایی ساکنین منطقه‌ای با رونق صنایع



گفت‌وگو با دکتر «عبدالرضا تحسینی» رئیس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان و فعال اقتصادی

تو خود حجاب خودی، از میان برخیز

دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع و بزرگ‌ترین اخلاص‌گر در فعالیت‌های تولیدی و تجاری باید جایگاه و نقش خود را عوض کند

توسعه معدنی در استان کرمان در بخش دولتی در حوزه مس و فولاد متمرکز است. در بخش خصوصی معدن استان توسعه‌ای دیده نمی‌شود. به‌عنوان کسی که نزدیک به سی سال در حوزه معدن و صنایع معدنی دست بر آتش داشته‌ام، قاطعانه می‌گویم که مسیر دانشگاه از مسیر صنعت کاملاً جداست. نقش دانشگاه در توسعه و به‌روزرسانی صنعت بسیار محدود است. ظرفیت مشاوره در حوزه معدن بسیار کم است، لذا حتی برای کارهای اولیه مثل ژئوفیزیک و موارد مشابه، معدن‌داران اغلب متوسل به خارج از استان می‌شوند.

بخش معدن با چالش‌هایی روبروست که من همه را در چگونگی حضور دولت، خلاصه می‌کنم. نقش دولت در این بخش به جای وظیفه‌ای، باید فرآیندی باشد. مثال ساختار وظیفه‌ای، مثال گروهی است که برای لوله‌گذاری زیرزمینی، اقدام به حفر کانال کرده‌اند، عده‌ای متولی کندن کانال و عده‌ای دیگر بدون توجه به دسته اول، بدون انجام لوله‌گذاری مشغول پر کردن همان کانال هستند. مسئله مهم در این میان، این است که علی‌رغم شعارها و اقدامات ابتدایی، استراتژی معدنی کشور تدوین و تصویب نشده است، لذا سیاست کلی کشور در رابطه با بخش معدن مشخص نیست. باید به بخش خصوصی روحیه داده شود. باید آموزش در خصوص اکتشاف، استخراج، مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست، اقتصاد و مدیریت قیمت تمام‌شده محصولات و ... مورد توجه عملی قرار گیرد.

مشروح گفت‌وگو با عبدالرضا تحسینی رئیس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان و فعال اقتصادی را در اینجا مطالعه نماییم.



شود؛ به‌طور خلاصه نقش دانشگاه در توسعه و به‌روزرسانی صنعت، خیلی خیلی محدود است.

◆ در مورد ظرفیت‌های خدمات مشاوره مهندسی در فعالیت‌های مختلف بخش معدن در استان اعم از اکتشاف، بهره‌برداری و فرآوری توضیح دهید. توسعه شکل‌گیری این خدمات را چگونه می‌سنجید؟

ظرفیت مشاوره در حوزه معدن متأسفانه بسیار کم است. ما در استان شرکت‌های تخصصی که مشاوره واقعی، عملیاتی و اجرایی به معادن و صنایع پایین‌دست بدهند، خیلی کم داریم. از طرفی اغلب کسانی که صاحب تخصص و تجربه هستند یا شخصاً در حوزه معدن مشغول به کار شده یا اینکه جذب مجموعه‌های دولتی بزرگ‌شده‌اند. در واقع عده کمی هستند که کار مشاوره انجام می‌دهند، یک دلیل آن، این است که معدن‌داران و معدن‌کاران معمولاً به مشاوره اعتقادی ندارند و خود را صاحب‌نظر می‌دانند. البته نمی‌توان آن‌ها را زیاد سرزنش نمود. متأسفانه مشاوران مسلط و صاحب صلاحیتی که از روی علم اظهار نظر، کمک و گره‌گشایی از مشکلات معادن کنند، کم هستند. از طرفی افرادی که صلاحیت نداشته‌اند به اسم مشاور اقداماتی انجام داده‌اند که باعث سلب اعتماد شده است؛ لذا حتی برای کارهای ابتدایی و اولیه مثل ژئوفیزیک یا مواردی شبیه به آن، اغلب معدن‌داران متوسل به مشاوران خارج از استان می‌شوند و اعتمادی به استان ندارند.

◆ مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات در تولید و تجارت مواد معدنی کدامند؟ چه راهکارهایی برای رفع مشکلات پیشنهاد می‌نمایید؟

چالش‌ها و مشکلات در حوزه معدن چه در بخش تولید و چه در تجارت بارها و بارها گفته شده است، اما من همه

◆ استان کرمان استانی غنی در زمینه مواد معدنی است به نظر شما چقدر توانسته است به توسعه این بخش دست یابد؟

وسعت و تنوع زمین‌شناسی استان کرمان موجب شده است که این استان به لحاظ مواد معدنی غنی باشد. توسعه بخش معدن در استان کرمان را می‌توان در دو بخش مجزا بررسی نمود؛ اول، توسعه در بخش دولتی است؛ در حوزه مس، مجموعه شرکت ملی مس ایران است که در چند نقطه از جمله سرچشمه، میدوک و دره‌آلو متمرکز است. و حوزه فولاد که در مجتمع گل‌گهر متمرکز می‌باشد، ولی در کرومیت، سرب و روی اقدامات چشمگیری انجام نشده است؛ اگرچه توسعه در این زمینه‌ها شروع شده، اما باید صبر نمود تا مشخص شود که چه میزان در این بخش توسعه تکامل پیدا می‌کند.

در بخش خصوصی، توسعه‌ای دیده نمی‌شود و عمده سرمایه‌گذاری‌های عظیم، دولتی بوده است، البته قضاوت در خصوص میزان بهره‌وری بخش دولتی و اینکه می‌تواند بهتر از این باشد یا خیر؟ خارج از بحث ماست، اما در حوزه بخش خصوصی صرفاً چند معدن سنگ ساختمانی و تعداد انگشت‌شماری ذخایر فلزی و غیرفلزی فعال شده‌اند و در حال کار هستند. در مجموع با توجه به ویژگی استان کرمان، توسعه ناقص و در جنبه‌های مختلف به‌اندازه کافی رشد نکرده است.

◆ دانشگاه چگونه می‌تواند در تولید، فرآوری و به‌روزرسانی در بخش معدنی و صنایع معدنی حضور داشته باشد؟

به‌عنوان کسی که نزدیک به ۳۰ سال در حوزه معدن و صنایع پایین‌دست معدن، دستی بر آتش داشته‌ام، می‌توانم قاطعانه بگویم که مسیر دانشگاه از مسیر صنعت کاملاً جداست. به‌ندرت دیده می‌شود که اساتید محترم آستین‌ها را بالا زده و لباس کار پوشیده و در معادن و صنایع معدنی، مثلاً حوزه متالورژی و امثال آن کارهایی انجام دهند، کمتر از دو درصد اساتید در این حوزه‌ها مشغول به فعالیت و تحقیق می‌باشند.

راه دانشگاه از راه صنعت (به‌طور مشخص در حوزه صنعت معدن) کاملاً جداست. اطلاعاتی که در دانشگاه ردوبدل می‌شود، آموزش‌هایی که ارائه می‌شود، با نیازهایی که در صنعت وجود دارد، اختلاف قابل‌توجهی دارد. علی‌رغم اینکه در این سال‌ها، همواره تلاش شده که ارتباط صنعت و دانشگاه بیشتر شود، ولی نه دانشگاه به صنعت اعتنا نموده و نه صنعت به دانشگاه اعتبار داده و اعتماد می‌نماید. این یک مشکل اساسی است که باید برای آن راهکار پیدا

من همه

مشکلات را فقط

در یک عنوان

خلاصه می‌کنم

و آن حضور

دولت است؛

دولت به‌عنوان

بزرگ‌ترین مانع

و بزرگ‌ترین

اخلال‌گر در

فعالیت‌های

تولیدی و تجاری

باید نقش خود

را عوض کند که

البته می‌دانیم

نمی‌تواند این

کار را انجام

دهد و مرتباً این

دست‌اندازی

دولت و

شبه‌دولتی‌ها

در حوزه معدن

در حال افزایش

است.



از میان برخی‌ها» است و باید این اتفاق بیفتد. در بخش تجارت نیز ما می‌دانیم از موضوع تحریم بگیریم تا تفاوت نرخ ارز، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های باری به هر-جهت یا خلق الساعه، تعرفه برای صادرات، تعرفه برای واردات، مقررات جدید. همه این موارد باعث می‌شود که نتوان یک برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت روی تجارت مواد معدنی صورت گیرد.

♦♦ حمایت دولت از فعالان بخش معدن چه در تولید و چه تجارت را چگونه ارزیابی می‌نمایید، به‌ویژه این‌که این کمک‌ها با چه روش‌هایی که کارساز باشد مورد انتظار است؟

در سؤال قبل بخش مهمی از این سؤال را پاسخ دادم. بزرگ‌ترین چالش حوزه معدن دخالت‌های بی‌دلیل، غیرعلمی، غیرمنصفانه، غیرکاربردی و بازدارنده دولت است که در کنار این دخالت‌ها و کارشکنی‌ها که سیستم دولتی در کار تولید و تجارت معدن دارد، قصد انجام کمک‌هایی دارد که ما معدن‌کاران، عطای آن را به لقایش بخشیده‌ایم و ترجیح می‌دهیم این کمک‌ها نباشند، ولی دخالت هم نباشد. مثال عرض می‌کنم در حال حاضر واردات ماشین‌آلات معدنی سنگین یکی از ضروری‌ترین اقداماتی است که معدن‌داران باید انجام دهند، ولی این‌قدر شرایط پیچیده و رنگارنگ تعریف شده که عملاً امکان واردات نیست. درواقع کسانی می‌توانند واردات انجام دهند که معدن‌کار نیستند و بیشتر در کار دلالی‌اند و از پروانه معدن‌دارها استفاده می‌کنند. به اسم اینکه شرکت هیکو ماشین‌آلات معدنی تولید می‌کند، جلو واردات گرفته شده درحالی‌که هیکو غلتک، لودرهای سبک، گریدر و دستگاه‌هایی شبیه به این‌ها تولید می‌کند که به کار معدن نمی‌آید. برای مثال بیل مکانیکی، بولدوزر و لودرهای سنگین در داخل کشور تولید نمی‌شوند. اگر قرار باشد این دستگاه‌ها وارد شوند با توجه به این‌که این دستگاه‌ها نو باشند یا دست‌دوم، ارز آن به چه شکل تأمین شود، چند سال تعهد داشته باشند، از کجا وارد شوند و امثال این موارد، آن‌قدر پیچیدگی به وجود می‌آید که افراد ترجیح می‌دهند به‌صورت قاچاق این دستگاه‌ها را وارد کنند یا اینکه فراموش کنند و با دستگاه‌های کهنه که از قبل دارند، کنار بیایند و کار کنند.

درمجموع حمایت‌های دولت اگر هم‌زمان با دخالت‌هایش حذف شود، جمع جبری مثبت و به عبارتی راندمان مثبت‌تری برای بخش معدن خواهد داشت.

♦♦ در مورد ضایعات بخش معدن و بازیافت آن در استان کرمان چه نظری دارید؟

مشکلات را فقط در یک عنوان خلاصه می‌کنم و آن حضور دولت است؛ دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع و بزرگ‌ترین اختلال‌گر در فعالیت‌های تولیدی و تجاری باید نقش خود را عوض کند که البته می‌دانیم نمی‌تواند این کار را انجام دهد و مرتباً این دست‌اندازی دولت و شبه‌دولتی‌ها در حوزه معدن در حال افزایش است. آیین‌نامه‌های اجرایی و قانون نیز به شکلی تعیین و طراحی شده که دست بخش خصوصی بویژه بخش خصوصی کوچک از حوزه معدن کوتاه شده است، دولت اگر بخواهد در این خصوص اقدامی انجام دهد که می‌دانیم شدنی نیست! اما می‌تواند یکی از راه‌حل‌ها، این باشد که به جای اینکه نقش دولت در خدمات به بخش معدن وظیفه‌ای باشد، فرآیندی باشد. مثال ساختار وظیفه‌ای، مثال گروهی است که برای لوله‌گذاری زیرزمینی اقدام به حفر کانال کرده‌اند و یک عده متولی‌کننده کانال و عده‌ای دیگر بدون توجه به گروه اول و بدون انجام لوله‌گذاری مشغول پُر کردن همان کانال هستند. در حال حاضر منابع طبیعی، محیط‌زیست، حتی دامپزشکی، راه و شهرسازی، وزارت صمت، وزارت کشور در بحث امنیتی، همه در حوزه معدن نقش دارند، اما هرکدام فقط به‌صورت جزیره‌ای حوزه خود را می‌بینند. در اداره صمت آمار منتشر می‌شود که برای مثال، امسال این تعداد پروانه اکتشاف، گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری صادر می‌شود، اما از آن طرف، محیط‌زیست در کارنامه خود ابراز می‌کند که امسال این تعداد معدن را تعطیل کرده است، در کنار آن منابع طبیعی اعلام می‌کند که ما این مقدار زمین را از تصرف معادن خارج کرده‌ایم، یا این‌قدر کسب درآمد از معادن داشته‌ایم. همه این سازمان‌ها با افتخار این موارد را اعلام می‌کنند. درواقع این موارد بمنزله این است که این مجموعه‌ها خودشان، همدیگر را تضعیف می‌کنند. پروانه‌های صادره، پروانه‌های باطل شده، درآمدهایی که به‌اجبار و غیرمنصفانه از معدن‌داران اخذ می‌شود، همه این‌ها نشان‌دهنده کارکرد وظیفه‌ای دولت است درحالی‌که اگر کارکرد دولت فرآیندی باشد و همه این مجموعه‌ها در یک راستا و با یک استراتژی روشن کار کنند، چندگانگی پیش نخواهد آمد و ما شاهد تعارضات خیلی شدید بین خود این دستگاه‌ها نخواهیم بود. در جلسات متعدد که بنده حضور داشته‌ام شاهد بودم که مدیران هرکدام از این دستگاه‌ها چطور با هم به‌صورت چالشی و خصمانه رفتار می‌کردند و هرکدام راه‌حلی برای اینکه بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های طرف مقابل را خنثی کنند و به آن عمل نکنند، ارائه می‌دادند.

در مجموع این‌که خود دولت مصداق «تو خود حجاب خودی،

معدن‌کاران
بخش خصوصی،
سرخورده و
ضعیف امید خود
را از دست داده و
کاملاً ناامید نسبت
به اینکه بتواند
کار مهم و اساسی
انجام دهند، فقط
باری به هرجهت
اقداماتی را انجام
داده، ذخایر
را دست‌کاری
می‌کنند و احیاناً
معادن را کور
می‌نمایند که
بعداً هم نمی‌توان
آن‌ها را استخراج
کرد و یا استخراج
آن به علت
عدم تخصصی
آن‌ها اقتصادی
نیست. باید به
بخش خصوصی
روحیه داده شود.
علاوه بر روحیه،
باید آموزش در
خصوص اکتشاف
و استخراج
و مدیریت
منابع طبیعی و
محیط‌زیست داده
شود.

به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها ردیف‌هایی در بودجه برای کمک به معادن در نظر گرفته می‌شود که معمولاً شامل حال همان معادن بزرگ می‌شود. بانک‌ها به‌هیچ‌وجه منابعی در اختیار معادن‌دارها نمی‌گذارند و معادن‌دارها ناچار می‌شوند تحت عنوان بازرگانی یا الگوهای دیگر وام‌دهی، از بانک‌ها وام بگیرند، علیرغم این‌که در قانون پیش‌بینی شده که بانک‌ها موظفند پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان وثیقه قبول کنند، این کار انجام نمی‌شود؛ لذا من ندیده‌ام منابعی به معادن‌داران خصوصی تخصیص داده؛ با این پیش‌فرض که معادن‌دارها خیلی پولدار هستند، اما دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی به روش خودشان همواره رقم‌های بسیار بالایی را دریافت می‌کنند.

♦♦ در مورد سازوکار قیمت‌گذاری مواد معدنی در استان کرمان توضیح دهید، یک مسئله بسیار مهم این است که تولیدکنندگان مواد معدنی در شرایط نوسانات شدید قیمت‌ها ممکن است با زیان روبه‌رو شوند در چنین شرایطی فعالان بخش معدن از چه حمایت‌هایی بهره می‌برند؟

سازوکار قیمت‌گذاری برای مجموعه‌های بزرگ مثل شرکت ملی مس و فولادها بر اساس دستورالعمل‌هایی است که در سایت گدال ذکر شده است و در حال حاضر در بورس معامله می‌شود و ضریبی تعیین کرده‌اند که خیلی هم پیچیده نیست، درعین‌حال گله‌هایی هم راجع به آن است. به‌جز این مجموعه‌ها که محصولات خود را در بورس و تحت همان سیستم کدال عرضه می‌کنند، در بخش خصوصی به‌هیچ‌وجه برنامه‌ریزی و سازوکاری برای قیمت وجود ندارد. علی‌رغم این‌که ما چندین بار تلاش کرده‌ایم، یک هماهنگی بین معادن سنگ ساختمانی ایجاد کنیم، موفق نبوده‌ایم و این به دلیل عدم ثبات و پایداری اقتصادی بخش معدن است. معدن‌داری که بدهی‌های زیاد دارد و تحت فشار است با ثمن بخش مواد معدنی‌اش را می‌فروشد تا بتواند بدهی‌های خود را بدهد، در نتیجه بازار را خراب می‌کند و از آن‌طرف گروهی هستند که مشکل مالی ندارند و به‌قول معروف از «سر سیری» ماده معدنی خود را به بالاترین نرخ عرضه می‌کنند در نتیجه سازوکار روشن و مشخصی برای قیمت مواد معدنی در استان وجود ندارد، کما این‌که در سطح کشور هم وجود ندارد. این نوسانات بارها و بارها معادن‌دارها و معدن‌کارها را زمین زده و بعضی از آن‌ها را البته از خاک بلند کرده است و خیلی خیلی سود برده‌اند؛ مثال آن کرومیت است که در یک دوره‌ای بسیار سودآور بود و معدن‌داران کرومیت ثروت زیادی کسب کردند، اما در حال حاضر شرایط برای کرومیت

همان‌طور که اشاره شد در استان دو مجموعه خیلی بزرگ شرکت ملی مس و مجموعه گل‌گهر در حوزه معادن فعال هستند. این دو مجموعه به علت سخت‌گیری‌های زیست‌محیطی، درصد مدیریت ضایعات خود هستند، اگرچه همچنان آلودگی‌هایی وجود دارد. البته این شرکت‌ها، طرح‌هایی برای بازیافت باطله‌ها و آنچه در انتهای فرآیند به‌صورت ضایعات باقی می‌ماند، دارند.

اما بنده در بخش خصوصی معادنی را سراغ ندارم که اقدامی برای بازیافت انجام داده باشند و اغلب در معادن، حجم بزرگی از ضایعات و باطله‌ها و حتی مواد معدنی کم‌عیار باقی‌مانده و دپو شده است و چاره‌ای برای آن ندارند؛ چون مقرون‌به‌صرفه نیست تا آن را بازیافت و احیا کنند و احتمالاً برای چند صد سال یا چند هزار سال می‌ماند و شبیه آن چیزی که با شدادی‌ها اقدام می‌شود، گروه‌هایی بیابند و روی این باقیمانده‌ها کار کنند.

♦♦ کفایت و کمیت زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌برداری از معادن مانند حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات و غیره چگونه است؟

استنباط بنده این است که در حد معدنکاری در استان، زیرساخت‌ها از حیث جاده آسفالت، وجود برق، ارتباطات (از جمله پوشش موبایل) در قیاس با بعضی استان‌های دیگر و حتی بعضی کشورهای مناسب است، البته نمی‌توان گفت مطابق با کشورهای خیلی پیشرفته است، اما به نظرم شرایط ما بد نیست. یک مقدار در تأمین برق و آب مشکل داریم که مشکل سراسری است. از جهت شبکه راه‌آهن کمبودهایی وجود دارد که یک بخش آن مربوط به قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های استفاده از راه‌آهن است و بخش دیگر آن ناشی از عدم پوشش کافی راه‌آهن در سطح استان است، ولی در مجموع زیرساخت‌ها به نظرم خوب هستند.

البته شبکه حمل‌ونقل به‌اندازه کافی و پایه‌ای بخش معدنی رشد نکرده و ما هنوز هم برای جابه‌جایی حجم بالای مواد معدنی حتماً باید به پیمانکاران خارج از استان متوسل شویم.

♦♦ به نظر شما تخصیص منابع به طرح‌های معدنی در استان چقدر بر اساس توجیهات فنی و اقتصادی بوده و هست. شما در این مورد چه نظری دارید؟

ما در چند سال اخیر منابعی ندیده‌ایم که به بخش خصوصی معدن اختصاص بدهند. بخش‌های دولتی و نیمه‌دولتی منابع سرشاری در اختیار دارند. البته با توجه

در بخش

خصوصی

به‌هیچ‌وجه

برنامه‌ریزی و

سازوکاری برای

قیمت وجود

ندارد. علی‌رغم

اینکه ما چندین

بار تلاش

کرده‌ایم، یک

هماهنگی بین

معادن سنگ

ساختمانی ایجاد

کنیم، موفق

نبوده‌ایم و این به

دلیل عدم ثبات و

پایداری اقتصادی

بخش معدن

است.

که مجموعه‌های شبه‌دولتی آن‌چنان روی معادن مهم و غنی کشور چنبره زده‌اند که برای بخش خصوصی ضعیف، امکان هیچ فعالیت جدی و بزرگی وجود ندارد و عملاً همه باید معادن خود را به مجموعه‌های بزرگ واگذار کنند یا اینکه تعطیل کنند. به اعتقاد بنده مهم‌ترین اقدامی که می‌توان انجام داد، این است که دولت دست از سر بخش معدن بردارد و نهایتاً مالیاتی که مدنظر او است و یا حقوق دولتی معادن را دریافت کند و اجازه دهد معادن کار خود را انجام داده، تجهیزات خود را وارد، مشتریان خارجی خود را پیدا کنند و نگران تغییر ساعت به ساعت مقررات و قوانین نباشند تا بتوانند حداقل یک برنامه‌ریزی دوساله یا سه‌ساله برای کار خود انجام دهند.

از طرف دیگر معدن کاران بخش خصوصی، سرخورده و ضعیف امید خود را از دست داده و کاملاً ناامید نسبت به اینکه بتواند کار مهم و اساسی انجام دهند، فقط باری به هرجهت اقداماتی را انجام داده، ذخایر را دست‌کاری می‌کنند و احياناً معادن را کور می‌نمایند که بعداً هم نمی‌توان آن‌ها را استخراج کرد و یا استخراج آن به علت عدم تخصص آن‌ها اقتصادی نیست. باید به بخش خصوصی روحیه داده شود. علاوه بر روحیه، باید آموزش در خصوص اکتشاف و استخراج و مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست داده شود. بسیاری از معدن‌دارها شاید قریب به اتفاق همه نمی‌دانند کدام گونه‌های گیاهی در معرض انقراض هستند یا اگر روغن‌موتور دستگاه‌هایشان را تعویض می‌کنند اگر روی زمین ریخته شود چه آثار سوء و مشکلاتی ایجاد می‌کند و نمی‌دانند، ناخواسته چه ضرری به محیط‌زیست وارد می‌کنند. سازمان محیط‌زیست فقط دنبال جریمه کردن، وصول طلب و تعطیل کردن معدن است و آموزشی در کار نیست. در بحث استخراج و اکتشاف، فاصله‌ای که بین دانشگاه و کسانی که کار معدن می‌کنند، بسیار زیاد است و معدن‌دارها معمولاً تا به گرفتاری خیلی زیادی دچار نشوند، دنبال مشاور یا اساتید دانشگاه نمی‌روند و اگر اساتید از عهده حل مسائل برنیابند که دیگر بدتر است و سلب اعتماد می‌شود.

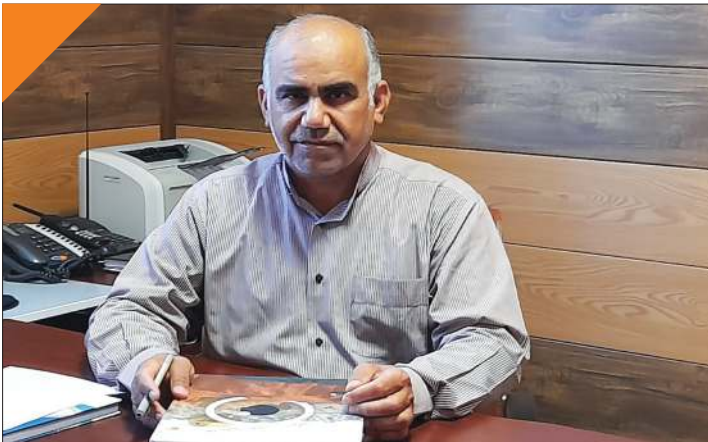
در مجموع ارتباط بیشتری باید بین اساتید دانشگاه و صنعت باشد، آموزش باید حتماً برقرار شود، خیلی از معادن آموزش‌های مدیریتی جهت مدیریت قیمت تمام‌شده محصولشان ندیده‌اند؛ اینکه چطور با مسائل اقتصادی روبه‌رو شوند و چه موقع تولید را کاهش و یا افزایش دهند. لذا لازم است این آموزش‌ها برقرار شود. ♦♦

بسیار اسفبار و بغرنج است. مواد معدنی دیگر نیز به همین شکل، گاهی اوقات شرایط بازار جهانی و گاهی تصمیماتی که دولت اخذ می‌کند، باعث می‌شود قیمت‌ها نوسان پیدا کند و حال شانس هرکدام از کسانی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند، ممکن است خیلی ثروتمند شوند و ممکن است دارایی و زندگی خود را از دست بدهند.

♦♦ بهبود توانمندی‌های بهره‌برداری و تولید در بخش معدن استان کرمان چقدر مشکل است؟

مشکل اصلی ما دخالت دولت در حوزه معدن است؛ دولت در قانون معادن با آیین‌نامه‌های اجرایی آن و اجرای قانون در زمینه‌های مختلف از جمله قیمت‌گذاری، مالیات، تعرفه‌ها، تعرفه‌های صادرات و واردات ماشین‌آلات به اشکال مختلف دخالت کرده است. مهم‌ترین مشکل برای سیستم معدن‌کاری کشور، نامشخص بودن نقش اصلاحی دولت در این بین است. یک نکته مهم دیگر هم هست؛ علی‌رغم اینکه بارها و بارها شعار این مسئله داده شده و حتی اقدامات ابتدایی آن انجام شده، استراتژی معدنی کشور تعریف و تدوین نشده است، سیاست کلی کشور در رابطه با معدن چیست؟ با اینکه همه می‌گویند، معدن نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور دارد و جزو چند کشور اول دنیا هستیم، اما عملاً ما هیچ سیاست روشنی برای بخش معدن نداریم. نکته بعدی این است





گفت‌وگو با «علی رشیدی» مدیرکل سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی استان کرمان

مرور وضعیت اکتشافات معدنی در استان کرمان

استان کرمان از نظر میزان ذخایر شناسایی شده، در رتبه ششم کشور قرار دارد و از نظر ارزش تولید با سهم ۳۷ درصدی دارای رتبه نخست در کشور است. مجموع ذخایر معدنی قطعی شده در استان کرمان ۵,۸ میلیارد تن می‌باشد. این استان در ذخایر مس، آهن و کرومیت دارای رتبه اول، زغال‌سنگ رتبه سوم و منگنز رتبه پنجم در کشور است. در موضوع اکتشاف‌های معدنی به حضور نیروی انسانی متخصص و کارآمد و پس از آن تأمین منابع مالی و اعتباری قابل‌توجه موردنیاز است. در بُعد نیروی انسانی متخصص، سازمان زمین‌شناسی سرآمد است، اما تخصیص منابع مالی، متناسب با نیازهای اکتشافی نیست. صنایع بزرگ معدنی از جمله مس، فولاد و ... به‌سرعیت زنگ خطر کاهش منابع شناخته‌شده معدنی و لزوم اکتشاف معادن جدید را متوجه شده‌اند. در یکی دو سال اخیر سازمان زمین‌شناسی از طریق همکاری بخش خصوصی و صنایع دولتی بزرگ در زمینه تأمین مالی اکتشاف، حرکت بزرگی را شروع کرده است. این سازمان پیشنهاد پی‌جویی سیستماتیک در وسعت ۲۴ هزار کیلومترمربع در استان کرمان را ارائه نموده است که اعتبار آن بالغ بر ۱۲۰ میلیارد تومان برآورد شده است. علی رشیدی مدیرکل سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی استان کرمان، همچنین می‌گوید که در حوزه قوانین و مقررات چالش‌هایی وجود دارد که ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد.

شرح گفت‌وگو با مدیرکل سازمان زمین‌شناسی استان کرمان را در ادامه مطالعه نمایید.

♦♦ استان کرمان دارای چه میزان ذخایر معدنی شناسایی شده و از چند نوع ماده معدنی و با چه ارزش پولی است، این میزان ذخایر در هر مورد چند درصد ذخایر معدنی کشور را تشکیل می‌دهد؟ استان کرمان در این زمینه چه رتبه‌ای را در کشور دارد؟

مجموع ذخایر معدنی قطعی در استان کرمان ۵,۸ میلیارد تن می‌باشد که بیش از ۸۳ درصد آن مربوط به چهار ماده معدنی مس، آهن، زغال‌سنگ و کرومیت می‌باشد. از نظر میزان ذخایر شناسایی شده استان رتبه ششم کشور را دارد، ولی از نظر ارزش تولید بیش از ۳۷ درصد این شاخص در کشور مربوط به استان کرمان بوده و رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. در مورد بسیاری از مواد معدنی مهم و استراتژیک استان، رتبه‌های برتر را دارا می‌باشد؛ مثلاً رتبه اول در ذخایر مس، آهن و کرومیت، رتبه سوم زغال‌سنگ و رتبه پنجم منگنز. به لحاظ پیشینه کار اکتشافی و معدنی، تنوع و میزان ذخایر معدنی که در آن وجود دارد این استان به بهشت

معادن مشهور بوده است؛ ولی قابلیت‌های زمین‌شناسی و معدنی استان کرمان بسیار فراتر از چیزی است که تا الآن شناسایی شده و در حال بهره‌برداری است. وظیفه و در حقیقت هدف شکل‌گیری سازمان زمین‌شناسی، تولید اطلاعات پایه در حوزه زمین‌شناسی و اکتشاف است که بر این مبنا تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی و اکتشافی در مقیاس‌های مختلف طی سنواتی که از عمر سازمان زمین‌شناسی می‌گذرد (حدود ۶۰ سال در کشور و ۴۰ سال در استان کرمان)، تولید شده است. بر مبنای فعالیت‌های سازمان در استان کرمان و با تلفیق اطلاعات و آمار موجود اطلس نقشه‌های پتانسیل مواد معدنی و زمین‌شناسی موضوعی استان کرمان تهیه گردیده است که خلاصه‌ای از آن را در ادامه خدمتتان عرض می‌کنم. بر اساس این اطلاعات به‌روزرسانی و تغییر مقیاس مطالعات پایه اکتشافی با به‌کارگیری فناوری‌های روز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و جای کار بیشتری دارد.

کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای تیب طلای کوهزایی حدود ۲,۲ درصد، معادل ۴۰۰۰ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای تیب رسوبی حدود ۸,۱ درصد، معادل ۱۴۶۰۰ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای منگنز حدود ۹,۵ درصد، معادل ۱۷۲۷۵ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای آهن حدود ۱۱,۳ درصد، معادل ۲۰۳۶۰ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای سرب و روی با میزان کربناته معادل ۴,۶ درصد، معادل ۸۳۳۰ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای مس رسوبی حدود دو درصد، معادل ۳۴۰۰ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای تیب کرومیت که غالباً در جنوب استان وجود دارد، حدود ۴,۶ درصد، معادل ۸۴۰۰ کیلومترمربع از مساحت استان قابلیت برای اکتشاف این کانسارها وجود دارد.
در مجموع بخش کوچکی از این کانسارها شناسایی و در حال بهره‌برداری هستند. علاوه بر این آمار، در استان کرمان

حدود ۸,۵ درصد، معادل ۱۵۳۰۰ کیلومترمربع از مساحت استان کرمان را کانسارهای تیب پروفیری تشکیل می‌دهند که در این مناطق قابلیت اکتشاف موادی مانند مس، مولیبدن، طلا و... وجود دارد که نمونه‌های آن‌ها در مجتمع مس سرچشمه، میدوک، دره آلو و ... است،
حدود ۷ درصد، معادل ۱۲۳۵۰ کیلومترمربع از مساحت استان کانسارهای تیب اسکارن که با نفوذ توده‌های آتشفشانی و کانی‌سازی‌هایی که پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد، وجود دارد، حدود ۴,۸ درصد، معادل ۸۷۰۰ کیلومترمربع از مساحت استان کانسارهای تیب اپی‌ترمال که در این مناطق قابلیت اکتشاف مواد معدنی مانند طلا، نقره، آرسنیک، آنتیموان و فلزات پایه وجود دارد،
- کانسارهای تیب سولفید توده‌ای حدود ۷,۵ درصد، معادل ۱۳۷۲۰ کیلومترمربع از مساحت استان،
- کانسارهای مس و نقره تیب مانتو حدود ۵,۵ درصد معادل ۱۰۱۹۷ کیلومترمربع از مساحت استان،
کانسارهای تیب طلا پلی متان که در ارتباط با توده‌های نفوذی آذرین هستند حدود ۲,۲ درصد، معادل ۳۹۵۰



سیستماتیک در مقیاس‌های یک‌صدهزارم، یک‌پنجاه‌هزارم و یک بیست‌وپنچ‌هزارم در قالب بیش از ۴۰ نقشه و گزارش انجام شده است. از این نظر استان کرمان برترین جایگاه را در بین فعالیت‌های سازمان زمین‌شناسی دارا بوده است.

◆ پیش‌بینی ذخایر معدنی استان با اجرای طرح‌های اکتشاف پهنه‌های جدید، چه میزان است؟

عملیات اکتشافی شامل چهار مرحله است:

فاز شناسایی که در مقیاس به نسبت کوچک انجام می‌شود، فاز پی‌جویی که در مقیاس $\frac{1}{50000}$ تا $\frac{1}{25000}$ و با دقت بیشتری انجام می‌شود و با پیمایش‌های دقیق صحرایی همراه است،

در فاز سوم اکتشافات عمومی انجام می‌شود و معمولاً در مقیاس $\frac{1}{100000}$ تا $\frac{1}{50000}$ و با برداشتهای ژئوفیزیکی همراه است.

در مرحله چهارم اکتشاف تفصیلی است که با دقت زیاد و تراکم نمونه‌برداری بالا، محدوده معدنی شناسایی و تعیین ذخیره می‌شوند که این مرحله انتهای ذخیره زنجیره اکتشاف

پتانسیل کانسارهای غیرفلزی از جمله سنگ‌های ساختمانی، قیمتی و نیمه قیمتی وجود دارد، قابلیت‌هایی که می‌تواند موردتوجه قرار بگیرد.

◆ تاکنون در چند درصد مساحت جغرافیایی استان کرمان، عملیات اکتشاف انجام شده است و به لحاظ عملیات اکتشافی، استان کرمان چه رتبه‌ای در کشور دارد؟

سازمان زمین‌شناسی در زمینه تولید اطلاعات پایه در حوزه زمین‌شناسی و اکتشاف کار خود را با تهیه نقشه‌های پایه زمین‌شناسی در مقیاس $\frac{1}{250000}$ و $\frac{1}{100000}$ آغاز کرده است. به جز مناطق کویری و دشت‌ها که پوشش سنگی ندارد و در اولویت اولیه تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی نبوده‌اند، نقشه‌های زمین‌شناسی سایر مناطق استان ۱۰۰ درصد تهیه‌شده و در حال حاضر بخش‌های کویری نیز در دست تهیه است. تهیه نقشه‌های ژئوشیمی پایه در مقیاس $\frac{1}{100000}$ در ۴۰ برگه اولویت‌دار در استان انجام شده است که حدود ۷۰ درصد وسعت استان را شامل می‌شود. همچنین در بسیاری از مناطق اولویت‌دار استان عملیات تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی اقتصادی با پی‌جویی



است و سپس بهره‌برداری شروع خواهد شد.

با توجه به مراحل بالا پهنه‌های اکتشافی که در چند سال اخیر بر مبنای نقشه‌ها و گزارش‌های زمین‌شناسی و اکتشافی توسط سازمان صمت تعیین و جهت اکتشاف در اختیار متقاضیان دارای قابلیت‌های فنی و مالی قرار گرفته است، حداکثر در مرحله اکتشاف پی‌جویی قرار دارند و به مرحله اکتشاف تفصیلی که منجر به صدور گواهی کشف و تعیین میزان ذخیره بشود نرسیده‌اند و اکثراً این پهنه‌ها در فاز دوم هستند. در مجموع در استان کرمان سازمان صمت ۲۴ پهنه اکتشافی را تعریف و به بخش خصوصی برون‌سپاری کرده است، اما غالب آن‌ها و بویژه پهنه‌هایی که پیشرفت کار بیشتری داشته‌اند، مرحله پی‌جویی را پشت سر گذاشته‌اند به این صورت که بر اساس پیش‌بینی قانون، مساحت ۲۵۰ کیلومترمربعی را جهت انجام عملیات اکتشاف تکمیلی به ثبت رسانده‌اند و مابقی مساحت پهنه آزاد شده است و در این مساحت پیگیر اخذ پروانه اکتشاف هستند تا مراحل بعدی اکتشاف صورت بگیرد.

◆ در مورد اصلاح محدوده‌های اکتشافی و بهره‌برداری چه اقداماتی انجام شده است؟

معمولاً اصلاح محدوده‌های معدنی چه برای گروهی که پروانه اکتشاف گرفته و چه کسانی که پروانه بهره‌برداری دارند، با تصویب شورای معادن صورت می‌گیرد. بخشی از اصلاحات توسط خود دارنده پروانه جهت کاهش محدوده معدنی از طریق ارسال درخواست به سازمان صمت شکل می‌گیرد که در استان کرمان در هر ماه حدود ۱۰ تا ۱۵ درخواست اصلاح در شورای معادن مطرح و در این رابطه تصمیم‌گیری می‌شود. در بعضی موارد نیز هدف از اصلاح اجرای یک طرح غیر معدنی در حوزه یک معدن است که در اینجا نیز متقاضی بعد از ارسال درخواست و بررسی محدوده معدنی مورد درخواست، توسط سازمان صمت و یا خود دارنده پروانه در صورتی که محل درخواست در عرصه عملیاتی معدن نباشد و ذخیره معدنی در آن محل وجود نداشته باشد، این بخش از معدن اصلاح می‌شود و به اصطلاح آزاد می‌شود و در اختیار بهره‌بردار غیر معدنی قرار می‌گیرد.

◆ به نظر می‌رسد منابع معدنی شناخته‌شده با توجه به افزایش مصرف در حال تهی شدن است، برای اینکه در آینده با کمبود مواد معدنی و معطل نماندن سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در صنایع معدنی روبه‌رو نشویم، در حوزه اکتشاف مواد معدنی چه فکری شده است؟

در موضوع اکتشاف، رکن اول، حضور نیروی انسانی متخصص و

کارآمد و در رتبه دوم منابع مالی و اعتباری قابل‌توجهی مورد نیاز می‌باشد. در مورد رکن اول، سازمان زمین‌شناسی با توجه به سابقه کاری و با وجود نیروی متخصصی که دارد در کشور سرآمد است؛ اما این سازمان دولتی به لحاظ مالی تماماً وابسته به منابع عمومی بودجه‌های دولتی است و در سنوات اخیر که کشور با مشکلات اقتصادی بزرگی روبرو شده، تخصیص منابع متناسب با نیازهای اکتشافی کشور نبوده است. صنایع بزرگ معدنی از جمله مس، فولاد و ... به سرعت زنگ خطر کاهش منابع شناخته‌شده معدنی و لزوم اکتشاف معادن جدید را متوجه شده‌اند. در همین راستا در یکی دو سال اخیر، سازمان زمین‌شناسی از طریق همکاری با بخش خصوصی و صنایع دولتی بزرگ در زمینه تأمین مالی اکتشاف، حرکت بزرگی را شروع کرده است و با مساعدت معاون معدنی وزارت صمت، شرکت ایمیدرو و سازمان زمین‌شناسی تفاهم‌نامه سه‌جانبه شکل گرفته که شرکت‌های زیرمجموعه ایمیدرو و همین‌طور شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی در قالب این تفاهم‌نامه با سازمان زمین‌شناسی جهت تأمین سرمایه مورد نیاز ذخایر معدنی، تأمین بخش مالی را انجام و سازمان زمین‌شناسی با وجود نیروی انسانی متخصص کار اکتشاف را انجام می‌دهد که از نمونه‌های عینی آن می‌توان به همکاری شرکت‌های فولادی اصفهان با سازمان زمین‌شناسی جهت اکتشاف ذخایر جدید آهن در اصفهان و همین‌طور پروژه بزرگی که در خراسان جنوبی در وسعت بیش از ۱۳۰۰۰ کیلومترمربع عملیات اکتشاف را با حمایت مالی ایمیدرو جهت اکتشاف پهنه‌های معدنی مورد نظر اشاره کرد. در استان کرمان نیز به واسطه ظرفیت‌هایی که وجود دارد، سازمان زمین‌شناسی در خلال برنامه‌ریزی و آمادگی جهت سفر ریاست محترم جمهوری به کرمان، پیشنهاد پی‌جویی سیستماتیک در وسعت ۲۴ هزار کیلومترمربع را ارائه نموده است که اعتبار آن بالغ بر ۱۲۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

◆ در مورد بخش اکتشاف عمیق مواد معدنی در استان چه اقداماتی صورت گرفته و چه برنامه‌هایی در دست اجرا و یا برای آینده پیش‌بینی شده است؟

بخش قابل‌توجهی از منابع معدنی که تاکنون شناسایی شده حاصل کارهای اکتشافی روی سطح زمین بوده است. اگر بخواهیم منابع جدید در مقیاس کانسارهای بزرگ را کشف کنیم، به‌طور قطع باید عمق اکتشاف را افزایش دهیم، یکی از مؤثرترین ابزارهایی که در این زمینه وجود دارد اکتشاف به روش ژئوفیزیکی و روش ژئوفیزیک هوایی که جزو سریع‌ترین شیوه‌هاست. در این زمینه سازمان زمین‌شناسی بیش از ۲۰ سال است که اکتشافات ژئوفیزیک هوایی را شروع کرده

سازمان
زمین‌شناسی با
توجه به سابقه
کاری و با وجود
نیروی متخصصی
که دارد در
کشور سرآمد
است؛ اما این
سازمان دولتی
به لحاظ مالی
تماماً وابسته به
منابع عمومی
بودجه‌های
دولتی است و در
سنوات اخیر که
کشور با مشکلات
اقتصادی بزرگی
روبرو شده،
تخصیص منابع
متناسب با
نیازهای اکتشافی
کشور نبوده است.

◆ **بخش خصوصی و بویژه صنایع مربوطه در توسعه اکتشافات معدنی مورد نیاز خود، چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ لطفاً با توضیح در مورد تجربه استفاده از بخش خصوصی در اکتشافات معدنی در این زمینه بفرمایید که تاکنون چه اقداماتی انجام شده و چه برنامه‌هایی در نظر گرفته شده است؟**

پاسخ این سؤال را به‌صورت مصداقی با ذکر مواردی از جمله سرمایه‌گذاری شرکت ذوب‌آهن اصفهان و شرکت ایمیدرو در بحث اکتشافات معدنی آوردیم. همان‌طور که اشاره شد سازمان زمین‌شناسی به‌عنوان یک سازمان دولتی با محدودیت منابع مالی مواجه است و از طرفی دیگر ظرفیت نیروی انسانی مناسب و قابل‌توجهی جهت اکتشافات دارد؛ لذا مدلی که مصداق آن را ذکر کردیم می‌تواند شکل بگیرد، برای این منظور سازمان زمین‌شناسی آمادگی خود را جهت همکاری با هرکدام از شرکت‌های بخش خصوصی که خواهان استفاده از تخصص و تجربه این سازمان می‌باشند، اعلام می‌دارد.

◆ **چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.**

بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های طبیعی استان پهناور کرمان که در حال حاضر در سطح دنیا نیز به‌شدت مورد توجه است، از جمله زمین‌گردشگری نادیده گرفته شده و در این زمینه در استان سرمایه‌گذاری کمی انجام شده است، در حالی که سرمایه‌گذاری در این حوزه زودبازده است. به‌عنوان نمونه بیابان لوت و کلوته‌های شهداد که مورد توجه گردشگران است. البته نکته مهمی در این زمینه وجود دارد که صیانت از این ظرفیت‌ها نیز مانند همه عرصه‌های دیگر ضروری است، با توجه به اینکه کویر لوت گنجینه ارزشمندی برای استان است و سالیان زیادی به دلایل مختلف از جمله نامنی‌های ایجاد شده توسط اشعار و قاچاقچیان مواد مخدر، کمتر مورد توجه قرار داشته، در حال حاضر و به برکت امنیت و آرامش نسبی که برقرار شده، مامنی برای افرادی شده تا از هیاهوی زندگی شهری به سکوت و آرامش کم‌نظیر این خطه پناه ببرند. بر اساس مشاهدات میدانی چند سالی است که بعد از ثبت جهانی، گروه‌های کویر نوردی با خودروهای ویژه آفرود در کویر نفوذ می‌کنند و با تاخت‌وتاز بی‌مهابا در عرصه‌های کویری علاوه بر آسیب‌های زیست‌محیطی باعث توسعه کانون‌های تولید گردوغبار نیز شده‌اند. لازم است با تعریف ضوابط متناسب و نظارت دقیق و البته آموزش و فرهنگ‌سازی از این قابلیت، به‌درستی استفاده شود و مقوله زمین‌گردشگری مورد توجه قرار گیرد. ◆

و در بسیاری از نقاط کشور از جمله کرمان (در حوزه جنوب منطقه ساردویییه) پرواز ژئوفیزیک انجام شده است. علی‌رغم اینکه استان کرمان جزو اولین استان‌هایی بود که در زمینه ژئوفیزیک هوایی کار را شروع کرد، اما در سال ۱۳۸۳ به دلیل بروز مشکلات محلی، این پروژه متوقف شد. سازمان زمین‌شناسی حدود ۵۰ درصد از وسعت استان را در برنامه‌های اولویت‌دار پرواز ژئوفیزیک هوایی قرار داده است. البته ذکر این نکته ضروری است که بعضی برداشت‌های ژئوفیزیک هوایی توسط شرکت‌های بزرگ مانند مس در مناطق مورد نظر خودشان انجام شده است.

◆ **مهم‌ترین راه‌های جذب و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و نیز داخلی در فعالیت‌های اکتشافی را چه می‌دانید؟**

در کشور و بویژه در استان کرمان هم پتانسیل و هم علاقه‌مندی جهت جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در صورت فراهم بودن شرایط زیربنایی وجود دارد، اما در مواردی بویژه در حوزه قوانین و مقررات چالش‌هایی وجود دارد که ریسک سرمایه‌گذاری در بخش معدن، بویژه اکتشاف را به‌شدت بالا می‌برد و سد راه سرمایه‌گذاری در این بخش می‌شود. بخشی از این چالش‌ها هم از ناحیه دستگاه‌های دولتی است که بنا به قانون، مرجع استعمال در مورد فعالیت‌های معدن کاری هستند مانند منابع طبیعی، محیط‌زیست و میراث فرهنگی. مجریان پروژه‌های معدنی بر اساس قانون ملزم به اخذ استعمال و کسب مجوز از این دستگاه‌های دولتی هستند. در بسیاری موارد ضوابط این دستگاه‌ها که مربوط به قوانین جاری بر فعالیت‌ها و شرح وظایف آن‌هاست مانعی بر سر راه فعالیت‌های اکتشافی و معدنی است.

مورد دیگری که مانع جذب سرمایه‌گذار است؛ وجود معارضات محلی است. ممکن است در پیرامون یک محدوده معدنی، روستا، آبادی و مزرعه‌ای باشد که معدودی از ذینفعان به تصور صدماتی که از ناحیه معدنکاری متحمل می‌شوند، به‌جای توسل به قانون که این موارد را هم پیش‌بینی نموده و سازوکارهای لازم را هم دیده است، در جهت احقاق آنچه حقوق از دست‌رفته خود می‌پندارند از طریق ایجاد درگیری، آسیب به ماشین‌آلات معدنی، تهدید جانی و ... مشکلاتی به وجود آورده‌اند و در بسیاری از موارد مانع از انجام عملیات شده‌اند. البته نمی‌توان منکر شد که بسیاری از سرمایه‌گذارانی که در حوزه معدن کار می‌کنند ممکن است سوءاستفاده‌هایی هم داشته باشند از جمله آسیب به منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی و ... کما این‌که این موارد هم در قانون دیده شده و اگر طبق قانون پیش بروند چنین مشکلاتی قابل حل و رفع هستند.

علی‌رغم اینکه

استان کرمان

جزو اولین

استان‌هایی

بود که در زمینه

ژئوفیزیک هوایی

کار را شروع کرد،

اما در سال ۱۳۸۳

به دلیل بروز

مشکلات محلی،

این پروژه متوقف

شد. سازمان

زمین‌شناسی

حدود ۵۰ درصد

از وسعت استان

را در برنامه‌های

اولویت‌دار پرواز

ژئوفیزیک هوایی

قرار داده است.



گفت‌وگو با «مسلم مروجی فرد» رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب استان کرمان

جذب سرمایه‌گذاران قدرتمند

پایندان پایداری تولید مواد و ایجاد صنایع معدنی

سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب از جمله سازمان‌هایی است که در جهت ارائه خدمات، رفع محرومیت و توسعه منطقه در سال ۱۳۸۹ در جنوب کرمان تأسیس شده است. به این ترتیب دو سازمان صمت شمال و جنوب در استان کرمان فعالیت دارند. در شمال استان سال‌هاست که در حوزه معادن فعالیت می‌شود و تقریباً می‌توان گفت میانگین توسعه در حوزه معادن شمال استان از میانگین کشوری اگر بالاتر نباشد، پایین‌تر نیست و این مسئله یک افتخار برای استان است.

اقتصاد منطقه جنوب بر پایه کشاورزی با تولید سالانه چهار میلیون تن محصول کشاورزی استوار است، اما باید توجه داشت که در جنوب استان کرمان، منابع معدنی بسیار باارزشی وجود دارد که بهره‌مندی از آن می‌تواند امر توسعه را تسریع بخشد. از جمله می‌توان به وجود بزرگ‌ترین معدن تیتانیوم در کشور با ذخیره یکصد و پنجاه میلیون تن و یکی از بزرگ‌ترین معادن مس کشور با ذخیره ۵۰۰ میلیون تن در منطقه کِرور شهرستان عنبرآباد اشاره کرد که در همین راستا یکی از اهداف سازمان صمت جنوب استان، توسعه حوزه صنایع و معادن بوده است. در حوزه معادن در ابتدای امر موضوع اکتشاف و بهره‌برداری و در ادامه لزوم شکل‌گیری صنایع معدنی مطرح است که در حال حاضر جنوب کرمان به ظرفیت خوبی رسیده است، به طوری که نزدیک به ۲۷۸ پروانه اکتشاف، ۱۰۰ پروانه بهره‌برداری و ۵۰ گواهی کشف در حوزه معدن در جنوب کرمان صادر شده است. چهار نوع ماده معدنی شناخته شده از جمله کرومیت، تیتانیوم، مس، منگنز و سنگ‌های ساختمانی از عمده مواد معدنی موجود در جنوب کرمان است. مشروح گفت‌وگوی ما با مسلم مروجی فرد رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب استان کرمان درباره اجرای طرح احیای معادن در جنوب استان کرمان را در ادامه مطالعه نمایید.



◆◆ مهم‌ترین مشکلات و موانع طرح احیای معادن در طول اجرای این طرح چه بوده و برای رفع این مشکلات چه اقداماتی انجام شده است؟

مسئولیت اجرای طرح احیای معادن در کشور به شرکت ایمیدرو و شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران واگذار شده است. در راستای اجرای این طرح، کلینیک‌های تخصصی در استان‌ها تشکیل شده که در استان کرمان سازمان صمت جنوب در جلسات مربوط به این طرح شرکت کرده و بر اساس آن برای هرکدام از معادن حاضر در این طرح نسخه مجزایی تهیه نموده است. اما با توجه به اینکه بزرگ‌ترین مشکل در راستای فعالیت معادن جنوب کرمان، نبود زیرساخت از جمله جاده و برق و عدم وجود صنایع معدنی و زنجیره فروش می‌باشد، اگر مجریان طرح احیا در این زمینه‌ها در جنوب کرمان کار کنند، این طرح می‌تواند موجب فعال‌سازی بسیاری از معادن باشد و در کل باید گفت موفقیت اجرای طرح بسته به عملکرد مجریان در رفع مشکلات زیرساختی معادن منطقه دارد.

◆◆ در راستای حل مشکلات زیرساختی معادن سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمان تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟

در جنوب کرمان غیر از معدنی مانند کرومیت که در آن‌ها خام‌فروشی صورت می‌گیرد، بقیه معادن به دلیل مشکلات فوق در ابتدا غیرفعال بودند. سازمان صمت جنوب که جزء موفق‌ترین سازمان‌های فعلی در کشور است با برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، معادن جنوب را به دودسته معادن کوچک‌مقیاس و معادن بزرگ تقسیم کرده است. با توجه به اینکه توان فروش و فرآوری محصولات معدنی در دسته معادن کوچک‌مقیاس وجود ندارد، سازمان در مدت زمان هشت سال اخیر توانسته است ۵۳ مجوز صنایع معدنی را صادر کند که از این تعداد تقریباً ۵۰ درصد یا به بهره‌برداری رسیده‌اند یا آماده بهره‌برداری هستند؛ به طوری که در شش‌ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ با سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد تومان و ایجاد اشتغال برای ۱۰۰۰ نفر نیروهای بومی منطقه، شش کارخانه؛ از جمله کارخانه مس افتتاح شده است. در جنوب استان کرمان از شمالی‌ترین نقطه یعنی ساردویییه تا جنوبی‌ترین نقطه یعنی زمشک کارخانه مس ایجاد کرده‌ایم، می‌توان گفت امسال چهار کارخانه افتتاح و دو مورد دیگر در مرحله احداث هستند که ان‌شاءالله تا پایان ۱۴۰۱ به بهره‌برداری می‌رسند.

تعدادی از معادن جنوب نیز با مشکلات ناشی از نبود زیرساخت‌های لازم روبه‌رو هستند. در همین راستا سازمان در مدت سه سال گذشته موفق شد با اخذ مجوز از ستاد اقتصاد مقاومتی و با همکاری شرکت ایمیدرو پروژه‌های احداث پست برق در ساردویییه شهرستان جیرفت و رمشک در شهرستان قلعه گنج، پروژه پل اسفندقه (عدم وجود این پل باعث غیرفعال شدن بخش عمده معادن جنوب شده است) و افزایش بار برق اسفندقه را پی‌گیری نماید؛ به طوری که در حال حاضر مطالعات اولیه پروژه احداث پل اسفندقه انجام و بودجه آن مشخص شده و مشاور مربوطه طرح متعهد به تحویل طرح اولیه تا پایان امسال شده است. پروژه احداث دو پست برق ساردویییه و رمشک با مشارکت و همکاری سازمان صمت و وزارت نیرو در جریان است و مقرر شده که وزارت نیرو با سهم ۵۰ درصدی و وزارت صمت از طریق شرکت ایمیدرو با مشارکت ۵۰ درصدی در این مهم همکاری داشته باشند که این موارد در بودجه ۱۴۰۱ تعریف شده است.

یک‌سری منابع زیرساختی جهت تقویت معادن از طریق وزارتخانه صمت از حقوق دولتی در اختیار سازمان صمت جنوب قرار می‌گیرد که در سال ۱۴۰۰ حدود دو میلیارد تومان بود که در بخش کوچکی از نیازها در جهت تأمین برق و احداث جاده در نظر گرفته و استفاده شده است. در مجموع مشکل نبود زیرساخت با انجام یک‌سری تعهداتی که شرکت‌های مجری این طرح در رابطه با ایجاد پست‌های برق در مناطق ذکر شده داده‌اند، حل خواهد شد. در مورد ایجاد صنایع معدنی و تکمیل زنجیره فروش نیز از طریق جذب سرمایه‌گذار، پیشبرد موضوع صورت گرفته است؛ به طوری که می‌توان گفت اجرای طرح احیای معادن در جنوب کرمان مشکلی نداشته است.

سازمان در

مدت زمان

هشت سال

اخیر توانسته

است ۵۳ مجوز

صنایع معدنی

را صادر کند که

از این تعداد

تقریباً ۵۰ درصد

یا به بهره‌برداری

رسیده‌اند یا

آماده بهره‌برداری

هستند؛

به طوری که

در شش‌ماهه

ابتدایی

سال ۱۴۰۰ با

سرمایه‌گذاری

۱۰۰۰ میلیارد

تومان و ایجاد

اشتغال برای

۱۰۰۰ نفر نیروهای

بومی منطقه،

شش کارخانه؛

از جمله کارخانه

مس افتتاح شده

است.

◆ مهم‌ترین اهداف اجرایی این طرح چیست؟

معادن در نقاط مختلف کشور از جمله در جنوب کرمان با مسائل و مشکلاتی از جمله عدم وجود زیرساخت‌های لازم و بازار مناسب فروش و سرمایه‌گذار، نبود ماشین‌آلات، وجود بدهی‌های دولتی، مشکلات معارضان محلی و ... مواجه‌اند و لذا غیرفعال مانده‌اند. اجرای طرح احیای معادن و عرضه‌یابی‌هایی که به‌واسطه این طرح صورت گرفته است باهدف فعال‌سازی این معادن، ایجاد ارزش‌افزوده و ایجاد اشتغال برای منطقه و مرتفع کردن مشکلاتی است که نام برده شد.

◆ چه تعداد معادن کوچک و متوسط تاکنون در جنوب

استان کرمان احیاء و به چرخه تولید برگشته است؟

در جنوب کرمان با توجه به اقدامات و فعالیت‌های سازمان و پیگیری‌هایی که صورت گرفته است مجوز احداث کارخانه صنایع معدنی برای ۵۳ معدن صادر شده و ۱۰ مورد از آن‌ها به بهره‌برداری رسیده است.

◆ همین بازگشت، چه میزان تولیدات معدنی و با چه

پتانسیل از اشتغال را در برداشته است؟

مواد معدنی تولیدشده در معادن کوچک و متوسط جنوب کرمان شامل کرومیت، سیلیس، آهن، منگنز و مس می‌شود. در سال ۱۴۰۰ با سرمایه‌گذاری هزار میلیارد تومان زمینه اشتغال ۱۰۰۰ نفر از نیروهای بومی در این منطقه فراهم گردید. میزان تولیدات برای هر نوع از مواد معدنی متفاوت است، اما به‌طورکلی در سال ۱۴۰۰ تا این مرحله صد هزار تن از این تولیدات به‌صورت محصول نهایی و فرآوری شده وارد چرخه تولید شده‌اند.

◆ چه تعداد از معادن کوچک‌مقیاس در جنوب استان کرمان

با مشکل روبرویند و این تعداد چه سهمی از آمار معادن

کوچک و متوسط را داراست و با چه میزان ذخیره مواد معدنی؟

از ۱۰۰ پروانه بهره‌برداری صادر شده در حوزه معادن کوچک و متوسط در جنوب کرمان، حدود ۵۰ درصد به‌صورت مشخص در حال فعالیت هستند. از ۵۰ درصد باقیمانده ۲۰ درصد معادل ۱۰ مورد از معادن کوچک و متوسط به دلیل عدم تأمین زیرساخت‌ها غیرفعال هستند که این معادن با پنج میلیون تن ذخیره مواد معدنی در سال قابلیت فعال‌سازی و احیا دارند. ۳۰ درصد باقیمانده در مراحل برگزاری مزایده و سلب صلاحیت هستند.

◆ ارزیابی شما از چگونگی پیشرفت طرح احیای معادن

در طول سال‌های اجرا تاکنون چیست؟

با توجه به شرایط موجود و تحریم‌های اقتصادی، بسیاری از ماشین‌آلات معدنی با وجود فرسودگی امکان تعویض ندارند. از طرف دیگر تولیدکنندگان در معادن کوچک‌مقیاس توان ایجاد زیرساخت ندارند، لذا اگر تعهدات متولیان اجرای طرح مبنی بر تأمین زیرساخت‌ها از جمله جاده و برق عملی شود، ارزیابی مثبتی از این طرح به دست خواهد آمد. در کنار آن دولت نیز با دادن مشوق‌هایی مانند تسهیلات بانکی، تسهیل تعاملات بین دستگاهی برای مثال ارتباط بین سازمان‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی در موضوع صدور مجوزها می‌تواند در پیشبرد این طرح مهم باشد.

◆ توزیع آماری معادن غیرفعال جنوب استان کرمان

را بر اساس نوع مواد معدنی، در گذشته و اکنون ارائه فرمایید؟

عمده معادن غیرفعال جنوب کرمان در حوزه سنگ‌های معدنی (به دلیل عدم فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم از جمله جاده) حدود ۴۰ درصد، در حوزه مس ۲۰ تا ۳۰ درصد و مواد معدنی دیگر از جمله منگنز، سیلیس و ... ۲۰ درصد بودند.

در حال حاضر تعداد معادن غیرفعال در حوزه مس از ۳۰ درصد تقریباً به ۲۰ درصد کاهش پیدا کرده است (۱۰ درصد باقی‌مانده در حال انجام است). در حوزه سنگ‌های ساختمانی از ۴۰ درصد تقریباً ۱۰ درصد وارد چرخه تولید شده‌اند و ۳۰ درصد همچنان غیرفعالند که در مرحله اول کارخانه فرآوری این مواد احداث شده است و با ساخت پل اسفندقه کار سرعت خواهد گرفت. در حوزه منگنز و کرومیت موفق به احیا حدود ۱۰ درصد از معادن شده‌ایم و مابقی به دلیل عدم وجود زیرساخت‌ها هنوز به مرحله اجرا نرسیده است.

◆ منابع اجرای این طرح از چه محلی و مسیری به

معادن غیرفعال می‌رسد؟

منابع مالی اجرای طرح احیا از طریق شرکت ایمیدرو و شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران تأمین می‌شود که این شرکت‌ها متعهد به تأمین زیرساخت‌های لازم معادن شده‌اند.

◆ تاکنون چه اقداماتی در زمینه حل مشکل زیرساخت

معادن جنوب کرمان انجام شده است؟

متأسفانه جنوب کرمان در بحث زیرساخت معادن طی سالیان سهمی نداشته اما با پیگیری‌های سازمان و نیاز

در جنوب

استان کرمان از

شمالی‌ترین نقطه

یعنی ساردوییه

تا جنوبی‌ترین

نقطه یعنی

زمشک کارخانه

مس ایجاد

کرده‌ایم، می‌توان

گفت امسال

چهار کارخانه

افتتاح و دو مورد

دیگر در مرحله

احداث هستند

که ان‌شاءالله

تا پایان ۱۴۰۱

به بهره‌برداری

می‌رسند.

بزرگ معدنی جهت احداث کارخانه و در نتیجه ایجاد ارزش‌افزوده صورت می‌گیرد. در همین راستا در جنوب کرمان یک‌سری اقدامات انجام شده است؛ سازمان با شرکت‌های بزرگ معدنی از جمله شرکت ملی مس، شرکت پایا و شرکت گهرزمین وارد مذاکره شده تا از این طریق با شرایطی که فراهم می‌شود، با سرمایه‌گذاری در این معدن، چرخه تولید پایدار بماند. تنها راه فعال شدن این چرخه همان جذب سرمایه‌گذاران قدرتمند و ایجاد صنایع معدنی برای جلوگیری از خام‌فروشی است. ♦♦



مبرم معدن منطقه به ایجاد زیرساخت‌های لازم، تاکنون حدود ۵۰ میلیارد ریال در این حوزه هزینه شده است و منابع موردنیاز برای تأمین کامل، حدود سه هزار میلیارد ریال برآورد می‌شود که تأمین این مبلغ نیز در قالب اجرای پست‌های برق از طریق وزارت صمت و وزارت نیرو هرکدام با سهم ۵۰ درصدی اجرا خواهد شد.

یک سری منابع هم مربوط به منابع زیرساختی اختصاصی معدن در کشور است که وزارت صمت متولی آن است و با پیگیری‌های انجام شده برای معدن در جنوب کرمان حدود دو میلیارد تومان ابلاغ و طی امسال در قالب چند پروژه زیرساختی هزینه شده است.

♦♦ آیا در خلال زمان اجرای طرح تاکنون موارد غیرفعال شدن معدن کوچک و متوسط استان وجود داشته است؟ لطفاً در مورد چگونگی اولویت‌بندی معدن غیرفعال برای قرار گرفتن در طرح احیاء توضیح دهید. بله با وجود تحریم‌های ظالمانه در حوزه اقتصادی و افزایش هزینه‌های استخراج و مستهلک شدن ماشین‌آلات، بسیاری از معدن درگیر در این طرح در تأمین قطعات مورد استفاده در ماشین‌آلاتی که در معدن استفاده می‌کنند با چالش‌هایی روبرو شده‌اند که باعث شده آن‌ها مجدداً غیرفعال شوند. اخیراً از طریق وزارت صمت برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته است که به واسطه آن مجوز تعویض ماشین‌آلات مستعمل با ماشین‌آلات جدید وارداتی به معدن داده شده که این امر استخراج مواد معدنی را تسهیل خواهد کرد. در طرح احیا اولویت با معدنی است که ماشین‌آلات مورد استفاده در آن‌ها بر اساس بازدید و نظر کارشناس سازمان صمت و گزارش‌های مربوطه، مستعمل و از بین رفته باشند و در استخراج مواد معدنی مربوطه مشکل داشته باشند. در مجموع می‌توان گفت برخی معدن کوچک‌مقیاس در جنوب کرمان با توجه به عدم وجود زیرساخت‌های لازم و عدم توانایی جذب سرمایه‌گذار در موضوع استخراج و بحث فرآوری، قابلیت این را دارند که در زمره این طرح قرار گیرند.

♦♦ برای پایداری فعالیت معدن کوچک‌مقیاس و جلوگیری از بازماندن آن‌ها از عملیات بهره‌برداری و توسعه استخراج مواد معدنی چه راهکارهایی اندیشیده شده است؟ مهم‌ترین تمهیداتی که می‌توان انجام داد، جذب سرمایه‌گذار است که این امر از طریق برقراری ارتباط صنایع کوچک با سرمایه‌گذاران و شرکت‌های

تحلیل SWOT شرکت معادن زغال سنگ کرمان



♦ دکتر حدیثه رحیمی صادق

سرپرست واحد طرح، برنامه و نظارت شرکت معادن زغال سنگ کرمان

تحلیل SWOT

تحلیل SWOT ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی‌های درونی سازمان است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین‌طور بازاریابی، شناخت محیط پیرامونی سازمان است. حروف SWOT که آن را به شکل‌های دیگر مثل TOWS هم می‌نویسند، ابتدای کلمات Strength به معنای قوت، Weakness به معنای ضعف، Opportunity به معنای فرصت و Threat به معنای تهدید است. ماهیت قوت و ضعف به درون سازمان مربوط می‌شود و فرصت و تهدید معمولاً محیطی است. در اینجا به معرفی آنالیز SWOT پرداخته شده است و نحوه اجرای آن شرح داده نشده است.

قوت‌ها Strength

قوت‌های سازمان همان منابع و توانایی‌هایی است که در اختیار دارد و می‌تواند از آن‌ها به‌منظور ایجاد یک مزیت رقابتی استفاده کند. موارد زیر می‌توانند از قوت‌های شرکت معادن زغال سنگ کرمان به حساب آیند:

- * وجود سرمایه‌ها و دارایی‌های ارزشمند و راکد در سطح شرکت،
- * موقعیت جغرافیایی مناسب معادن زغال سنگ کرمان،
- * وجود ذخایر عظیم مواد معدنی (ذخایر قطعی و احتمالی)،
- * وجود توانمندی‌های بالقوه در گسترش فناوری‌های اکتشاف، فرآوری و تولید در صنایع معدنی،
- * حمایت اقشار اجتماعی و مسئولین منطقه‌ای از صنعت زغال به دلیل توسعه منطقه و اشتغال‌زایی،
- * سهم حدود ۳۰٪ از تولید کنستانتیره کشور،
- * نیازمندی واحدهای کک‌سازی احداث شده و هم‌جوار با معادن در استان به زغال سنگ استخراجی معادن،
- * برخورداری از حجم انبوه باطله‌های زغال سنگ و امکان استفاده و استحصال کانه‌های جنبی از آن،
- * وجود نیروها و تکنیسین‌های مجرب در سطح شرکت و برخورداری از:
- * ۳۰٪ کل جمعیت شاغلین در حوزه صنعت زغال سنگ،

- * ۲۵٪ از کل جمعیت شاغلین در حوزه معادن استان کرمان،
- * ۵٪ از کل جمعیت پرسنل معادن ایران،
- * وجود ظرفیت‌های خالی بسیار ارزشمند در سطح شرکت و در حوزه‌های مختلف:
- * چاه‌های آب (۱۲ حلقه چاه آب در سطح معادن و ۳ حلقه چاه در محوطه شرکت)،
- * سوله‌های خالی (۸۰۰۰ مترمربع سوله خالی)،
- * نیروی انسانی ۱۳۰۰ نفر نیروی مازاد،
- * تجهیزات برقی در سطح معادن و شرکت.

ضعف‌ها Weakness

- نبودن بعضی از توانایی‌های کلیدی در سازمان می‌تواند به‌عنوان یک ضعف در سازمان تلقی شود. موارد زیر می‌توانند از ضعف‌های شرکت معادن زغال سنگ کرمان باشند:
- * فقدان و ضعف سیستم توانمندسازی نیروی انسانی و عدم کیفی سازی نیروی انسانی در گذشته،
- * پایین بودن سرانه تولید و پرسنل تونلی نسبت به شرکت‌های خصوصی و بالطبع بالا رفتن قیمت تمام‌شده،
- * عدم وجود معیارهایی جهت سنجش پیشرفت کار و اثرات کمی و کیفی،
- * عدم استفاده از فن‌آوری‌های جدید استخراج، پیشروی،
- * بالا بودن هزینه‌های تولیدی به دلیل فرسودگی لوازم و تجهیزات،
- * پایین بودن بهره‌وری و سطح تولید معادن نسبت به معادن مکانیزه،
- * طولانی بودن زمان اجرای طرح‌های توسعه،
- * ضعف برنامه‌های آموزشی بر اساس تخصص و حوزه موردنیاز،

- افزایش قیمت حامل‌های انرژی و حمل‌ونقل،
- کمبود در زیرساخت‌های توسعه معادن و صنایع معدنی شامل
- ضعف در حمل‌ونقل ریلی و حتی جاده‌ای، نوسانات شدید ولتاژ برق،
- دسترسی نداشتن به فناوری‌های پیشرفته بخصوص جهت مکانیزه نمودن معادن،
- وجود محدودیت‌هایی از طرف سازمان منابع طبیعی، حفاظت محیط‌زیست و میراث فرهنگی در فعالیتهای معدنی و صنعتی.

استراتژی‌های کلان شرکت معادن زغال سنگ کرمان

- توسعه و افزایش تولید در راستای افزایش سودآوری،
- احداث و توسعه ظرفیتهای تولیدی در راستای مکانیزه کردن معادن شرکت زغال سنگ،
- افزایش ضریب ایمنی در معادن و کارخانه‌های زغال شویی،
- جذب، آموزش و رشد، نگهداری و بکارگیری نیروهای زبده و خلاق،
- حمایت مالی از پروژه‌های تأییدشده دانشجویان برتر کارشناسی ارشد در راستای افزایش تولید،
- افزایش سرعت چرخش و بازدهی کل دارائی‌ها،
- طراحی، استقرار و به هنگام سازی نظام‌های جامع برنامه‌ریزی و کنترل عملیاتی،
- بهبود و بهسازی نظام اجرایی طرح‌های توسعه در خصوص معادن،
- هماهنگی، همکاری و مشارکت با شرکتهای تولیدی مشابه در استان،
- آغاز سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی صنایع جانبی،
- آینده‌نگری و تقویت بازاریابی و تبدیل به واحد انحصاری فروش محصول در استان. ♦♦

- * بالا بودن سن کارکنان مولد و وجود ساختار سنتی و غیر منطقی،
- * به‌روز نبودن و هم‌سطح نبودن بانک‌های اطلاعاتی زمین‌شناسی و معدنی با استانداردهای بین‌المللی.

فرصت‌ها Opportunity

- شناسایی و بررسی دقیق محیط خارجی می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای مدیران شرکت نمایان سازد و همین فرصت‌ها می‌توانند آغازگر مسیر جدیدی برای توسعه و رشد باشند، فرصت‌ها می‌توانند شامل موارد زیر باشند:
- * نیاز برطرف نشده مشتری،
- * حذف موانع تجارت جهانی،
- * حفظ ارزش و برند سازمانی،
- * سودآوری پایدار با رویکرد ایجاد منافع مشترک برای سازمان،
- * تقویت رویکرد تیمی (نگرش فرآیندی و ایجاد ارزش‌های مشترک و فرهنگ اعتماد)،
- * نتیجه‌گرایی و دست یافتن به نتایج مطلوب،
- * بهبود مستمر و ارتقا مداوم سیستم‌ها و فرآیندها (انعطاف پذیری)،
- * یادگیری حمایت از رشد فردی و حرفه‌ای همکاران، انتقال دانش و تجربیات فی‌مابین،
- * بهره‌مندی مطلوب از توان تخصصی شرکت زغال سنگ،
- * برقراری تعامل با مجموعه‌های تحت پوشش صندوق به‌منظور شناسایی دقیق ظرفیتهای، فرصت‌ها و ارتقای سطح هم‌افزایی،
- * اتخاذ تدبیر و راهکارهای مناسب برای توسعه مناطق اکتشافی،
- * تعامل با مجموعه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی در استان،
- * رشد بهره‌وری با تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار،
- * وجود ارتباطات با کشورهای پیشرفته در زمینه زمین‌شناسی و اکتشاف مواد معدنی.

تهدیدها Threat

- تغییر در متغیرهای خارجی و محیطی می‌تواند تهدیدهایی را برای شرکت معادن زغال سنگ کرمان در پی داشته باشد. مواردی چون:
- کاهش سهم شرکت در بازار،
- انحصاری بودن بازار مصرف کنستانتره به دلیل وجود موانع و عدم صادرات،
- افت تولید و کاهش رقابت‌پذیری با واحدهای معدنی و صنعتی،
- بحران‌های مالی و اقتصادی،
- محدودیت منابع آب کشور،



«بهشت معادن» و دوزخ بی‌تدبیری‌ها

سید محمدعلی گلابزاده
مدیر مرکز کرمان شناسی



همان گروه عافیت نیافته و به قولی «عرب دوغ ندیده» ای است که وقتی به آبادی و سرزمین پروتوق و محفل انباشته از برکات می‌رسند، هم می‌خورند و هم نیم‌خور می‌کنند و هم دور می‌ریزند و بالاخره، چنان دمار از روزگار آن محفل و مجلس درمی‌آورند که سامان دادن دوباره آن مقدور نیست. شیوه‌های نادرست اکتشاف در سال‌ها و دهه‌های اخیر، دقیقاً حکایت همین روایت است. اکتشاف با شیوه انفجاری و راه‌های نادرست دیگر، درصد قابل‌توجهی از مواد معدنی را غیرقابل استفاده کرده و به نابودی کشانده است چه کسی گناه این ندانم‌کاری‌ها را به عهده می‌گیرد؟ آیا سازمان و وزارتخانه‌ای که نام مقدس «معادن» را زیب و زیور خودساخته و دهها و صدها کارشناس خیره در اختیار دارد و تمامی این مسائل را، هزاران بار بیشتر و بهتر از بنده کم‌سواد در رشته معدن می‌دانند، نمی‌توانستند پیش از این به عرضه طرح‌هایی همت گمارند که امروز افسوس بر باد رفتن سرمایه‌ها و ارزش‌هایمان را نخوریم؟

نامورانی در گذر تاریخ از بزرگی‌های معدنی کرمان یاد کرده و این‌گونه به معادن دیارمان اشاره کرده‌اند:

«ابن‌حوقل در سفرنامه خود، صوره الارض (قرن چهارم هجری) از وجود معادن آهن در جبال‌بارز و نقره در «جبال‌الفضّه» خبر می‌دهد. جبال‌الفضّه (کوه‌های نقره) مطابق نشانه‌هایی که ابن‌حوقل می‌دهد در رشته کوه‌های اسفندقه در غرب جیرفت واقع است (بین جیرفت و خَبر در یک منزلی خَبر).

خواجه‌نصیرالدین طوسی (میانه قرن هفتم هجری) در منسوخ نامه از فیروزه و توتیا در کرمان نام می‌برد و می‌گوید که توتیا را برای تهیه مفرغ مصرف می‌کنند و همچنین از دهنه

از دیرباز کرمان را بهشت معادن نامیده‌اند، تا آنجا که بسیاری از جهانگردان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی از گستره آن و کیفیت بالای مواد معدنی استان سخن گفته و آن را ستوده‌اند، معدنی که برخی از آن‌ها شهرت جهانی دارند؛ مانند معادن مس سرچشمه و گل‌گهر.

اگرچه از مستندات تاریخی چنین پیداست که کار اکتشاف و برداشت معادن از گذشته‌های دور آغاز شده است، مانند برداشت مس، در پنج هزار سال پیش از میلاد و راه‌اندازی کوره‌های ذوب مس در «تل‌ابلیس» بردسیر، یا فعالیت‌های اکتشافی ۳۸۰۰ قبل از میلاد در «تپه یحیی» - بافت - با این‌همه چنین پیداست که سرعت برداشت از معادن در قرن معاصر به‌جایی رسیده که بی‌تردید جای نگرانی دارد، به سخنی دیگر، آن‌ها که عنوان «بهشت معادن» را شنیده‌اند، تصورشان این است که اینجا همان «بهشت بی‌انتهاست» که هر چه از آن برداری، کاستی نپذیرد و کم نشود، لذا چنان به جان سیب‌ها و گندم‌هایش افتاده و باهم به رقابت پرداخته‌اند که گوئی مسابقه‌ای در کارست. به همین دلیل، کارشناسان را عقیده بر این است که ادامه این وضعیت، حتی اگر در زمانه ما آسیب جدی به این گوهر گران‌بها که نمونه راستین «انفال» به شمار می‌رود، وارد نیاید بی‌تردید نسل‌های آینده را از داشتن سرزمینی که از آن به‌عنوان «بهشت معادن» یاد کنند، محروم خواهد ساخت. با این توضیح که معادن، یکی از پایه‌های اصلی رونق اقتصادی و حرکت شتابنده بازرگانی و تجارت محسوب می‌شود. آیا این شعار که «کاشتند و خوردیم، کاریم و خورند» فراموش شده؟ آیا بنا داریم آن‌چنان با چوب حراج معادنمان را به صدا درآوریم که آیندگان، تنها با روزهای پروتوق گذشته، دل‌خوش کنند؟ درست است که ما هم امروزه به ارزش‌های گذشته می‌نازیم، اما همه آن‌ها را از دست رفته و به پایان رسیده، نداشته و نمی‌دانیم. هنوز رگه‌هایی از معادن در مسیر حرکت‌های اقتصادی تجاری ما وجود دارد که دست مایه فعالان این عرصه به شمار می‌رود. نکته مهم و قابل‌توجه اینکه رفتار ما با معادن دیارمان مشابه

با این توضیح که

معادن، یکی از پایه‌های اصلی رونق اقتصادی و حرکت شتابنده بازرگانی و تجارت محسوب می‌شود.

آیا این شعار که «کاشتند و خوردیم، کاریم و خورند» فراموش شده؟ آیا بنا داریم

آن‌چنان چوب حراج معادنمان را به صدا درآوریم که آیندگان، تنها با روزهای پروتوق

گذشته، دل‌خوش کنند؟ درست است که ما هم امروزه به ارزش‌های گذشته

می‌نازیم، اما همه آن‌ها را از دست رفته و به پایان رسیده، نداشته و نمی‌دانیم.

آیا این شعار که «کاشتند و خوردیم، کاریم و خورند» فراموش شده؟ آیا بنا داریم آن‌چنان

با چوب حراج معادنمان را به صدا درآوریم که آیندگان، تنها با روزهای پروتوق

گذشته، دل‌خوش کنند؟ درست است که ما هم امروزه به ارزش‌های گذشته

می‌نازیم، اما همه آن‌ها را از دست رفته و به پایان رسیده، نداشته و نمی‌دانیم.

آیا این شعار که «کاشتند و خوردیم، کاریم و خورند» فراموش شده؟ آیا بنا داریم آن‌چنان

حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب از معادن نقره جیرفت نام می‌برد که آن را کوه نقره می‌گویند (احتمالاً همان جبال الفضة است که ابن‌حوقل در صوره الارض ذکر نموده است). در عرائس الجواهر درباره یشم و دهنه کرمان صحبت می‌شود و در شرح انواع لاجورد از نوعی به نام لاجورد کرمانی نام برده می‌شود.

در الجماهر از قول کندی وقتی انواع دهنه (مالاکیت) را شرح می‌دهد از دهنه کرمانی نام می‌برد که در غار کوه‌های کرمان در معادن مس وجود دارد. در همان کتاب نوع مروانی دهنه مربوط به معدنی مسی است در کرمان.

علاوه بر کتاب جماهر، تنسوخ نامه و جواهر نامه سلطانی در کتاب تیفاشی نیز از دهنه کرمان صحبت به میان می‌آید.

محمد صالح تهریزی، معدنچی باشی دربار ناصرالدین‌شاه درباره معادن خطه کرمان فهرستی ارائه می‌دهد که آهن در خانمان، آب گرم سیرچ، آب گرم بردسیر در بلوک راین، ابارق طهرود، بلوک اختیار آباد، گوگرد در بلوک راور، زاج سفید و سیاه در راور، فیروزه در شهرباک، سنگ توتیا در بلده کوه بنان، مرمر در بلوک بردسیر و بلوک راین، لاجورد در شهرباک و نام تعداد زیادی از معادن سرب و مس کرمان در آن آمده است.^۱

در معدن باستانی قلعه نرپ نیز فعالیت معدنی در دوره ساسانیان انجام می‌شده است.

از استرابون جغرافی نویسنده یونانی نقل شده است که «در ایران طلا، نقره، مس، آهن، سرب و زر نیخ استخراج می‌شد و بیشتر از ناحیه کرمان به دست می‌آمده است.

هرودت می‌نویسد: داریوش نقره را از «کاپادوریا» و «کارمانیا»

(مالاکیت) کرمان صحبت می‌کند.

مارکوپولو در سفرنامه خود (نیمه دوم قرن هفتم هجری و نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی) می‌گوید فیروزه در کرمان بسیار زیاد پیدا می‌شود که حاصل کاوش صخره‌های نزدیک است. او همچنین می‌نویسد که در کوهبنان مقدار زیادی آهن و فولاد و شرمه استخراج می‌کنند و آیینه‌های شفاف و بزرگی از فولاد درست می‌کنند. شرحی که مارکوپولو از تولید توتیا (اکسید روی) در کوهبنان می‌دهد جالب است. او می‌گوید که مقداری خاک را (که ظاهراً بایستی خاک کربنات روی باشد) در یک اجاق، روی هم می‌ریزند و با حرارت زیاد می‌سوزانند. پنجره مشبکی آهنین که در بالای اجاق است دود و رطوبت حاصل از سوختن خاک را به خود جذب می‌کند و این همان توتیا است.

در کتاب حدود العالم از معادن سرب در جیرفت و بم نام برده می‌شود. همچنین از خاک‌های زر نام می‌برد که در جوی‌های جیرفت وجود دارد. در کرمان ناحیتی است اندر وی کوه‌ها بسیار است و اندر وی معادن زر و سیم است و مس و سرب و مغناطیس.

تاورنیه در سفرنامه خود از معادن سرب کرمان در زمان صفویه دگری به میان می‌آورد.

ورتایم به گفته‌های تاریخی استناد می‌کند که در خطه کرمان قلع استخراج می‌شده است.

جوهر نامه سلطانی از احمد طیب ساوجی نقل می‌کند که در جبال جنوبی کرمان چند کان زر غیر خالص مشاهده نموده است. در همان کتاب از یشم و دهنه کرمان نام برده می‌شود.



به دست آورده است. در خاطرات و نوشته‌های مارکوپولو نیز به معادن فیروزه کرمان قدیم اشاره شده است. خسرو پرویز جامه تن و دستمال دستش را به آتش می‌انداخت تا پاک شود. جنس جامه و دستمال پنبه کوهی بوده که از کرمان آورده می‌شد.»^۲

در این میان برتری اصلی منطقه گل‌گهر در اختیار داشتن بخش قابل توجهی از سنگ آهن کشور است. در ایران تاکنون بیش از ۴۵۰۰ میلیون تن ذخیره زمین‌شناسی سنگ آهن کشف شده است که ۲۵۰۰ میلیون تن آن قابل استخراج است. ۳۱ درصد این ذخایر در منطقه مرکزی (چادرمو، چغارت و سه چانون)، ۳۴ درصد در منطقه گل‌گهر و ۲۲ درصد نیز در منطقه سنگان و ۱۳ درصد در سایر مناطق ایران قرار دارند. با توجه به سهم بالای گل‌گهر از ذخایر سنگ آهن، این پتانسیل برای مجموعه معادن منطقه گل‌گهر وجود دارد که به یکی از نقش آفرینان اصلی تولید فولاد کشور تبدیل شوند. گل‌گهر برای این که بتواند عامل مؤثری در صنعت فولاد باشد، باید دست کم همگام با رشد صنعت فولاد در کشور، رشد کند. چشم‌انداز منطقه گل‌گهر مبنی بر ایجاد ظرفیت لازم برای تولید ۲۰ میلیون تن کنسانتره، ۲۰ میلیون تن گندله و ۵ میلیون تن فولاد در سال ۱۳۹۸ با توجه به همین امر تعیین شده است. به این ترتیب، گل‌گهر متناسب با سهم ذخایر خود، در تولید فولاد نقش خواهد داشت و نزدیک به یک سوم سنگ آهن مورد نیاز کشور را تأمین خواهد کرد.

کانسارهای کرومیت و منگنز و منیزیت: این کانسارها در زون افیولیتی جنوب استان به صورت متعدد و پراکنده گسترش دارند که مهم‌ترین آن‌ها کمربند فلزایی کروم دار اسفندقه - فاریاب می‌باشد که تاکنون بزرگ‌ترین ذخایر کروم، منگنز و منیزیت را تشکیل داده‌اند.

سنگ‌های ساختمانی: این معادن به‌طور متنوع و متعدد در کل استان پراکنده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود: در زون ایران مرکزی؛ معادن مرمریت، در زون دهج - ساردوئیه؛ معادن سنگ گرانیت و مرمر رگه‌ای (معادن مرمر تنگویی) در زون دگرگونی سندانج- سیرجان و افیولیت‌ها (سنگ‌چینی‌های منطقه بافت).

معادن خاک‌های صنعتی: خاک‌های صنعتی با طیف گسترده برحسب شرایط زمین‌شناسی در زون‌های ذکر شده در کل استان گسترش دارند ولی ژنز و نوع آن‌ها در هر زون و منطقه متفاوت هست. این معادن شامل؛ معادن بنتونیت، کائو لن، خاک نسوز، فلدسپات، بال کلی و... می‌باشد. پهنه ذغال‌دار کرمان: مطالعات اکتشافی سیستماتیک در این ناحیه برای اولین بار در سال ۱۳۴۴ توسط کارشناسان شرکت ملی فولاد ایران و کارشناسان روسی انجام شد. ذخایر

زغال سنگ کرمان به دو بخش عمده مناطق درونی و بیرونی ناودیس کرمان تقسیم می‌شوند. زغال سنگ‌های مناطق درون ناودیس از نوع کک شو و معادن مهم این بخش شامل: پابدانا، باب نیزو، اشکلی، سراپرده، داربیدخون، دره کر، هجدک و خمروند هستند. زغال سنگ‌های مناطق بخش بیرونی ناودیس اغلب از نوع حرارتی و کمتر کک شو هستند. معادن هشونی، باداموئیه و همکار از مهم‌ترین این معادن هستند. مجموع ذخایر زغال سنگ این پهنه حدود ۱۰۳ میلیارد تن برآورد شده که حدود ۳۵۰ میلیون تن آن‌ها از نوع کک شو و حدود ۳۲۰ میلیون تن آن از نوع حرارتی و بقیه کیفیتی بینابین دارند. وجود مهم‌ترین و بزرگ‌ترین معدن تیتانیوم ایران در استان کرمان (تیتانیوم کهنوج) نیز از نکات قابل توجه است که باید به آن اشاره نمود.

معادن شهرستان زرنند: شامل آهن، زغال سنگ، خاک نسوز و گچ است که معدن آهن جلال آباد و معادن زغال سنگ از جمله مهم‌ترین این معادن می‌باشند.

معادن شهرستان بم: شامل معادن مس، مرمر، گرانیت بوده که کانسار مس ریگان و معدن مرمر ده رستم از جمله مهم‌ترین این معادن هستند.

معادن شهرستان شهرابک: شامل مس، گرانیت، ماسه سیلیسی، مرمریت، آهک و هورنفلس است که معدن مس میدوک از مهم‌ترین معادن این شهرستان است.

معادن شهرستان بافت: شامل معادن کرومیت، سنگ چینی و منگنز است که معدن کرومیت اسفندقه از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین معادن کرومیت کشور در این شهرستان قرار دارد.

معادن شهرستان کهنوج: شامل معادن کرومیت، تیتان و سیلیس بوده که معدن تیتان کهنوج و کرومیت فاریاب از مهم‌ترین این معادن می‌باشد.

معادن شهرستان راور: شامل معادن سرب و روی، بنتونیت، فلورین و زغال سنگ است.

معادن شهرستان جیرفت: معادن مس، مرمریت، گرانیت، منگنز و کائولن از مهم‌ترین معادن بوده که معادن مس سرگزکوه و کرور از جمله مهم‌ترین این معادن است.

سایر شهرستان‌های استان مثل بردسیر معدن تراورتن، عنبرآباد معدن مرمر و منوجان معدن سنگ آهک قابل توجه هستند.

در پایان، از خدای بزرگ آرزو داریم که سال جدید را آغازی بر یک پایان قرار دهد، آغاز نگرشی نو به سرمایه کلان و گران‌بهایی به نام معدن در استان کرمان و پایان نداشتن تمامی برداشت‌های نادرست و شیوه‌های غلطی که به باور تمامی اهل فن و خبرگان امر معدن، لطمه‌های جبران‌ناپذیری به انفال ما وارد ساختند. ♦♦

بازرگانی و خدمات



- + رویکرد حاکمیت اقتصادی نیست
- + تجارت الکترونیک: آسمان خراش نوپا
- + نقش مدیریت زنجیره تأمین
- + عوامل مؤثر بر عملکرد صادراتی شرکتها
- + فروشگاههای زنجیره‌ای روسیه
- + مدیریت دانش در بنگاههای اقتصادی
- + تولیدات پرتقاضای استان کرمان



گفت‌وگو با «محسن جلال‌پور» فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی، رییس سابق اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

رویکرد حاکمیت اقتصادی نیست

محسن جلال‌پور، تحلیل‌گر و فعال اقتصادی و رئیس پیشین اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که مسیر تجارت خارجی از طریق وزارت امور خارجه و ارتباطات بین‌المللی می‌گذرد. رویکرد دولت در زمینه تجارت خارجی در صحبت خیلی خوب است، اما در عمل موفقیتی حاصل نشده، جز اینکه سختی‌ها و مشکلات و موانع بویژه در زمینه صادرات بیشتر هم شده است.

وی معتقد است که مسائل امنیتی، سیاسی، نظامی و اجتماعی مهم است، اما در بحران اقتصادی هستیم. رویکرد حاکمیت چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی اقتصادی نیست و بیشتر نظامی و امنیتی است که با این رویکرد نمی‌توان یک اقتصاد را توسعه داد. او همچنین می‌گوید تا زمانی که شرکت‌های دولتی با هزاران میلیارد پولی که هر سال از بودجه دولت می‌برند و ضررهایی که دولت جبران می‌کند و با فضای غیررقابتی، بدیهی است که بخش خصوصی رونق پیدا نکرده و شکل نمی‌گیرد؛ حتی اگر شکل هم بگیرد، یک بخش خصوصی خیلی رانت‌خوار است که همین امر هم در کشور اتفاق افتاده است و بخش خصوصی سالم هم روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است.

جلال‌پور معتقد است که لوکوموتیو اقتصاد یک کشور، تجارت است؛ از تجارت است که صنعت، کشاورزی و سایر بخش‌ها فعال می‌شوند. زمانی که شرایط تجاری خوب، چه داخلی و چه خارجی فراهم شود، تولید هم پشت آن خواهد آمد. ما به اندازه نیاز و ظرفیت‌های کشور، تاجران فعال نداریم؛ بویژه در بخش‌های خدمات، تجارت فعالیت‌های دانش‌بنیان، آنلاین، آی سی تی و آی تی؛ درحالی‌که ما مغزهای متفکر و جوان‌های فراوان در این زمینه‌ها داریم، اما نمی‌توانند به خارج متصل شوند. در حال حاضر مهم‌ترین کار ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب و شرایط رقابتی است. او یادآوری می‌کند که در تولید و تجارت باید اصل را بر ارزش افزوده و سود ارزی گذاشت. اگر کالای خام را به کالایی مصرفی و واسطه‌ای تبدیل کنیم که قیمت آن بیشتر از قیمت کالای وارداتی مشابه باشد و با یارانه‌ای که پرداخت می‌کنیم، آن‌قدر باشد که صادرات، عملاً صادرات یارانه‌ای باشد، دنبال تولید چنین کالاهایی بودن، مفهومی ندارد. پس جمله «خام‌فروشی راه به جایی نمی‌برد» را به‌طور کامل نمی‌پذیریم.

در ادامه، مشروح کامل این گفت‌وگو را بخوانیم.



◆ شما چه تحلیل و ارزیابی از تغییر الگوی تجارت خارجی کشور نسبت به گذشته دارید؟

این موضوع را می‌توان از دو جنبه کارهای عملی و اجرایی و صحبت‌ها، وعده‌ها و آرمان‌ها بررسی کرد و پاسخ داد، در زمینه وعده و قول، از طرف دولت بویژه وزیر محترم، رئیس سازمان توسعه و تجارت و برخی از عزیزان دست‌اندرکار صحبت‌های خوبی با این عنوان که «به توسعه روابط خارجی خیلی قائل هستیم»، «علاقه داریم» و «دنبال می‌کنیم»، اشاره شده است. برای مثال نوشته‌ها و گفته‌های رئیس محترم سازمان توسعه و تجارت، دلالت بر این دارد که دولت پیگیر توسعه تجارت خارجی است و قصد دارد مشکلات و مسائل پیش روی آن را برطرف نماید، در زمینه ارتباط با همسایگان نیز به همین ترتیب از طرف رئیس‌جمهور محترم، معاون اول و وزاری مربوطه صحبت‌های خوبی مطرح شده است، به نظر رویکرد آرزویی عزیزان دست‌اندرکار دولت سیزدهم توسعه تجارت است، اما در عمل، قضیه متفاوت است و اتفاق خاصی را شاهد نبودیم. به نظر بنده زیربنای روابط خارجی، ارتباطات بین‌الملل است، من قبل از دولت سیزدهم، در زمان شکل‌گیری دولت سیزدهم و در زمان تعیین وزرا، این موضوع را مطرح کردم که قبل از اینکه نگاه وزیر اقتصاد، وزیر صنعت، معدن و تجارت و تیم اقتصادی دولت، نگاه رو به جلویی برای اقتصاد کشور باشد، نگاه به تیم بین‌الملل دولت از جمله وزیر امور خارجه، رئیس شورای امنیت ملی و عزیزانی که در تصمیم‌گیری ارتباطات بین‌المللی هستند، بسیار مهم است. به عبارتی من معتقدم که حتماً مسیر تجارت خارجی از مسیر وزارت امور خارجه، تصمیمات در عرصه بین‌المللی، ارتباطات بین‌المللی و توافق و ارتباطاتی که در این زمینه است، می‌گذرد. در عمل هم می‌بینیم الان حدود ۷ ماه از دولت جدید گذشته ولی گشایشی حاصل نشده و هر روز صحبت از توافق است، هر روز صحبت از نزدیک شدن به توافق است، هر روز صحبت از ارتباطات بیشتر است، اما اگر واقعیت را بخواهیم بدانیم اتفاقی نیفتاده است، ضمن اینکه بعضی سخت‌گیری‌ها و موانع هم بیشتر شده است و به جرات می‌توان گفت در زمینه ارتباطات پولی و انتقال پول، مشکلات ما در برخی از زمینه‌ها جدی است از جمله در زمینه صادرات، حمل‌ونقل، فروش کالا در خارج کشور، قراردادهای، همچنین در بعضی از محصولات کشاورزی در بخش باقیمانده سموم، در بحث سلامت غذا، همین‌طور در بعضی محصولات

دیگر، مشکلات جدیدی هم در این ماه‌ها به وجود آمده است. مسئله نقل‌وانتقال پول که اصلی‌ترین نیاز صادرات و واردات است، خیلی سخت شده و گشایش اعتبارها به سختی انجام می‌شود، تخصیص ارز مشکل دارد؛ بنابراین می‌توان گفت رویکرد دولت در زمینه تجارت خارجی در صحبت خیلی خوب است، ولی در عمل چندان موفقیتی برای تحقق این رویکرد حاصل نشد و در واقع تفاوت محسوسی دیده نمی‌شود، جز اینکه سختی‌ها، مشکلات و موانع خصوصاً در زمینه صادرات بیشتر شده است، باری برداشته نشده و هنوز هم تعهد ارزی همان روال سابق است، اما صحبت است که همه این‌ها ان‌شاءالله در آینده بهتر خواهد شد.

◆ علم به این داریم که خام‌فروشی راهی به توسعه نمی‌برد؛ دهه‌هاست که سیاست‌گذار باید‌ها و نبایدها را تکرار می‌کند، اما هنوز هم ۸۰ درصد صادرات، مواد خام است. به نظر شما سهم هر کدام از عوامل: حاکمیت، صنعت و تجارت در این ناکامی چیست؟

من جمله «خام‌فروشی راه به‌جایی نمی‌برد» را به‌طور کامل و عام نمی‌پذیرم. فکر می‌کنم که در دنیای امروز بایستی مهم‌ترین اصل را بر ارزش‌افزوده و سود ارزی گذاشت. در واقع اگر بخواهیم کالای خام را به کالای مورد استفاده، مصرفی و یا حتی واسطه‌ای تبدیل کنیم، اگر هزینه‌های آن و در واقع «سرباری» که به آن تعلق می‌گیرد بیشتر از قیمت کالای وارداتی باشد، دنبال تولید چنین کالاهایی بودن مفهومی ندارد. یا در بحث صادرات اگر بارانه‌ای که روی آن پرداخت می‌کنیم آن قدر باشد که صادرات ما عملاً صادرات یارانه، یارانه انرژی و خیلی از بارانه‌های دیگر کشور باشد، باز هم تولید مفهومی ندارد. مثال خیلی ساده آن گاز و کالاهای پتروشیمی است. امروز

حدود ۷ ماه از

دولت جدید

گذشته ولی

گشایشی حاصل

نشده و هر

روز صحبت از

توافق است، هر

روز صحبت از

نزدیک شدن به

توافق است، هر

روز صحبت از

ارتباطات بیشتر

است، اما اگر

واقعیت را بخواهیم

بدانیم اتفاقی

نیفتاده است،

ضمن اینکه بعضی

سخت‌گیری‌ها و

موانع هم بیشتر

شده است و

به جرات می‌توان

گفت در زمینه

ارتباطات پولی

و انتقال پول،

مشکلات چندین

برابر بیشتر از سال

قبل در همین زمان

شده است.

صادرات که ارزش افزوده ارزی برای کشور می‌آورد و بخشی که ارزش افزوده‌ای در بر ندارد و همه تمرکز را بر صادراتی بگذاریم که ارزش افزوده ارزی برای کشور به همراه دارد و در آن صورت این مسئله ارزشمند است و کشور در واقع مستغنی خواهد شد.

◆ چه ارزیابی از گسترش زیرساخت‌های بازرگانی در استان کرمان در تناسب با مراکز مهم تجاری کشور دارید؟

زیرساخت‌های بازرگانی در کرمان مثل همه کشور است. من تقریباً هر ۳۱ استان کشور را بازدید کرده‌ام، در استان کرمان خیلی نمی‌توان گله‌مند بود یا زیرساخت‌ها را خیلی بهتر جلوه داد. فکر می‌کنم در استان ما هم به‌عنوان یکی از استان‌های کشور به فراخور ظرفیت‌هایی که داشتیم، زیرساخت‌های بازرگانی فراهم شده است. هرچند که در این زمینه، همه استان‌های ما، عقب‌افتاده هستند و تنها استان کرمان نیست. به عبارتی، نسبت به بقیه استان‌ها ما نه خیلی عقب هستیم و نه جلو. در کل استان‌های کشور، نسبت به دنیا در بخش زیرساخت‌ها مسئله دارند. مهم‌ترین زیرساختی که نیاز اصلی است، همان فضای مناسب کسب‌وکار است که اصلاً در کشور وجود ندارد، شرایط بازارها، بی‌اطمینانی‌ها، بی‌ثباتی‌ها، شرایط تحریم و... باعث شده که فضای کسب‌وکار ما، فضای توسعه بازرگانی چه داخلی و چه خارجی نباشد و عدم اعتماد به آینده، کار را خیلی سخت کرده است. کما اینکه شرایط خود استان هم متفاوت است، زیرساخت‌ها در شمال استان بهتر از جنوب استان است، ما در جنوب استان مشکلات بیشتری داریم، اما در نهایت نسبت به ظرفیت، GDP (تولید ناخالص داخلی)، جمعیت، وسعت و توان استان کرمان، چندان نمی‌توانیم خودمان را عقب‌تر یا جلوتر ارزیابی کنیم. فکر می‌کنم که ما در اندازه متوسط کشور هستیم. البته جای کار فراوان دارد، هم به جهت مجموعه نیازهای مواصلاتی، ارتباطی، ریلی و هم به جهت نیازهای اداری که در واقع در جنوب استان مشکلاتی در این زمینه داریم و مهم‌تر از همه در واقع همان فضای کسب‌وکار است. در مجموع شرایط ما خیلی متفاوت از بقیه استان‌ها نیست و اینکه ما استان ۱۲۸م یا ۱۳۰ام در فضای کسب‌وکار هستیم، خیلی مطلب ناگواری است، ولی درعین حال تفاوت چندان هم با استان دهم و دوازدهم در کشور وجود ندارد. وقتی شرایط برای انجام کار مهیا نیست، وقتی کاری قرار نیست انجام شود، فضایی برای انجام کار نیست خیلی فرقی نمی‌کند رتبه چندم باشیم، چه در رتبه دوم و چه در رتبه دوم از آخر!

قیمت بین‌المللی گاز معلوم است، بویژه در حال حاضر که جنگ اوکراین به وجود آمده، صحبت از گران شدن قیمت گاز است. در حال حاضر گاز حداقل بین ۳۰ سنت تا یک و دو دهم دلار در دنیا در حال معامله است، اما در ایران گاز با قیمت کمتر از یک سنت به دست مصرف‌کننده می‌رسد؛ شاید یک‌صدم قیمتی که در بعضی از کشورها به فروش می‌رسد. با شرایط حال حاضر صحبت از این است که قیمت گاز تا نزدیک دو دلار هم افزایش پیدا کند و نهایتاً ما کمتر از یک سنت در واقع یک درصد قیمت متوسطی که در حال حاضر در دنیا است، گاز را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهیم. حال اگر با این گاز، کالایی را تولید کنیم و یا فرآوری را انجام بدهیم و بعد صادر کنیم، عملاً خودمان را فریب می‌دهیم؛ بنابراین موضوع مهم در صادرات، صادرات ارزش افزوده است و ما بایستی به دنبال ارزش افزوده باشیم نه دنبال خام و نه دنبال فرآوری شده و نه غیر از آن. خیلی از عزیزان می‌گویند صادرات غیرنفتی یا صادرات واقعی، اما عرض من این است که در همان صادرات غیرنفتی یا صادرات واقعی و برعکس آن در صادرات نفتی، اگر ما کالایی را تولید کنیم که ارزش افزوده ارزی (تکرار می‌کنم ارزش افزوده ارزی) برای ما داشته باشد، آن‌گاه این کالا مقرون‌به‌صرفه است و برای کشور خیر و صلاح دارد، اما هر نوع کالایی که تولید کنید اما ارزش افزوده ارزی نداشته باشد یا از یارانه بهره‌بردار، حتی تولیدشده یا فرآوری‌شده آن کالا، باز برای کشور سودی نخواهد داشت. مهم این است که ما برای صادرات به یک مقوله و یک فعالیت جدید بپردازیم و آن این است که ببینیم صادرات ارزش افزوده ارزی هر کالا چقدر است. ما در این زمینه خیلی عقب هستیم؛ حتی در صادرات پتروشیمی، صادرات کالاهای نفتی و کالاهایی که امروز خیلی به آن اتکا داریم یا حتی صادرات محصولات کشاورزی. اگر توجه کنیم که برای تولید محصولات کشاورزی چه میزان آب، گاز، برق، گازوییل و انرژی مصرف می‌شود، میزان خاکی که فرسایش داده می‌شود، موقعیت منطقه‌ای و محیط‌زیست که از بین می‌رود، همه این‌ها نه‌تنها آورده‌ای برای کشور ندارد، بلکه ممکن است خسارت‌های جدی هم داشته باشد. در حال حاضر بحران آب را داریم، در آینده در منابع انرژی هم بحران خواهیم داشت؛ بنابراین من معتقدم که باید نگاهمان را به صادرات، از صادرات نفتی و غیرنفتی یا صادرات خام و فرآوری‌شده و سایر دیدگاه‌هایی که داریم، عوض کنیم و به صادرات کالاهای با ارزش افزوده ارزی بپردازیم و مسئله صادرات را دو قسمت کنیم؛ بخشی از

من معتقدم که باید نگاهمان را به صادرات، از صادرات نفتی و غیرنفتی یا صادرات خام و فرآوری‌شده و سایر دیدگاه‌هایی که داریم، عوض کنیم و به صادرات کالاهای با ارزش افزوده ارزی بپردازیم و مسئله صادرات را دو قسمت کنیم؛ بخشی از صادرات که ارزش افزوده ارزی برای کشور می‌آورد و بخشی که ارزش افزوده‌ای در بر ندارد و همه تمرکز را بر صادراتی بگذاریم که ارزش افزوده ارزی برای کشور به همراه دارد و در آن صورت این مسئله ارزشمند است و کشور در واقع مستغنی خواهد شد.

در فاصله زمانی یک‌ساعته با کرمان، چندان نیازی به فرودگاه نداشت و بهتر بود ما مسیر کرمان - رفسنجان را بهبود می‌بخشیدیم و رفت‌وآمد را در این مسیر راحت‌تر می‌کردیم که این کار برای افراد خیلی مناسب‌تر و بهتر بود و نهایتاً می‌توانست مؤثرتر هم باشد.

♦♦ **به هر حال چالش‌های تجاری در تجارت داخلی و بویژه خارجی وجود دارد، ارزیابی شما از مبارزه با چالش‌ها و پای کار آمدن بازرگانان ایرانی بخصوص کرمانی در ظرفیت‌سازی تجاری و حضور در بازارهای جهانی چیست؟**

به نظر من تجار کرمانی کار خود را خوب انجام داده‌اند؛ بایستی گفت کرمان شهر نسبتاً تاجرپروری است. همین الان سالانه بالغ بر دو میلیارد دلار ارز از محصولات کشاورزی، صنایع دستی و صنایع خرد وارد استان می‌شود که اگر بخواهیم مجموعه‌هایی مثل گل‌گهر و مس را هم اضافه کنیم، مبلغ بیش از این خواهد بود. همه این‌ها به این مسئله برمی‌گردد که ما در استان تجار خوبی داشته‌ایم. اصولاً اگر تجار خوب باشند تولید می‌تواند رونق بگیرد و اگر در استان کرمان تا اندازه‌ای تولید محصولات کشاورزی و معدنی رونق گرفته است، بخشی از آن به واسطه وجود تجار خوب کرمانی است. به نظرم مهم‌ترین کار در حال حاضر ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب و شرایط رقابتی است و این موارد بیشتر به حاکمیت برمی‌گردد. اگر این موارد مهیا باشد تجار هم پای کار هستند. همین امروز هر باب و هر عرصه‌ای که باز شود و شرایط تجارت فراهم شود، عده زیادی مشغول خواهند بود. حتی گاهی اوقات در اتاق بازرگانی صحبت بود که تجار ما بیشتر از آن چیزی که نیاز داریم در فعالیت‌های بازرگانی وارد شده‌اند. تاجر فراوان و تاجر فعال می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها، بخش‌های اقتصادی، صنعت، معدن، کشاورزی، مجموعه‌های دانش‌بنیان و خدمات کمک کند که لازمه آن همان‌طور که عرض کردم، به اعتقاد بنده ایجاد فضای کسب‌وکار، رقابتی کردن شرایط اقتصادی کشور، زدودن رانت‌ها، ایجاد فضای سالم و سالم‌سازی فضای اقتصادی است که از همه چیز مهم‌تر است.

♦♦ **مرور سرگذشت کسب‌وکارها، تجربه موفق پیوند سرمایه‌های تجارت و صنعت و تکمیل ظرفیت‌های خالی صنعت از سوی تجارت را نشان می‌دهد. در این مورد نظر شما چیست و چه ارزیابی از وضعیت کنار هم آمدن صنعت و تجارت در کشور و نیز در استان کرمان دارید؟**

شاید بنده به‌عنوان اولین نفر به این مسئله اعتقاد دارم و در واقع کمتر کسی این مسئله را دنبال کند که «لوکوموتیو

بنابراین در کشور باید این مسئله را ارزیابی کرد و بایستی دنبال این باشیم که فضای مناسب کسب‌وکار ایجاد شود. این فضا وقتی به وجود می‌آید که ما اتکای به بخش خصوصی و اتکای به تولید داشته باشیم. تا زمانی که منابع نفتی و منابع دیگر در اختیار کشور هست و دست حاکمیت در منابع ملی و در جیب منابع عمومی و بیت‌المال است، عملاً خیلی نیازی به مردم، کار مردم و مالیات‌گیری و اداره کشور از طریق مالیات وجود ندارد و بنابراین خیلی دنبال فضای کسب‌وکار، رقابتی کردن بازارها و شرایط تسهیل در صادرات و واردات و تجارت خارجی نیستیم. در مجموع این مسئله کشوری است و چندان ارتباطی با کرمان ندارد. چه‌بسا که کرمان به جهت اینکه یک استان مولد است و تا اندازه زیادی در تولید نقش دارد تا مصرف و یا در صادرات نقش دارد تا واردات، شاید از این جهت شرایط بهتری هم داشته باشد.

♦♦ **سال‌های زیادی است که از پنج فرودگاه فعال، به‌عنوان زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی استان کرمان یاد می‌شود، این مزیت تاکنون چه تأثیر چشمگیری در تجارت بویژه تجارت خارجی داشته است؟**

به اعتقاد بنده تأثیر چندان نداشته، زیرا هواپیمای کارگو یا باربری از هیچ نقطه‌ای در استان کرمان پرواز ندارد و اصولاً حمل‌ونقل هوایی به دلیل هزینه‌هایی که دارد مقرون‌به‌صرفه نیست و کلاً حمل‌ونقل هوایی در جایی انجام می‌شود که ارزش افزوده، قیمت تمام‌شده و قیمت فروش به اندازه‌ای باشد که هزینه کرایه حمل هوایی را پوشش دهد. در حال حاضر در جنوب استان در حال بهره‌برداری از پایانه صادراتی هستیم که روزهای آخر خود را می‌گذرانند و موضوع حمل هوایی مطرح است، اما هر طور که محاسبه می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که حتی با وجود قیمت‌های فعلی و بارانه‌ای که به انرژی و سوخت هواپیما می‌دهند، باز هم حمل هوایی خیلی میسر نیست؛ بنابراین این زیرساخت‌ها و بخصوص پنج فرودگاه، کمکی به تجارت خارجی استان نکرده است، شاید اگر این فرودگاه‌ها به صنعت توریسم می‌پرداختند، حرکتی در زمینه توسعه استان به وجود می‌آمد. البته در همین زمینه هم فعال نبوده‌ایم. برخی از این فرودگاه‌ها در هفته، یک پرواز و برخی دو پرواز دارند و حتی برخی اصلاً در هفته پرواز ندارند. در واقع هزینه‌های ایجاد فرودگاه، هزینه‌هایی بوده که نمایندگان به جهت مطلوبیت و محبوبیت بیشتر در شهرستان‌ها دنبال آن بوده‌اند؛ به‌طور مثال شهرستانی مثل رفسنجان

تا زمانی که منابع

نفتی و منابع دیگر

در اختیار کشور

هست و دست

حاکمیت در منابع

ملی و در جیب

منابع عمومی و

بیت‌المال است،

عملاً خیلی نیازی

به مردم، کار مردم

و مالیات‌گیری

و اداره کشور از

طریق مالیات

وجود ندارد و

بنابراین خیلی

دنبال فضای

کسب‌وکار، رقابتی

کردن بازارها و

شرایط تسهیل

در صادرات و

واردات و تجارت

خارجی نیستیم.

در مجموع این

مسئله کشوری

است و چندان

ارتباطی با کرمان

ندارد. چه‌بسا که

کرمان به جهت

اینکه یک استان

مولد است و تا

اندازه زیادی در

تولید نقش دارد

تا مصرف و یا در

صادرات نقش

دارد تا واردات،

شاید از این جهت

شرایط بهتری هم

داشته باشد.



برای کشور خود ارزآوری می‌کند، درحالی‌که ما مغزهای متفکر و جوان‌های فراوان در زمینه‌های مختلف آی‌تی، آی‌سی‌تی و دانش‌بنیان داریم که نمی‌توانند به خارج متصل شوند. در مجموع نیاز است که فعالان اقتصادی در حوزه‌های مذکور در زمینه تجارت ورود نمایند، اما اینکه چرا این اتفاق رخ نمی‌دهد، مهم‌ترین دلیل آن فضای نارقابتهی، غیرسالم و رانتی است. تاجری که قرار باشد با شرکت‌های دولتی که دست در جیب دولت و نهادهای عمومی دارند رقابت کند، مطمئناً خیلی نمی‌تواند مستحکم و مداوم ورود کند؛ بنابراین تا زمانی که عرصه فعالیت‌های اقتصادی، عرصه رقابتهی نیست، خیلی نباید انتظار داشت شرایط، شرایط رقابتهی و تجارت‌پروری باشد. همان‌طور که اشاره شد وضعیت استان کرمان نیز نسبت به ظرفیت‌ها و شرایطی که دارد در مقایسه با کشور بد نیست، ولی در کل اگر بخواهیم ارزیابی کنیم و به‌عنوان یک استان در یک کشور در دنیا بخواهیم آن را مقایسه کنیم هنوز خیلی جای پرورش بیشتر تجار فعال و به‌روز دارد.

♦ اصولاً کشورهای دنیا بخش عمده صادراتشان را با همسایگان انجام می‌دهند، البته بویژه در شرایط تحریم، دادوستد با همسایگان یک روش مطلوب است. علت چیست که در این زمینه توفیق چندانی نداریم؟

خیلی مشخص است چون رویکرد حاکمیت ما، رویکرد اقتصادی نیست نگاه حاکمیت و رویکرد حاکمیت در کشورمان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی، اقتصادی نیست و رویکرد بیشتر نظامی و امنیتی است و با رویکرد نظامی و امنیتی نمی‌توان یک اقتصاد را توسعه داد. کشور ترکیه رویکرد اقتصادی دارد و هر جا که حضور پیدا می‌کند فقط به نام مسائل اقتصادی است و موفق هم هست، ما می‌توانستیم در این زمینه از ترکیه خیلی جلوتر باشیم، ولی نگاه و رویکرد ما این‌طور نیست. با همه ظرفیت‌هایی هم که در کشور وجود دارد، از آن همه هزینه‌هایی که در عراق، سوریه، لبنان، یمن و جای‌جای دنیا کرده‌ایم، هیچ‌وقت استفاده اقتصادی نکرده‌ایم، چون رویکردمان این بوده، چون حاکمیت این مسئله را در صدر کار خود قرار نداده و نهایتاً سفرا، سفارتخانه‌ها و رایزن‌های بازرگانی ما شرایط لازم و فضای لازم برای توسعه اقتصادی را ندارند، درحالی‌که می‌بینیم ترکیه خیلی خوب به این شکل عمل کرده و ما می‌توانستیم از این کشور به‌عنوان یک الگو استفاده کنیم که حداقل از این‌همه هزینه‌ای که می‌شود، یک برآورد و آورده اقتصادی برای کشور داشته باشیم.

اقتصاد یک کشور تجارت است؛ از تجارت است که صنعت، کشاورزی و بقیه بخش‌ها فعال می‌شوند. زمانی که شرایط تجاری خوب، چه داخلی و چه خارجی فراهم شود بالطبع تولید هم پشت آن خواهد آمد. مثال خودم را همیشه دارم که من سال ۶۰ به‌عنوان یک تاجر کوچک وارد بازار شده‌ام و امروز که نگاه می‌کنم در پنج بخش صنعت، معدن، کشاورزی، ساخت‌وساز، دانش‌بنیان و بخش تجارت فعال هستم. در واقع مسیر مرا به این سمت برد؛ یعنی زمانی که تجارت من ایجاب می‌کرد که محصولی را تولید کنم دنبال تولید و کشاورزی بودم. پسته را که صادر می‌کردم دنبال تولید پسته بودم و اگر بازار کشتش برخی کالاها را داشت و امکان فروش آن‌ها بود، دنبال تولید آن محصول می‌رفتم. در دهه ۴۰ و ۵۰ هم تجار پیشران اقتصاد بوده‌اند. عالیخانی (وزیر اقتصاد در دهه چهل) بزرگ‌ترین هوشیاری که کرد این بود که تجار را به سمت تولید برد، فضا را برای آن‌ها فراهم کرد و به آن‌ها موقعیت داد و با اینکه تجارت می‌کردند، در تولید خیلی از کالاها بخصوص لوازم‌خانگی و صنعتی وارد می‌شدند. در آن زمان شرایط برای صنعتگران فراهم شد که خود آن‌ها تولیدکننده باشند. از جمله «برخوردارها»، «خسروشاهی‌ها» و همه کسانی که آن زمان وارد عرصه تولید شدند، قبل از آن تجار بنامی بودند که کار تجارت را بویژه در عرصه خارجی خیلی خوب دنبال می‌کردند؛ بنابراین من فکر می‌کنم که سرگذشت نشان می‌دهد اگر ما به تجار میدان بدهیم و شرایط را برای آن‌ها فراهم کنیم، بازار رقابتهی را ایجاد و رانت‌ها را بزدااییم حتماً در عرصه‌های دیگر می‌توانیم موفق شویم که این عرصه‌ها می‌تواند صنعت، معدن، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های دانش‌بنیان باشد.

♦ به نظر شما اولاً وضعیت کشور ما از نظر داشتن تعداد تاجران به معنای واقعی که قدرت انجام کار و ماندگاری چشمگیر در بازارهای جهانی داشته باشند چگونه است؟ و دیگر این که ارزیابی شما از جایگاه استان کرمان از همین لحاظ در کشور چیست؟

من معتقدم به میزان نیاز و ظرفیت‌های کشور، تجار فعال نداریم، بخصوص در خیلی از زمینه‌هایی که امروز در دنیا حرف برای گفتن دارند، مثل بخش‌های خدمات، تجارت فعالیت‌های دانش‌بنیان، آنلایین و مجموعه‌های آی‌سی‌تی و آی‌تی، افرادی را که توان رقابت داشته باشند، نداریم. کشور هند در زمینه آی‌سی‌تی و آی‌تی به یک مرکز تجاری تبدیل شده است و به میزان بالایی

ما مغزهای متفکر و جوان‌های فراوان در زمینه‌های مختلف آی‌تی، آی‌سی‌تی و دانش‌بنیان داریم که نمی‌توانند به خارج متصل شوند. در مجموع نیاز است که فعالان اقتصادی در حوزه‌های مذکور در زمینه تجارت ورود نمایند، اما اینکه چرا این اتفاق رخ نمی‌دهد، مهم‌ترین دلیل آن فضای نارقابتهی، غیرسالم و رانتی است. تاجری که قرار باشد با شرکت‌های دولتی که دست در جیب دولت و نهادهای عمومی دارند رقابت کند، مطمئناً خیلی نمی‌تواند مستحکم و مداوم ورود کند؛ بنابراین تا زمانی که عرصه فعالیت‌های اقتصادی، عرصه رقابتهی نیست، خیلی نباید انتظار داشت شرایط، شرایط رقابتهی و تجارت‌پروری باشد.



اگر زیربناها و

زیرساخت‌های

فضای کارهای

دانش بنیان را

جدی بگیریم و

به آن بپردازیم،

مطمئنم که بخش

خصوصی سالم

و بدون رانت

می‌تواند بوجود

آید. آن وقت

بخش خصوصی

است که نیاز به

منابع کشور و

اندوخته‌های

کشور ندارد، بلکه

نیاز به فکر، ایده

و خلاقیت دارد

که در ذهن‌هاست

و مسلماً می‌تواند

بدون رقابت

غیرسالم و بدون

رانت رشد نماید

و شاید این یکی

از اساسی‌ترین

کارهای پیش رو

باشد.

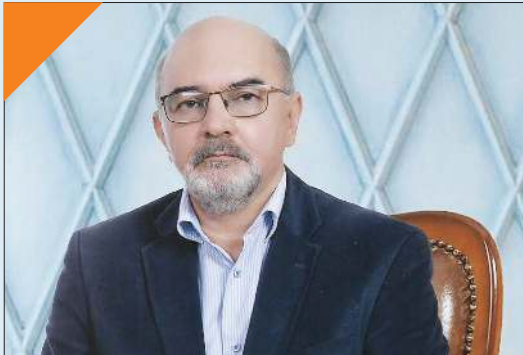
امروز وجود دارد. اگر این فضا را آلوده نکنیم و توسعه دهیم و اگر زیربناها و زیرساخت‌های فضای کارهای دانش‌بنیان را جدی بگیریم و به آن بپردازیم، مطمئنم که بخش خصوصی سالم و بدون رانت می‌تواند بوجود آید. آن وقت بخش خصوصی است که نیاز به منابع کشور و اندوخته‌های کشور ندارد، بلکه نیاز به فکر، ایده و خلاقیت دارد که در ذهن‌هاست و مسلماً می‌تواند بدون رقابت غیرسالم و بدون رانت رشد نماید و شاید این یکی از اساسی‌ترین کارهای پیش رو باشد. من همیشه عرض کردم از اتاق ایران که بیرون آمدم، فکر کردم که اگر ما یک بخش خصوصی منسجم و بزرگ بخواهیم داشته باشیم، تنها جایی که باقی‌مانده و هنوز به آن می‌شود امید داشت، مجموعه فعالیت‌های دانش‌بنیان است. در ۵ سال گذشته که از اتاق بیرون آمدم بیش از ۷۰ درصد از وقتم را به این کارها پرداخته‌ام و سعی کردم در شتاب‌دهنده‌های مختلف، در مجموعه کارهای دانش‌بنیان و در مجموعه‌های استارت-آپی هم سرمایه‌گذاری کنم و هم وقت گذاشته و هم تشویق کنم، به این جهت که من اعتقاد دارم که اگر ما بتوانیم این بخش را شکل داده و بزرگ کنیم می‌توانیم یک بخش خصوصی پویا و پایدار داشته باشیم که خیلی از مسائل را در آینده بتواند حل کند و البته در زمینه‌های بازرگانی نیز بتواند پیشرو باشد. ♦♦

♦♦ جنابعالی اصلاحات ساختاری لازم و البته قدرتمند و بنیادی در بازرگانی خارجی کشور را چگونه توضیح می‌دهید؟

همان‌طور که اشاره کردم، رویکرد حاکمیت باید اقتصادی باشد و اولویت، اولویت اقتصادی باشد. البته من اعتقاد به مسائل امنیتی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و همه این‌ها دارم، اما اگر ما در اقتصاد، دچار گرفتاری هستیم و بحران اول ما بحران اقتصادی است، باید نگاهمان را عوض کنیم. با نگاه و رویکرد اقتصادی می‌توانیم خیلی از مسائل را به اصطلاح پوشش دهیم و فضای کشور را فضای رقابتی کنیم. تا زمانی که شرکت‌های دولتی با هزاران میلیارد پولی که هر سال از بودجه دولت می‌برند و ضررهایی که دولت جبران می‌کند، با هزینه‌هایی که انجام می‌شود، با غیررقابتی کار کردن و با امکاناتی که در اختیار این شرکت‌هاست، مسلماً بخش خصوصی رونق پیدا نمی‌کند و شکل نمی‌گیرد. حتی اگر بخش خصوصی هم شکل بگیرد، یک بخش خصوصی خیلی رانت‌خوار است که همین امر در کشور اتفاق افتاده و به تبع آن فضا، چنین بخش خصوصی شکل گرفته است. بخش خصوصی سالم ما روزبه‌روز ضعیف‌تر و نحیف‌تر شده است، شاید بهترین راهکاری که من می‌توانم ارائه کنم، نگاه به شرکت‌های دانش‌بنیان و نگاه به فضایی است که در این زمینه،

تجارت الکترونیک؛ آسمان خراش نوپا

نگاهی به آینده و ملزومات معماری جامع



♦ علی اکبر نیک‌نفس

عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی کامپیوتر دانشکده فنی و مهندسی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده سخن: کسب‌وکار الکترونیک را می‌توان به بنای آسمان‌خراشی تشبیه کرد که روز به روز در حال گسترش در ارتفاع و سطح است و تقریباً همه جوامع به آن روی آورده‌اند. در این نوشتار ملزوماتی زیربنایی برای گسترش این ساختار بیان شده است که اگر به آن‌ها توجه کافی و جامع نشود، چه‌بسا در طول سال‌های آینده تزلزل و ضعف و حتی شکست در برخی ابعاد حاصل خواهد شد.

نخست عناوینی از این ملزومات در جدولی ارائه می‌گردد و سپس مختصراً به تشریح برخی از این موضوعات - در حد گستره این نوشتار - پرداخته خواهد شد. هدف، جلب

توجه بیشتر متخصصین حوزه‌های مختلف است تا برای تدوین معماری جامع کسب‌وکار الکترونیکی، هم‌اندیشی، آینده‌نگری و همکاری کنند.
سخن از خاطره‌ها: آدمیان پیلهور بودند؛ از کهن سالگی در



واقعیت و مجاز، دنیای مجازی از راه رسید. کاسبان بعد از عصر پیله‌وری، دکاندار شده بودند. مدلی که امروزه آن را مدل کسبوکار آجر و ملات (Brick and Mortar) می‌نامند. مشتریان اهل محله بودند و همسایگان. کارشان را که توسعه دادند اهالی خیابان مجاور هم مشتری شدند. کم‌کم جعبه‌های سفید جادویی آمدند که نامشان کامپیوتر شخصی (PC) بود و آن وقت بود که برنامه نویسان و مدیران پایگاه داده و طراحان وب باعث شدند دکاندار ساده‌زیست محله‌مان، روزها روبروی لپ‌تاپ بنشیند و با ماوس روی اقلام کالا کلیک کند. مدل کسبوکارش به مدل کلیک و ملات (Click and Mortar) تبدیل شد و گستره مشتریانش، به مردمان هم‌زبان و ناهم‌زبان در شهرها و روستاهای دور و نزدیک جهان توسعه‌یافت.

ملزومات یا ستون‌های آسمان‌خراشی فزاینده

از حوالی ۱۹۵۰ تاکنون، رخدادهای فناوری بی‌بدیل بوده‌اند. در یک کفه ترازو، تحولات فناوری قرن‌ها حضور بشر روی کره زمین را بگذارید و در کفه دیگر، پیشرفت‌های فناوری همین ۷۰ سال اخیر را؛ این یکی سنگین‌تر می‌شود. همراه با توسعه‌ی فناوری‌های وب و افزایش سرعت ارتباطات اینترنتی، روش‌های پرداخت الکترونیک نیز متحول شدند. ابتدا تمایل چندانی در جوامع بشری برای روی آوردن به کسبوکارهای الکترونیکی نبود؛ اما گویی سلیقه سازی شد و بشر به این حوزه هجوم آورد. حالا جوامع مختلف سعی بر سبقت گرفتن بر یکدیگر دارند.

کسبوکار الکترونیک را می‌توان به آسمان‌خراشی تشبیه کرد که تاکنون فقط سی یا چهل طبقه آن ساخته شده است، اما طراحان به این نکته توجه دارند که این آسمان‌خراش قرار است در طول سال‌ها و قرن‌های آتی هم از نظر ارتفاع افزون شود و هم سطح کف آن وسیع‌تر خواهد شد؛ بنابراین مراقبت می‌کنند که آجر به آجر را با محاسبه و پیش‌بینی آینده روی هم بگذارند. اگر چنین باشد، آینده اقتصادی در دست دارندگان این آسمان‌خراش خواهد بود و اما اگر هر

تاریخ تا همین نیم‌قرن اخیر. کالا در کوله بر دوش از روستایی به شهری در سفر، گندم می‌دادند و شکر می‌گرفتند، میوه می‌دادند و پارچه می‌گرفتند. ساده‌زیست بودند وزندگی‌شان وسعت کمی داشت. اگر بشر ابزار محاسبه یا رادیو و نظایر آن‌هم در دو قرن اخیر ساخته بود از نوع لامپی بود؛ لامپ‌های خلأ که تا همین پنجاه سال پیش تلویزیون‌ها و رادیوهایش در خانه‌هایمان بودند و سنگین و کند و ساده عمل می‌کردند. تا آن زمان که جنگ جهانی رخ داد؛ هواپیما داشتند و میل به پرواز در ارتفاع بالاتر از رقیبان برای نیل به پیروزی در سرشان موج می‌زد. نوبت به هنرنامه‌ی فیزیکدان‌ها و مهندسی برق رسیده بود. در آزمایشگاه‌ها از لابلای عناصر جدول تناوبی، دو عنصر سیلیکون و ژرمانیوم را -که نیمه‌هادی بودند- به لطایف‌الحیل بیرون کشیدند. در چیدمان کریستالی شان دخالت کردند و با افزودن اندکی ناخالصی به ساختمان فیزیکی آن‌ها، قطعه‌ای به نام دیود ساختند. بلافاصله ترانزیستور هم ساخته شد که ریز جثه و توانمند بود. عصر الکترونیک نیمه‌هادی‌ها فرارسیده بود و چندی بعد ریزجثه‌های سیاه چریده بسیار توانمند ابداع شدند. نامشان مدارات مجتمع یا IC شد؛ اعجوبه‌های ریزنقشی که دوان‌دوان جهان را وارونه و مبدل ساختند. باقی داستان را همه به چشم دیده‌ایم. شبکه‌ها، اینترنت و فناوری بشر بین



در بر می گیرد. آسمان خراش موردنظر ما همانا کسب و کار الکترونیکی خواهد بود. پس از آن به این نکته اشاره می شود که در برخی بخش های این نوشتار از واژه های انگلیسی استفاده شده است و البته در حد امکان معادل ها یا توضیحاتی برای آن ها ارائه خواهد شد. این مطلب نیز خود به عنوان یکی از چالش های مورد توجه در ردیف ۱۰ جدول در قالب مراقبت از زبان فارسی در مسیر گسترش فناوری اطلاعات، مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه ای گام به گام همه مؤلفه های اساسی و لازم را تأمین نکند معلوم نیست در آینده ای دور یا نزدیک، چه بر سر سهم او در این مسیر خواهد آمد. در این نوشتار، به اختصار به همین موضوع خواهیم پرداخت: ملزومات و ستون های مورد نیاز کسب و کار الکترونیکی چه هستند و بر هر ستون چه عناصری مستقر می شوند. اما پیش از آن، نخست اشارتی کوتاه داشته باشیم به اختلاف دو اصطلاح کسب و کار الکترونیکی (e-Business) و تجارت الکترونیکی (e-Commerce). آن واژه ی نخست، وسیع تر است و فعالیت های جانبی و پشتیبانی را هم علاوه بر خرید و فروش اصلی

جدول ۱: ملزومات و مؤلفه های کسب و کار الکترونیکی و نمونه هایی از اجزا

ردیف	ملزومات و مؤلفه های کسب و کار الکترونیکی	نمونه هایی از اجزا
۱	هوش تجاری (BI)	BI-Data Mining-Data Science-Opinion Mining-Sentiment Mining-Text Mining- OLAP-OLTP-Image processing
۲	شبوهوا و ابزارهای فناوری اطلاعات	SEO-Gamification- Digital Marketing-eSignature-Branding-Steganography Meta verse- ERP-MIS-CRM-SCM-MRPII-IoT- Smart Cards-Smart Carts-RFID-NFC -Infographic- NFT(non-fungible token)
۳	ساختارهای مالی و اقتصادی	بانکداری نوین -تدوین راهبردها و قوانین در عرصه ی پول -روندهای امن پرداخت و دریافت - تدوین قوانین Cryptocurrency-تحلیل های آمار اقتصادی و تجاری ملی و بین المللی
۴	تخصص های مدیریتی	مدیریت پروژه-کنترل پروژه- ارزیابی آمادگی الکترونیکی-نوسازی، بومی سازی و به روزآوری مدل های کسب و کار-طراحی بوم کسب و کار-تدوین طرح های تجاری (BP)-تحلیل های چرخه ی عمر فناوری و رویکردهای متناسب-تحلیل مدل های انتقال فناوری-تحلیل وفاداری مشتریان (Customer Loyalty Analysis)-بومی سازی مدل های کسب و کار الکترونیکی همچون Bartering-Auction-price consultant - طراحی سیستم های توصیه گر (Recommender systems) - طراحی سیستم های پشتیبان تصمیم DSS-مدل سازی رفتار خرید مشتریان سازمانی و شخصی -مدل سازی رضایتمندی مشتریان - ارزیابی کارآمدی کسب و کارها و عوامل مؤثر بر آن و ...
۵	سیاست گذاری های کلان	سیاست گذاری ها و رصدهای اقتصادی خرد و کلان- تدوین راهبرد در توسعه کسب و کار با رویکرد منطقه ای و بین المللی
۶	آموزش	سواد رسانه ای-آموزش های تخصصی دانشگاهی کسب و کار الکترونیکی-آموزش عمومی در جمله- آموزش مهارتی و حرفه ای کسب و کار الکترونیکی
۷	ساختارهای اجرایی و حمایتگر	اتاق های بازرگانی-اتاق های رابط تجاری روستایی -پارک های فناوری-مراکز رشد-بیمه-حمل و نقل- سازمان های ارزیاب اعتماد سازی و احراز هویت صاحبان کسب و کار الکترونیکی و مشتریان -سازمان های نظارتی، قیمت گذاری، کنترل کیفیت - استانداردهای ارائه خدمات و محصولات- صنایع تبدیلی-صنایع بسته بندی
۸	بازار پروری	بازار شناسی علمی-بازار سازی -بازارداری-بازاریابی-بازارگردی-بازار گرمی Consumer Tracking-Personalization-Churn Analysis,...
۹	زیرساخت های فنی	توسعه اینترنت و پهنای باند- بسترهای امن دریافت و پرداخت-توسعه مخبرات و ارتباطات-شبکه سازی امن Cloud Computing-Data Centers-Data Marts-Data Warehouse
۱۰	فرهنگ	تحلیل اثرات متقابل کسب و کار الکترونیکی و فرهنگ فردی و اجتماعی و بین المللی -فرهنگ سازی فروش و خرید در بستر فناوری اطلاعات در نسل های مختلف جامعه، مدیران، فارغ التحصیلان، تولیدکنندگان سنتی- مراقبت از زبان فارسی در روند گسترش اصطلاحات فناوری اطلاعات
۱۱	اخلاق	شناخت موارد اخلاقی-آموزش اخلاق کسب و کار نوین -ارزش گذاری و ارزش سازی های اخلاقی در تجارت الکترونیکی
۱۲	تاریخ و فلسفه ی علم	نگاه عمیق بر روند تاریخی توسعه بی وقفه علم و فناوری و تعارض یا همسویی آن با معیارهای انسانی-تحلیلی فلسفی بر چپستی گزاره های فناوری و روند عقلانی توسعه ی آن، نحوه ی مواجهه بشر با گسترش بی وقفه ی علم و فناوری
۱۳	مدیریت دانش	ساختار سازی در حفظ دانش و خبرگی، توسعه و انتقال آن - پایه گذاری سازمان های یادگیرنده- طراحی سیستم های خیره-معماری دانش سازمانی-مستند سازی و جمع آوری داده ها
۱۴	اجتماعات	گروه های بین المللی متشکل از کمیته های بازرگانی مشترک مجازی و اتاق های بازرگانی مشترک مجازی-کنفرانس ها-نمایشگاه ها- کارگاه های آموزشی-نشست های مجازی بازرگانان کشورها-شرکت در کنسرسیوم ها و اتحادیه های تجارت الکترونیکی
۱۵	تأمین منابع	حمایت های مالی و تسهیلات-منابع پژوهشی و علمی-منابع انسانی-منابع داده ای (نقطه های تجاری)
۱۶	پژوهش	ساختارهای پژوهشی کاربردی در جهت توسعه کسب و کار الکترونیکی و ارتقا، به روزآوری و کارآمدسازی
۱۷	جامعه شناسی	تحلیل تعدیل مشاغل- مطالعه و تحلیل تأثیرات مثبت و منفی رواج کسب و کار الکترونیکی بر بنیان های جوامع از خانواده تا سطح ملی و بین المللی-آسیب شناسی-ارائه راهکارها
۱۸	روانشناسی	تحلیل عواطف در فضای دیجیتالی-جدایی دیجیتالی-افسردگی دیجیتالی-اعتیاد دیجیتالی-مطالعه و تحلیل تأثیرات مثبت و منفی رواج کسب و کار الکترونیکی بر شرایط روح و روان افراد-آسیب شناسی-ارائه راهکارها
۱۹	بهداشت و سلامت فردی	مطالعه و تحلیل تأثیرات مثبت و منفی رواج کسب و کار الکترونیکی بر سلامت و بهداشت فرد و جامعه-آسیب شناسی-ارائه راهکارها
۲۰	بنیان های هنری و زیبایی شناسی	تحلیل اثرات متقابل کسب و کار الکترونیکی و هنر در عرصه های همچون نقاشی، گرافیک، موسیقی، عکاسی، فیلم، انیمیشن، ... و تدوین روندهای مبتنی بر اصالت های هنری و فرهنگی
۲۱	بنیان های قانونی	مجموعه قوانین روزآمد و مصوب تجارت الکترونیکی-فعلیت پلیس های تجارت- جرم شناسی-همه انگی های کپی رایت-حق مالکیت-حریم خصوصی-ثبت ایده و اختراع و ...

شرحی مختصر بر ملزومات کسب‌وکار الکترونیک

آنچه در جدول ۱ بیان شد نمای کلی از ملزومات کسب‌وکار الکترونیک است که باید در قالب ساختارهایی یکپارچه و جامع مورد توجه قرار گیرند. بی‌شک هر یک از این عناوین نیازمند شرح و بسط کافی خواهد بود که در این نوشتار نمی‌گنجد. در این قسمت برخی از عناوین برای نمونه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱- هوش تجاری: این حوزه هم‌اکنون یکی از ملزومات اثربخش و کلیدی کسب‌وکار الکترونیک است. داده‌ها گنجی پنهان محسوب می‌شوند و استخراج گزارش‌ها ارزشمند، روابط نهفته در حجم عظیم داده‌ها، بصری سازی گزارشات پیچیده، تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر تحلیل‌های هوش مصنوعی، پیش‌بینی روندهای بازار، تحلیل سری‌های زمانی و توالی فعالیت‌های بازار، خوشه‌بندی و دسته‌بندی مشتریان، استخراج درخت‌های تصمیم‌گیری و قواعد حاکم بر بازار، همگی از دستاوردهای حوزه هوش تجاری و علم داده‌ها هستند. روش‌های هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، علم داده‌کاوی و نیز آمار همراه با ساختارهای مدیریت داده به کمک کسب‌وکارها آمده‌اند تا در دنیای رقابت حرفه‌ای‌های بازار در بازارهای حرفه‌ای، هر بنگاه یا سازمان بتواند در چرخه رقابت زنده بماند و سهم خود را از منافع کسب‌وکارها بیشتر و پایدارتر کند. این موضوع باعث شده است که عنوان شغلی جدیدی در دهه‌ی اخیر در شرکت‌های بزرگ جهان ایجاد شود که با نام «دانشمند ارشد داده» یا «Senior Data Scientist» شناخته می‌شود. امروزه شرکت‌های بسیار بزرگی همچون Microsoft, SAP, IBM, Oracle, SAS و ده‌ها شرکت نظیر آن‌ها خدمات هوش تجاری را به سایر مؤسسات ارائه می‌کنند. از آنجایی که به‌کارگیری و پیاده‌سازی روش‌های هوش تجاری کاملاً تخصصی بوده و معمولاً مدیران و صاحبان کسب‌وکار صرفاً استفاده‌کنندگان این حوزه محسوب می‌شوند، لذا در هر جامعه‌ای تأسیس شرکت‌های تخصصی قدرتمندی که بتوانند ابزارهای حرفه‌ای هوش تجاری را به خدمت مدیران و بازرگانان درآورند الزامی است.

۲- شیوه‌ها و ابزارها: هر یک از عناوینی که در بخش شیوه‌ها و ابزارهای جدول ۱ ذکر شده است، دنیایی وسیع و پرکاربرد را در بر دارد. برای مثال به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

* **SEO (Search Engine Optimization)** یا بهینه‌سازی موتور جستجو: تکنیک SEO برای بالا بردن و بهینه‌سازی رتبه وب‌سایت‌ها هنگام جستجو توسط کاربران است. وقتی شما عنوان یک کسب‌وکار یا کالا را در محیط وب

جستجو می‌کنید، هر قدر نام سایت یک فروشگاه بالاتر قرار گیرد، شانس مراجعه مشتری به آن فروشگاه بیشتر خواهد بود. انجام فرایندهای سئو به مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌های تخصصی در حوزه کامپیوتر نیاز دارد؛ به طوری که ارائه خدمات سئو خود تبدیل به یک کسب‌وکار مهم و درآمدزا شده است.

* **Gamification** یا بازی گونه‌سازی: شیوه نسبتاً نوینی است که فعالیت‌هایی را که اساساً ماهیت بازی ندارند در قالب رفتارهای بازی گونه ارائه می‌کنند تا موجب انگیزش و تشویق مخاطبان برای انجام فعالیت شوند. این شیوه، کاربردهای فراوانی در بازار سازی، ایجاد نیاز در مشتریان، تشویق به تغییر رفتار و نظایر آن یافته است. امروزه وب‌سایت‌های تجاری و تبلیغاتی به میزان گسترده‌ای از این شیوه استفاده می‌کنند.

* **Digital Marketing** یا بازاریابی دیجیتال: چندین شاخه فرعی و کاربردی مهم دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: **Affiliate Marketing** یا بازاریابی وابستگی، **Influencer Marketing** یا بازاریابی تأثیرگذارها، **Viral Marketing** یا بازاریابی ویروسی، بازاریابی ایمیل، بازاریابی پیام‌رسانی فوری، بازاریابی پیامکی یا **SMS Marketing**، تبلیغات رادیویی، تبلیغات تلویزیونی، بازاریابی دیجیتال غیربرخط، طراحی و توسعه سایت، بهینه‌سازی موتور جستجو، بازاریابی موتور جستجو، تبلیغات کلیک، تبلیغات بنری در سایت‌های پربازدید، رپرتاژ آگهی، بازاریابی محتوا، بازاریابی ویدئو، بازاریابی شبکه‌های اجتماعی.

* **Branding** یا برند سازی: مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی و تخصصی است که می‌تواند هویت ظاهری و درونی یک محصول را در اندیشه و قلب جامعه جاری سازد. این امر موضوعی فراتر از آشنایی با یک نام یا تصویر لوگوی محصول است. امروزه شرکت‌های متخصص در برندسازی با تکیه بر ابزارهای فناوری اطلاعات و معیارهای روانشناسی و جامعه‌شناسی سعی بر برند سازی دارند.

* **Smart Carts**: چرخ‌دستی‌های هوشمند هستند که در فروشگاه‌های مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرند و بر اساس فناوری **RFID** و نیز سامانه‌های توصیه گر کار می‌کنند. نمونه‌های پیشرو این چرخ‌دستی‌های فروشگاه‌های مشترک توسط دو شرکت **IBM** و **Cuesol** ساخته شده است.

* **eSignature** یا امضای الکترونیکی در کنار امضای دیجیتالی مقوله‌هایی هستند که باید توسط سازمان‌های حمایت‌کننده کسب‌وکار الکترونیک و بانک‌های تأثیرگذار مورد برنامه‌ریزی و اقدام قرار گیرند تا راه برای امضای معتبر در قراردادهای برخط و تراکنش‌های مرتبط با آن باز

کسب‌وکار الکترونیک

رامی‌توان به

آسمان خراشی

تشبیه کرد که

تاکنون فقط سی

یا چهل طبقه

آن ساخته شده

است، اما طراحان

به این نکته توجه

دارند که این

آسمان خراشی

قرار است در

طول سال‌ها و

قرن‌های آتی هم

از نظر ارتفاع افزون

شود و هم سطح

کف آن وسیع‌تر

خواهد شد؛

بنابراین مراقبت

می‌کنند که آجر به

آجر را با محاسبه

و پیش‌بینی آینده

روی هم بگذارند.

اگر چنین باشد،

آینده اقتصادی در

دست دارندگان

این آسمان خراشی

خواهد بود و اما

اگر هر جامعه‌ای

گام به‌گام همه

مؤلفه‌های اساسی

و لازم را تأمین نکند

معلوم نیست در

آینده‌ای دور یا

نزدیک، چه بر سر

سهم او در این

مسیر خواهد آمد.

شود.

* Management Information systems: سیستم‌های اطلاعات مدیریتی یک عنوان جامع و وسیع است و سامانه‌های ریزودرشتی را در خود جای می‌دهد. سامانه‌هایی همچون SCM یا مدیریت زنجیره تأمین، CRM یا مدیریت روابط مشتریان، MRPII یا مدیریت منابع تولید، ERP یا برنامه‌ریزی منابع بنگاه.

* هر یک از این سامانه‌ها تأثیر و عملکردی بسیار مهم و حیاتی در موفقیت کسب‌وکارهای الکترونیکی خواهند داشت و یکپارچه‌سازی آن‌ها در قالب ERP پروژه‌ای بسیار بزرگ و گران و زمان‌بر می‌باشد که البته ثمرات بسیار مهمی را نیز در بردارد.

* سیستم‌هایی که ERP را در سطح کارخانه‌ها یا سازمان‌ها پیاده‌سازی می‌کنند به صورت لایه‌ای پیاده‌سازی می‌شوند. بنابراین یک نرم افزار که ERP را در سطح یک کارخانه یا سازمان پیاده‌سازی می‌کند باید عملیات زیر را پشتیبانی کرده و آن‌ها را یکپارچه کند:

* کنترل مالی، صورت حساب مواد، برنامه‌ریزی نیازمندی‌ها، حساب هزینه‌ها، برنامه‌ریزی بودجه، خرید و دریافت، سفارش فروش و حمل، مدیریت تولید، کنترل سطح کارخانه، برنامه تولید، پیگیری پروژه، حساب‌های قابل دریافت، حساب‌های قابل پرداخت، انبار و توزیع، قراردادها، ارتباط با مشتریان و بسیاری امور دیگر.

* IoT - اینترنت اشیا (Internet of things): حوزه‌ی جدید و بسیار وسیعی است که کاربردهای مهمی را در بر خواهد گرفت. انبارداری و زنجیره تأمین کالا شاهد تحولات بزرگ خواهد شد و کاربردهای امور شهری، بهداشتی، ایمنی، صنعتی، تجاری و نظایر آن متحول خواهند شد. کشاورزان می‌توانند با اینترنت اشیا شناخت به موقع از شروع آفت در مزرعه را به دست آورند و یا صرفه‌جویی‌های کلان در تغذیه‌ی خاک داشته باشند. دامداران می‌توانند نظارت دقیقی بر سلامت دام‌ها و جلوگیری از بیمار شدن آن‌ها داشته باشند. دست اندرکاران تجارت الکترونیک استفاده‌های ارزشمندی از IoT خواهند داشت.

* فراجهمان (Meta verse): پدیده‌ای نوظهور که بر اساس فضا سازی مجازی سه‌بعدی سعی می‌کند عالمی مجازی را به زندگی روزمره‌ی آدمیان بدل سازد. این پدیده را باید در امتداد موضوعاتی همچون رمز ارزها، بلاک چین، NFT یا بسته‌های غیرقابل تفکیک دانست که همگی نقش فزاینده‌ی وسیعی در گسترش نسل نوین کسب‌وکارهای الکترونیکی ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه NFT رویکردی جدید در فروش آثار هنری و موسیقی و نظایر آن است که

موردتوجه فراوان قرار گرفته و در واقع بسته‌ای از داده‌های غیرقابل معاوضه است که روی بلاک چین قرار می‌گیرد.

۳- ساختارهای مالی و اقتصادی: کشورهای مختلف جهان موضع و رویکردهای متفاوتی در مواجهه با رمز ارزها اتخاذ کرده‌اند. برخی استفاده از رمز ارزها را در عرصه اقتصاد ملی‌شان پذیرفته‌اند و برخی فقط کاربرد بین‌المللی برای آن تعریف کرده‌اند. نگرش‌های مالی و بانکی و جنبه‌های مختلف فنی و اقتصادی این مقوله در جوامع و کشورها، متفاوت بوده است و لذا باید در این مسیر دقت نظرهای عمیق وجود داشته باشد. همچنین توسعه کسب‌وکارهای الکترونیک بر اساس ساختارهای کلان اقتصادی هر کشور می‌تواند اثرات مهمی در توسعه‌ی اقتصادی داشته باشد. مطالعه آمارها، رویکردها و نگرش‌های کلان کشورها در حوزه‌ی کسب‌وکارهای الکترونیک راهگشا خواهد بود.

۴- تخصص‌های مدیریتی: تخصص‌های مدیریتی عیدی‌های در عرصه‌ی توسعه کسب‌وکارهای الکترونیکی باید مورد استفاده قرار گیرد. پیاده‌سازی پروژه‌های کلان تجارت الکترونیک بدون استفاده از روش‌های کنترل پروژه و مدیریت پروژه امری ناپایدار خواهد بود. علاوه بر آن، به‌کارگیری برخی مدل‌های کسب‌وکار الکترونیک در مقاطع مهم اقتصادی می‌تواند گره‌گشا باشد و از آن جمله به مدل‌هایی همچون Bartering (تئاتر) یا Auction (حراجی) می‌توان اشاره کرد. همچنین مشاوره‌هایی که برای قیمت‌گذاری اشیا عتیقه یا دست‌دوم ارائه می‌شود مدل موفق‌تری از کسب‌وکار است. بومی‌سازی مدل‌هایی همچون تئاتر (معاوضه کالا به کالا)، حراجی‌های برخط، قیمت‌گذاری اشیا از جمله مدل‌هایی هستند که امروزه در بسیاری جوامع مورد نیاز هستند و البته هنوز رواج نیافته‌اند.

جنبه‌های دیگر مدیریت کسب‌وکار الکترونیک در جدول مورد اشاره قرار گرفته است.

۵- بازار پروری: اصطلاح بازار پروری در این نوشتار به مفهوم مجموعه فعالیت‌هایی در نظر گرفته شده است که موجب شناخت و توسعه و حفظ بازار می‌شوند. متخصصین بازاریابی علمی اجزای مهمی همچون بازاریاب‌شناسی، بازاریابی، بازاریابی و بازاریابی را در این مسیر موردتوجه قرار می‌دهند که در دنیای امروز همگی مبتنی بر روش‌های علمی همچون داده‌کاوی، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و سیستم‌های چندعامله‌ی هوشمند هستند.

برای نمونه موضوعات Consumer Tracking- Personalization-Churn Analysis برای ردگیری رفتار مشتریان، شخصی‌سازی تبلیغات و کاتالوگ‌ها، تحلیل ریزش مشتریان و مشترکین فروشگاه‌ها به کار می‌روند.

کشورهای

مختلف

جهان موضع

و رویکردهای

متفاوتی در

مواجهه با رمز

ارزها اتخاذ

کرده‌اند. برخی

استفاده از رمز

ارزها را در عرصه

اقتصاد ملی‌شان

پذیرفته‌اند و

برخی فقط کاربرد

بین‌المللی برای

آن تعریف کرده‌اند.

نگرش‌های مالی و

بانکی و جنبه‌های

مختلف فنی و

اقتصادی این

مقوله در جوامع و

کشورها، متفاوت

بوده است و لذا

باید در این مسیر

دقت نظرهای

عمیق وجود

داشته باشد.



جامعه، تعاریفی همچون آسایش، رفاه، آرامش، مشاغل نو، مشاغل در معرض نابودی و بسیاری عناوین دیگر قابل بررسی و پژوهش و برنامه‌ریزی خواهد بود.

۸- روانشناسی: در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا، رشته تحصیلی فناوری اطلاعات شامل چهار حوزه‌ی درسی است که عبارتند از: محاسبات (computing) - فناوری اطلاعات (Information Technology) - مدیریت و روانشناسی. درس دوره کارشناسی به چهار دسته مساوی در این ابعاد تقسیم شده است. این نشان از اهمیت فراگیری مبانی مدیریت و روانشناسی توسط دانش‌آموختگان فناوری اطلاعات دارد. اهمیت موضوعات روانشناسی در کسب‌وکار الکترونیک را باید سریعاً دریافت. توسعه فضاهای مجازی کسب‌وکارهای الکترونیک و نظایر آن تأثیرات مثبت و منفی فراوانی بر روان انسان‌ها دارد. افسردگی یا نشاط، انزوا و درون‌گرایی در مقابل برون‌گرایی، امنیت روحی در مقابل اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها و بسیاری موضوعات دیگر تحت تأثیر کسب‌وکار الکترونیکی باید مورد توجه و تحلیل قرار گیرد. نباید فراموش کرد که به‌رحال همه‌ی این فناوری‌های جذاب با انسان سروکار دارند و انسان موجودی با حساسیت‌ها و ظرایف روحی و ویژگی‌های خاص روانشناسی است.

همچنین برخی فعالیت‌هایی که در گروه عملیات بازار شناسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

شناخت مشتری، شناخت محصول، شناخت تولیدکننده، شناخت قوانین، شناخت محیط، شناخت روش‌ها، شناخت رقبا، شناخت واسطه‌ها، شناخت روندهای زمانی و بسیاری شناخت‌های دیگر.

برخی ابزارهای بازارشناسی عبارتند از: Yellow Books, Web search, Opinion mining, Data Mining, Text Mining, Opinion Mining, Sentiment Mining, Data Science, (MAS) Multi Agent Systems

۶- ایمنی و قانون: آسیب‌ها و مزاحمت‌های عیدهای همراه با توسعه‌ی جنبه‌های مثبت فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک ایجاد شده است. لازم است آموزش و پژوهش، وضع قوانین، راهکارهای فنی در زمینه‌هایی همچون دستبرد، نفوذ، مهندسی اجتماعی، تقلب (Hack)، (Social Engineering, Intrusion, Fraud) مورد توجه وسیع قرار گیرد.

۷- جامعه‌شناسی: در حوزه‌ی جامعه‌شناسی بررسی اثرات تجارت الکترونیک بر ادغام فرهنگ‌ها، تشکیل جوامع نو، انحلال ساختارهای اجتماعی کهن، تغییرات در رفتارهای

اثراتی بر ساختارهای کهن هنری جوامع خواهد گذاشت. توانایی هنرهای اصیل هر جامعه برای ماندگاری تا چه میزان خواهد بود؟ لازم است پژوهشگران در مواردی از این قبیل به بررسی پرداخته و راهکارهایی برای دست‌اندرکاران کسب‌وکار الکترونیکی و نیز هنرمندان و طراحان تبلیغات، ارائه کنند تا بدین‌وسیله اثرگذاری تبلیغاتی و تجاری با رعایت معیارهای زیبایی‌شناسی و هنری پیش رود.

۱۰- مدیریت دانش: دانش سازمان‌ها و کسب‌وکارها به‌مثابه جریان‌های حیاتی محسوب می‌شود. سازمان‌های نوین، سازمان‌های یادگیرنده هستند و در آن‌ها سعی می‌شود در طول زمان موضوعاتی همچون خبرگی، دانش سازمانی، دانش فنی، دانش‌های مدیریتی و نظایر آن در کل سازمان جریان یافته، نوآوری و بروز رسانی شده و مهم‌تر از همه، حفظ گردد. به‌طور مثال اگر در اتاق بازرگانی کارشناسانی دارید که قریب سی سال بر روابط تجاری با یک کشور مشخص مطالعه و نظارت داشته و دانش و خبرگی گسترده‌ای به دست آورده‌اند پس از بازنشستگی این اشخاص، چه بر سر دانش و خبرگی ایشان خواهد آمد؟ ایجاد ساختارهای مدون مدیریت دانش باعث می‌شود گنجینه‌های دانایی و مهارت افراد مستدام و مفید بماند.

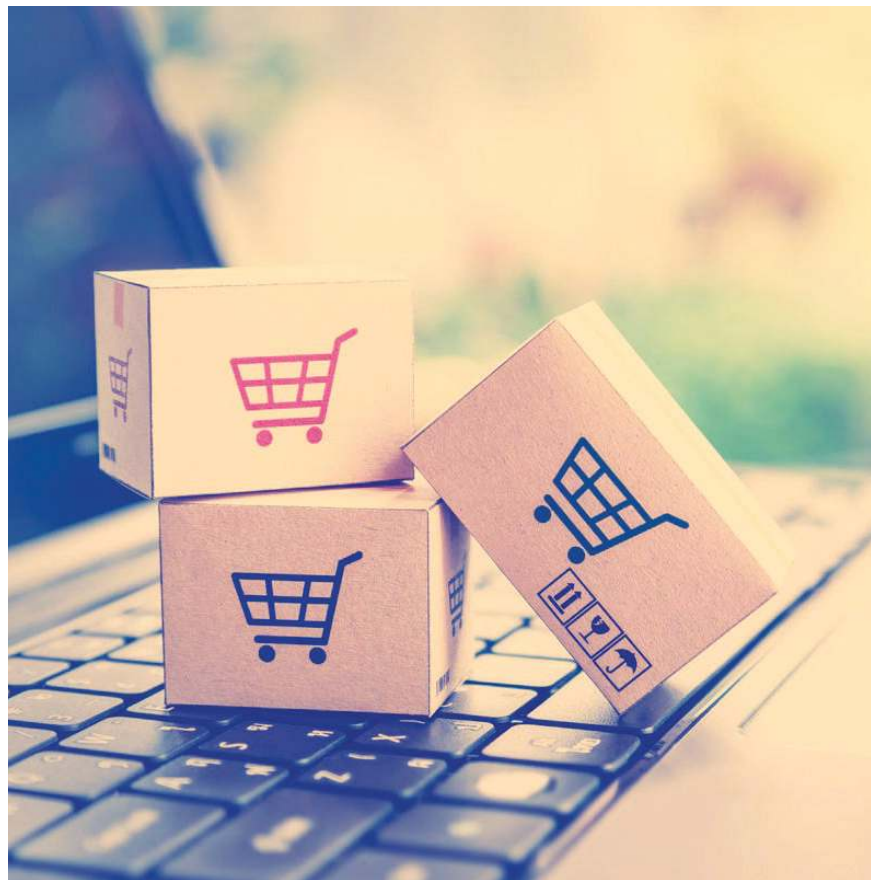
۱۱- بهداشت و سلامت فردی: معمولاً تصور می‌شود استفاده از امکانات کسب‌وکار الکترونیکی باعث صرفه‌جویی در زمان، راحتی افراد برای تهیه مایحتاج خود، غلبه بر ترافیک و نظایر آن می‌شود، اما کمتر به این موضوع پرداخته می‌شود که برای مثال نشستن در حالت یک‌نواخت به میزان ۸ یا ۱۰ ساعت در روز روی یک صندلی و روبروی صفحه نمایش چه اثرات مخربی بر دردهای عضلانی، کمردرد، بیماری‌های چشم، درد انگشتان و حتی بیماری‌های پنهان دیگر بویژه در بزرگسالان ممکن است داشته باشد. پژوهش و آموزش وسیع در این موارد دارای اهمیت فراوان است.

جمع‌بندی

شاید در نظر اول تمامی موارد مطرح‌شده در این نوشتار به نظر آشنا و بدیهی بیاید، اما نکته مهم اینجاست که اگر در ساختن یک بنا به بعضی جنبه‌های آن کم‌توجهی شود، در درازمدت آن ساختمان مستحکم و قابل‌اعتماد نخواهد بود. هدف از این نوشتار، جلب‌توجه متخصصین حوزه‌های مختلف بر این امر است که نگرشی جامع و یکپارچه برای توسعه تجارت الکترونیکی موردنیاز است و چه‌بسا برای نیل به این هدف، تدوین پروتکل‌ها و دستورالعمل‌ها و ایجاد فعالیت‌هایی برای یکپارچه‌سازی تمامی عملیات تجارت الکترونیکی موردنیاز خواهد بود. ♦♦

نسل‌های سالخورده، کودکان، جوانان هریک ویژگی‌های روانی خاص خود را دارند. آیا تبدیل شدن خریده‌های سنتی به تراکنش‌های اینترنتی تأثیری بر روحیات پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها گذاشته و موجب انزوای ایشان شده است؟ آیا روحیات کودکان از منظر آرامش یا تندخویی متأثر از فناوری اطلاعات و کاربردهای آن است؟ بسیاری سؤالات دیگر در این زمینه‌ها قابل طرح و بررسی است.

۹- بنیان‌های هنری و زیبایی‌شناسی: اگر سبک‌های نقاشی یا موسیقی و سلیقه مردمان در یک سرزمین در کاربرد تبلیغات تجاری بین‌المللی قرار بگیرد میزان کارآمدی و اثرگذاری یا اثرپذیری و قوام یا عدم قوام آن آثار در گستره‌ی فرهنگ‌ها چقدر خواهد بود. به‌طور مثال اگر یک شرکت تبلیغاتی برای معرفی کالایی در اینترنت از نقاشی مینیاتور و موسیقی سنتی استفاده کند نوع اثرگذاری‌اش در عرصه بین‌المللی چگونه خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر میزان کارکرد این نوع از هنرها چقدر خواهد بود؟ آیا نام تجاری یا طرح لوگویی که در یک جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و بسیار هم محبوبیت دارد در جوامع دیگر همین نقش را ایفا خواهد کرد؟ از طرف دیگر درهم‌آمیختگی مرزهای هنر چه



نقش مدیریت زنجیره تأمین

در بهبود کیفیت، کاهش قیمت و تنظیم بازار محصولات تولیدی



سیدحامد موسوی راد

عضو هیئت علمی گروه مهندسی صنایع دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

افزایش قیمت‌ها، کمبود مواد و پایین بودن کیفیت، سر تیتیر بسیاری از مطالبی است که در این چند سال از طریق شبکه‌های مختلف در مورد محصولات تولیدی داخلی با آن‌ها برخورد می‌کنیم و مردم و مصرف‌کنندگان قربانی این مفاهیم و واقعیت‌ها می‌باشند. لذا این موضوعات به‌عنوان چالش‌های اصلی برای دولت‌مردان مطرح است. در این راستا، هدف این یادداشت این است که از دیدگاه مدیریت زنجیره تأمین به این چالش‌ها نگاهی اجمالی کنیم تا با ذکر برخی از مصادیق نشان دهیم چگونه می‌توان از قابلیت‌های مدیریت زنجیره تأمین در جهت بهبود این چالش‌ها استفاده کرد.

مقدمه

گرانی محصولات، کمبود مواد و همچنین کیفیت پایین محصولات تولیدی از جمله مشکلاتی می‌باشد که سالیان سال نته‌ها در کشور بلکه در دوره‌هایی در دیگر کشورها، دولت‌مردان و شرکت‌ها با آن روبه‌رو بوده‌اند. ولیکن وجود این مشکل‌ها در هر کشور عوامل متنوعی دارد و این عوامل در هر کشوری سهم‌های متفاوتی داشته است. با توجه به قدمت وجود چنین مشکلاتی در جوامع کارهای علمی بسیار زیادی در جهت بهبود یا حتی حذف آن‌ها به‌صورت عملی صورت گرفته است. از جمله این اقدامات استفاده از قابلیت‌های مدیریت زنجیره تأمین می‌باشد که در این یادداشت سعی خواهیم کرد تا با تشریح این چالش‌ها قابلیت‌های مدیریت زنجیره تأمین را برای برطرف کردن و یا بهبود آن‌ها معرفی نمایم. در ادامه ابتدا مدیریت زنجیره تأمین و قابلیت‌های آن را معرفی خواهیم نمود و سپس با تمرکز بر سه چالش افزایش قیمت‌ها، کمبود مواد و پایین بودن کیفیت محصولات سعی خواهیم کرد برخی از نمونه‌های استفاده از قابلیت‌های مدیریت زنجیره تأمین در جهت تعدیل این چالش‌ها را معرفی نمایم.

مدیریت زنجیره تأمین

همان‌گونه که در شکل زیر می‌بینید زنجیره تأمین شامل حرکت محصولات و مواد از سمت تأمین‌کنندگان به‌سوی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان و نهایت مصرف‌کنندگان می‌باشد و همچنین در مواردی مثل مرجوعی محصول جهت این جریان برعکس می‌باشد. در این مسیر ما شاهد سه جریان می‌باشیم. جریان اصلی و فیزیکی در زنجیره تأمین جریان محصول است. جریان دوم جریان پول می‌باشد که در این زنجیره بین اعضای زنجیره در حال حرکت می‌باشد و در نهایت جریان اطلاعات است که بین اعضا در حال تبادل می‌باشد. لذا مدیریت زنجیره تأمین با استفاده از ابزارها و تصمیم‌گیری‌های خود در پی تأمین نیاز مشتری و به دنبال آن حداکثر کردن کل ارزش ایجاد شده می‌باشد.

در زنجیره‌های تأمین، ابزارهایی مانند مکان، نوع و ظرفیت تسهیلات اعضای زنجیره، موجودی، حمل‌ونقل، اطلاعات، منبع بای و قیمت وجود دارد که با تصمیم‌گیری و تغییر در این ابزارها می‌توان قیمت محصولات، میزان موجودی و کیفیت کالاها را تا حدودی کنترل نمود. البته قبل از هر تغییر در مورد هر زنجیره باید ابتدا یک ارزیابی از وضع کنونی آن داشت و سپس بر اساس شناختی که ایجاد می‌شود در پی بهبود شاخص‌ها و فرآیندهای مدنظر در زنجیره باشیم. مدل‌های متنوعی برای ارزیابی زنجیره‌های تأمین شکل گرفته است. از جمله آن‌ها می‌توان به مدل اسکور SCOR اشاره کرد که توسط انجمن زنجیره تأمین ارائه شده است. در این مدل

جریان اصلی

و فیزیکی در

زنجیره تأمین

جریان محصول

است. جریان

دوم جریان پول

می باشد که در

این زنجیره بین

اعضای زنجیره

در حال حرکت

می باشد و در

نهایت جریان

اطلاعات است

که بین اعضا

در حال تبادل

می باشد. لذا

مدیریت زنجیره

تأمین با استفاده

از ابزارها و

تصمیم‌گیری‌های

خود در پی

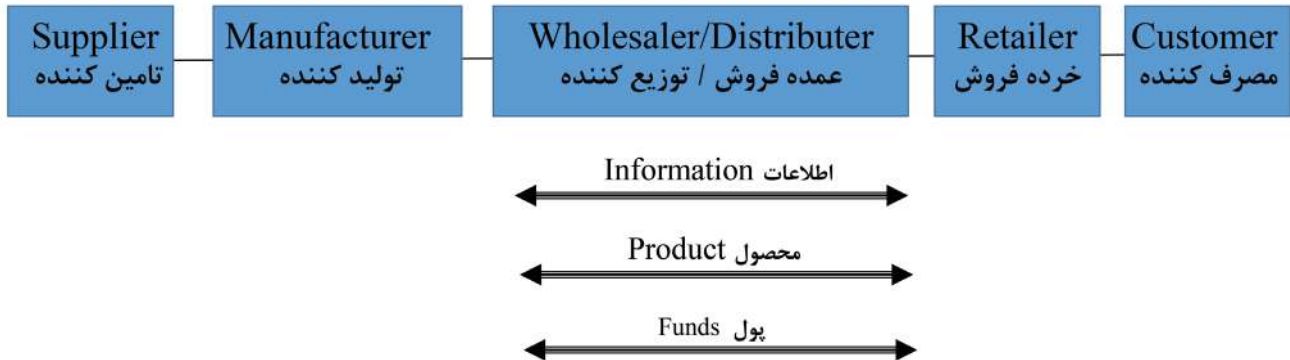
تأمین نیاز مشتری

و به دنبال آن

حداکثر کردن کل

ارزش ایجاد شده

می باشد.



کردن تأمین‌کنندگان شود که محصولات با کیفیت‌تری تولید می‌کنند. علاوه بر آن ارتباط صحیح با تأمین‌کنندگان و سهم کردن آن‌ها در ارزش ایجاد شده در زنجیره تأمین می‌تواند منجر به تلاش تأمین‌کنندگان در جهت بالا بردن کیفیت محصولات تولیدی‌شان شود تا رضایت بیشتر مشتری جلب شود. یکی از ابزارهای پرکاربرد در حوزه مدیریت کیفیت QFD یا همان گسترش عملکرد کیفیت می‌باشد که با استفاده از آن در زنجیره تأمین می‌توان به‌خوبی نیازها و خواسته‌های مشتریان را شناسایی کرد و محصول تولیدی مطابق با خواسته‌های مشتری طراحی و تأمین، تولید و تحویل مشتری گردد.

نقش مدیریت زنجیره تأمین در تنظیم بازار

یکی از مسائل اساسی که در برنامه‌ریزی‌های زنجیره تأمین مطرح می‌باشد، پیش‌بینی تقاضای مشتری نهایی می‌باشد. بر اساس این پیش‌بینی، دیگر اعضای زنجیره تأمین برنامه‌ریزی می‌کنند تا تقاضای مرتبط با نیاز مشتری را در زمان مقرر برآورده سازند. لذا هر چه پیش‌بینی تقاضای مشتری نهایی هر زنجیره تأمین دقیق‌تر صورت گیرد و این پیش‌بینی در طول زنجیره تأمین بین اعضا به اشتراک گذاشته شود، اعضا، تولید و آماده‌سازی محصول را به‌گونه‌ای خواهند داشت که نه دچار کمبود مواد غیرقابل جبران شوند و نه دچار مازاد موجودی که هر دو این موارد در صورت وقوع برای زنجیره، هزینه‌هایی را در بردارد. از طرفی اگر اطلاعات مربوط به تقاضای مشتری نهایی بین اعضا به اشتراک گذاشته نشود و هر کدام بر مبنای سیاست‌های خود به دیگر تأمین‌کنندگان سفارش بدهند، در طول زمان، نوسانات شدید سفارشات در بین اعضای زنجیره را به وجود خواهد آورد. این نوسانات که به آن اثر شلاق چرمی نیز می‌گویند، برنامه‌ریزی تولید و موجودی را برای اعضا زنجیره بسیار مشکل خواهد

زنجیره تأمین بر اساس شش معیار اصلی شامل قابلیت اطمینان، انعطاف‌پذیری، پاسخگویی، هزینه، دارایی و چابکی و همچنین شش فرآیند کلی شامل برنامه‌ریزی، منبع‌یابی، تولید، ارسال، بازگشت و پشتیبانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لذا لازم است مدیران سطح کلان و همچنین شرکت‌ها قبل از هر تصمیمی در مورد هر زنجیره تأمین، شناختی از آن زنجیره داشته باشند و سپس با اخذ تصمیم‌های مناسب در پی کنترل قیمت، میزان موجودی و کیفیت محصول زنجیره باشند. در ادامه به برخی از مصادیق تصمیم‌های گرفته‌شده که منتج به کنترل قیمت، میزان موجودی و کیفیت محصول می‌شود اشاره خواهد شد.

نقش مدیریت زنجیره تأمین در کیفیت

کیفیت پایین برخی محصولات تولیدی داخل از جمله چالش‌هایی می‌باشد که متأسفانه با وجود اهمیت آن برای مصرف‌کنندگان از سمت تولیدکنندگان به دلیل برخی مسائل از جمله نبود بازار رقابت نادیده گرفته می‌شود. لذا وجود یک بازار رقابتی خواه ناخواه اهمیت این موضوع را برای تولیدکنندگان داخلی نیز روشن‌تر خواهد کرد. با فرض وجود یک بازار رقابتی اگر ما بخواهیم از قابلیت‌های مدیریت زنجیره تأمین در این راستا استفاده کنیم می‌توانیم به مواردی مانند تعداد، ظرفیت، فناوری و مکان تسهیلات مانند انبارها و کارخانه‌ها و فروشگاه‌های مربوط به یک زنجیره اشاره کرد که مجموعه این عوامل می‌تواند منجر به افزایش کیفیت محصولات آن زنجیره شود؛ به‌عنوان مثال ایجاد کارخانه در محلی که نیروی انسانی متخصص و تأمین‌کنندگان مواد اولیه با کیفیت در آنجا وجود دارد به افزایش کیفیت محصولات تولیدی کارخانه کمک خواهد کرد. همچنین شیوه‌های صحیح منبع‌یابی یا انتخاب تأمین‌کنندگان می‌تواند منجر به پیدا

سیاست

قیمت‌گذاری هر

یک از اعضای

زنجیره تأمین اگر

به صورت مستقل

باشد، منجر به

سیاست‌های

سفارش‌دهی

متفاوت هر یک از

اعضا می‌شود و

مجدد مشکلات

مربوط به

نوسانات تقاضا

را خواهد داشت.

در نتیجه یکی

از مسائلی که

مدیران زنجیره

تأمین باید به آن

توجه نمایند،

قیمت‌گذاری

صحیح محصول

نهایی با مشارکت

اعضای زنجیره

تأمین می‌باشد

تا بتوانند سود

محصول نهایی

به صورت عادلانه

بین اعضای

زنجیره تأمین به

اشتراک گذاشته

شود.

شد، به تبع آن برنامه‌ریزی‌ها مشکل خواهد شد و هزینه‌های زنجیره تأمین نیز بیشتر خواهد شد. همچنین سیاست قیمت‌گذاری هر یک از اعضای زنجیره تأمین اگر به صورت مستقل باشد، منجر به سیاست‌های سفارش دهی متفاوت هر یک از اعضا می‌شود و مجدد مشکلات مربوط به نوسانات تقاضا را خواهد داشت. در نتیجه یکی از مسائلی که مدیران زنجیره تأمین باید به آن توجه نمایند، قیمت‌گذاری صحیح محصول نهایی با مشارکت اعضای زنجیره تأمین می‌باشد تا بتوانند سود محصول نهایی به صورت عادلانه بین اعضای زنجیره تأمین به اشتراک گذاشته شود. لذا نوسانات قیمت یا افزایش‌های شدید قیمتی محصولات تولیدی از جمله دغدغه‌هایی می‌باشد که ابتدا مصرف‌کننده و در کنار آن دیگر اعضای زنجیره نیز از آن متأثر می‌شوند. در کنار بحث قیمت‌گذاری محصول نهایی، عوامل مرتبط با هزینه‌های زنجیره تأمین نیز باید تحت کنترل باشد که این امر را می‌توان با ابزارهای متنوعی که قبلاً بیان شد، مانند مکان، نوع و ظرفیت تسهیلات اعضای زنجیره، سیاست‌های موجودی، سیاست‌های حمل‌ونقل، تبادل اطلاعات و... را مدیریت نماید؛ به‌عنوان مثال شرکت نوبوتا برای کاهش اثر نوسانات نرخ ارز کشور ژاپن بر قیمت اتومبیل‌های تولیدی خود، سیاست راه‌اندازی خطوط تولیدی در بازارهای هدف را در مقطعی دنبال کرد. لذا مدیران زنجیره‌های تأمین با الگو گرفتن و تحقیق در مورد ابزارهای مختلفی که در زنجیره‌های تأمین موجود است می‌توانند تا حدودی هزینه‌های زنجیره تأمین را در کنار قیمت محصولات خود کنترل نمایند. ♦♦

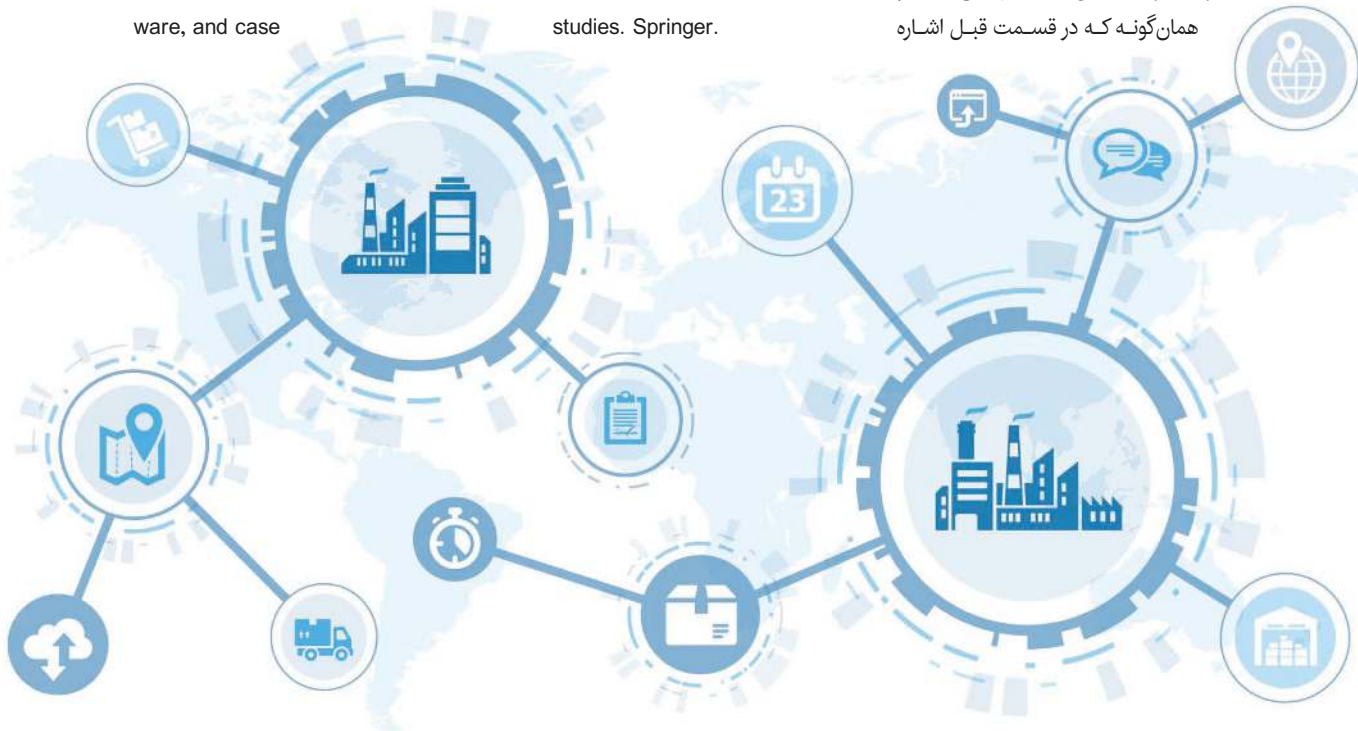
منابع

- Chopra, S., Meindl, P. (2016). Supply Chain Management: Strategy, Planning, and Operation. (6th ed.) Pearson Education.
- Stadtler, H., Stadtler, H., Kilger, C., Kilger, C., Meyr, H., Meyr, H. (2015). Supply chain management and advanced planning: concepts, models, software, and case studies. Springer.

کرد و در دوره‌هایی با کمبود و در دوره‌هایی با مازاد موجودی مواجه خواهند شد. از طرف دیگر سیاست‌های بازاریابی و تولید غیر کارشناسی شده، مانند تخفیف‌های خرید عمده در هر مرتبه سفارش و یا عدم مدیریت تقاضای مشتریان با تبلیغات به‌موقع (انتقال بخشی از تقاضا در زمان‌های پیک مصرف به زمان‌های غیر پیک)، می‌تواند شوک‌ها و تصورات غیرواقعی از تقاضای مشتری برای دیگر اعضای زنجیره تأمین ایجاد کند که نمونه‌های آن را در بحث محصولاتی مانند گوجه، سیب‌زمینی و پیاز در کشورمان بسیار شاهد بوده‌ایم.

نقش مدیریت زنجیره تأمین در قیمت

یکی از مسائل بسیار مهم در زنجیره تأمین، قیمت‌گذاری محصولات می‌باشد. ارزش ایجادشده در هر زنجیره عبارت است از کسر هزینه‌های زنجیره تأمین (کلیه هزینه‌هایی که در طول زنجیره تأمین اعضای زنجیره می‌پردازند که ماده اولیه تبدیل به محصول نهایی شود) از ارزش مشتری (پولی که مشتری بابت محصول نهایی می‌دهد). لذا بالا بردن قیمت محصول نهایی از طرفی با افزایش ارزش مشتری منجر به افزایش ارزش ایجادشده در زنجیره می‌شود و از طرفی در صورتی که بازار رقابتی باشد، تقاضای محصول آن زنجیره را کم خواهد کرد و ارزش ایجادشده در زنجیره کم خواهد شد. در کنار آن، این افزایش قیمت‌ها و تأثیراتی که روی تقاضای مشتریان می‌گذارد پیش‌بینی‌های تقاضا را برای اعضای زنجیره تأمین مشکل می‌کند و همان‌گونه که در قسمت قبل اشاره





عوامل مؤثر بر عملکرد صادراتی شرکت‌ها



◆ نعمت اسماعیلی

مدیرعامل محترم شرکت ارزیابان نام‌آور توسعه رویدادهای
فناوری (اینترتک)

برنامه‌های ارتقایی صادرات دولت معمولاً منجر به افزایش بیشتر صادرات شرکت‌های کوچک و متوسط در مقایسه با شرکت‌های بزرگ می‌گردد. نتیجه رفتار صادراتی شرکت‌های کوچک و متوسط و همین‌طور عواملی که نقش مهمی در موفقیت صادراتی آن‌ها ایفا می‌کند، تلاش جهت شناسایی این‌گونه عوامل می‌تواند راهنمای بازرشی برای تدوین و اجرای سیاست صادرات باشد.

شرکت‌های کوچک و متوسط عواملی هستند که نقش مهمی را در اقتصاد کشور ایفا می‌کند و رفتار صادراتی آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حساسیت این گروه سبب شده که تحقیقات بسیاری در مورد شناسایی عوامل و تلاش در بهبود آن‌ها انجام گیرد. در این‌گونه تحقیقات عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی (عوامل محیطی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از طرف دیگر دولت‌ها نیز علاقه‌مند کمک به شرکت‌ها جهت افزایش صادرات هستند و دولت‌های کشورهای توسعه‌یافته، برنامه‌های ارتقا صادرات مختلفی را به مرحله اجرا گذاشته‌اند. معمولاً دولت‌ها منابع زیادی را صرف برنامه ارتقا صادرات شرکت‌های صنایع کوچک و متوسط می‌نمایند که اقتصاد ملی کشورها را ارتقاء دهند. از این‌رو

اما آنچه در مورد شرکت‌های تولیدکننده با صادرات و بدون صادرات می‌توان گفت آن است که شرکت‌های بدون صادرات معمولاً هزینه‌های صادراتی را خیلی زیاد تصور می‌کنند در حالی که شرکت‌های صادرکننده این هزینه را برابر یا کمی بالاتر از بازار داخلی می‌دانند. واضح است که عمده شرکت‌های کوچک‌تر درک صحیحی از سودآوری، ریسک، هزینه‌های پژوهش و بهره‌برداری از فرصت‌های صادراتی ندارند که با کسب سود بیشتر آن را جبران کنند، به‌طور کلی ضرورت دارد که مدیران بر مزایای صادرات و نه به موانع آن تمرکز نمایند و نگرش مثبتی نسبت به فعالیت‌های صادراتی داشته باشند.

این روزها بین‌المللی شدن به‌عنوان فرایند تجاری و دانش‌گرا مورد توجه قرار گرفته است. شرکت‌ها هرچه تجربه مهارت و منابع بیشتری در تجارت بین‌الملل به دست می‌آورند، تمایل بیشتری برای ورود به بازارها با فاصله روانی بیشتر پیدا می‌کنند و یادگیری سازمانی هم با بین‌المللی شدن شرکت فراهم می‌گردد که ارتباط مستقیم به سطوح دانش و تجربیات و افراد کلیدی شرکت دارد.

عوامل دیگر، آمیخته بازاریابی است، آمیخته بازاریابی به دلیل تطبیق کالا و نقاط قوت کالا مورد توجه است و این دو عامل از مؤلفه‌های مهم فروش، سود و رشد صادراتی است. قابل ذکر است که تأثیر تطبیق فعالیت‌های ارتقایی بر عملکرد صادرات نیز متفاوت است و شدت فعالیت‌های ارتقایی تأثیر مثبتی بر فروش، سود و رشد صادراتی دارد، همچنین تأثیر تطبیق کالا بر عملکرد صادرات متفاوت است. در رفتار صادراتی خریدار، مشاهده می‌کنیم که تطبیق قیمت به‌طور مثبت بر فروش، سود و رشد حاصل از صادرات تأثیر می‌گذارد.

اعتقاد بر این است که با توجه به اهمیت قیمت‌گذاری صادراتی به‌عنوان تنها متغیر آمیخته بازاریابی که درآمد ایجاد می‌کند، تحقیقات بیشتری باید در رابطه با تأثیر عوامل مرتبط با قیمت انجام گیرد.

شایستگی‌های شرکت برحسب شایستگی‌های بین‌المللی و کسب‌وکار؛ به‌عنوان مثال موقعیت قوی در بازار، منابع انسانی قوی، توانایی‌های وظیفه‌ای قوی از مؤلفه‌های مهم عملکرد صادرات هستند. توافق‌های عمومی بر این اساس است که دانش تجربی خاص در مورد یک بازار در فرآیند بین‌المللی شدن شرکت نقش محوری دارد.

در پایان باید به این نکته اشاره کنم که شرکت‌های موفق در بازار صادراتی آن گروهی هستند که حضور خود را در شبکه‌ها و مجامعی که خریداران، تصمیم خرید خود را در آنجا می‌گیرند، تثبیت می‌نمایند. ♦♦

عوامل مؤثر بر عملکرد صادراتی شرکت‌ها و ادبیات تجربی عملکرد صادراتی آن‌ها دامنه وسیعی از عوامل مؤثر بر فعالیت و موفقیت صادرات را مورد شناسایی قرار داده است. تقسیم‌بندی مؤلفه‌های عملکرد صادرات به دو گروه عوامل درونی و بیرونی (با توجه به اینکه دو گروه تئوری مرتبط هستند) قابل توجیه است.

عوامل درونی منابع معمولی و ملموس (دارایی‌ها، توانایی‌ها، فرآیندها، ویژگی‌ها یا صفات مدیریتی، اطلاعات و دانش) هستند که توسط شرکت‌ها کنترل می‌شود و آن‌ها را قادر به اجرای استراتژی‌هایی جهت بهبود کارایی و اثربخشی می‌نماید برعکس عوامل خارجی استراتژی یک شرکت را تعیین می‌کنند که استراتژی نیز به‌نوبه خود عملکرد اقتصادی را تعیین خواهد نمود.

آنچه در حقیقت به وقوع می‌پیوندد آن است که نگرش‌ها و ادراکات مدیریت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه عملکرد صادرات بر سطوح بین‌المللی شدن و عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد و میزان علاقه و تعهد مدیریت را نسبت به فعالیت‌های بین‌المللی منعکس می‌نماید.

فرآیند تصمیم‌گیری در مورد گسترش فعالیت‌های بین‌المللی شرکت به‌علت ماهیت تجارت بین‌المللی پیچیده است و در مراحل اولیه به عهده مدیران شرکت است و این تصمیم‌گیری حائز اهمیت است.

مدیریت فعالیت‌های بین‌المللی می‌تواند موفقیت یا عدم موفقیت شرکت را در بازار خارجی تعیین کند. مدیران از این جهت به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول جهت‌گیری یا گرایش خارجی دارند، گروه دوم دارای جهت‌گیری یا گرایش خارجی نیستند و گروه سوم از مزایای صادرات ادراک درستی دارند؛ ادراک از اهمیت یا میزان سودی که صادرات برای شرکت به همراه می‌آورد، باعث افزایش میزان فروش، سود و رشد حاصل از صادرات می‌گردد. در حالی که موانع صادرات، ریسک‌ها، هزینه‌ها و پیچیدگی صادرات منجر به فروش پایین، رشد آهسته و احتمال کاهش موفقیت در صادرات می‌شود.

ادراک یا تصور منفی در مورد امکانات صادرات به جای توجه به توانایی‌های واقعی شرکت، در راه صادرات مانع به وجود می‌آورد. تصور یا ادراک از ریسک، منفعت و هزینه در جهت‌گیری صادراتی شرکت‌ها بسیار تأثیر دارد. از منظر دیگر شرکت‌های صنایع کوچک و متوسط به سه گروه تقسیم می‌شوند: دسته اول شرکت‌های دارای صادرات، دسته دوم شرکت‌هایی که قبلاً صادرات داشته‌اند و به دلایلی صادرات آن‌ها متوقف شده است و دسته سوم شرکت‌های مستعد صادرات.

عوامل درونی

منابع معمولی

و ملموس

(دارایی‌ها،

توانایی‌ها،

فرآیندها،

ویژگی‌ها یا

صفات مدیریتی،

اطلاعات و دانش)

هستند که توسط

شرکت‌ها کنترل

می‌شود و آن‌ها

را قادر به اجرای

استراتژی‌هایی

جهت بهبود

کارایی و اثربخشی

می‌نماید برعکس

عوامل خارجی

استراتژی یک

شرکت را تعیین

می‌کنند که

استراتژی نیز

به‌نوبه خود

عملکرد اقتصادی

را تعیین خواهد

نمود.

فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسیه



محمد رضا حیدری پور

مدیرعامل شرکت مدیریت صادرات آلا تجارت بین‌الملل امین

قیمت بر روی محصولات است و از قیمت روی محصول به فروشگاه‌ها یا خریداران عمده از ۱۰ تا ۲۰ درصد حق فروش می‌دهد، اما در روسیه قیمت نهایی کالا اصلاً ثابت نیست و هر فروشگاه سیستم قیمت‌گذاری خود را دارد. فروشگاه‌ها در روسیه به سه دسته مختلف از نظر سطح مصرف‌کنندگان کالا تقسیم‌بندی می‌شوند: دسته اول قشر متوسط به پایین جامعه را مخاطب قرار می‌دهند و محصولات این فروشگاه‌ها از قیمت پایین و کیفیت متوسط به پایین برخوردار می‌باشد، همچون مگنت، دیکسی و پیتبورچکا. دسته دوم قشر متوسط جامعه را مخاطب قرار داده و محصولاتشان از قیمت متوسط و کیفیت خوب برخوردار می‌باشد؛ همانند، پرکریستک و آشان و دسته سوم مختص قشر با درآمد بالا و لوکس می‌باشند؛ همانند آزبوکا فکوسا و پرکریستک سبز. به همین تناسب در ارتباط با فروشگاه‌های زنجیره‌ای در صورت تقاضای این فروشگاه‌ها برای خرید محصولات بایستی به تناسب دسته‌بندی و مخاطب‌شناسی این فروشگاه‌ها نسبت به بسته‌بندی و قیمت‌گذاری اولیه عمده‌فروشی دقت کرد.

اقدامات لازم و شرایط ورود به فروشگاه‌های زنجیره‌ای

اولین گام برای برقراری روابط تجاری، ثبت‌نام شرکت در وبسایت‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای و تکمیل فرم درخواست اطلاعات از تأمین‌کننده می‌باشد. بررسی و پاسخ به درخواست ارسال شده معمولاً دو هفته طول می‌کشد. ضمن ارسال پیشنهاد همکاری، فهرست کالاهای دقیق هم باید پیوست گردد. انتخاب پیمانکاران برای بستن قرارداد

در خصوص
قیمت محصول
در فروشگاه‌ها
با توجه به اینکه
سیستم فروش
حاضر در روسیه
با ایران متفاوت
است، تولیدکننده
نقش زیادی در
تعیین قیمت در
فروشگاه‌ها ندارد؛
مثلاً در ایران
تولیدکننده مجبور
به درج قیمت بر
روی محصولات
است و از قیمت
روی محصول به
فروشگاه‌ها یا
خریداران عمده
از ۱۰ تا ۲۰ درصد
حق فروش
می‌دهد، اما در
روسیه قیمت
نهایی کالا اصلاً
ثابت نیست و هر
فروشگاه سیستم
قیمت‌گذاری خود
را دارد.

طرز فکر مصرف‌کننده روس در خرید محصولات متفاوت با طرز فکر یک ایرانی می‌باشد. خریدار روس در خرید محصولات وارداتی بسیار دقت بیشتری می‌کند تا محصول روسی، برعکس طرز فکر یک خریدار ایرانی که به جنس وارداتی اعتماد بیشتری نسبت به تولیدات داخلی دارد. در بحث مواد غذایی خصوصاً این دقت در خرید به مراتب بیشتر از سایر کالاهاست. یکی از راه‌های کم کردن ترس از خرید محصولات اخذ مجوزهای استاندارد روسیه و درج آن بر روی محصولات می‌باشد. تبلیغات کالا نیز بسیار تأثیرگذار در نگرش خریداران به محصولات می‌باشد. این تبلیغات می‌تواند در تلویزیون، مترو، روزنامه‌ها و یا از طریق شرکت در نمایشگاه‌های مواد غذایی روسیه و در دید عموم قرار گرفتن باشد.

بسته‌بندی تأثیر مستقیمی در فروش دارد. روسیه دارای روند بروکراسی (دلال‌گری) است و این امر هزینه تمام شده محصول را افزایش می‌دهد. روند کند بروکراسی اداری در روسیه سبب شده تا پرداخت‌هایی جهت تسریع در روند اداری انجام شود.

مصرف‌کننده‌ها حدود ۶۸ درصد مایحتاج روزانه خود را به‌خصوص مواد غذایی را از فروشگاه‌های زنجیره‌ای تأمین می‌کنند. دقیقاً جایی که هیچ برند ایرانی وجود ندارد و نقطه‌ضعف تجارت ایران با روسیه است. فروشگاه‌ها بر اساس نوع استراتژی خود مصرف‌کننده‌ها را جذب می‌کنند؛ به‌طور مثال فروشگاه‌های مگنت مصرف‌کنندگان کم‌درآمد را جذب می‌کند. مصرف‌کنندگان از این فروشگاه‌ها انتظار کیفیت نرمال و قیمت پایین را دارند و حتی بعضی از مواقع آن‌ها صبر می‌کنند خریدهای خود را در زمان آفرها انجام دهند.

در خصوص قیمت محصول در فروشگاه‌ها با توجه به اینکه سیستم فروش حاضر در روسیه با ایران متفاوت است، تولیدکننده نقش زیادی در تعیین قیمت در فروشگاه‌ها ندارد؛ مثلاً در ایران تولیدکننده مجبور به درج

- مجوز قرنطینه نباتی یا گواهی نامه کنترل دولتی قرنطینه و آفات،
- گواهی دولتی بهداشت دامی (برای بعضی از مواد غذایی و مواد اولیه دام و علوفه)،
- ۷- رعایت تناسب، رقابتی بودن و ثبات در قیمت،
- ۸- بسته بندی روسی مناسب و سائز و وزن مطابق با نیاز مشتریان،
- ۹- شرکت تأمین کننده باید بارکد (ای آن) روی بسته بندی قرار دهد،
- ۱۰- وسایل حمل و نقل باید متناسب با حمل مواد غذایی و کالاهای مصرفی باشد،
- ۱۱- تأمین کننده باید تضمین کند که کالا بر روی پالت های اروپایی یا پالت های قابل استفاده مجدد حمل و تحویل داده شود،
- ۱۲- داشتن انبار و ضمانت ارسال به موقع کالا،
- ۱۳- انتخاب سیستم مالیاتی قدیم.

سیستم مالیاتی در روسیه

- ۱- **اوپراشانکا:** این سیستم را سیستم جدید می گویند و در مراحل حسابرسی به سیستم آسان معروف است که بنا به این سیستم به دو شکل امکان پرداخت مالیات وجود دارد. شکل اول ۶٪ از کل درآمد و شکل دوم ۱۵٪ از

- تحویل محصولات بر اساس ارزیابی کامل تناسب پیمانکار و محصولات پیشنهاد شده با شرایط زیر انجام می گردد:
- ۱- شرکت تأمین کننده بایستی بر اساس قانون یا به صورت یک شرکت انفرادی حقیقی یا شرکت حقوقی ثبت گردد،
- ۲- حق فعالیت کسب و کار در قلمرو فدراسیون روسیه را داشته باشد و دارای مجوزهای لازم و حساب بانکی نیز باشد،
- ۳- شرکت تأمین کننده در فرایند انحلال یا ورشکستگی نباشد،
- ۴- هیچ نوع اطلاعاتی دال بر نقض قوانین مالیاتی، گمرکی و انحصار از این شرکت در فدراسیون روسیه وجود ندارد،
- ۵- تأمین کننده باید کیفیت عالی و ثابت محصولات متناسب با قوانین فدراسیون روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تضمین کند،
- ۶- کالاها باید همراه با کل اسناد تأیید شده کیفیت، کشور مبدأ، گواهی بهداشت و سایر اسناد مطابق قوانین فعلی فدراسیون روسیه تحویل داده باشد، از جمله:
- گواهی نامه اعلام انطباق (کپی تصدیق شده با مهر تأمین کننده)،
- گواهی نامه انطباق دولتی (کپی تصدیق شده با مهر تأمین کننده)،



سود. نکات قابل توجه در خصوص این سیستم این است که حجم درآمد شرکت باید کمتر از ۶۰ میلیون روبل در سال باشد و این سیستم برای شرکت‌های خدماتی مورد استفاده می‌باشد. این سیستم مالیاتی به هیچ‌عنوان برای شرکت‌هایی که خرید و فروش انجام می‌دهند، توصیه نمی‌شود.

۲- **اسنانووی:** این سیستم را سیستم قدیمی می‌نامند و پیچیده‌تر از سیستم جدید است و کمی در هزینه حسابرسی گران محسوب می‌شود، این سیستم به شکل ۱۵٪ تا ۱۸٪ از سود شرکت به مالیات شرکت اختصاص می‌یابد.

نکته: برای حسابرسی مالیاتی مدیرعامل شرکت باید کد بازنشستگی ((اس نیلز)) دریافت کرده باشد، همچنین برنامه حسابداری را از اداره مالیات خریداری کرده باشد، در غیر این صورت امکان رد کردن حساب در بازه‌های سه‌ماه امکان‌پذیر نیست.

ارسال بار به صورت سفید

بار سفید به باری گفته می‌شود که در خاک روسیه و گمرک روسیه ترخیص گردد و کلیه مدارک لازم شامل شناسنامه محصول و برگه‌های پرداخت مالیات را دارا باشد. الف- بار سفید ارسال به دست ترخیص‌کار و استفاده از شرکت ترخیص‌کار؛ بار از ایران به اسم شرکت ترخیص‌کار ارسال می‌شود و ترخیص‌کار از نظر قانونی مالک بار محسوب می‌شود، بار را در گمرک تحویل گرفته و ترخیص می‌کند و مابین شرکت تولیدکننده و شرکت ترخیص‌کار قراردادی منعقد می‌گردد.

ب- بار سفید که به اسم شرکت ثبت‌شده در روسیه ارسال شده ترخیص می‌شود؛ بار از ایران به اسم شرکت ثبت‌شده در روسیه ارسال شده و به وسیله یک ترخیص‌کار بار از گمرک آزاد می‌شود، در این حالت فقط امکان بار به حالت فروش بانکی موجود است، یا باید از اداره مالیات اجازه صندوق گرفته شود و بار پس از فروش به حساب بانکی انتقال داده شود.

دلایل عدم ورود شرکت‌های ایرانی به فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسیه:

۱- عدم تحویل به موقع و منظم،

۲- عدم ثبات کیفیت،

۳- عدم بسته‌بندی مناسب (نداشتن زبان روسی)،

۴- عدم تطبیق وزن و سایز بسته‌بندی با نیاز مشتری در روسیه،

۵- نداشتن شرکت ثبت‌شده در روسیه،

۶- عدم قیمت‌گذاری باثبات،

۷- عدم شناخت فروشگاه‌ها و بازاریابی مناسب کالا،

۸- بی‌صبر بودن تجار در گرفتن نتیجه از بازاریابی.

معرفی فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسیه

۱- **مگنت:** شرکتی روسی است که در زمینه شبکه توزیع کالا، خصوصاً در حوزه مغازه‌های زنجیره‌ای کوچک، بزرگ‌ترین فروشگاه زنجیره‌ای خرده‌فروشی در روسیه است. اولین مغازه مگنت در سال ۱۹۹۸ در شهر کراسنودار افتتاح شد. شرکت سهامی خاص «تاندر» واقع در شهر کراسنودار، مدیریت این شبکه را به عهده دارد. دوسوم نمایندگی‌های شرکت در نقاط با جمعیت کمتر از پانصد هزار نفر فعالیت دارند، شامل:

- فروشگاه مجاور منزل تعداد ۹۹۰۲،

- هایپرمارکت تعداد ۲۲۸،

- فروشگاه ماگنیت خانواده تعداد ۱۷۰،

- مغازه توزیع مواد مصرفی غیرخوراکی تعداد ۲۵۸۸.

۲- **ایکس فایو ریتیل گروپ:** شرکت X۵ ریتل گروپ، متشکل از فروشگاه‌های زنجیره‌ای پیاتروچکا، سوپرمارکت‌های پیریکروستوک و اسپار، هایپرمارکت‌های کاروسل و مغازه‌های در دسترس پیریکروستوک اکسپرس می‌باشد. این زنجیره شامل ۷۳۹۷ شعبه می‌باشد.

۳- **آشان گروپ:** رتبه سوم را شرکت فرانسوی آشان متعلق به ابر شرکت انجمن خانواده مولیه به خود اختصاص داده است. آشان یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های توزیع کالا در جهان محسوب می‌شود که در بسیاری از کشورها فعالیت اقتصادی دارد. شرکت ا‌تک راسیا که به عنوان زیرمجموعه آشان گروپ مسئولیت فروشگاه‌های زنجیره‌ای ا‌تک را برعهده دارد، هم‌اکنون تحت این برند ۷۲ فروشگاه به شکل فروشگاه‌های جنب منزل با هدف تأمین مواد اولیه غذایی منازل مسکونی اطراف، فعالیت دارند. در حال حاضر شرکت مادر -آشان ریتیل روسیه- ۹۹ شعبه دارد.

۴- **دیکسی گروپ:** از نظر حجم فروش چهارمین زنجیره خرده‌فروشی روسیه می‌باشد. بر اساس آمارها، ۲۷۱۰ شعبه شامل ۲۵۶۴ مغازه مجاور خانه دیکسی، ۱۰۹ سوپرمارکت ویکتوریا، ۳۶ هایپرمارکت مگامارت و مینی‌مارت و یک هایپرمارکت کش در اختیار این شرکت می‌باشد.

۵- **لنتا:** لنتا شبکه فروشگاه‌های روسی است که توسط شرکت لنتا ال تی دی مدیریت می‌شود و ثبت این شرکت در جزایر ویرجین بریتانیا صورت پذیرفته است. دفتر مرکزی این شرکت در سن‌پترزبورگ قرار گرفته است

اولین گام برای
برقراری روابط
تجاری، ثبت نام
شرکت در
وبسایت‌های
فروشگاه‌های
زنجیره‌ای و تکمیل
فرم درخواست
اطلاعات از
تأمین‌کننده
می‌باشد. بررسی
و پاسخ به
درخواست ارسال
شده معمولاً
دو هفته طول
می‌کشد. ضمن
ارسال پیشنهاد
همکاری، فهرست
کالاهای دقیق
هم باید پیوست
گردد.

نفر، فروشگاه‌های تحت عنوان مترو پونکت وجود دارند که تفاوت آن‌ها با دیگر فروشگاه‌های مترو، مساحت و تنوع کالای کمتر آن‌ها می‌باشد. در حال حاضر از تعداد ۸۸ شعبه در فدراسیون روسیه ۱۷ شعبه در مسکو قرار دارد. ۷- **اوکی گروپ**: هم‌اکنون شرکت اوکی دارای ۶۲ هایپر مارکت و ۳۴ سوپرمارکت در ۲۳ شهر از جمله سن پترزبورگ، مسکو، کراسنویارسک، کراسنودار و شهرهای دیگر می‌باشد. ۸- **گلابوس**: این شرکت دارای ۷۳ هایپر مارکت است که از این تعداد ۴۷ فروشگاه در آلمان، ۱۵ فروشگاه در جمهوری چک و ۱۱ فروشگاه در روسیه مشغول به فعالیت می‌باشند. سال ۲۰۰۶ این شرکت وارد بازار فدراسیون روسیه شد و هم‌اکنون ۱۱ هایپر مارکت در مسکو و استان مسکو واقع شده است.

۹- **مونیکا**: این زنجیره خرده‌فروشی اکثراً از مغازه‌های مجاور خانه تشکیل شده است. این زنجیره شامل ۸۲۱ مغازه در شهرهای مختلف می‌باشد.

۱۰- **سیدموی کانتینینت**: در حال حاضر این شرکت دارای ۱۴۰ فروشگاه در مسکو و استان مسکو و... می‌باشد. ♦♦



ردیف	نام فروشگاه	تعداد شعب
۱	مگنت	۱۲۸۸۸
۲	ایکس فایو ریتیل گروپ	۷۳۹۷
۳	آشان گروپ	۹۹
۴	دیکسی گروپ	۲۷۱۰
۵	لنتا	۲۴
۶	مترو گروپ	۸۸
۷	اوکی گروپ	۱۱۹
۸	گلابوس	۱۱
۹	مونیکا	۸۲۱
۱۰	سیدموی کانتینینت	۱۴۰

و به‌طور صد درصد متعلق به شرکت لنتا ال تی دی می‌باشد.

۶- **مترو گروپ**: مترو کش اند کری شاخه شرکت مترو ای جی می‌باشد که در سال ۱۹۶۴ در آلمان تأسیس شد. این شرکت از نظر حجم شبکه تجاری در بازار جایگاه سوم را در اروپا و جایگاه چهارم را در جهان به خود اختصاص می‌دهد. توسعه این فروشگاه‌ها از سال ۲۰۰۰ شروع شد که تا پایان سال ۲۰۱۳، ۷۲ فروشگاه، مترو مشغول به کار بودند. در شهرهایی با جمعیت کمتر از پانصد هزار

مدیریت دانش در بنگاه‌های اقتصادی

فرصت‌ها و چالش‌های پیاده‌سازی و استقرار



◆ امیر صفری

مشاور بهبود سیستم‌ها در صنایع

امروزه مدیریت دانش اصلی‌ترین مزیت رقابتی بنگاه‌های صنعتی در عرصه رقابت و تجارت محسوب می‌گردد. این موضوع مقوله جدیدی نیست. از دیرباز صاحبان مشاغل، مهارت‌های شغل خود را به‌طور کامل و دقیق به فرزندان و خود انتقال می‌دادند. بعد از جنگ جهانی دوم و با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و پیچیدگی فرآیندهای سازمان‌ها این موضوع اهمیت بسزایی یافته است و با تغییرات سریع و فشار رقابت جهانی، دانش به عامل کلیدی موفقیت کسب‌وکار در دستیابی به مزیت رقابتی تبدیل گشته است. با در نظر گرفتن این نکته که دانش به‌عنوان منبعی برای بقا سازمان‌های امروزی ضروری و حیاتی است، شرط موفقیت سازمان‌ها در محیط‌های رقابتی، دستیابی به دانش عمیق و کاربردی در تمامی سطوح سازمان است، هنوز هم بسیاری از سازمان‌ها در کشور ما به مقوله مدیریت دانش به‌طور جدی توجه نکرده‌اند، این‌گونه سازمان‌ها دارای چرخه حیات محدودتری نسبت به سازمان‌های رقیب می‌باشند و حتی در بعضی مواقع در حین گذراندن مراحل مختلف رشد سازمانی و قبل از رسیدن به ثبات به‌سرعت وارد به مرحله افول می‌شوند.



به ناکامی استقرار مدیریت دانش می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- مقاومت کارکنان در به اشتراک‌گذاری دانش: بزرگ‌ترین مانع وقتی روی می‌دهد که از کارکنان خواسته شود دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارند، در این صورت کارکنان در مقابل این درخواست مقاومت نشان می‌دهند چراکه کارکنان از اثرات منفی به اشتراک‌گذاری دانش می‌ترسند.

- ضمانت شغلی: یکی از مهم‌ترین چالش‌های به اشتراک‌گذاری دانش در بنگاه‌های اقتصادی ترس از کاهش قدرت و امنیت شغلی می‌باشد. بسیاری از کارمندان حفظ و ارتقاء مسیر شغلی خود را در انحصار داشتن دانش ضمنی (تجربه و مهارت) می‌دانند. لذا از به اشتراک گذاشتن دانش و تخصص خود خودداری می‌کنند.

- عدم آگاهی پرسنل از مزایای مدیریت دانش: زمانی که کارکنان ماهیت و کارکرد مدیریت دانش را نمی‌دانند و از فواید آن مطلع نمی‌باشند، سازمان با مقاومت یا بی‌میلی در تسهیم دانش و با سایر مراحل فرآیند مدیریت دانش روبه‌رو می‌شود.

- عدم اعتماد به دانش دیگران: یکی از موانع به اشتراک‌گذاری دانش در سازمان‌ها عدم اعتماد به دانش ضمنی دیگران می‌باشد. هم افرادی که دانش را به اشتراک می‌گذارند و هم افرادی که دریافت‌کننده دانش هستند در مورد نحوه و چگونگی استفاده دانش تردید دارند.

• عامل کلیدی مؤثر دوم، سازمان می‌باشد. اصولاً در ساختار سازمانی روبه‌ها، دستورالعمل‌ها و روش‌ها و فرآیندهایی که سازمان از طریق آن‌ها فعالیت خود را به انجام می‌رساند بر تمامی اجزا و فرآیندهای مدیریت دانش اثرگذار می‌باشد. به تعدادی از عوامل سازمانی که می‌تواند مدیریت دانش را به چالش بکشد در ذیل اشاره می‌نماییم:

- کنترل سازمانی: در محیطی که تغییرات به سرعت در حال رخداد می‌باشد، سازمان بایستی به‌طور مداوم اطمینان حاصل نماید که مفروضات و دانش سازمانی را که کسب، ذخیره و به اشتراک گذاشته است به‌روز و متناسب از جهت نیازهای رقابتی و ساختار بنگاه‌های اقتصادی و همچنین از کفایت لازم برخوردار می‌باشد. دانش‌های قدیمی و منسوخ شده می‌تواند روند رو به رشد بنگاه‌های اقتصادی را کند و در پاره‌ای از مواقع منحرف نماید.

- فرهنگ سازمانی: فرهنگ سازمانی می‌تواند بزرگ‌ترین مانع برای موفقیت مدیریت دانش باشد. فرهنگ سازمانی رابطه مستقیمی با به اشتراک‌گذاری دانش دارد؛ چرا که فرهنگی که احتکار دانش را به‌جای سهیم‌سازی، ترغیب می‌نماید، به‌عنوان مانع جدی مدیریت دانش می‌باشد و یکی دیگر از چالش‌های فرهنگی تشویق وضع موجود و اشاره به این باور

تمرکز بر مدیریت دانش در بنگاه‌های اقتصادی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های سازمانی بشمار می‌رود، به‌نحوی که به‌کارگیری مدیریت دانش باعث افزایش مزیت رقابتی، ایجاد ارزش در محیط کسب‌وکار و تجارت ملی و بین‌المللی، کاهش هزینه‌های عملیاتی و غیرعملیاتی، کاهش ریسک‌های کلان و خرد در سازمان، سرعت بخشیدن به توسعه تکنولوژی و محصول، بهبود فرآیندهای سازمان، بهبود عملکردی فردی و سازمانی و ... شده است.

فرانسیس بیکن دانش را قدرت می‌داند، اما در محیط‌های پویای امروزی دانش تنها زمانی قدرت است که به‌منظور بهبود و افزایش عملکرد سازمانی و فردی در دسترس و قابل آموزش باشد. دانش به نیروی محرکه سازمان‌ها تبدیل شده است. پس بنگاه‌های اقتصادی بایستی توجه ویژه‌ای به عنصر دانش به‌عنوان اصلی‌ترین منبع و دارایی سازمانی داشته باشند.

با کنکاش در سازمان‌ها متعالی امروزی درمی‌یابیم که یکی از دلایل اصلی تعالی این‌گونه سازمان‌ها پیشرو بودن و جدیت در استقرار مدیریت دانش است؛ چراکه مدیران این‌گونه سازمان‌ها به‌خوبی دریافته‌اند که علاوه بر سرمایه‌های مادی، در سازمان، سرمایه‌های نامشهودی هم وجود دارند که برخاسته از توان دانشی جهت پیشبرد اهداف و حل مسائل تخصصی این سازمان‌ها می‌باشد و این سرمایه در سازمان‌ها باعث ایجاد ارزش افزوده بالا می‌شود؛ لذا باید موردتوجه بیشتر و همچنین ساماندهی و مدیریت قرار گیرد. باید توجه داشت که در سازمان‌ها، سه عامل کلیدی موفقیت در اجرای اثربخش مدیریت دانش وجود دارد که عبارتند از منابع انسانی، سازمان و فناوری که عامل منابع انسانی بیشترین سهم را در موفقیت مؤثر مدیریت دانش ایفا می‌نماید.

• منابع انسانی، یکی از مهم‌ترین عوامل کلیدی مدیریت دانش به‌عنوان تولیدکننده دانش، بهره‌بردار و کاربر دانش موردتوجه ویژه‌ای می‌باشد.

منابع انسانی و مدیریت دانش، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و تاکنون نیز بسیاری از طرح‌های مدیریت دانش به علت بی‌توجهی به عامل انسانی با شکست روبه‌رو شده است. از این‌رو الزام است برای انجام موفقیت‌آمیز طرح‌های مدیریت دانش، به نقش و جایگاه منابع انسانی توجه ویژه‌ای شود. شاید بتوان گفت که موانع انسانی مدیریت دانش بیش از سایر موانع حائز اهمیت می‌باشد. دانش، ماهیتی فردی و اجتماعی دارد و فقط و فقط رشد آن درگرو تعامل و ارتباطات است. البته سازمان‌هایی که از فرهنگ سازمانی بالاتر و ساختار مناسب و نظام‌مند بهره می‌برند، کارمندان آن‌ها نسبت به سازمان خود وفادار بوده و میل به اشتراک‌گذاری دانش تجربی و مهارتی بیشتری دارند. عوامل متعددی در حوزه منابع انسانی منجر

منابع انسانی و مدیریت دانش، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و تاکنون نیز بسیاری از طرح‌های مدیریت دانش به علت بی‌توجهی به عامل انسانی با شکست روبه‌رو شده است.

از این‌رو الزام است برای انجام موفقیت‌آمیز طرح‌های مدیریت دانش، به نقش و جایگاه منابع انسانی توجه ویژه‌ای شود.

شاید بتوان گفت که موانع انسانی مدیریت دانش بیش از سایر موانع حائز اهمیت می‌باشد.

دانش، ماهیتی فردی و اجتماعی دارد و فقط و فقط رشد آن درگرو تعامل و ارتباطات است.

که فعالیت‌های فعلی بهترین رفتار است. این‌گونه سازمان‌ها در مقابل تغییرات محیطی مقاوم هستند. (در سازمان‌های یادگیرنده ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی به‌گونه‌ای است که همه افراد متعهد به رعایت اصول مدیریت دانش می‌باشند).

- ساختار سازمانی: در ساختار سازمانی با رویکرد مدیریت دانش، فرهنگ سازمانی بر اشتراک‌گذاری، نوسازی و خلق دانش‌های جدید بنا نهاده شده است. در واقع مدیریت دانش الزامات جدیدی بر فرآیندهای مختلف از جمله ساختار سازمان تحمیل می‌کند و ساختارهای غیر منعطف و سلسله‌مراتبی ساختارهای مناسبی برای مدیریت دانش نمی‌باشند.

- عوامل مدیریتی: عدم اعتقاد و حمایت مدیریت ارشد سازمان از فعالیت‌ها و برنامه‌های مدیریت دانش، نگرش‌های کوتاه‌مدت و سبک‌های نامناسب مدیریتی نیز مانع بسیار مهمی برای اجرای اثربخش برنامه‌های مدیریت دانش می‌باشند. موضع‌گیری صریح مدیران ارشد برای رسیدن به هماهنگی موجب کاهش انگیزه نیروها و تیم‌های کاری در راستای استقرار بهینه مدیریت دانش می‌گردد.

- نبود سیستم‌های انگیزشی برای همکاری و مشارکت کارکنان: دانش به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند، موقعیت و جایگاه شغلی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو یکی از چالش‌های مدیریت ایجاد انگیزه در جهت ثبت و به اشتراک‌گذاری دانش توسط پرسنل سازمان، خصوصاً پرسنل دانشی می‌باشد.

- عوامل شغلی: عوامل شغلی از قبیل جابه‌جایی‌های ناخواسته، شرح شغل‌های نامناسب، ارتقاءها و تنزل‌های شغلی مدیریت نشده و عدم توجه به نیازهای اجتماعی روحی و روانی و... کارکنان از جمله عواملی هستند که می‌توانند باعث سرخوردگی و عدم اشتراک‌گذاری دانش‌های ضمنی در سازمان گردند.

- سیستم‌های آموزشی: ساختار آموزشی نامناسب می‌تواند موانع عمده‌ای برای استقرار اثربخش مدیریت دانش گردد. • عامل کلیدی سوم در فرآیند مدیریت دانش، فناوری است که بستر تعامل نیروی انسانی و سازمان را فراهم می‌آورد.

نقش فناوری اطلاعات در مدیریت دانش موضوع بسیار مهم برای هر سازمانی است که می‌خواهد از وجود فناوری‌ها برای مدیریت سرمایه‌های فکری و علمی خود بهره‌برداری کند. فناوری اطلاعات یک عامل اساسی موفقیت در برنامه مدیریت دانش است. فناوری اطلاعات عمده‌تاً برای ذخیره و انتقال صورت‌های آشکار دانش بکار می‌رود و تنها شامل کامپیوتر نمی‌شود، بلکه ابزارهای نظیر ویدیو کنفرانس برای دانش ضمنی مفید است.

دو رویکرد اصلی در مدیریت دانش وجود دارد که فناوری اطلاعات می‌تواند آن را حمایت کند. تدوین دانش ساختاریافته و آشکار در پایگاه دانش جمع‌آوری و ذخیره می‌شود. نقش

اصلی فناوری در مدیریت دانش کمک برای به اشتراک گذاشتن، ذخیره و قابلیت دستیابی مؤثر پرسنل به دانش می‌باشد. نمونه‌ای از این ابزارها، منابع الکترونیکی دانش است. در روش شخصی‌سازی، اغلب دانش ضمنی (دانش مهارتی و تجربی شخصی) از طریق ارتباطات مستقیم فردی به اشتراک گذاشته می‌شود. نقش فناوری در اینجا کمک به پیدا کردن یکدیگر و ایجاد ارتباط مؤثر بین اشتراک‌گذارنده دانش و دریافت‌کننده دانش است.

فناوری در مدیریت دانش باعث رشد و ارتقاء دانش می‌شود و بر آن تأثیر مستقیم دارد. به همین دلیل فناوری در مدیریت دانش نقش حیاتی ایفا می‌کند، اما نمی‌تواند حلال مشکلات یا علاج قطعی باشد و استقرار آن‌ها باید با هماهنگی و تعامل عناصر کلیدی در مدیریت دانش توأم شود.

راهکارهای ذیل می‌تواند گام‌های بسیار مهمی در جهت پیاده‌سازی موفق نظام مدیریت دانش در سازمان‌ها باشد: - ایجاد زیرساخت‌های مناسب و تقویت و گسترش این زیرساخت‌های از جمله اتوماسیون، شبکه‌ها و پایگاه‌های داده و ... می‌تواند کمک شایانی در جهت شناسایی، ثبت و اشتراک‌گذاری دانش و همچنین بهبود نظام مدیریت دانش داشته باشد.

- ایجاد تشکلهای مدیریت دانش جهت اجرای استاندارد فعالیت‌ها و فرایندها، حمایت از تشکلهای دانشی و جلوگیری از فرد محور شدن دانش و همچنین نگاه ویژه به مدون کردن استراتژی توسعه دانش در سازمان،

- حمایت مدیران ارشد سازمان از نظام مدیریت دانش و تلاش در جهت استقرار، حفظ و بهبود نظام مدیریت دانش،

- الگوبرداری از سازمان‌های موفق در اجرای نظام مدیریت دانش (سازمان‌های دانش‌محور)،

- توسعه و ارتقای فرهنگ سازمانی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی مدیریت دانش به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های مهم پیاده‌سازی مدیریت دانش،

- افزایش انگیزه پرسنل در به اشتراک‌گذاری و ثبت دانش از طریق تشویق، جلب اعتماد پرسنل و تربیت پرسنل دانش‌محور.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت با توجه به اثربخشی بالای مدیریت دانش بر عملکرد سازمان، با تسهیم دانش در سازمان و ایجاد روحیه همکاری و مشارکت بین پرسنل از دوباره‌کاری‌ها کاسته و موجبات افزایش بهره‌وری سازمان فراهم می‌گردد. لذا نه‌تنها برای سازمان‌های پیشرو استقرار نظام مدیریت دانش امری حیاتی می‌باشد، بلکه حتی در خصوص سازمان‌هایی که برای بقای خود و ماندن در بازار رقابتی تلاش می‌کنند نیز بسیار مؤثر به نظر می‌رسد. ♦♦

فرهنگ سازمانی

می‌تواند

بزرگ‌ترین مانع

برای موفقیت

مدیریت دانش

باشد. فرهنگ

سازمانی رابطه

مستقیمی با به

اشتراک‌گذاری

دانش دارد؛ چرا

که فرهنگی که

احتکار دانش

را به جای

سهیم‌سازی،

ترغیب می‌نماید،

به‌عنوان مانع

جدی مدیریت

دانش می‌باشد

و یکی دیگر از

چالش‌های

فرهنگی تشویق

وضع موجود و

اشاره به این باور

که فعالیت‌های

فعلی بهترین

رفتار است.

این‌گونه

سازمان‌ها در

مقابل تغییرات

محیطی مقاوم

هستند.

تولیدات پرتقاضای استان کرمان

در بازارهای هدف صادراتی



آسیه سادات حسینی نسب

کارشناس بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب و کار اتاق کرمان



شیما ملک پورزاده

کارشناس بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب و کار اتاق کرمان

علاوه بر این، وجود مناطق ویژه اقتصادی سیرجان، ارگ جدید بم، رفسنجان و نیز گمرکات کرمان، سیرجان، رفسنجان، بم و جیرفت بر نقش محوری استان در جنوب شرق افزوده است. استان کرمان تولیدکننده عمده محصولات کشاورزی از جمله پسته، خرما، گردو و محصولات جالیزی و مرکبات و همچنین تولیدکننده محصولات خارج از فصل کشت و کشت‌های گلخانه‌ای است. این استان دارای منابع غنی و متعدد است، به‌نحوی که عمده‌ترین تولیدکننده سنگ آهن، مس و ذغال سنگ می‌باشد. سابقه دیرینه استان در تولید و صادرات فرش‌های دستباف به همراه وجود قابلیت‌های توریستی منحصربه‌فرد در سطح ملی و بین‌المللی اهمیت استان را در توسعه صادرات غیرنفتی بیش‌ازپیش مشخص می‌نماید. از سوی دیگر توسعه صادرات همواره

استان کرمان به‌عنوان یکی از استان‌های فعال در خصوص صادرات غیرنفتی، با برخورداری از محصولات متنوع صادراتی در جهت توسعه و پیشرفت اقتصاد ملی گام‌های بلندی برداشته است. این استان با دارا بودن حدود ۱۱ درصد از مساحت کل کشور پهناورترین استان ایران است. هم‌جواری با استان‌های یزد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، فارس، هرمزگان، قرارگرفتن در مسیر راه ارتباطی تهران- بندرعباس، قرار گرفتن در مسیر راه آهن بافق- بندرعباس که کانون ارتباط آزاد تجاری و ترانزیت کالا و مبادلات کشورهای آسیای میانه، اروپا، خلیج فارس و خاور دور محسوب می‌شود. خط آهن کرمان- زاهدان و همچنین وجود پنج فرودگاه عملیاتی و فعال در سطح استان و نقش قابل‌ملاحظه‌ی کریدورهای هوایی استان با انجام پروازهای داخلی و بین‌المللی، موقعیت ارتباطی منحصربه‌فردی را برای استان کرمان فراهم نموده است.

جدول شماره ۲: بازارهای هدف صادراتی استان کرمان
در ۹ ماهه سال ۱۴۰۰

ردیف	نام کشور	ارزش دلاری
۱	ترکیه	۱۹۶۷۳۵۸۹۸
۲	چین	۱۳۷۴۳۱۱۱۳
۳	هند	۷۹۱۶۳۲۲۴
۴	عراق	۵۱۶۲۷۰۹۴
۵	آلمان	۴۸۸۹۲۵۱۸
۶	امارات متحده عربی	۳۹۵۸۲۶۸۴
۷	فدراسیون روسیه	۳۱۸۵۳۳۵۹
۸	پاکستان	۲۶۱۴۰۰۴۰
۹	ایتالیا	۱۷۲۷۳۳۸۵
۱۰	افغانستان	۱۰۸۲۸۲۵۵
۱۱	قرقیزستان	۸۱۷۴۹۶۶
۱۲	ارمنستان	۷۴۱۵۴۳۰
۱۳	قزاقستان	۵۵۲۵۱۳۶
۱۴	گرجستان	۵۴۵۱۹۰۰
۱۵	ازبکستان	۵۰۴۴۸۹۴

جدول شماره ۳: محصولات عمده صادراتی استان کرمان

ردیف	نام محصول
۱	پسته و مغزپسته
۲	مس به صورت شمش
۳	مصنوعات مسی
۴	خرمای خشک و تازه
۵	فرآورده‌های نفتی



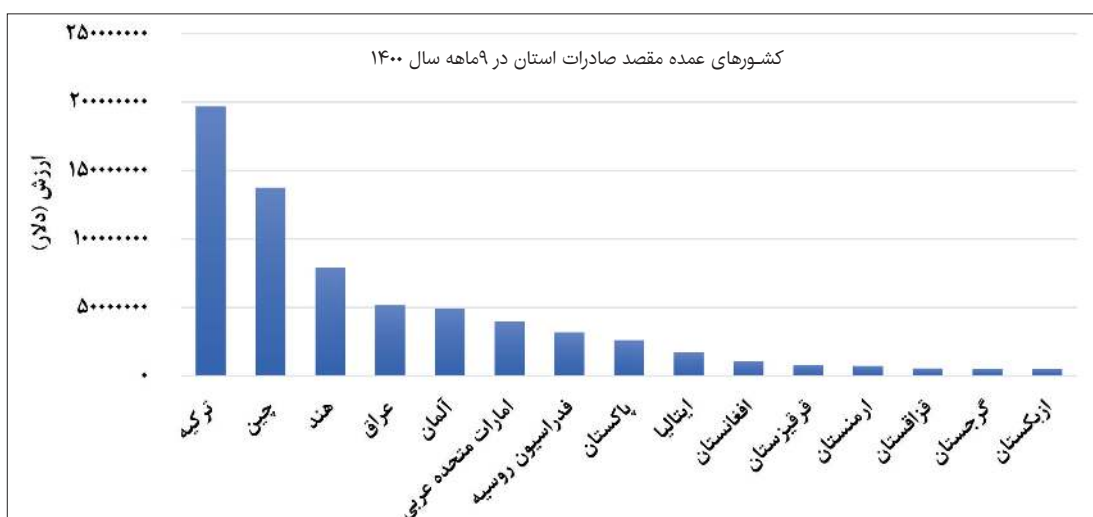
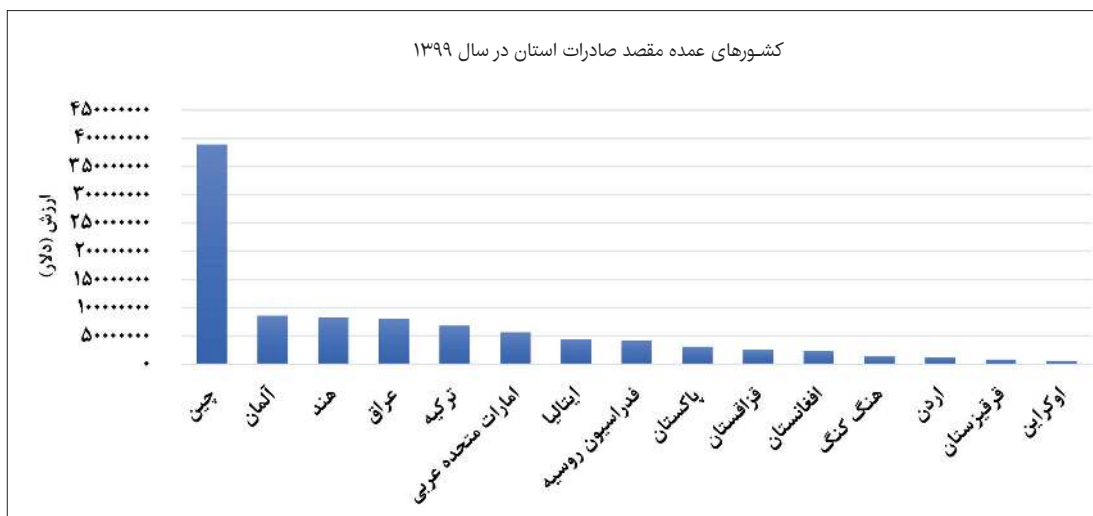
به‌عنوان یک راهکار اساسی و اصلی برای توسعه و رشد اقتصادی مطرح بوده و در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به‌عنوان محور اصلی‌گذار از توسعه‌نیافتگی و ورود به جرگه کشورهای توسعه‌یافته موردتوجه قرار گرفته است. از این‌رو توسعه صادرات استان از عمده اهداف اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان به شمار می‌آید، زیرا توسعه صادرات علاوه بر این‌که منبع تأمین درآمدهای ارزی محسوب می‌شود، عامل مهمی در توسعه اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش ظرفیت تولید و رسیدن به مقیاس اقتصادی تولید و در نتیجه صرفه‌های ناشی از مقیاس، کانال ارتباط با زنجیره جهانی تولید و انتقال دانش و فن‌آوری تولید، تقویت تراز تجاری و حفظ ارزش پول ملی و نهایتاً تقویت رشد اقتصادی و افزایش سطح رفاه اجتماعی استان و کشور نیز هست. لذا بررسی محصولات و بازارهای هدف صادراتی استان و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این خصوص می‌تواند نقش بسزایی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسعه صادرات داشته باشد. در گزارش آماری پیش رو، ابتدا به بررسی بازارها و محصولات صادراتی استان کرمان در سال ۱۳۹۹ و نهم‌ماهه اول سال ۱۴۰۰ می‌پردازیم.

بازارهای هدف صادراتی استان کرمان در سال ۱۳۹۹ و ۹ ماهه سال ۱۴۰۰:

جدول شماره ۱: بازارهای هدف صادراتی استان کرمان در سال ۱۳۹۹

ردیف	نام کشور	ارزش دلاری
۱	چین	۳۸۸۸۱۸۹۸۳
۲	آلمان	۸۵۸۲۹۲۸۶
۳	هند	۸۲۷۰۵۰۴۰
۴	عراق	۸۰۱۶۶۳۱۷
۵	ترکیه	۶۸۲۳۱۵۲۱
۶	امارات متحده عربی	۵۶۵۵۸۵۸۰
۷	ایتالیا	۴۳۵۰۳۴۶۳
۸	فدراسیون روسیه	۴۱۵۶۷۸۹۵
۹	پاکستان	۳۰۸۸۰۹۶۹
۱۰	قزاقستان	۲۵۵۳۷۱۲۶
۱۱	افغانستان	۲۳۵۷۹۱۵۶
۱۲	هنگ‌کنگ	۱۳۵۷۹۹۹۹
۱۳	اردن	۱۲۵۵۱۹۰۵
۱۴	قرقیزستان	۸۱۵۷۹۸۳
۱۵	اوکراین	۶۰۱۵۳۶۶

با بررسی آمار صادرات استان کرمان، کاملاً مشهود است که یکی از عمده‌ترین مشکلات استان در حوزه صادرات، تأکید بر صدور چند محصول خاص است و در توسعه محصولات صادراتی نتوانسته ایم موفق عمل نماییم. همان‌طور که در ابتدا گزارش اشاره شد استان کرمان مزیت‌های صادراتی متنوعی دارد، اما متناسب با این مزیت‌ها فعالیت‌های صادراتی صورت نگرفته است. بی‌شک وقتی صادرات تنها بر پایه یک یا چند محصول خاص قرار داده می‌شود بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود و با اندک نوسانات و مشکلات در صادرات یک محصول، استان، سریعاً و شدیداً دچار مشکل خواهد شد.



نیازمند تنوع محصول و بازار هستیم. افزایش تنوع بازارها و محصولات صادراتی با یکدیگر رابطه مستقیم دارد و نیازمند اتخاذ سیاست‌های مناسب صادراتی برای رسیدن به این مهم هستیم. عمده‌ترین راهکارهایی که منجر به توسعه محصول و بازار صادراتی می‌گردد، در درجه اول بررسی مزیت‌های رقابتی صادراتی استان و در وهله بعد، رفع چالش‌های صادراتی که باعث کاهش رقابت صادراتی می‌شوند. عمده‌ترین این مشکلات به شرح زیر است:

۱. مشکلات در حوزه تولید محصولات که عمدتاً مربوط به افزایش قیمت تمام‌شده محصولات صادراتی، به دلیل وضعیت بسیار مطلوب رقبای ایران در تأمین مالی، معافیت‌های مربوط به تعرفه‌ها، دریافت یارانه از دولتشان و غیره می‌باشد.

با بررسی آمار صادرات استان کرمان، کاملاً مشهود است که یکی از عمده‌ترین مشکلات استان در حوزه صادرات، تأکید بر صدور چند محصول خاص است و در توسعه محصولات صادراتی نتوانسته ایم موفق عمل نماییم. همان‌طور که در ابتدا گزارش اشاره شد، استان کرمان مزیت‌های صادراتی متنوعی دارد، اما متناسب با این مزیت‌ها، فعالیت‌های صادراتی صورت نگرفته است. بی‌شک وقتی صادرات تنها بر پایه یک یا چند محصول خاص قرار داده می‌شود بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود و با اندک نوسانات و مشکلات در صادرات یک محصول، استان سریعاً و شدیداً دچار مشکل خواهد شد. از سوی دیگر میزان صادرات به هر یک از بازارهای صادراتی نشان از این دارد که برای افزایش قدرت رقابت‌پذیری صادراتی که بدون آن امکان توسعه اقتصادی وجود نخواهد داشت،



جدول شماره ۴: مهم‌ترین محصولات صادراتی و عمده بازارهای هدف صادراتی استان کرمان

ردیف	نام کشور	میزان صادرات ۱۳۹۹	میزان صادرات ۱۴۰۰	عمده اقلام صادراتی سال ۱۳۹۹	عمده اقلام صادراتی ۹ ماهه ۱۴۰۰
۱	ترکیه	۶۸۲۳۱۵۲۱	۱۹۶۷۳۵۸۹۸	پسته تازه و خشک کرده، مس و مصنوعات از مس، چدن، آهن و فولاد، مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها... الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیریکسره (Man-Made Staple)	مس و مصنوعات از مس، پسته تازه و خشک کرده، چدن، آهن و فولاد، مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها...
۲	چین	۳۸۸۸۱۸۹۸۳	۱۳۷۴۳۱۱۱۳	پسته تازه و خشک کرده، چدن، آهن و فولاد، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها... فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی	پسته تازه و خشک کرده، چدن، آهن و فولاد، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها... فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی
۳	هند	۸۲۷۰۵۰۴۰	۷۹۱۶۳۲۲۴	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، چدن، آهن و فولاد، میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند به‌جز پسته و خرما، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها...	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، چدن، آهن و فولاد، میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند به‌جز پسته و خرما، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گران‌بها...
۴	آلمان	۸۵۸۲۹۲۸۶	۴۸۸۹۲۵۱۸	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، وسایل نقلیه زمینی غیر از نوافل روی خط راه‌آهن یا ترلوای و... فرآورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات، میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، فرآورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات، میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند
۵	عراق	۸۰۱۶۶۳۱۷	۵۱۶۲۷۰۹۴	پسته تازه و خشک کرده، مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد، محصولات سرمیکی، خرما تازه و خشک کرده، قند، شکر و شیرینی	پسته تازه و خشک کرده، محصولات سرمیکی، عصاره‌های دباغی یا رنگرزی، تانن‌ها و مشتقات آن‌ها، مواد... خرما تازه و خشک کرده، قند، آلومینیوم و مصنوعات از آلومینیوم، مس و مصنوعات از مس
۶	امارت متحده عربی	۵۶۵۵۸۵۸۰	۳۹۵۸۲۶۸۴	پسته تازه و خشک کرده، محصولات سرمیکی، قهوه، چای، مانه و ادویه، چدن، آهن و فولاد	پسته تازه و خشک کرده، محصولات سرمیکی، فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی، خرما تازه و خشک کرده
۷	ایتالیا	۴۳۵۰۳۴۶۳	۱۷۲۷۳۳۸۵	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، چدن، آهن و فولاد
۸	فدراسیون روسیه	۴۱۵۶۷۸۹۵	۳۱۸۵۳۳۵۹	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، محصولات سرمیکی، وسایل نقلیه زمینی غیر از نوافل روی خط راه‌آهن یا ترلوای و...	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده، فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی

کیفیت پایین برخی از محصولات صادراتی عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، هزینه‌های نسبتاً بالای تبلیغات، مشکلات در اخذ ویزای برخی از کشورها، فقدان

مشکلات در حوزه بازاریابی و تبلیغات که به دلیل کمبود و عدم تمرکز اطلاعات موردنیاز بویژه اطلاعات تجاری و اقتصادی در خصوص بازارهای مختلف صادراتی،

پسته تازه و خشک کرده، اوات، نمذ و پارچه‌های نیافته، نخ‌های ویژه، ریسمان، طناب، کابل و... مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد، محصولات سرمیک، فرآورده‌های خوراکی گوناگون، کفش، گتر و اشیاء همانند، اجزا این اشیاء، سایر اشیاء نسجی دوخته و مهیا... نمک، گوگرد، خاک و سنگ، گچ، آهک و سیمان	پسته تازه و خشک کرده، نمک، گوگرد، خاک و سنگ، گچ، آهک و سیمان، محصولات سرمیک، اوات، نمذ و پارچه‌های نیافته، نخ‌های ویژه، ریسمان، طناب، کابل و... خرما تازه و خشک کرده، مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد	۲۶۱۴۰۰۴۰	۳۰۸۸۰۹۶۹	پاکستان	۹
پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده	۵۵۲۵۱۳۶	۲۵۵۳۷۱۲۶	قرقستان	۱۰
خرما تازه و خشک کرده، سبزیجات، نباتات، ریشه و غده‌های زیرخاکی خوراکی، شیر و محصولات لبنی، تخم پرنده‌گان، عسل طبیعی، فرآورده‌های خوراکی گوناگون، میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند به‌جز پسته و خرما، قند، شکر و شیرینی، کفش، گتر و اشیاء همانند، اجزا این اشیاء	خرما تازه و خشک کرده، قند، شکر و شیرینی، شیر و محصولات لبنی، تخم پرنده‌گان، عسل طبیعی، انگه‌ها، صمغ‌ها، رزین‌ها و سایر شیرها و عصاره نباتی، مواد آلبومینوئید، محصولات بر اساس نشاسته یا فکول تغییر یافته ...	۱۰۸۲۸۲۵۵	۲۳۵۷۹۱۵۶	افغانستان	۱۱
پسته تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده	۸۵۲۰۰	۱۳۵۷۹۹۹۹	هنگ‌کنگ	۱۲
پسته تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده	۳۰۶۶۱۷۸	۱۲۵۵۱۹۰۵	اردن	۱۳
پسته تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده	۸۱۷۴۹۶۶	۸۱۵۷۹۸۳	قرقیزستان	۱۴
پسته تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده	۴۲۵۷۱۴۲	۶۰۱۵۳۶۶	اوکراین	۱۵
پسته تازه و خشک کرده، مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد، عصاره‌های دلبلی یا رنگرزی، تان‌ها و مشتقات آن‌ها، مواد... محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گرانبها... مواد	پسته تازه و خشک کرده، محصولات شیمیایی غیرآلی، ترکیبات آلی یا غیرآلی فلزات گرانبها... مواد	۷۴۱۵۴۳۰	۴۳۹۵۷۲۰	ارمنستان	۱۶
پسته تازه و خشک کرده، مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد	پسته تازه و خشک کرده، مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد	۵۴۵۱۹۰۰	۳۱۴۲۰۸۱	گرجستان	۱۷
پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده، خرما تازه و خشک کرده	۵۰۴۴۸۹۴	۲۴۲۶۶۴۷	ازبکستان	۱۸
پسته تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده، دانه و میوه‌های روغن‌دار، دانه و بذر میوه‌های گوناگون، نباتات صنعتی یا دارویی، کله و نواله، فرآورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزا نباتات	۳۷۳۶۷۴۰	۵۸۹۶۷۹۹	کویت	۱۹
پسته تازه و خشک کرده	پسته تازه و خشک کرده	۵۱۶۰۳۷	۵۶۲۴۹۵۱	اسپانیا	۲۰

رقبا، مسئله دیگری است که در عدم قرارگیری استان در جایگاه صادراتی مناسب خود نقش بسزایی دارد.

۵. پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری در قالب بیمه‌نامه‌های اعتبار صادراتی برای صادرکنندگان هزینه‌هایی را ایجاد می‌کند که در مقایسه با قدرت رقابتی همتایان خارجی صادرکنندگان استان مستلزم تعدیل نرخ‌های کارمزد این بیمه‌نامه‌ها می‌باشند. ♦♦

و یا ضعف برخی از تشکله‌ها و عدم باور به مسائل تبلیغاتی می‌باشد.

۳. مشکلات ارزی بخصوص مسئله پیمان‌سپاری ارزی، وجود سیستم چند نرخ ارز و مسائل مربوط به نقل و انتقال ارز می‌باشد.

۴. عدم مشوق‌های مالی و تشویقی صادرکنندگان باهدف افزایش محصولات صادراتی و توسعه بازارها نسبت به



راه‌تحرکت

- 

کاهش
نرخ تورّم
- 

رونق
صادرات
- 

حراست از اقتصاد
درمقابل تکانه‌ها
- 

ایجاد استقلال
اقتصادی
- 

تأمین عزّت و امنیّت
و اعتماد به نفس ملی
- 

فراهم شدن
درآمد ارزی
- 

کاهش
بیکاری
- 

اشتغال
پایدار

ولایت اقتصاد

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی (۱۴۰۰/۱۱/۱۰)، تحقق «جهش تولید» را موجب تغییر و تحول همه‌ی شاخه‌های اقتصادی مهم کشور دانستند. ثمرات این موضوع در این اطلاع‌نگاشت مرور می‌شود.






جامعه



- + تأثیر فقر بر نظام همکاری اجتماعی
- + مقایسه وضعیت انرژی در ایران و جهان
- + کلید اصلی بحران آب
- + سوار بر ریل منابع



تأثیر فقر بر نظام همکاری اجتماعی



♦ دکتر منوچهر علی نژاد

عضو هیئت‌علمی گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد

مقدمه و بیان مسئله

فقر یک پدیده تاریخی، چندبعدی و پیچیده است و در تمام جوامع متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی و ساختار قدرت در آن جامعه به صورت‌های متفاوت ظهور و بروز پیدا می‌کند. نگرش‌های رایج درباره فقر به لحاظ فلسفی و معرفتی در درون طیفی از افراط‌گرایی از نوع دارونیسیم اجتماعی تا حقوق بنیادین انسان، عدالت اجتماعی و انصاف گسترده شده‌اند. به طوری که در نگاه دارونیسیم اجتماعی علت اصلی فقر فقرا، خودشان دانسته شده که باید بر اساس اصل قانون تنازع بقاء از بین رفته و یا نادیده گرفته شوند، اما بر اساس آموزه‌های دینی و منشور حقوق بنیادین بشر، انسان‌ها، فارغ از معیارهای زیستی و حیوانی دارای حقوق حداقلی

هستند که باید محترم شمرده شود و تلاش برای مبارزه با فقر و کاهش نابرابری اجتماعی جزء وظایف اصلی این منشور و آموزه‌های دینی است.

البته فقر در ذات خود ارزشمند نبوده و در آموزه‌های دینی از جمله در آموزه‌های دینی اسلام و احادیث نبوی هم، امری مذموم دانسته شده است؛ در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: « نزدیک است فقر به

فقر در ایران چگونه به بازتولید فقر مضاعف در جامعه دامن زده، می‌تواند تبیین‌گر فقر در جامعه ایران باشد. در اصل رویکرد نظری تبیین‌کننده فقر در ایران ترکیبی از ابعاد نظری، سیاستی، و پیامدی است که می‌توان آن را در مفهوم «امر محقق‌یافته و محتوم فقر» بر ساخت نمود. یعنی واقعیت تلخی که خروجی عملکرد ما در امر ناتوانی در مبارزه با فقر به صورت تشدید فقر در جامعه نشان داده می‌شود نه صرفاً در ادعاهای نظری و روشی ما در امر مبارزه با فقر.

هدف اصلی در این جستار بررسی چپستی و چرایی فقر در ایران، سرمایه اجتماعی، مشارکت و تأثیر فقر در نظام همکاری اجتماعی است. به عبارت دیگر مسئله اصلی در این جستار این است که تأثیر فقر در نظام همکاری اجتماعی در جامعه ایران چگونه قابل تبیین و تحلیل است؟

رویکردهای نظری علل فقر

از دیدگاه امام علی علل فقر در جامعه را می‌توان در توزیع ناعادلانه ثروت، انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان، ثروت‌اندوزی حاکمان و والیان، حبس مال (بخل ورزیدن به مال) و احتکار جستجو کرد، اما علل فقر هر چه هست با وجود نظام‌های رانتی، ناکارآمدی دولت‌ها، عدم شفافیت، انحصارگرایی، توزیع نابرابر فرصت‌ها و دسترسی محدود به امکانات، تمرکزگرایی در قدرت و فساد در جامعه مرتبط است. آمارتیا سن^۲ در کتاب خود با عنوان «توسعه به مثابه آزادی»، آزادی بشر و به عبارتی گویاتر رفع ناآزادی‌های گریبان‌گیر بشر امروز را کلید اساسی توسعه و رفع محرومیت و فقر و گرسنگی می‌داند و این ناآزادی‌ها شامل بیماری، جهل، بی‌سوادی، عدم مشارکت و همچنین انحصارگرایی، گروه‌گرایی، سیستم بسته تجاری، رانت‌خواری، نظام بانکی بسته دولتی، قانون‌شکنی‌ها، سودجویی و عدم تضمین شفافیت در جامعه هستند.

اما مسئله فقر در میان اقتصاددانان و جامعه‌شناسان تا حدودی متفاوت تحلیل می‌شود. اقتصاددانان در تبیین علل فقر بیشتر به عوامل نبود کارایی، بهره‌وری، انباشت ثروت در جامعه و عدم تعادل در عرضه و تقاضا تأکید دارند. این گروه با تأکید بر عوامل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز دارند، کمتر به عوامل توزیعی و خصوصاً توزیع پیش از تولید پرداخته‌اند. در این گروه رویکرد سرمایه‌محور مانع درک عمیق ریشه‌های فقر است. به‌عنوان مثال، تمرکز بر رشد و یا بازدهی بالا چه در ربط

کفر منجر شود» و یا امام علی (ع) آن را نوعی «مرگ بزرگ» نام‌گذاری می‌کند. بر این اساس، یک فرض مسلم و مورد وثوق در میان تمام جوامع این هست که فقر اعم از فردی یا اجتماعی، ضد ارزش بوده و مطلوب قلمداد نمی‌شود.

پرواضح است که فقر معلول عوامل متعددی بوده و با خود آثار و پیامدهای اجتماعی فراوانی نیز دارد. بر این اساس آن چیزی که مهم است، خود فقر، فی‌نفسه نیست، بلکه ضریب هم‌تأثیری اجتماعی آن در میان افراد و در جامعه هست که با خود فقر فرهنگی، فقر اجتماعی و فقر مشارکتی را به همراه خواهد آورد.

از دیرباز این سؤال اساسی در حوزه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مطرح بوده که آیا فقر یک مسئله ذاتی و قابلیت‌ی است یا نه، فقر یک مسئله ساختاری بوده و فقرا در جامعه به دلیل نظام توزیع نابرابر امکانات و فرصت‌ها، فقیر نگه‌داشته شده‌اند. در این نوشتار فرض بر این است که واقعیت فقر در ایران یک مسئله ساختاری است تا ارادی و فردی. هر چند دلایل غیرساختاری فقر در جامعه، مانند اهمال‌کاری فردی، تبلی و فقر قابلیت‌ی افراد را نمی‌توان نادیده گرفت، اما با یک نگاه تطوری و چرخشی معکوس، شرایط ساختاری تورم‌زا و رانتی در کشور به بازتولید فقر در جامعه کمک کرده و افراد در درون تله‌های محرومیتی رانده می‌شوند که به قول رابرت چمبرز^۱ در کتاب «توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا»، در قالب مقولاتی چون ناتوانی، فقر، بی‌قدرتی، بیماری، فقدان قدرت چانه‌زنی و مطالبه‌گری ظاهر می‌شود. و فراتر اینکه این شرایط ساختاری فقر را حتی از طریق تأثیرات روانی می‌تواند به تشدید عقده‌های روانی، خود کمتر بینی، حسرت‌زدگی، فقر فرهنگی، انفعال اجتماعی، عزت‌گزینی، بدبینی، جمود فکری و فقدان مشارکت اجتماعی در جامعه بینجامد.

واقعیت این است که حتی فروکاستن رویکردهای نظری فقر به عوامل صرفاً ساختاری و یا ارادی فاقد بسندگی تئوریک لازم برای تبیین فقر در ایران است؛ بلکه مسئله فقر در ایران باید در درون زنجیره چندخطی علی(ساختاری-نهادی و ارادی)، سیاستی(نحوه کاربست و اجرا) و پیامدی(پیامدهای ناخواسته و انباشتی) تحلیل کرد؛ اینکه عوامل تأثیرگذار در فقر کدامند، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مربوط به حوزه برنامه‌ریزی و اجرا چگونه با عملکرد بخشی‌نگرانه و روش‌های مبتنی بر آزمون-خطا و گاهی سیاست‌زده، به تعمیق فقر در جامعه کمک می‌کنند، و پیامدهای ناخواسته و انباشتی

مسئله فقر در میان اقتصاددانان و جامعه‌شناسان تا حدودی متفاوت تحلیل می‌شود. اقتصاددانان در تبیین علل فقر بیشتر به عوامل نبود کارایی، بهره‌وری، انباشت ثروت در جامعه و عدم تعادل در عرضه و تقاضا تأکید دارند. این گروه با تأکید بر عوامل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز دارند، کمتر به عوامل توزیعی و خصوصاً توزیع پیش از تولید پرداخته‌اند. در این گروه رویکرد سرمایه‌محور مانع درک عمیق ریشه‌های فقر است.

با سرمایه فیزیکی و چه انسانی بدون در نظر گرفتن نحوه توزیع اولیه منابع طبیعی به تخصیص و توزیع یک‌جانبه دامن زده و مانع به جریان افتادن ثروت می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی مسئله فقر یا ناشی از دخالت بی‌جای دولت در سازوکار بازار است و یا عدم دخالت در موارد شکست بازار. از سوی دیگر دخالت دولت نیز با تأثیری که بر نرخ بهره، نرخ ارز، توازن بودجه و تورم می‌گذارد می‌تواند عامل فقر محسوب شود.

بسیاری از پژوهش‌های اقتصادی اخیر تشریح کرده‌اند که علل بسیار مهم گسترش‌دهنده فقر در جامعه عبارتند از:

- رشد اقتصادی کم و منفی،
- بی‌ثباتی اقتصادی کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب،
- کارایی نداشتن بازار کار و در نتیجه محدودیت در رشد مشاغل،
- بهره‌وری اندک و دستمزد ناچیز در بخش غیررسمی،
- کاهش کیفیت خدمات اجتماعی همراه با توزیع نامناسب.

جامعه‌شناسان در تحلیل فقر به شیوه متفاوت به آن می‌نگرند. برخی در سطح خرد، نقش عوامل فردی را در فقر برجسته می‌کنند، برخی در سطح میانه و نقش نهادهای مدنی، عدم مشارکت در گروه‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌ها را مهم ارزیابی می‌کنند، برخی عوامل ساختاری همچون ساختارهای نابرابری توزیع‌کننده قدرت و ثروت در جامعه و یا ساختارهای سیاسی انسدادی را مهم می‌دانند و برخی رویکرد کنشی به فقر دارند. همچنین برخی بین فقر و احساس فقر تمایز قائل شده و احساس فقر بویژه فقر نسبی فقر را بسیار مهم می‌دانند که تابع مقایسه و چشم‌هم‌چشمی در جامعه بوده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری دارد.

جورج زیمل از جامعه‌شناسانی است که با رویکرد ابداعی به جای واژه فقر، از فقرا سخن می‌گوید. فقرا را همچون تیپ‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد که برحسب کنش و روابط اجتماعی با دیگران تعریف می‌شوند. زیمل با طرح اینکه دستگیری از فقرا به حفظ جامعه کمک می‌کند، یک نگاه کارکردی به فقر داشته و در عین حال رابطه بین فقیر و غنی را از طریق مجموعه حقوق متقابل و وظایف اجتماعی در نظر می‌گیرد. فقرا با درخواست کمک و عرض حاجت و نیاز کردن و اغنیاء با کمک کردن و تأمین نیازهای نیازمند، رابطه‌ای را ایجاد می‌کنند که هم انسانی و هم برای انسجام جامعه لازم است. پس کمک

به فقرا آن قدر که به خاطر خود جامعه هست به خاطر فقرا نیست و دولت نیز از طریق سازوکار کمک به فقرا و حمایت‌های منسجم‌تر می‌شود. نگاه زیمل به فقرا با محرومیت نسبی ارتباط دارند و ذاتی نیست (ریترز، ۱۳۹۶).

برخی معتقدند فقر یک‌حالتی کیفی است، که شامل فقر مطلق، فقر نسبی، احساس فقر نسبی، فقر درآمدی، فقر قابلیت‌سی و ... می‌شود. اما نقطه مشترک و پایه تمام تعاریف مختلف از فقر مطلق «نوعی محرومیت از یک سبد حداقل نیازهای اساسی است»، اما فقر نسبی ناشی از اختلاف شدید درآمدی یک جامعه است و صرفاً نیازهای اساسی نیست، بلکه ناشی از کمبود منابع فرد برای دسترسی به حداقل استاندارد زندگی در جامعه است. در واقع فقر و محرومیت، خود، مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت باشد (نگهداری و همکاران، ۱۳۹۳). فقر درآمدی با نداشتن حداقل درآمد لازم برای زیست همراه بوده، اما فقر قابلیت‌سی عدم توانایی در تبدیل توانایی‌ها و قابلیت‌های فردی برای رهایی از فقر هست.

از نظر تد رابرت‌گور^۳ محرومیت نسبی ناشی از برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آن‌هاست. منظور از توقعات ارزشی اشاره به آن دسته مطلوب‌هاست که فرد خود را شایسته به دست آوردن یا حفظ آن‌ها می‌داند. البته توقعات ارزشی به تناسب گروه‌های و حوزه‌های مختلف متفاوت است، مثال در حوزه سیاسی، توقعات ارزشی را می‌توان شامل دسترسی به مناصب سیاسی، برابری سیاسی با دیگر گروه‌ها، رعایت کرامت انسانی، وجود آزادی‌ها، و امثال آن دانست. توقعات ارزشی در حوزه اقتصادی را می‌توان شامل دسترسی به مسکن، ماشین، تفریحات، رفاه اقتصادی و امنیت اقتصادی و کاری مناسب دانست. همچنین توقعات و انتظارات ارزشی را در حوزه اجتماعی را می‌توان برخورداری از شأن اجتماعی و احترام و موردقبول جامعه قرار گرفتن، کسب شأن مناسب با شغل و غیره دانست، اما آنچه مهم است شکاف بین انتظارات ارزشی و توانایی‌ها یا وضع موجود و مطلوب است که به مقایسه اجتماعی با سایر افراد، چشم‌هم‌چشمی و تعارضات اجتماعی در جامعه می‌انجامد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). راغفر سه رویکرد رایج درباره فقر را مطرح می‌کند که شامل رویکرد درآمدی، رویکرد قابلیت‌سی و رویکرد مبتنی بر طرد اجتماعی هستند (راغفر: ۱۳۸۴، ۲۵۹-۲۵۶). و علل اصلی فقر در ایران را ساختاری می‌داند که بدون تغییرات



یافته‌های مطالعات انجام شده در ایران در خصوص فقر و سرمایه اجتماعی

و مشارکت، بازگوکننده وجود تفاوت معنی‌دار در میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت بین خانوارهای فقیر و مرفه دارد.

همچنین وضعیت فقر همبستگی قوی منفی با میزان سرمایه اجتماعی دارد و خانوارهای فقیر در کلیه مؤلفه‌ی نهایی مربوط به سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد، مشارکت، انسجام میانگینی پایین‌تر از خانوارهای مرفه دارند).

یافته‌های یک تحقیق گویای این حقیقت هست که در ایران بروز طرد اجتماعی، یعنی محرومیت غیرارادی مردم از فرصت‌های مشارکت در امور اجتماعی، می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم توفیق برنامه‌های توسعه در کاهش فقر تلقی شود. و بر اساس یافته‌ها یک رابطه معکوس میان فقر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت) تأیید شده است (شادی‌طلب، حجتی‌کرمانی، ۱۳۸۷)

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد غفلت از فقر در جامعه ایران آثار و پیامدهای زبانباری را به دنبال داشته و می‌تواند نقش سلبی و بازدارنده در توسعه ایفاء کند. مطالعات انجام شده در ایران نشان از رابطه وجود معکوس بین سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و فقر دارد. فقر در جامعه ایران نه تنها می‌تواند نقش بازدارنده در مشارکت اجتماعی داشته باشد، از طریق انعکاس اجتماعی فقر در جامعه، مقایسه اجتماعی، احساس محرومیت و فقر به تشدید بدبینی، انفعال، بی‌تفاوتی مدنی، نارضایتی و تضاد دامن می‌زند. پیامدهای فقر تنها محدود به بعد همزمانی نبوده بلکه در فرایند زمانی و طولانی مدت هم در حافظه تاریخی تثبیت شده و مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. ♦♦

منابع

- راغفر، حسین (۱۳۸۴)، فقر و ساختار قدرت در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۱۷، صص ۴۴-۱.
- زاهدی، محمدجواد، امیرملکی، امیرارسلان حیدری (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۰۶-۷۹.
- شادی‌طلب، ژاله، فرشته، حجتی‌کرمانی (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۵۶-۳۵.
- نگهداری، ابراهیم، خسرو پیرایی، غلامرضا کشاورز حداد، علی حقیقت (۱۳۹۳)، برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه‌ناشی از مقیاس با مدل استون-گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵)، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه‌بودجه، سال نوزدهم، شماره ۱، صص ۲۷-۱.
- محمدی، محمدعلی، ابوعلی وداهیر، علیرضا سیفی، روشنگر مشتاق (۱۳۹۱)، فراتحلیل مطالعات فقر در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۴۳-۷.

ساختارها و فقط با ابزارهای حمایتی و توانمندسازی ریشه‌کن نخواهد شد. ابزارهای حمایتی و توانمندسازی و سیاست‌های فعال بازار کار از سیاست‌های مکمل در کنار ساختارهای بنیانی اقتصاد است که می‌تواند راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت باشند.

ایشان فقر را ناتوانی در مشارکت اجتماعی می‌دانند و فضای مفهومی فقر را با استفاده از مفهوم طرد اجتماعی مورد بحث قرار داده است. در این دیدگاه طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد جامعه قادر به مشارکت در اجتماع نباشند و در جایی اتفاق می‌افتد که افراد و گروه‌ها به‌طور غیرارادی از فرصت مشارکت در امور اجتماعی محروم می‌شوند (غفاری و تاج‌الدینی، ۱۳۸۴).

فقر، سرمایه اجتماعی و مشارکت

مفهوم سرمایه اجتماعی از مفاهیم شاخص در توسعه و جامعه‌شناسی است که اشاره به پایداری و چسبندگی روابط اجتماعی میان افراد در جهت تحکیم روابط اجتماعی، مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی می‌کند. این مفهوم در اندیشه نظریه‌پردازانی چون رابرت پاتنام، فوکویاما، جیمز کلنن و بورديو بسط داده شده است. در این میان پیر بورديو، با طرح سرمایه اجتماعی و فرهنگی، جایگاه و مسیر فرد، گروه یا نهادهای اجتماعی در جامعه را وابسته به میزان برخورداری از انواع سرمایه‌های «اقتصادی»، «اجتماعی»، «فرهنگی» و «نمادین» و تغییرات در حجم و ترکیب این چهار نوع سرمایه در جامعه و در طول زمان می‌داند. لذا سرمایه اجتماعی با فقر دارای ارتباط است. بر اساس رویکرد سرمایه اجتماعی، فقرا به دلیل جایگاه و موقعیت خود در جامعه و نداشتن فرصت‌ها و سرمایه‌ها دارای رفتارهایی متفاوت هستند. یافته‌های مطالعات انجام شده در ایران در خصوص فقر و سرمایه اجتماعی و مشارکت، بازگوکننده وجود تفاوت معنی‌دار در میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت بین خانوارهای فقیر و مرفه دارد. همچنین وضعیت فقر همبستگی قوی منفی با میزان سرمایه اجتماعی دارد و خانوارهای فقیر در کلیه مؤلفه‌های نهایی مربوط به سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد، مشارکت، انسجام) میانگینی پایین‌تر از خانوارهای مرفه دارند. نتایج همچنین گویای این است که میزان سرمایه اجتماعی افراد و گروه‌های تحت تأثیر فقر و محرومیت تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی می‌گذارد و افزایش میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت می‌تواند زمینه لازم برای ارتقاء سطح رفاه کنشگران فقرزده را فراهم آورد (زاهدی، ملکی و حیدری، ۱۳۸۷). همچنین

غفلت از فقر در جامعه ایران آثار و پیامدهای زبانباری را به دنبال داشته و می‌تواند نقش سلبی و بازدارنده در توسعه ایفاء کند. مطالعات انجام شده در ایران نشان از رابطه وجود معکوس بین سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و فقر دارد. فقر در جامعه ایران نه تنها می‌تواند نقش بازدارنده در مشارکت اجتماعی داشته باشد، از طریق انعکاس اجتماعی فقر در جامعه، مقایسه اجتماعی، احساس محرومیت و فقر به تشدید بدبینی، انفعال، بی‌تفاوتی مدنی، نارضایتی و تضاد دامن می‌زند.



مقایسه وضعیت انرژی در ایران و جهان



♦ دکتر مرتضی آیین

عضو هیئت علمی گروه مهندسی برق دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

مقدمه

انرژی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تولید، خصوصاً بعد از رخداد انقلاب صنعتی در دنیا مطرح می باشد. بحث انرژی از دیدگاه های متفاوتی حائز اهمیت زیادی برای جوامع بشری می باشد؛ از جمله اقتصاد، امنیت، محیط زیست و تداوم کسب و کار. طی سال های اخیر خصوصاً دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، فعالیت های چشمگیری در حوزه های فوق در اکثر کشورهای دنیا انجام شده و پیشرفت های قابل ملاحظه ای مشاهده شده است؛ امری که در کشور ایران کمتر شاهد آن بودیم، لیکن گزارش ها و طرح های بسیار زیادی برای آن ارائه شده که متأسفانه تعداد زیادی از آن ها به هیچ عنوان مورد استفاده و استقبال قرار نگرفته است. عموماً در کشور ایران، راه حل مسئله انرژی در عین سادگی فنی، پیچیدگی های غیر

فنی زیادی دارد که متأسفانه تاکنون تلاش های انجام گرفته در جهت رفع همیشگی مسئله ره به جایی نبرده است. تاکنون در این مسیر افراد و نهادهای مختلف در برهه های مختلف، اقدامات سنجیده و نسنجیده ای در این خصوص انجام داده اند که با توجه به عدم پیوستگی و تداوم این اقدامات و همچنین نرخ بالای تورم خصوصاً در چند سال اخیر این اقدامات بی اثر شده و به اصطلاح معروف باز همان آتش و همان کاسه. اخیراً

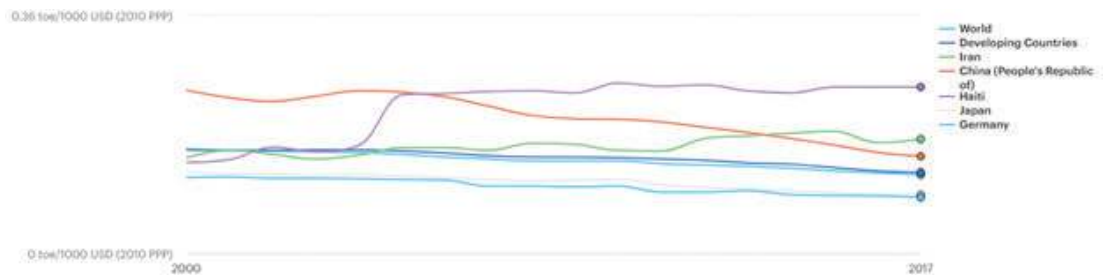
نیز بحث‌هایی در خصوص قیمت‌های مدنظر نهاد حاکمیتی جهت اصلاح و آزادسازی قیمت‌ها مطرح است که شوری این آش را صدچندان می‌کند. به‌رحال، در این نوشتار سعی داریم مقایسه هر چند مختصری در اوضاع انرژی ایران و جهان با ارائه اطلاعات مستند در دو شاخص شدت انرژی و گذار انرژی ارائه کنیم به امید آنکه که مفید واقع شود.

۱- شاخص شدت انرژی

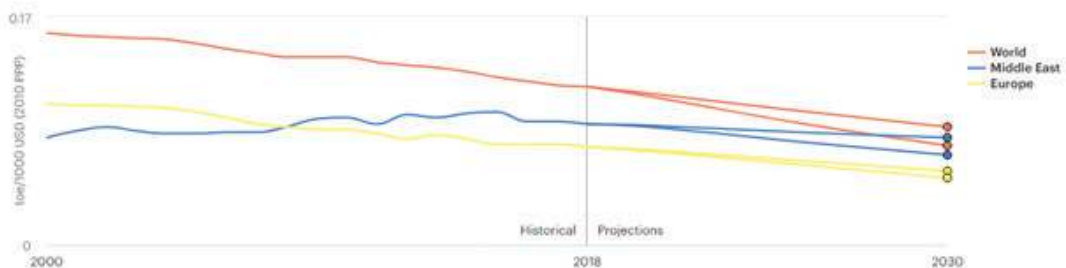
ساده‌ترین و درعین‌حال ملموس‌ترین شاخص تطبیقی را می‌توان شاخص شدت انرژی دانست. شدت انرژی شاخصی است که نسبت انرژی استفاده‌شده به ازای هر واحد از تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد. این شاخص به‌طور ساده نشان می‌دهد برای خلق هر میلیون دلار ثروت چه مقدار انرژی مصرف شده است. هر چه این شاخص کوچک‌تر باشد؛ یعنی سیستم بهره‌ورتر و اقتصادی‌تر است، یعنی آلاینده‌گی کمتر، یعنی تولید ارزان‌تر و بهره‌ورتر. شاخص شدت انرژی نشان می‌دهد که بهبود تکنولوژی و نگرانی‌های مربوط به محیط‌زیست، منجر به روند کاهنده شدت انرژی در بسیاری از کشورها شده، اما در ایران اوضاع خلاف روند جهانی است. از سال ۱۹۹۰ تاکنون، هرچه شاخص شدت انرژی در کشورهای مختلف کم شده، در ایران افزایش یافته است. این شاخص در دنیا در سال ۱۹۹۰، نزدیک به عدد ۰/۱۸ قرار داشت، در سال ۲۰۰۰ به حدود ۰/۱۵ و در سال ۲۰۱۷ نیز نزدیک به ۰/۱۲ رسید، اما در ایران این روند معکوس

بوده است به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۹۰، شاخص شدت انرژی در نزدیکی ۰/۱۱ قرار داشته و در سال ۲۰۱۷ به نزدیکی عدد ۰/۲ رسیده است. در حال حاضر، شدت مصرف انرژی در ایران سه برابر بالاتر از متوسط شدت انرژی در دنیاست. بر اساس گزارش سازمان ملی بهره‌وری ایران، شاخص شدت انرژی جهان در سال ۲۰۱۵ معادل ۰/۱۴۹ بوده که نسبت به سال ۲۰۱۴، ۲/۶۱ درصد کاهش یافته است. کشورهای انگلستان، آلمان، ژاپن و ترکیه به ترتیب با ۰/۰۸، ۰/۱، ۰/۱۱ و ۰/۱۱ کمترین شدت انرژی و روسیه، ایران و چین به ترتیب با ۰/۲۲، ۰/۳۴ و ۰/۱۹ بیشترین شدت انرژی را در سال ۲۰۱۵ داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین دلایل شدت انرژی بالا در کشور می‌تواند به دلیل پرداخت یارانه‌های انرژی به آحاد جامعه باشد؛ خصوصاً با توجه به مصرف سهم قابل‌توجهی از انرژی مصرفی نهایی در بخش خانگی که عموماً در تولید نقشی ندارد. دولت حجم عظیمی از منابع کشور را صرف پرداخت یارانه انرژی می‌کند. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، مجموع یارانه پنهان ایران در حوزه انرژی در سال ۲۰۲۰ معادل ۲۹/۷ میلیارد دلار بوده که حتی از کشور چین هم بیشتر است. کشور چین در سال مذکور ۲۱/۷ میلیارد دلار پرداخت یارانه کرده است. لازم به ذکر است در همین سال تولید ناخالص ایران و چین به ترتیب معادل ۱۹۲ میلیارد دلار و ۱۴/۸۶ هزار میلیارد دلار بوده است. مصرف انرژی هم در دوره مذکور برای دو کشور ایران و چین به ترتیب برابر ۳ میلیون و ۲۶۸ میلیون تن معادل نفت بوده است که قابل‌تأمل است. یارانه‌های انرژی در ایران از



شکل ۱: روند تغییرات شدت انرژی در دنیا



شکل ۲: پیش‌بینی روندها برای کل جهان، خاورمیانه و اروپا تا سال ۲۰۳۰

یارانه‌های

انرژی در ایران

از یک طرف

هزینه‌های

سنگینی را به

دولت تحمیل

کرده است و

از طرف دیگر

نتوانسته‌اند به

هدف خود یعنی

کمک به اقشار

کم‌تر برخوردار

جامعه برسند.

آمارهای مختلف

اثبات می‌کند که

در کشور ایران،

ثروتمندان ده‌ها

برابر بیشتر از

نیازمندان از

یارانه انرژی

بهره می‌برند

زیرا با توجه به

سطح رفاه این

اقشار، مصرف

انرژی آن‌ها نیز

بالاتر بوده و

لذا بهره‌مندی

بیشتری از

یارانه‌های انرژی

پرداختی دارند

که روندی منطقی

نیست.

یک طرف هزینه‌های سنگینی را به دولت تحمیل کرده است و از طرف دیگر نتوانسته‌اند به هدف خود یعنی کمک به اقشار کمتر برخوردار جامعه برسند. آمارهای مختلف اثبات می‌کند که در کشور ایران، ثروتمندان دهها برابر بیشتر از نیازمندان از یارانه انرژی بهره می‌برند زیرا با توجه به سطح رفاه این اقشار، مصرف انرژی آن‌ها نیز بالاتر بوده و لذا بهره‌مندی بیشتری از یارانه‌های انرژی پرداختی دارند که روندی منطقی نیست.

طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، شاخص شدت انرژی در کشورهای در حال توسعه سالانه حدود ۳/۳٪ بهبود می‌یابد که بیشترین میزان بهبود در کل دنیا می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود بیشترین تأثیرات در این بهبود را برقی کردن خودروها، بهبود بهره‌وری انرژی در صنایع و ساختمان‌ها داشته باشد. روند تغییرات شدت انرژی در کل دنیا، کشورهای در حال توسعه و چند کشور خاص طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در شکل ۱ آورده شده است. همچنین در شکل ۲، پیش‌بینی روندها برای کل جهان، خاورمیانه و اروپا تا سال ۲۰۳۰ میلادی طبق گزارش این آژانس آورده شده است. همان‌گونه که از دو شکل ۱ و ۲ برمی‌آید، در کل دنیا شاخص شدت مصرف انرژی در حال کاهش مداوم است، اما در مورد ایران این موضوع صادق نیست. دلیل این امر را می‌توان در فاکتورهای متفاوتی جست‌وجو کرد که لازمه آن نگاه کلان‌تر به مسئله و با لحاظ کردن ابعاد بیشتری از مسئله می‌باشد. به همین دلیل، بهتر است شاخص گذار انرژی که شاخص جامع‌تری می‌باشد مورد بحث و مذاقه قرار گیرد. در ادامه گزارش، به این امر پرداخته خواهد شد.

۲- شاخص گذار انرژی

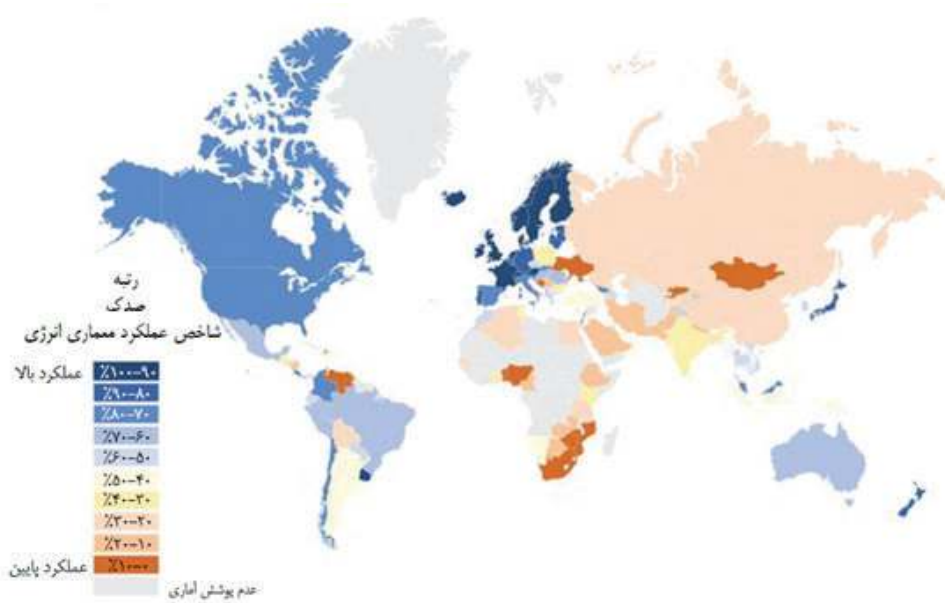
گذار انرژی به انتقال از سیستم‌های مصرف و تولید انرژی فعلی که عمدتاً مبتنی بر منابع انرژی تجدید ناپذیر مانند نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ است، به سمت ترکیبات کارآمدتر و کم‌کربن‌تر انرژی اشاره دارد. این شاخص از زیر شاخص‌هایی مثل «عملکرد سیستم» و «آمادگی گذار» نشأت می‌گیرد. زیر شاخص عملکرد سیستم انرژی، بر اساس سه مؤلفه «دسترسی امن و مطمئن به انرژی»، «رشد و توسعه اقتصادی فراگیر» و «پایداری محیط‌زیست» محاسبه می‌شود. زیر شاخص آمادگی گذار انرژی نیز از شش مؤلفه شامل «مقررات و تعهد سیاسی»، «ساختار سیستم انرژی»، «نهادها و حکمرانی»، «زیرساخت‌ها و محیط کسب‌وکار نوآورانه»، «سرمایه‌گذاری و سرمایه» و «مشارکت مصرف‌کننده و سرمایه انسانی» تشکیل شده است. چارچوب‌ها و رتبه‌بندی‌های واقعیت‌محور در این شاخص می‌تواند این امکان را به

سیاست‌گذارها و کسب‌وکارها بدهد که مقصد گذار انرژی را تشخیص داده، الزامات را شناسایی و در راستای یکی نمودن سیاست و بازار گام بردارند.

۱-۲- وضعیت گذار انرژی در جهان

شکل ۳ وضعیت شاخص گذار انرژی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۹ میلادی که برگرفته از گزارش مجمع جهانی اقتصاد می‌باشد را نشان می‌دهد. نتایج بررسی این شاخص در بین ۱۱۵ کشور جهان حاکی از آن است که کشورهای شمال و غرب اروپا همچنان طبق سال‌های گذشته در صدر این رتبه‌بندی یعنی بالاترین امتیازها قرار دارند. ایران در این رتبه‌بندی در سال ۲۰۱۹ در رتبه ۱۰۱ قرار گرفته است. رتبه‌های اول، دوم و سوم به ترتیب متعلق به کشورهای سوئد، سوئیس و نروژ است. نکته مهم اینکه ۱۰ کشور برتر شاخص گذار انرژی، به لحاظ ترکیب انرژی اولیه، ساختار سیستم انرژی و منابع طبیعی متفاوت بوده‌اند که این مسئله اهمیت در نظر گرفتن شرایط خاص هر کشور برای برنامه‌ریزی گذار انرژی را نشان می‌دهد (قابل توجه برنامه ریزان و سیاست‌گذاران حوزه انرژی!). از طرف دیگر، کشورهای در جایگاه پایین‌تر، عملکرد ضعیفی به لحاظ سیستم انرژی و آمادگی گذار داشته‌اند که عموماً ناشی از چارچوب مقرراتی ضعیف، عدم ثبات سیاسی، درگیری‌های ژئوپلیتیک در حال وقوع یا وابستگی شدید به سیستم انرژی مبتنی بر سوخت‌های فسیلی بوده‌اند. به‌عنوان مثال منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که حدود ۶/۸ درصد تقاضای انرژی جهان و ۷/۱ درصد جمعیت جهان را به خود اختصاص داده و علی‌رغم اینکه این منطقه غنی از منابع سوخت‌های فسیلی بوده، تنش‌های جغرافیایی و ناپایداری در این کشورها بر اولویت‌های سیاسی، فرصت‌های ادغام سیستم‌های انرژی و توانایی جذب سرمایه مورد نیاز گذار انرژی مؤثر بوده است. کشورهای این منطقه پایین‌ترین متوسط امتیاز را در مؤلفه پایداری محیط‌زیست نسبت به سایر مؤلفه‌ها کسب کرده‌اند به دلیل وجود بالاترین میزان کربن در محیط که دو برابر متوسط جهانی است و به دلیل تمرکز بالای نفت و گاز در ترکیب انرژی این کشورها. البته عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ میلادی برنامه سه برابر کردن ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر یعنی ۶۰ گیگاوات ظرفیت نصب شده تا سال ۲۰۳۰ را اعلام کرده است. امارات متحده عربی نیز وجود ۴۴ درصد انرژی پاک در سید انرژی خود را هدف‌گذاری کرده است. منطقه مذکور، از طرفی دارای کمترین میانگین قیمت برق صنعتی، خانگی و همچنین عمده‌فروشی گاز است، لیکن اثر مثبت این امر در مؤلفه توسعه اقتصادی با اثر منفی یارانه‌های انرژی بالا خنثی شده است. البته اقدامات قابل‌توجهی در خصوص افزایش قیمت‌ها در کشورهای مختلف

مؤلفه شدت انرژی، نسبت واحدی از انرژی به تولید ناخالص داخلی است. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، هرچه قدر شدت انرژی در یک کشور پایین‌تر باشد، در واقع به ازای یک واحد تولید ناخالص داخلی، انرژی کمتری مصرف کرده و در نتیجه آن کشور رتبه بهتری را کسب کرده است. جایگاه ایران در این مؤلفه ۹۵ بوده است؛ این در حالی است که کشور ترکیه در این مؤلفه رتبه ۱۵ را در بین کشورهای مذکور کسب کرده است. شدت انرژی در ایران از کشورهای عربستان، امارات، قطر، عمان و پاکستان نیز بالاتر است که نشان‌دهنده بهره‌وری پایین انرژی در ایران است.



شکل ۳: وضعیت شاخص گذار انرژی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۹ میلادی

میانگین جهانی رقم زده که این موضوع به راحتی توسط حتی اتحاد جامعه قابل تأیید می‌باشد.

همچنین در گزارش مذکور، وضعیت ایران در شاخص گذار انرژی و زیر شاخص‌های آن در سال ۲۰۱۹ به همراه معرفی کشورهای با بهترین و بدترین عملکرد قابل بررسی است. نتایج این گزارش بسیار مفید است و به مسئولین و سیاست‌گذاران حوزه انرژی کشورهای مختلف از جمله ایران توصیه اکید شده است، نتایج را بررسی و جهت سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار دهند. در ادامه به تعدادی از نتایج و تحلیل‌های این گزارش اشاره می‌شود:

- یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده توسعه و رشد اقتصادی کشورها در شاخص گذار انرژی، قیمت برق خانگی و صنعتی در هر کشور است. براساس آمارهای مجمع جهانی اقتصاد، ایران به لحاظ قیمت برق خانگی، به دلیل پایین بودن قیمت برق،

انجام شده است و اقدامات دیگری نظیر به هم پیوسته کردن شبکه‌های انتقال انرژی خصوصاً انرژی الکتریکی به منظور افزایش امنیت انرژی انجام شده است.

۲-۲- بررسی وضعیت ایران در گذار انرژی

بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد (شکل ۴)، ایران در زیر شاخص «عملکرد سیستم» عملکرد بهتر و در زیر شاخص «آمادگی گذار» عملکرد ضعیف‌تری داشته است. طبق گزارش مذکور، در زیر شاخص «آمادگی گذار» وضعیت ایران در دو مؤلفه «ساختار سیستم انرژی» و «سرمایه و سرمایه‌گذاری» با فاصله زیادی کمتر از میانگین جهانی قرار گرفته است که دلایل آن به خوبی روشن است. در زیر شاخص عملکرد سیستم نیز اگرچه وضعیت ایران در مؤلفه «امنیت و دسترسی انرژی» بیشتر از میانگین جهانی بوده، اما در مؤلفه «پایداری محیط زیست» عملکرد به مراتب ضعیف‌تری نسبت به



شکل ۴: وضعیت گذار انرژی در ایران در مقایسه با میانگین جهانی

در نگاه کلی،
کشور ایران در
حال حاضر و با
روند کنونی عموماً
در حال رقابت با
کشورهایی مثل
هائیتی، ونزوئلا،
موزامبیک،
استونی، زیمبابوه،
ترینداد و توباگو،
بولیوی و نامیبیا
برای قرار نگرفتن
در رده‌های
انتهایی جدول
از لحاظ شاخص
گذار انرژی و
همچنین زیر
شاخص‌های آن
می‌باشد.!

- در زیر شاخص نرخ برق‌رسانی (درصدی از جمعیت)، کشور ایران بیشترین امتیاز (۱۰۰) را کسب کرده و به همراه ۷۹ کشور دیگر در رتبه نخست جای گرفته است.

- ایران در زیر شاخص آمادگی گذار تنها نسبت به کشور ونزوئلا برتری داشته، اما به لحاظ زیر شاخص عملکرد سیستم نسبت به تعداد زیادی از کشورها عملکرد بهتری داشته است.

- اگر بخواهیم دسته‌بندی کشورها در سال ۲۰۱۹ میلادی را از لحاظ شاخص گذار انرژی انجام دهیم کشور ایران با داشتن شاخص آمادگی گذار ۳۳ درصد، عملکرد سیستم ۵۴ درصد و شاخص گذار ۴۴ درصد در دسته کشورهای نوظهور با عملکرد سیستم و آمادگی گذار پایین‌تر از میانگین جهانی که نشان‌دهنده چالش برانگیز بودن گذار انرژی است، جای خواهد گرفت. در همین حال، کشور بحرین با داشتن شاخص آمادگی گذار ۵۰/۹ درصد، عملکرد سیستم ۴۳/۹ درصد و شاخص گذار ۴۷/۴ درصد جز کشورهای با حرکت جست‌وخیز که دارای عملکرد سیستم پایین‌تر از میانگین جهانی اما آمادگی گذار نسبتاً بالا هستند جای می‌گیرد. کشور سوئد با داشتن شاخص گذار انرژی ۷۴/۹ درصد در رتبه نخست کشورها قرار دارد و در دسته کشورهای پیشرو قرار می‌گیرد که سیستم انرژی با عملکرد خوب و آمادگی بالایی برای گذار دارند. این دسته از کشورها، بر اساس عملکرد فعلی خود توانایی گذار انرژی را دارند.

- در نگاه کلی، کشور ایران در حال حاضر و با روند کنونی عموماً در حال رقابت با کشورهایی مثل هائیتی، ونزوئلا، موزامبیک، استونی، زیمبابوه، ترینداد و توباگو، بولیوی و نامیبیا برای قرار نگرفتن در رده‌های انتهایی جدول از لحاظ شاخص گذار انرژی و همچنین زیر شاخص‌های آن می‌باشد!!!

البته همان‌گونه که پیشتر عنوان شد، این گزارش نتایج و تحلیل‌های متنوع و سودمندی در بردارد که متأسفانه مجال بررسی همه آن‌ها در این نوشتار نمی‌باشد. در پایان متذکر می‌شود بحث انرژی همان‌گونه که از بررسی شاخص گذار انرژی قابل استناد است عموماً مشتمل بر حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فنی و مدیریتی بوده و برای بهبود اوضاع انرژی در کشور بایستی همگرایی خاصی در تمامی زمینه‌های مربوطه حاصل شود. در غیر این صورت همان‌گونه که در گزارش آمد، موفقیت خاصی که بتواند تأثیرگذار باشد، حاصل نخواهد شد و این امر تنها با تلاش جهادی همه بخش‌های درگیر در مسئله ممکن خواهد بود. به قول فردوسی حکیم:

بزرگی سراسر به گفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست. ♦♦

در میان ۱۱۵ کشور موردبررسی جایگاه دوم را کسب کرده است. قیمت برق خانگی در ترکیه حدود پنج برابر، در روسیه حدود دو برابر، در پاکستان حدود چهار برابر و در عمان بیش از دو برابر قیمت برق خانگی ایران بوده است. در این مؤلفه، بهترین عملکرد مربوط به ونزوئلا و بدترین آن مربوط به هائیتی است. - به لحاظ مؤلفه قیمت برق صنعتی نیز به دلیل پایین بودن قیمت نسبی برق صنعتی در ایران، جایگاه یازدهم در میان ۱۱۵ کشور جهان به ایران تعلق گرفته است. قیمت برق صنعتی ایران از قطر و عمان تا حدی بیشتر و تقریباً نصف قیمت برق صنعتی ترکیه و امارات است.

- قیمت عمده‌فروشی گاز نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در توسعه و رشد اقتصادی کشورها است. ایران به لحاظ قیمت پایین گاز عمده‌فروشی، رتبه ۱۲ در جهان را کسب کرده است. قیمت عمده‌فروشی گاز در ایران تقریباً ۲/۵ برابر قطر، دو برابر عربستان و امارات و بیش از نصف قیمت گاز عمده‌فروشی ترکیه است.

- نسبت یارانه‌های انرژی به تولید ناخالص داخلی در ایران، حدود ۱۵ درصد است که در میان ۱۱۵ کشور موردبررسی مجمع جهانی اقتصاد، تنها از رقم مشابه در کشور زیمبابوه پایین‌تر است. این رقم در کشورهای قطر و عمان زیر دو درصد و کشور عربستان حدود ۵ درصد است. نسبت یارانه‌های انرژی از تولید ناخالص داخلی کشور ترکیه حدود ۰/۲ درصد است! - مؤلفه شدت انرژی، نسبت واحدی از انرژی به تولید ناخالص داخلی است. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، هرچقدر شدت انرژی در یک کشور پایین‌تر باشد، در واقع به ازای یک واحد تولید ناخالص داخلی، انرژی کمتری مصرف کرده و در نتیجه آن کشور رتبه بهتری را کسب کرده است. جایگاه ایران در این مؤلفه ۹۵ بوده است؛ این در حالی است که کشور ترکیه در این مؤلفه رتبه ۱۵ را در بین کشورهای مذکور کسب کرده است. شدت انرژی در ایران از کشورهای عربستان، امارات، قطر، عمان و پاکستان نیز بالاتر است که نشان‌دهنده بهره‌وری پایین انرژی در ایران است.

- نسبت انتشار دی‌اکسیدکربن از کل عرضه اولیه انرژی ایران معادل ۵۴/۳ کیلوگرم به گیگاژول بوده و در میان ۱۱۵ کشور رتبه ۷۵ را کسب کرده است. این نسبت در کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عمان و ترکیه از ایران بیشتر اما در کشورهای قطر، روسیه و پاکستان از ایران کمتر است. - در حوزه مربوط به سهم شغل‌های مربوط به انرژی تجدیدپذیر (درصد از کل نیروی کار کشور) امتیاز کشور ایران صفر است و در رتبه ۵۱ دنیا قرار گرفته است.

- در زیر شاخص آزادی سرمایه‌گذاری، رتبه ایران ۱۱۴ است که از کشور بولیوی بالاتر است!

گفت‌وگو با دکتر «حمید نظری پور» عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه سیستان و بلوچستان

کلید اصلی بحران آب



امروزه راه‌هایی برای صرفه‌جویی در مصرف آب و جلوگیری از کمبود آن وجود دارد؛ راه‌هایی چون بهبود زیرساخت‌های آب، سیستم‌های آبیاری هوشمند، جمع‌آوری آب باران، فاضلاب‌های بازیافتی، تغذیه آب‌های زیرزمینی، کنترل آلودگی آب و تصفیه بهتر فاضلاب و بهبود سیستم‌های فاضلاب و آموزش و آگاهی بخشی برای حل بحران آب، در کشورها تمرکز بر این راه‌حل‌ها است. متأسفانه در کشور ما این رویکردها در اولویت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان بخش آب قرار ندارد و شیوه‌های ناپایدار از جمله استخراج آب‌های ژرف و انتقال آب موردتوجه است. ایران از لحاظ برداشت و مصرف آب شیرین جزو ۱۰ کشور اول جهان است؛ با وجود اینکه از لحاظ منابع آب شیرین جزو ۵۰ کشور اول هم نیست. دلایل اصلی بالا بودن مصرف آب در ایران با ملاحظه شرایط اقلیمی و فرهنگی، نبود تعرفه‌های مشخص و قوانین بازدارنده، عدم آموزش و آگاهی مصرف‌کنندگان و عدم استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب است. اقدامات بایستی در جهت گذر از کشاورزی رایج به پایدار انجام گیرد و روند رو به گسترش صنایع در ایران مرکزی بایستی متوقف گردد.

دکتر حمید نظری پور عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیای طبیعی - اقلیم‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان در مورد استان کرمان می‌گوید که استان کرمان علی‌رغم واقع شدن در محیط خشک، سیل‌خیز است و هر ساله حجم زیادی از آب استان به دلیل عدم اجرای طرح‌های آبخیزداری از دسترس استفاده خارج شده و سبب ایجاد خسارت می‌گردد.

باید سازگاری با کم‌آبی در برابر طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای در اولویت قرار گیرد، طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای آب نمی‌تواند نسخه کارآمدی برای بهبود بحران باشد. او می‌گوید بیش از نیمی از دشت‌های ایران به علت برداشت بیش‌ازحد از منابع آب زیرزمینی در همراهی با شرایط خشک‌سالی دچار پدیده فرونشست زمین شده است. در ادامه شرح کامل این گفت‌وگو را مطالعه کنیم.

♦♦ در مورد تجربه کشورهای موفق در تسلط بر مشکلات

کم‌آبی یا بی‌آبی توضیحاتی ارائه بفرمایید.

کمبود آب به مفهوم فقدان منابع آب کافی در دسترس برای پاسخگویی به نیازهای یک منطقه است که منشأ طبیعی و انسانی دارد، به‌طورکلی توضیح آب، در زمان و مکان غیریکنواخت و نابرابر است. در مقیاس جهانی کمبود آب وجود ندارد، اما تعدادی از مکان‌ها و مناطق به‌طور مزمّن کمبود آب دارند. کمبود آب این مناطق مانند کشورهای واقع در اقلیم خشک و نیمه‌خشک از یک‌سو متأثر از موقعیت جغرافیایی این مناطق است. در قرن گذشته در سطح جهانی استفاده از آب بیش از دو برابر سریع‌تر از رشد جمعیت افزایش داشته است. فشار بر منابع آب در چندین بخش از جهان بویژه چین، هند، پاکستان، خاورمیانه و بسیاری از کشورها در آفریقا در حال افزایش است. بخش زیادی از آب موجود نیز هدر می‌رود، آلوده می‌شود و به‌گونه‌ای ناپایدار مدیریت می‌شود و مشکل کمبود آب را تشدید می‌کند. علل اصلی کمبود آب شامل آلودگی و کاهش کیفیت آب، استفاده نادرست از منابع آب، تغییر اقلیم و تقاضای رو به رشد آب شیرین ناشی از افزایش جمعیت می‌باشد. از آنجاکه انتظار می‌رود جمعیت جهان در دهه‌های آینده رشد کند منابع آبی بایستی به‌طور مؤثرتری مدیریت شوند.

راه‌هایی برای صرفه‌جویی در مصرف آب و جلوگیری از کمبود آن وجود دارد. بهبود زیرساخت‌های آب یک اقدام اساسی در مدیریت پایدار آب است. سیستم‌های آبیاری هوشمند نمونه‌ای از فناوری برای کنترل و بهره‌وری آب در بخش کشاورزی

است که این بخش بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب می‌باشد. جمع‌آوری آب باران و فاضلاب‌های بازیافتی نیز باعث کاهش کمبود و کاهش فشار بر روی آب‌های زیرزمینی و دیگر منابع آب می‌گردد. تغذیه آب‌های زیرزمینی یک فرآیند شناخته‌شده برای جلوگیری از کمبود آب است. کنترل آلودگی آب و تصفیه بهتر فاضلاب و بهبود سیستم‌های فاضلاب در مناطق خاص راه دیگری برای جلوگیری از بدتر شدن کمبود آب است. آموزش و آگاهی بخشی برای حل بحران آب بسیار حیاتی است که امروزه تمرکز بر این راه‌حل‌هاست. متأسفانه در کشور ما، این رویکردها در اولویت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان بخش آب قرار ندارد و شیوه‌های ناپایدار از جمله استخراج آب‌های ژرف و انتقال آب موردتوجه است.

♦♦ ارزیابی شما از سوابق سیاست‌های آب زیرزمینی در ایران

چيست؟

آب زیرزمینی نقش بسیار مهمی در تامین تقاضای آب دارد. بهره‌برداری بدون برنامه و بیش‌ازاندازه آب زیرزمینی سبب مشکلات جدی در آبخوان‌ها گردیده است. سیاست‌ها و حکمرانی آب زیرزمینی در ایران چندان واضح و موفق نبوده است. حتی امروزه نیز سیاست مشخصی در این بخش موجود نیست. همواره برداشت آب زیرزمینی در پاسخ به تقاضای آب در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی، صنعت، شرب و ... بر میزان تغذیه آن پیشی داشته است. قوانین و شیوه‌های تصمیم‌گیری در مورد سیاست آب زیرزمینی و اجرای آن



جمله شرایط اقلیمی، نوع فرهنگ تعرفه و قوانین بازدارنده، تجهیزات کاهنده مصرف و ... بستگی دارد، اما در بسیاری از کشورها که دارای منابع آبی بیشتری نسبت به ایران هستند، سرانه مصرف آب از کشور ایران پایین‌تر است. بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت دلایل اصلی بالا بودن سرانه مصرف آب در ایران با ملاحظه شرایط اقلیمی و فرهنگی، نبود تعرفه‌های مشخص و قوانین بازدارنده و همچنین عدم آموزش و آگاهی مصرف‌کنندگان و عدم استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب می‌باشد. مصرف‌کنندگان آب شیرین در کشور ایران چندان مشخص و تعریف شده نیستند؛ به‌عنوان مثال بخش زیادی از آب شیرین در شهرهای ایران در بخش ساختمان‌سازی و سایر بخش‌ها مصرف می‌گردد، در صورتی که در بسیاری از این مناطق کمبود آب شرب وجود دارد.

◆ **شاخصه عملکرد زیست‌محیطی نشان می‌دهد کشورمان از نظر کارآمدی کشاورزی در رده ۱۱۳ از ۱۸۱ دنیا قرار گرفته است و یا از نظر تولید فولاد به‌عنوان یک صنعت آب‌بر در رده ۱۱ جهان است، این جای تعمق دارد، به نظر شما چرا به سمت کارآمدی بیشتر در کشاورزی و یا مصرف موجه در صنعت نرفته‌ایم؟**

شاخص‌های عملکرد زیست‌محیطی ایران در بخش کشاورزی ۳۳٫۶ می‌باشد که بر این اساس در بین ۱۸۰ کشور در جایگاه ۱۱۳ قرار دارد. این معیار در موضوع کشاورزی بر اساس شاخص مدیریت پایدار نیتروژن (SNMI) اندازه‌گیری می‌شود که عملکرد بخش کشاورزی را برای حمایت از جمعیت سالم و درعین‌حال به حداقل رساندن تهدیدات کشاورزی برای محیط‌زیست را بیان می‌کند. قریب به ۲۰ درصد از جمعیت شاغل ایران در بخش کشاورزی فعال هستند، اما سهم این بخش در کل تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۰ درصد می‌باشد. با اتکا به این داده‌ها و واقعیت‌های موجود، کشاورزی فعلی در گستره ایران نه‌تنها موفق نبوده بلکه آسیب‌های

همواره نامعلوم بوده است. توسعه کشاورزی و افزایش سطح زیر کشت مهم‌ترین عامل افت سطح آب‌های زیرزمینی در ایران تلقی می‌شود. اجرای این سیاست‌های ناکارآمد که به قبل از انقلاب برمی‌گردد نه‌تنها هرگز متوقف نگردید، بلکه امروزه نیز ادامه دارد. در نتیجه این سیاست‌ها، بحران کمبود و کاهش عرضه آب رخ داده است. عدم کارشناسی علمی و نظارت دقیق بر الگوهای کشت و شیوه‌های بهره‌برداری، اختصاص و اجرای آبیاری در بخش کشاورزی بحران کمبود آب را تشدید کرده است. ارزش واقعی آب در برابر ارزش اقتصادی محصولات کشاورزی تعیین نگردیده است. بسیاری از محصولات کشاورزی با احتساب میزان آب مصرفی در شرایط کمبود و بحران آب توجیه ندارند. مطالعات علمی بر روی گونه‌های مقاوم به تنش آب بایستی تسریع گردد. مدیریت تقاضای آب با هدف صرفه‌جویی در منابع آب سطحی و زیرزمینی در راستای کاهش شدت بحران کمبود آب بایستی مدنظر قرار گیرد. به‌طور کلی اقدامات برای بهبود و بازیابی شرایط نیازمند اتخاذ سیاست‌های علمی و سخت‌گیرانه در بخش‌های پرمصرف آب بویژه کشاورزی می‌باشد. هرگونه تأخیر در اینباره شرایط بازگشت را ناممکن‌تر می‌سازد.

◆ **از ایران به‌عنوان ششمین مصرف‌کننده بزرگ آب شیرین در دنیا یاد می‌شود، آن هم پس از کشورهای پرجمعیت جهان با اقتصادهای بزرگ، چرا چنین است؟**

از لحاظ مصرف آب سالانه، ایران با بیش از ۹۳ میلیارد مترمکعب مصرف آب، بعد از کشورهای هند، چین، ایالات‌متحده، اندونزی و پاکستان در جایگاه ششم قرار گرفته است. به‌طور جهانی، بخش کشاورزی ۷۰ درصد تمام آب‌ها را مصرف می‌کند، صنعت ۲۰ درصد و مصارف خانگی ۱۰ درصد از آب را مصرف می‌کنند. در کشور ایران، سهم بخش کشاورزی در مصرف آب بسیار بالا بوده و بیش از ۹۰ درصد می‌باشد. بنابراین یکی از دلایل اصلی مصرف زیاد آب ایران، مصرف آب در بخش کشاورزی است. تقاضا برای آب شیرین نیز در نیم‌قرن گذشته به‌شدت افزایش داشته، به‌گونه‌ای که برداشت آب شیرین در این برهه زمان سه برابر شده است. افزایش جمعیت و تغییرات سریع در سبک زندگی و عادات غذایی در دهه‌های اخیر تأثیر قابل‌توجهی بر تقاضا و مصرف آب در سطح جهانی و کشوری را داشته است. ایران از لحاظ برداشت و مصرف آب شیرین نیز جزو ۱۰ کشور اول است؛ با وجود اینکه از لحاظ منابع آب شیرین جزو ۵۰ کشور اول هم نیست. سرانه مصرف آب در مناطق شهری ایران برای کل مصارف بیش از ۲۰۰ لیتر به ازای هر نفر در روز است که نسبت به سایر کشورها عدد بسیار بزرگی است. هرچند سرانه مصرف آب به عوامل متعددی از

علاوه بر صنایع

فولاد، سایر

صنایع مانند

خودروسازی

نیز به‌درستی

مکان‌گزینی

نشده‌اند، روند رو

به‌گسترش صنایع

در ایران مرکزی

بایستی متوقف

گردد. صنایع آب‌بر

بایستی درصدی

از درآمد خود را

صرف مدیریت

تقاضای آب نموده

و مشکل کمبود

آب را جدی بگیرند

متأسفانه این

صنایع به‌جای

سرمایه‌گذاری

در بخش آب

در بخش

فعالیت‌های

ورزشی هزینه

می‌کنند و دغدغه

آن‌ها مشکل آب

نیست.

بخش شرب بسیار بالاست و به همین دلیل با افت شدید منابع آب زیرزمینی بویژه در دشت‌های استان مواجه هستیم. راهکارها برای کاهش اثرات بحران کم‌آبی در استان کرمان شامل مدیریت مصرف آب، توسعه زیرساخت‌های آب از جمله توسعه سیستم‌های آبیاری نوین، تغییر سیستم توزیع آب شرب شهری، توسعه سیستم‌ها و ابزارهای کاهنده مصرف آب، نصب کنتورهای هوشمند برداشت آب در چاه‌های کشاورزی و نظارت مداوم آن‌ها، کاهش پروانه‌های برداشت آب، تغییر الگوی کشت، تغذیه منابع آب زیرزمینی، اجرای پروژه‌های آبخیزداری و ... است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند از شدت بحران آب استان بکاهد. در بخش کشاورزی و صنعت باید ارزش اقتصادی آب و محصول مورد بررسی دقیق‌تر واقع گردد. در دشت‌های جنوبی استان آب در بخش کشاورزی صرف تولید محصولاتی می‌گردد که نه تنها ارزش اقتصادی ندارند، بلکه آثار منفی زیست‌محیطی نیز ایجاد می‌کنند. استان کرمان علیرغم واقع شدن در محیط خشک، استان سیلاب‌خیزی نیز هست و هر ساله حجم زیادی از آب استان به دلایل عدم اجرای طرح‌های آبخیزداری از دسترس استفاده خارج شده و سبب ایجاد خسارت می‌گردد، باید با برنامه‌ریزی کارآمد، تهدید سیلاب به فرصتی برای تغذیه منابع آب زیرزمینی تبدیل گردد. سازگاری با کم‌آبی در برابر طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای آب در استان کرمان بایستی در اولویت متولیان بخش آب قرار گیرد. امروزه طرح‌های انتقال آب در استان با هزینه‌های کلان در حال اجراست که نمی‌تواند نسخه کارآمدی برای بهبود بحران آب استان باشد.

◆ در مورد عوامل فرورنشست زمین و چرایی گسترش روزافزون ابعاد آن توضیح دهید.

فرورنشست زمین علل مختلفی دارد. مهم‌ترین علل فرورنشست زمین می‌تواند شامل عوامل طبیعی مانند زلزله و عوامل انسانی مانند برداشت‌های بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی باشد. مقیاس فرورنشست زمین ناشی از عوامل انسانی بسیار گسترده و جدی است. فرورنشست زمین در دشت‌های ایران مرکزی که عمده نیاز آبی بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی به منابع آب زیرزمینی متکی است، بسیار بیشتر است. وضعیت فرورنشست زمین در دشت‌های ایران مرکزی بسیار نگران‌کننده و جدی است. البته برخی فرورنشست‌ها در مقیاس کوچک مانند فضای شهری عمدتاً ناشی از مسائل حفاری است. بیش از نیمی از دشت‌های ایران دچار فرورنشست زمین هستند. این وضعیت در استان‌های کرمان، اصفهان، فارس و خراسان رضوی و جنوبی بسیار حال است. پدیده فرورنشست زمین در این مقیاس به دلیل افت سطح آب زیرزمینی اتفاق می‌افتد. برداشت

زیست‌محیطی نیز ایجاد کرده است، برای این منظور لازم است در سیاست‌های کلان بازنگری گردد. اقدامات بایستی در جهت گذار از کشاورزی رایج به پایدار انجام گیرد. برای نیل به این هدف لازم است سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌های تولید از جمله دذر، کود، سیستم‌های آبیاری و روش‌های مناسب کشاورزی انجام گیرد. از لحاظ تولید فولاد نیز ایران در جایگاه دهم قرار دارد. صنایع فولاد از جمله بزرگ‌ترین صنایع مصرف‌کننده آب به شمار می‌روند. استقرار این صنایع در استان‌هایی مانند اصفهان و کرمان که به‌طور طبیعی با مشکل کمبود آب مواجه هستند، دلایل موجه ندارد. علاوه بر صنایع فولاد، سایر صنایع مانند خودروسازی نیز به‌درستی مکان‌گزینی نشده‌اند. روند رو به گسترش صنایع در ایران مرکزی بایستی متوقف گردد. صنایع آب‌بر بایستی درصدی از درآمد خود را صرف مدیریت تقاضای آب نموده و مشکل کمبود آب را جدی بگیرند متأسفانه این صنایع به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش آب در بخش فعالیت‌های ورزشی هزینه می‌کنند و دغدغه آن‌ها مشکل آب نیست.

◆ شما به‌عنوان یک متخصص چه نسخه و برای چه طول درمانی برای درمان اثرات بحران کم‌آبی در استان کرمان می‌نویسید؟

استان پهناور کرمان در منطقه خشک واقع شده و به‌طور طبیعی با کمبود آب مواجه است. میزان وابستگی به منابع آب زیرزمینی در استان کرمان چه در بخش کشاورزی و چه در



از آنجاکه مهم‌ترین دلیل فرونشست زمین بحث برداشت بی‌رویه منابع آب زیرزمینی، شناخته و معرفی می‌گردد؛ بنابراین مهم‌ترین راهکار برای کنترل این پدیده و توقف آن نیز مدیریت برداشت و مصرف آب می‌باشد. برای دستیابی به این هدف بایستی اقداماتی از قبیل استفاده درست و کارآمد از منابع آبی، تغذیه آبخوان‌ها، ممنوعیت استفاده بیش‌ازحد از منابع آب زیرزمینی، تصفیه آب‌های شهری و استفاده مجدد از آن‌ها، کاهش مصرف‌کنندگان آب شامل کاهش سطح کشاورزی و صنایع و ... انجام گیرد.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

کمبود فیزیکی آب در ایران طبیعی است. ایران سرزمین خشک بوده و از لحاظ منابع آبی فقیر می‌باشد. شرایط اقلیمی ایران با تعداد اندک بارش سالانه و تغییرپذیری بالای مکانی و زمانی آن سبب گردیده است تا کمبود طبیعی آب در برخی مناطق مانند ایران مرکزی به‌مراتب بیشتر احساس گردد. سازگاری با این شرایط کلید اصلی بحران آب می‌باشد. پیشینیان ایران زمین با ابداع شیوه‌های مدیریت آب در بخش کشاورزی و سایر بخش‌های آبربر با این شرایط سازگار شده بودند، اما امروزه نتیجه رشد سریع جمعیت، نیازهای مصرف آب به‌شدت افزایش داشته است. بنابراین استحصال منابع آب جهت مصرف در بخش‌های گوناگون به‌شدت افزایش یافته است. به‌گونه‌ای که تقاضا و مصرف آب به‌مراتب از موجودی آب فراتر است. پیامدهای این وضعیت کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، تخریب کیفیت آب‌و‌خاک، بیابان‌زایی و طوفان‌های گردوغباری است. این وضعیت معیشت ساکنان این سرزمین را به‌شدت تهدید و مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی ایجاد می‌کند که مهاجرت‌های اقلیمی نمونه‌ای از آن است. امروزه طرح‌های متنوعی برای تعدیل بحران کم‌آبی و کمبود آب در جای‌جای ایران مطرح و بعضاً اجرا می‌شود. بسیاری از این طرح‌ها با موضوع توسعه منابع جدید آب مانند آب‌های ژرف و انتقال بین‌حوزه‌ای آب است.

سخن پایانی بنده این است که ایران درگیر کمبود اقتصادی آب در نتیجه مدیریت ضعیف و ناکارآمد آب موجود است و بایستی شیوه‌های مصرف آب در ایران موردبازنگری قرار گیرد و اقدامات عاجل در جهت مدیریت مصرف آب موجود در تمام بخش‌ها بویژه کشاورزی و صنعت به‌عنوان پرمصرف‌ترین بخش‌ها صورت گیرد. طرح‌های انتقال بین‌حوزه‌ای آب و ایجاد منابع جدید آب به دلایل مختلف نمی‌تواند منابع آب پایدار در اختیار ساکنان پرمصرف این سرزمین قرار دهد. ◆◆

بیش‌ازحد از منابع آب زیرزمینی از طریق چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در همراهی با شرایط خشک‌سالی وضعیت بحرانی در این مناطق ایجاد نموده است. مکان‌گزینی صنایع آبربر در ایران مرکزی نیز به تشدید این وضعیت منجر شده است.

◆ ظاهرآ فرونشست زمین ابتدا در استان کرمان و شهرستان رفسنجان مشاهده شده است، امروز وضعیت فرونشست زمین در استان کرمان چگونه است؟

فرونشست زمین در بخش‌های شمالی استان کرمان از جمله دشت رفسنجان در دهه ۴۰ گزارش شده است و از این حیث می‌توان گفت پدیده فرونشست زمین در استان کرمان دارای پیشینه طولانی می‌باشد، اما آنچه مهم است، این است که این پدیده هرگز متوقف نشده و در دهه‌های بعدی گسترش یافته و به سایر بخش‌های استان سرایت نموده و امروزه این پدیده در تمام دشت‌های استان کرمان با درجات متفاوت مشاهده می‌گردد. امروزه شدت فرونشست در دشت‌های بخش جنوبی و جنوب غربی استان کرمان به‌مراتب شدیدتر از بخش‌های شمالی آن ارزیابی می‌شوند. دشت‌های فاریاب، جیرفت، عنبرآباد و ... امروزه با شدت بالای فرونشست مواجه هستند.

◆ مهم‌ترین عوارض آسیب‌رسان مشهود فرونشست زمین چیست؟

به‌طور کلی پیامدهای فرونشست زمین فوری نبوده و به‌تدریج نمود می‌یابند؛ زیرا فرآیند فرونشست زمین، فرآیندی تدریجی بوده و گاهآ آثار سطحی این پدیده نیز به‌راحتی در سطح زمین قابل‌تشخیص نیست؛ بویژه در مراحل اولیه آن، اما عوارض و پیامدهای طولانی‌مدت ناشی از این پدیده بسیار زیاد است، مناطق شهری به سبب تراکم جمعیت و زیرساخت‌های حیاتی آن در برابر فرونشست زمین بسیار آسیب‌پذیر هستند. این پدیده می‌تواند به خیابان‌ها، پل‌ها، خطوط آبرسانی و شبکه فاضلاب و ... آسیب برساند. خطوط راه‌آهن، سدها، تصفیه‌خانه‌ها و ... نیز نسبت به فرونشست زمین بسیار آسیب‌پذیر هستند. فرونشست زمین سبب از بین رفتن حاصل‌خیزی خاک و مرگ آبخوان‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی می‌گردد که بخش کشاورزی را بسیار متأثر نموده و مسائل زیست‌محیطی ایجاد می‌کند. اثرات فرونشست زمین در استان کرمان به دلیل شرایط زلزله‌خیزی و بافت خاک آن به‌شدت آسیب‌رسان است و بایستی اقدامات فوری برای توقف این پدیده صورت گیرد.

◆ به نظر شما برای کاهش خطر فرونشست زمین و کنترل و توقف آن در کشور، مهم‌ترین کار چیست؟

ایران درگیر کمبود

اقتصادی آب

در نتیجه مدیریت

ضعیف و ناکارآمد

آب موجود

است و بایستی

شیوه‌های مصرف

آب در ایران

موردبازنگری قرار

گیرد و اقدامات

عاجل در جهت

مدیریت مصرف

آب موجود در

تمام بخش‌ها

بویژه کشاورزی و

صنعت به‌عنوان

پرمصرف‌ترین

بخش‌ها صورت

گیرد. طرح‌های

انتقال بین

حوزه‌ای آب

و ایجاد منابع

جدید آب به

دلایل مختلف

نمی‌توانند منابع

آب پایدار در

اختیار ساکنان

پرمصرف این

سرزمین قرار

دهد.



سوار بر ریل منابع



♦ **بتول علیزاده**

کارشناس پژوهش مرکز مطالعات اتاق کرمان

به‌طور کلی منطقه خاورمیانه از جمله مناطقی است که به‌شدت دچار محدودیت منابع آب شیرین است به‌طوری که گفته می‌شود آب در آینده در این منطقه همچون نفت مورد معامله قرار خواهد گرفت. براساس گزارش ورلد مترز سرانه مصرف آب در کشور ما ۱۳۵۰ مترمکعب در سال است که این میزان بیش از دو و نیم برابر سرانه متوسط جهانی است و باعث برداشت ۸۰ درصد منابع آب‌های تجدید شونده کشور شده است در حالی که این میزان برای کشورهای جهان به‌طور متوسط ۴۵ درصد است. سازمان ملل متحد طی گزارش سالیانه خود، تحت عنوان توسعه جهانی آب اعلام کرده در کشورهای با درآمد سرانه

آب به‌عنوان محور توسعه پایدار به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های قرن حاضر جامعه بشریت مبدل گشته است که می‌تواند سرمنشأ بسیاری از تحولات مثبت و منفی جهان باشد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد کشورهای با درآمد سرانه کم و تنش آبی زیاد (که تا سال ۲۰۲۵ حدود هفت میلیارد نفر از جهان را شامل می‌شوند) اولین قربانیان بحران آب در جهان خواهند بود. با جمعیت کنونی جهان سهم سرانه هر فرد از تمام آب کره زمین (حدود ۳۶ میلیون کیلومترمکعب) ۷۴۰۰۰ مترمکعب برآورد می‌شود و این میزان بیشتر از حد استاندارد لازم برای هر فرد است، اما این آب توزیعی نابرابر دارد و حدود دو سوم آن به‌صورت تبخیر از دسترس خارج می‌شود و حدود ۱۴۰۰۰ کیلومترمکعب آن منبعی نسبتاً پایدار تشکیل می‌دهد. نکته دیگر این‌که تنها بخشی از منابع آب‌های موجود و در دسترس، تجدید پذیر بوده و بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع آب که از طریق آبخوان‌ها برداشت می‌شوند تجدید ناپذیر هستند.

بالا ۵۹ درصد مصرف آب به بخش صنعت، ۳۰ درصد به بخش کشاورزی و ۱۱ درصد به بخش شرب اختصاص دارد، اما متأسفانه در کشور ما بیش از ۹۰ درصد منابع آب در بخش کشاورزی به صورت سنتی، غیراستاندارد و با بهره‌وری بسیار پایین مورد مصرف قرار می‌گیرد (نمودار ۱)؛ این در شرایطی است که بیش از ۵۵ درصد از مصرف آب کشور به آب‌های زیرزمینی متکی است.

تخصیص عمده سهم آب کشور به حوزه کشاورزی از آنجا مورد نکوهش قرار می‌گیرد که شاهد هستیم از این منبع کمیاب و حیاتی برای تولید محصولاتی استفاده می‌شود که به ازای آن ارزش افزوده بالایی عاید کشور نمی‌شود؛ به‌عنوان مثال بر مبنای گزارش‌های کارشناسی اندیشکده تدبیر آب ایران، ارزش‌آوری گندم در کشور به ازای مصرف یک مترمکعب آب ۰/۸ دلار، ارزش‌آوری ذرت به ازای مصرف یک مترمکعب آب ۰/۱۲ دلار و ارزش‌آوری عدس به ازای مصرف یک مترمکعب آب ۰/۲۴ دلار است در حالی که ارزش جهانی هر مترمکعب آب بیش از ۲ دلار است! نکته قابل توجه این‌که در این گزارش ارزش‌آوری پسته که به‌عنوان یکی از کالاهای اصلی صادراتی استان شناخته می‌شود، به ازای مصرف یک مترمکعب آب ۰/۹۳ دلار محاسبه شده است، همچنین در مورد هندوانه برخلاف تصور عام و همه ذهنیتی که در خصوص صادرات آب مجازی در مورد آن ایجاد شده، ارزش‌آوری به ازای مصرف یک مترمکعب آب ۱/۲ دلار برآورد شده است.

آب و مطالعات سند آمایش سرزمین

اصولاً مطالعات آمایش سرزمین کشورها با هدف استفاده بهینه و عقلایی از منابع موجود در جهت دستیابی به اهداف کلان شامل: عدالت رشد، توسعه متوازن و یکپارچه انجام می‌شود. در ایران تجربه اول مطالعات آمایش سرزمین که در دهه ۵۰ و توسط شرکت فرانسوی ستیران انجام شد، با وجود رهنمودهای درست مانند هشدار نسبت به پیامدهای رشد سریع اقتصادی، جهش‌های بزرگ جمعیتی، استفاده بیش از حد از منابع طبیعی و نیز توصیه به بهره‌برداری از آب‌های غیرمتعارف و بازچرخانی آب، همچنین دارای ضعف‌های جدی از جمله تأکید بر بهره‌برداری حداکثری از آب‌های زیرزمینی و تمرکزگرایی در تمام ابعاد است. در تجربه دوم که در دهه ۱۳۶۰ انجام شد، نیز تأکید بر توسعه به مفهوم رشد بوده است و در مقوله آب به بهره‌برداری حداکثری از منابع آب منجر شده و به مفهوم اضافه برداشت از آب زیرزمینی و ظرفیت منابع آب توجه نشده است. در تجربه سوم که در بازه سال‌های ۱۳۷۷ الی ۱۳۸۳ انجام شد به‌درستی، ضرورت ایجاد محدودیت‌هایی برای مصارف آب در حوزه کشاورزی، افزایش راندمان آب با استفاده از مهار آب، شیوه‌های مدرن آبیاری، توسعه شیوه‌های تولید متراکم و گلخانه‌ای در مناطق کم آب کشور مورد توجه قرار گرفت، اما دارای ضعف‌های جدی از جمله تأکید بر بهره‌برداری

کشورهای با درآمد سرانه بالا



ایران



نمودار ۱: سهم بخش‌های مختلف در میزان مصرف آب

بر اساس

مطالعات آمایش

سرزمین، استان

کرمان در سال

۱۳۹۳، حدود ۹۲۰

میلیون مترمکعب

اضافه برداشت

از منابع زیرزمینی

داشته است. بر

همین مبنای برآورد

شده که از سال

۹۳ تاکنون، این

اضافه برداشت،

مجموعاً به بیش

از ۲۲ میلیارد

مترمکعب رسیده

است! به استناد

همین گزارش،

ارزش افزوده

ایجادشده به

ازای هر مترمکعب

آب در حوزه

کشاورزی استان،

۲۷۰۰ تومان

بوده، در حالی

که ارزش افزوده

ایجادشده به ازای

هر مترمکعب آب

در حوزه صنعت

۱۱۳۰۰۰ تومان و

در حوزه صنعت

۶۵۰۰۰۰ تومان

بوده است

هر مترمکعب آب در حوزه کشاورزی استان، ۲۷۰۰ تومان بوده، در حالی که ارزش افزوده ایجادشده به ازای هر مترمکعب آب در حوزه صنعت ۱۱۳۰۰۰ تومان و در حوزه صنعت ۶۵۰۰۰۰ تومان بوده است (نمودار ۲).

از سوی دیگر به ازای مصرف ۱۰۰۰ مترمکعب آب در حوزه کشاورزی، ۰/۴۸ نفر اشتغال ایجاد شده، این عدد در حوزه صنعت ۳/۲ نفر به ازای مصرف ۱۰۰۰ مترمکعب آب و در حوزه خدمات ۰/۹۷ نفر اشتغال بوده است. به طور کلی برای کل اقتصاد استان به ازای هر مترمکعب ۱۴۲۵۰ تومان ارزش افزوده و به ازای ۱۰۰۰ مترمکعب ۰/۱۲ نفر اشتغال ایجاد شده که همان طور که در نمودارهای ۲ و ۳ قابل مشاهده است، این مقدار تنها حدود ۵۰ درصد متوسط کشوری بوده است.

سخن آخر

با توجه به آنچه به اختصار بیان شد، به نظر می رسد توجه به چالش های مدیریت آب، اصلاح ساختار اقتصادی، حفاظت کمی و کیفی و راهکارهای افزایش بهره‌وری آب استان و همچنین پارامترهای تعیین کننده آن ها، بسیار حائز اهمیت است؛ به عنوان مثال، در مقوله بهره‌وری آب باید پارامترهای ناکارآمدی سیستم های تخصیص آب، ضعف رابطه متقابل و سازنده بین سازمان های دولتی و مصرف کنندگان آب، پائین بودن سطح آگاهی و دانش بهره برداران خصوصاً بهره برداران بخش کشاورزی (به عنوان بزرگترین مصرف کننده آب در کشور و استان) باید مورد توجه جدی و اصلاح قرار گیرند. البته باید توجه داشت که این وضعیت اگرچه در چند سال گذشته بیشتر حول محور آب و مشکلات مربوط به آن بیان شده اما خاک، منابع انرژی و محیط زیست نیز به همان اندازه مورد اهمیت و متأسفانه تحت خطر نابودی قرار دارند به عبارت بهتر بحران آب تنها نوک کوه یخ است که بیشتر در معرض توجه قرار گرفته است.

در پایان به نظر می رسد ادامه روند فعلی در استان نتیجه ای جز نابودی تدریجی منابع نخواهد داشت، اگر ریل اقتصاد استان را تغییر ندهیم بیست سال آینده اقتصاد استان کاملاً قابل پیش بینی است در نتیجه قطعاً انتخابی به جز تغییر و اصلاح ساختار اقتصادی وجود ندارد، اصلاح ساختاری که استراتژی اصلی آن اولاً حرکت به سمت فعالیت های با ارزش افزوده بالا و اصطلاحاً دانش بنیان و دوماً ارتقای بهره‌وری منابع به طور ویژه آب باشد. ♦♦

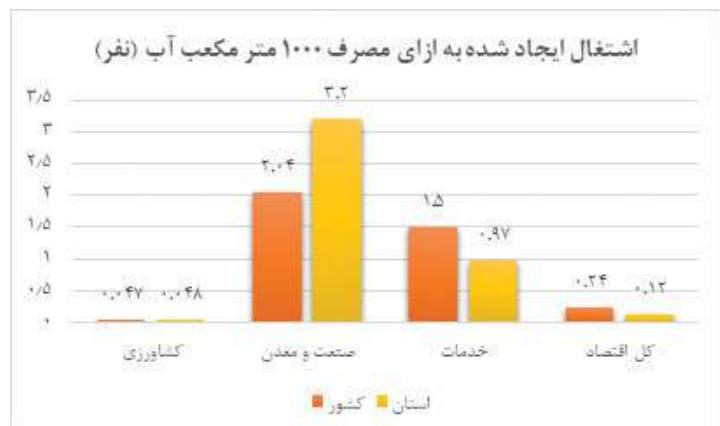
حداکثری از منابع آب بر محور امنیت غذایی و توسعه کشاورزی و اهتمام به توسعه به مفهوم رشد بوده است و مانند مطالعات پیشین در این سند نیز به مسئله اضافه برداشت از آب های زیرزمینی توجه نشده است. در آخرین مطالعات آمایش سرزمین (مصوب ۱۳۹۹) با استفاده از تجربه این سه دوره مطالعات و با در نظر گرفتن رویکرد توسعه پایدار، بستر زیست محیطی و منابع آب به عنوان مبنایی برای استقرار فعالیت ها و جمعیت در آینده در نظر گرفته شده است.

وضعیت بهره‌وری آب در استان

بر اساس مطالعات آمایش سرزمین، استان کرمان در سال ۱۳۹۳، حدود ۹۲۰ میلیون مترمکعب اضافه برداشت از منابع زیرزمینی داشته است. بر همین مبنا برآورد شده که از سال ۹۳ تاکنون، این اضافه برداشت، مجموعاً به بیش از ۲۲ میلیارد مترمکعب رسیده است! به استناد همین گزارش، ارزش افزوده ایجادشده به ازای



نمودار ۲: ارزش افزوده ایجاد شده به ازای مصرف یک مترمکعب آب (تومان)



نمودار ۳: اشتغال ایجاد شده به ازای مصرف ۱۰۰۰ مترمکعب آب (نفر)

رویدادها



عمان می‌تواند شریک تجاری خوبی برای کرمان باشد

(۲ دی، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان با بیان اینکه اگر اقتصاد استان صادرات محور شود می‌توان ادعا کرد از منابع خدادادی به درستی استفاده شده است، گفت: برای توسعه کرمان چاره‌ای جز تکیه بر صادرات وجود ندارد که در این بین عمان می‌تواند شریک تجاری خوبی برای کرمان باشد. سیدمهدی طبیب‌زاده در همایش توسعه روابط تجاری استان کرمان با کشور عمان، افزود: اتاق کرمان همه ظرفیت خود را برای رونق صادرات و اقتصاد استان به کار می‌گیرد که یکی از راه‌های توسعه صادرات، توسعه روابط تجاری با کشورهای دوست و همسایه مانند عمان است. وی گفت: استراتژی اتاق کرمان در راستای توسعه بازار و برونگرا کردن اقتصاد، توسعه تجارت با کشورهایی است که روابط مناسب با دنیا و تعرفه‌های ترجیحی دارند و عمان می‌تواند دروازه ورود محصولات استان به ۸۰ کشور دنیا از جمله کشورهای آفریقایی باشد.



همچنین هیئت تجاری ۱۶ نفره عمانی، پس از این همایش به برگزاری بیش از ۶۰ نشست BYB با فعالان اقتصادی استان کرمان در زمینه‌های مختلف پرداخت و در ادامه سفر به کرمان، از ظرفیت‌های مختلف استان بازدید نمود.



دبیر کل اتاق کرمان: مشاوره تخصصی به بانوان کارآفرین ارائه می شود

و صادرات اشاره و تصریح کرد: متأسفانه آن طور که باید به مسائل بانوان در استان توجه نشده و باید در شرایط کنونی بحران اقتصادی و کرونا کارگروه ویژه بانوان در زمینه رفع موانع تولید و مشکلات اقتصادی بانوان در استان تشکیل شود.



(۵ دی، ۱۴۰۰)

دبیر کل اتاق کرمان گفت: مشاوره تخصصی رایگان در حوزه‌های مختلف مرتبط با مسائل اقتصادی از جمله بیمه، بانک، مالیات، کسب‌وکار، توسعه بازار، صادرات و ... به بانوان کارآفرین استان توسط اتاق کرمان ارائه می‌شود.

حسن امیری به ارائه تسهیلات برای ایجاد مشاغل خانگی توسط بانک رسالت اشاره و بیان کرد: قرار بود ۱۲ هزار نفر با ارائه تسهیلات خوداشتغالی شاغل شوند که در مرحله اول این طرح، ۲۰ هزار نفر ثبت‌نام کردند که تاکنون به حدود ۵ هزار نفر تسهیلات داده شده و مابقی آن‌ها منوط به تأمین منابع مالی بانک رسالت است. در ادامه این نشست فاطمه‌السادات حسینی مشاور وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بانوان، به ظرفیت اتاق بازرگانی کرمان برای رفع مسائل و مشکلات زنان کارآفرین و صنعتگر برای عرضه محصول

ظرفیت‌های حوزه سلامت استان به تاجران عمانی معرفی شد



هدف توسعه همکاری ایران و عمان در حوزه توریسم سلامت بازدید کردند.

(۵ دی، ۱۴۰۰)

همزمان با سفر رئیس اتاق بازرگانی استان البریمی عمان و هیئت تجاری اقتصادی همراه وی، در بازدیدی ظرفیت و توانمندی‌های حوزه سلامت استان به تاجران عمانی معرفی شد.

رئیس کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان در این بازدید گفت: در بخش گردشگری سلامت موضوعاتی در زمینه‌های مختلف از جمله سخت‌افزارها و نرم‌افزارها بررسی و توانمندی‌های استان بویژه در حوزه تجهیزات پزشکی ارائه شد که مورد استقبال هیئت عمانی قرار گرفت. محمدرضا بهرامی، همچنین نوید همکاری کشور عمان با دانشگاه علوم پزشکی کرمان در زمینه سلول‌های بنیادی و سرمایه‌گذاری در بیمارستان در حال ساخت آرمین را داد. گفتنی است هیئت عمانی از بیمارستان مهرگان، مرکز جامع سلول درمانی و پزشکی بازساختی و بیمارستان در حال ساخت آرمین، با

اخبار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان را از این پنجره ببینید:

www.otagh-bazargani.com

رئیس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری خبر داد: آمادگی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نیروگاهی استان

طرح‌های توسعه‌ای استان کرمان توسط کمیسیون سرمایه‌گذاری و امور زیربنایی اتاق بازرگانی استان با همکاری مؤثر معاونت محترم امور عمرانی استانداری و دستگاه‌های متولی مربوطه در دست تهیه است.



(۸ دی، ۱۴۰۰)
رئیس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری اتاق کرمان گفت: بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نیروگاهی استان آماده است زیرا توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر به‌عنوان بخش مهمی از نتایج سند توسعه زیرساخت‌های استان ضروری است. از سری جلسات کارگروه توسعه زیرساخت‌های استان، جلسه‌ای با موضوع بررسی میزان تولید و مصرف برق در افق ۱۵ ساله پیش رو در دفتر معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری کرمان برگزار شد. در این جلسه علی نقوی گفت: الزام توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کنار توسعه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی به‌عنوان بخش مهمی از نتایج سند توسعه زیرساخت‌ها در بخش برق است. قابل ذکر است سند توسعه زیرساخت‌های استان با هدف پیش‌بینی زیرساخت‌های موردنیاز و متناسب با



فعالان اقتصادی مدرسه‌ساز کرمان تجلیل شدند

سازمانی و در راستای مسئولیت‌های اجتماعی خود پس از اینکه نسبت به کمبود فضای آموزشی در کرمان اطلاع پیدا کرد نهضت مدرسه‌سازی را تحت عنوان کرمان دانا راه‌اندازی کرد که خیرین و فعالان اقتصادی بسیاری با این پویش همراه شدند.



(۱۵ دی ۱۴۰۰)
خیرین و فعالان اقتصادی مدرسه‌ساز در آئینی با حضور وزیر آموزش و پرورش در محل مدارس اتاق بازرگانی کرمان تجلیل شدند. وزیر آموزش و پرورش در این همایش گفت: اگر خیرین نبودند آموزش و پرورش کشور با مشکلات بسیار زیادی روبرو بود و خیرین قدیمی و مستقل مانند «عطا احمدی» نقش بی‌بدیلی در آموزش قبل و بعد از انقلاب داشته‌اند. یوسف نوری، افزود: از راه‌اندازی پویش کرمان دانا تشکر و دغدغه اتاق کرمان را در زمینه توسعه مهارت‌آموزی درک می‌کنیم زیرا برای رسیدن به شاخص‌های اقتصادی و انسانی و ضریب جینی (شاخص محاسبه توزیع ثروت در میان مردم) باید به بحث مهارت‌آموزی بیشتر پرداخته شود. در ادامه رئیس اتاق کرمان نیز گفت: اتاق خارج از وظایف

راه‌اندازی مرکز مدرن دیابت کرمان بررسی شد

(۲۰ دی، ۱۴۰۰)

نایب‌نایبان، کمک به بخش بهداشت و درمان استان در دوران شیوع کرونا و... فعالیت داشته که امیدواریم مرکز دیابت نیز با محوریت اتاق با همراهی ویژه خیرین سلامت و کمک دانشگاه علوم پزشکی، شهرداری، استانداری و سایر دستگاه‌های مربوطه به بهترین شکل راه‌اندازی شود.



راه‌اندازی مرکز مدرن دیابت کرمان در نشست با حضور رئیس و جمعی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان، جمعی از خیران، پزشکان و مدیران بهداشت و سلامت استان بررسی شد. رئیس اتاق کرمان در این نشست گفت: بر اساس آمار ارائه شده در مورد وضعیت دیابت در کرمان و اینکه عده زیادی از بیماری دیابت خود اطلاع ندارند و عده‌ای دیگر به آن اهمیت نمی‌دهند، ضرورت راه‌اندازی مرکز دیابت مدرن در استان احساس می‌شود. سیدمهدی طبیب زاده افزود: اتاق کرمان با درک درست از مسئولیت‌های اجتماعی خود در حوزه‌های مختلف از جمله احداث ۱۲۰ مدرسه، راه‌اندازی مرکز

دبیرخانه مشترک تشکل‌های اقتصادی بخش خصوصی استان کرمان تشکیل می‌شود

(۲۵ دی، ۱۴۰۰)

مقرر شد برای این دبیرخانه شیوه‌نامه‌ای تهیه و نحوه فعالیت تشکل‌ها مشخص شود.



در نشست با حضور روسا و نمایندگان تشکل‌های بخش خصوصی استان کرمان از جمله خانه صنعت و معدن، خانه کشاورز، اتاق تعاون، اتاق اصناف و... مقرر شد که دبیرخانه مشترک تشکل‌های اقتصادی بخش خصوصی به محوریت اتاق کرمان تشکیل شود.

رئیس اتاق کرمان در این نشست با اشاره به اینکه لزوم همراهی و همکاری تشکل‌های بخش خصوصی با یکدیگر بر کسی پوشیده نیست گفت: همه شما به‌عنوان پیشکسوتان صحنه‌های اقتصادی می‌دانید که اگر با هم باشیم می‌توانیم بهتر کار کنیم. سیدمهدی طبیب زاده افزود: آقای جلیل‌کاربخش ناظر عالی هیئت‌رئیس اتاق کرمان در مجامع شوراها از این موضوع استقبال کردند و مطمئن هستیم با تلاش و پیگیری ایشان هماهنگی این تشکل‌ها اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است در این نشست

شهرک شرکت‌های فناوری در کرمان ایجاد می‌شود

(۲۹ دی، ۱۴۰۰)

موضوع در سطح وسیع‌تری انجام شود. گفتنی است در این نشست مقرر شد طرح و نقشه راه لازم برای راه‌اندازی این شهرک ترسیم و تدوین و همه شرایط برای راه‌اندازی این مجموعه بررسی شود.



ایجاد شهرک شرکت‌های فناوری کرمان در نشست با حضور رئیس اتاق کرمان، رئیس پارک علم و فناوری استان و معاون صنایع کوچک شرکت شهرک‌های صنعتی کرمان بررسی شد.

سیدمهدی طبیب زاده در این نشست گفت: اتاق وظیفه خود می‌داند که از شکل گرفتن شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری حمایت کند و این شرکت‌ها باید فضای مناسبی را برای رشد داشته باشند. سیدمهدی طبیب‌زاده افزود: پیشنهاد می‌شود برای پیگیری جدی‌تر این موضوع توافق‌نامه‌ای توسط شرکت شهرک‌های صنعتی، پارک‌های علم و فناوری و معاونت فنی ریاست جمهوری در سطح ملی منعقد تا این

تفاهم‌نامه همکاری بین مرکز داوری اتاق کرمان و انجمن خرمای استان امضا شد

خود را دریافت کنیم. محسن رشیدفرخی افزود: رسیدن به حق مسیروها و تفسیرهای مختلفی داشته، اما به نظر می‌رسد در جهان امروز بحث عدالت و دریافت حق بسیار تخصصی شده و برای رسیدن به آن احتیاج به تخصص‌های مختلف وجود دارد.



(۶ بهمن، ۱۴۰۰)

تفاهم‌نامه همکاری بین مرکز داوری اتاق کرمان و انجمن خرمای استان در نشست با حضور روسای مرکز داوری اتاق کرمان و انجمن ملی خرمای، با هدف رفع اختلافات احتمالی ناشی از قراردادهای تجاری و بازرگانی، پیمانکاری داخلی و خارجی و سایر خدمات، خارج از سیستم قضایی و از طریق داوری و میانجی‌گری به امضا رسید.

رئیس انجمن ملی خرمای ایران در این نشست، عدالت را شیرین‌ترین واژه در دنیا عنوان کرد و گفت: در راه رسیدن به عدالت فراز و نشیب‌هایی وجود دارد و ما باید بتوانیم حقوق



عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان: یکی از مشکلات بنگاه‌های اقتصادی نبود نیروی ماهر است

استانداری، آموزش فنی و حرفه‌ای و تشکل‌های بخش خصوصی امضا شد.



(۶ بهمن، ۱۴۰۰)

عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان گفت: یکی از مشکلات اساسی در بنگاه‌های اقتصادی بحث عدم وجود نیروی ماهر است که باید به این مسئله به‌طور جدی پرداخته شود.

عباس جبالبارزی در آیین امضای تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه بین اتاق کرمان، استانداری و اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان افزود: معتقدیم نیروی ماهر بیکار نیست و هر کس که بیکار است مهارتی ندارد که بیکار مانده است. وی ادامه داد: متأسفانه در مقطعی هنرستان‌ها را حذف کردیم و نیروی ماهر آسیب دید درحالی‌که هر جا نیروی انسانی در فنی و حرفه‌ای آموزش‌دیده در تئوری و اجرا حرفه‌ای عمل کرده است.

گفتنی است در این نشست تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه برگزاری اردو و اعزام مسابقات بین‌المللی مهارت شانگهای چین بین

رئیس اتاق ایران: نقش اتاق کرمان در کشور کاملاً متفاوت است

(۱۰ بهمن، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق ایران گفت: اتاق کرمان از گذشته تاکنون جایگاه و نقش کاملاً متفاوت و همچنین وضعیت شاخص و خاصی در کشور داشته است. غلامحسین شافعی که به صورت مجازی در نشست با هیئت نمایندگان اتاق کرمان شرکت داشت، افزود: گزارش‌ها نشان می‌دهد همان‌طور که رئیس اتاق کرمان بیان کرده، این اتاق در حال نزدیک شدن به نسل چهارم و اتاق جهانی است که این مهم مایه مباهات و افتخار اتاق ایران است. وی ادامه داد: همچنین برخی اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان در کمیسیون‌های مختلف اتاق ایران و اتاق‌های مشترک بازرگانی نقش راهبری را بر عهده دارند که نشان از جایگاه قدرتمند اتاق کرمان است.

سیدمهدی طیب زاده، در این نشست اظهار کرد: به گفته همه مسئولان سیستم قضایی استان، استاندار، نمایندگان مجلس و سایر مدیران استان، اتاق کرمان، اتاق فکر توسعه استان شده و کاملاً جریان ساز هستیم، مطالب مهم استان را با کارشناسی مطرح و به دغدغه جدی استان تبدیل می‌کنیم که امیدواریم در برنامه هفتم توسعه تأثیرگذار باشد. وی با بیان اینکه اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان از ظرفیت‌های ملی محسوب می‌شوند، افزود: اتاق کرمان به ظرفیتی تبدیل شده که می‌تواند به اتاق ایران کمک کند. گفتنی است در این نشست جمعی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان به ارائه برخی فعالیت‌ها و پیگیری‌ها پرداختند.



شرکت‌های بزرگ استان به تأمین زیرساخت‌های استان کمک کنند

(۱۶ بهمن، ۱۴۰۰)

تأمین نیاز توسعه استان دیده شده که مهم‌ترین آن برق و گاز است، گفت: استان کرمان آمادگی تولید ۶ هزار مگاوات برق را دارد و می‌تواند در حوزه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا پایلوت شود.

رئیس اتاق کرمان گفت: پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای متشکل از شرکت‌های بزرگ استان تشکیل و امکانات هر یک از این شرکت‌ها به‌طور متناوب هزینه شود تا بتوان به تأمین زیرساخت‌های استان کمک کرد.

سیدمهدی طیب زاده در هفتادمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی شاخص توسعه اقتصادی پایدار، افزود: اگر بسیار فوری برای تأمین زیرساخت‌های استان بویژه در زمینه گاز چاره‌اندیشی نشود، در آینده‌ای نزدیک با بحران روبرو خواهیم شد. وی ادامه داد: مجموع ورودی گاز استان ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار مترمکعب در ساعت است و این در حالی است که فقط شرکت گل‌گهر سیرجان تا چند سال آینده به دو هزار مترمکعب گاز نیاز دارد.

استاندار کرمان نیز در این نشست با بیان اینکه چشم‌انداز ۱۰ ساله برای



در راستای اجرای مصوبه شورای گفت‌وگو: تفاهم‌نامه تولید ۶ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر در کرمان منعقد شد

در ادامه، معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، از برنامه دولت برای احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه انرژی‌های تجدید پذیر خبر داد و گفت: تلاش بر تأمین برق کشور از انرژی‌های تجدیدپذیر با هدف حفظ منابع فسیلی و آبی و نیز کاهش آلودگی است.

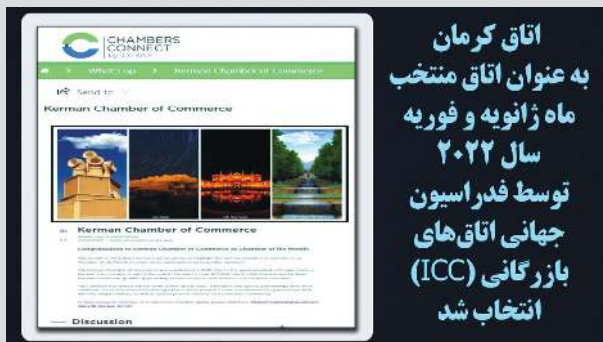


(۱۶ بهمن، ۱۴۰۰)

در راستای اجرای مصوبه شصت و ششمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان مبنی بر توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک، بهینه‌سازی و ارتقای بهره‌وری، در آئینی تفاهم‌نامه تولید ۶ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر و پاک در استان کرمان منعقد شد.

این تفاهم‌نامه به امضای استاندار کرمان به‌عنوان رئیس شورای گفت‌وگو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) رسید. استاندار کرمان در این آئین با اشاره به اینکه بدنه کارشناسی وزارتخانه‌ها و تمرکزگرایی در دولت‌ها اجازه کار در استان‌ها را نمی‌دهد، گفت: اگر وزارت نیرو، دستگاه‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی را برای ما فراهم کند و قوانین دست و پاگیر برای تضمین خرید برق برداشته شود، احداث ۶ هزار مگاوات در استان کار دشواری نیست.

اتاق کرمان اتاق برگزیده فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی شد



(۱۶ بهمن، ۱۴۰۰)

بر اساس اعلام اتاق بازرگانی بین‌المللی، اتاق کرمان به دلیل مشارکت فعال و پویا در بستر ارتباطی فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی (WCF) (ICC) در میان سایر اتاق‌های بازرگانی سراسر جهان به‌عنوان اتاق برگزیده انتخاب شد. اتاق کرمان در این زمینه، اخبار جذاب و متنوعی با دیگر اتاق‌های دنیا به اشتراک گذاشته است که گزارش‌های حوزه تجارت، داوری و همکاری ویژه با سایر اتاق‌های دنیا، گزارش‌های جذاب فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری کرمان با کشورهای مختلف هدف تجاری و همچنین پروژه‌های ویژه تهیه شده برای اعضا از جمله آن است.

جذابیت سوداگری را با مالیات بگیریم



(۱۷ بهمن، ۱۴۰۰)

نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران گفت: باید هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های سوداگریانه و دلالی به قدری بالا باشد که توجهی برای انجام آن وجود نداشته باشد و منابع به این سمت نرود. عباس جالبازری در گفت‌وگو با خبرنگار ایپنا با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر سیاست هدایت اعتبار به سمت تولید اظهار کرد: برای رشد اقتصادی قطعاً باید اعتبارات و تسهیلات بانکی را به سمتی که خلق ارزش کند و سهمی در تولید ناخالص داخلی داشته باشد، هدایت کنیم.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی از اتاق کرمان تقدیر کرد

(۱۷ بهمن، ۱۴۰۰)

رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان با اهدای لوح سپاس به رئیس و عضو هیئت رئیسه اتاق کرمان، از این مجموعه به نمایندگی از فعالان اقتصادی تقدیر کرد.

حمیدرضا رشیدی‌نژاد با حضور در محل اتاق از فعالیت‌های خیرخواهانه فعالان اقتصادی در دوران اپیدمی کرونا که به محوریت اتاق کرمان

انجام شده بود تقدیر و تشکر کرد. وی گفت: اتاق کرمان در همه ادوار یار و همراه دانشگاه علوم پزشکی بوده و اقدامات خیرخواهانه مادی و معنوی بسیاری در این زمینه انجام داده که طی ۲ سال گذشته همزمان با شیوع بیماری کرونا این اقدامات نمود بیشتری داشته است. گفتنی است اتاق کرمان طی ۲ سال گذشته اقدامات بی‌شماری از جمله کمک‌های نقدی، خرید تجهیزات، حمایت از کادر درمان، بهسازی و تجهیز بیمارستان و... در راستای پیشگیری از شیوع کرونا انجام داده است.



اتاق کرمان در رویداد ایران مالزی شرکت می‌کند

(۱۹ بهمن، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان گفت: با توجه به اعلام آمادگی بسیاری از تشکلهای بخش خصوصی و فعالان اقتصادی، اتاق کرمان در رویداد ایران- مالزی شرکت می‌کند. سیدمهدی طبیب زاده در نشست هماهنگی حضور در رویداد ایران مالزی (۱۱ فروردین تا ۲۶ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱) افزود: باید سعی شود که این نمایشگاه صرفاً نمایش کالا نباشد بلکه به‌عنوان یک تجربه موفق و با تمام قوا برای توسعه صادرات در این نمایشگاه تلاش شود. وی ادامه داد: اراده جدی اتاق کرمان برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی استان با کشور مالزی وجود دارد.



گفتنی است در این نشست نمایندگان تشکلهای اقتصادی از جمله انجمن خرما، پسته، انجمن صنایع دستی و انجمن گیاهان دارویی به بیان مطالب خود برای شرکت در نمایشگاه پرداختند.

انجمن قنات استان کرمان تشکیل می‌شود

(۲۰ بهمن، ۱۴۰۰)

در نشستی با حضور رئیس اتاق کرمان، رئیس دفتر نمایندگی اتاق در بم و جمعی از فعالان و کارشناسان حوزه قنات در شرق استان، راه‌اندازی انجمن قنات استان بررسی و برای هرگونه کمک برای تشکیل آن قول مساعد داده شد.

رئیس اتاق کرمان در این نشست ضمن ابراز خرسندی از ارائه چنین درخواستی از سوی فعالان حوزه قنات گفت: به موضوع مهمی پرداخته شده و باید برای حفظ این میراث گذشتگان و ترویج فرهنگ استفاده و نگهداری از آن تلاش شود. وی خاطرنشان کرد: قنات یادآور نشاط، جذابیت و زیبایی خاصی است و صحنه‌های بسیار زیبایی برای جذب گردشگران در استان‌های کویری مانند کرمان دارد.

گفتنی است در این نشست مقرر شد اقدامات لازم برای ثبت و تشکیل انجمن قنات استان انجام شود.



زیرساخت‌ها برای افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان تکمیل شود

منطقه دو هزار مترمربع مساحت دارد که در فاز نخست ۲۰۰ هکتار آن فعال خواهد شد. روح‌الله بهرامشاهی افزود: شکل‌گیری منطقه ویژه گردشگری در این منطقه با قرار دادن مسیر گردشگری عبوری از دره راگه و همچنین تلاش‌ها برای راه‌اندازی خط ریلی منطقه اقتصادی رفسنجان- کرمان در برنامه‌ریزی ویژه ما قرار دارد.



(۲۴ بهمن، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان گفت: برای تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، باید پتانسیل‌ها خوب تعریف و زیرساخت‌ها تکمیل شود.

سیدمهدی طیب زاده در نشست با مدیرعامل و جمعی از کارشناسان منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان افزود: در اقدام اول توسعه زیرساخت‌ها و تمرکز بر تأمین برق و گاز در این منطقه ضروری است، زیرا در غیر این صورت در آینده با مشکل روبرو خواهید شد. وی با اشاره به اینکه اتاق کرمان همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را اواخر اردیبهشت‌ماه سال آینده با نیازهای استان در چشم‌انداز ۱۰ ساله برگزار خواهد کرد، افزود: این همایش فرصت خوبی برای معرفی ظرفیت‌های منطقه ویژه اقتصادی به سرمایه‌گذاران خواهد بود. در ادامه این نشست مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان گفت: این

جشنواره بهره‌وری و رقابت‌پذیری استان کرمان برگزار شد



(۲۵ بهمن، ۱۴۰۰)

در سومین جشنواره بهره‌وری و رقابت‌پذیری مطالب مختلفی با موضوع رسالت اتاق در ترویج مفاهیم توسعه، اکوسیستم بهره‌ور پیش نیاز رقابت‌پذیری، توانایی رقابت با صنایع دنیا در انقلاب صنعتی چهارم، تأثیر مدیریت خردگی در افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها، گردشگری به‌عنوان فرصت توسعه رقابت‌پذیری اقتصادی و بهره‌وری منابع استان و افزایش بهره‌وری کشاورزی و آب توسط اساتید، کارشناسان و مدیران مطرح شد. رئیس اتاق کرمان در این جشنواره گفت: برای تقویت نهضت بهره‌وری در استان به مشارکت فعالان و مدیران اقتصادی نیاز داریم تا بتوان از منابع غیرنفتی بهترین استفاده را داشته باشیم. سیدمهدی طیب زاده، با تأکید بر اینکه اقتصاد استان بهره‌ور نیست و بین ورودی و خروجی اقتصاد استان رابطه خوبی وجود ندارد، تصریح کرد: در حال مصرف منابع بین نسلی هستیم و اگر این شیوه تغییر نکند منابع طبیعی برای آیندگان نمی‌ماند. گفتنی است در این جشنواره پنل انتقال تجربه با حضور مشاور مدیریت

خوردگی صنایع اروپا، آمریکا و خاورمیانه، مدیر طرح سند جامع گردشگری استان کرمان و رئیس کمیته آب انجمن پسته ایران و کشاورز نمونه کشور و پنل پرسش و پاسخ با حضور روسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، سازمان صمت استان، سازمان جهاد کشاورزی و پژوهشکده فناوری و تولیدات گیاهی دانشگاه شهید باهنر کرمان برگزار شد. همچنین در این جشنواره که با همکاری دبیرخانه شورای گفت‌وگوی استان و مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان برگزار شد از واحدهای داوطلب و پیشرو در پروژه ارزیابی و عارضه‌یابی بنگاه‌های اقتصادی تقدیر به عمل آمد.



عضو هیئت رئیسه اتاق کرمان: بانک‌ها در پرداخت تسهیلات سختگیری می‌کنند

(۲۸ بهمن، ۱۴۰۰)

قانون بانک‌ها باید دریافت کنند، ۱۸ درصد است؛ با این حال بانک‌ها با پرداخت وام بخشی از پول تسهیلات را بلوکه می‌کنند. برای مثال اگر یک تولیدکننده ۱۰ میلیارد تومان وام بگیرد ۲۰ درصد آن را بلوکه می‌کنند، اما سود همان ۱۰ میلیارد تومان را می‌گیرند. با احتساب این موضوع ۴ درصد به نرخ بهره اضافه شده و به ۲۲ درصد می‌رسد.

عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان در مورد وضعیت تخصیص تسهیلات به بنگاه‌های تولیدی گفت: حدود یک ماه است که بانک‌ها در مورد پرداخت تسهیلات سختگیری می‌کنند و به‌طور شفاهی می‌گویند که پرداخت تسهیلات بسته است. عباس جبالبارزی در گفت‌وگو با ایلنا افزود: نرخ سودی که طبق

۶۰ فعال اقتصادی کرمانی از نمایشگاه‌های اکسپو و گلفود دبی بازدید کردند

(۲۸ بهمن، ۱۴۰۰)

که با حمایت‌های اتاق کرمان این موضوع محقق شد و فعالان اقتصادی توانستند ۳ روز از نمایشگاه گلفود و یک روز از نمایشگاه اکسپو با هدف توسعه تجارت خارجی بازدید به عمل آورند. گفتنی است نمایشگاه گلفود دبی از ۲۳ الی ۲۸ بهمن‌ماه دایر بوده و اکسپوی دبی نیز با حضور ۱۹۲ کشور جهان هر پنج سال یکبار به مدت ۶ ماه برگزار می‌شود.

نایب‌رئیس اتاق کرمان گفت: ۶۰ فعال اقتصادی استان کرمان در قالب اعزام هیئت تجاری از اتاق کرمان به دبی، از نمایشگاه در حال برگزاری اکسپو و گلفود بازدید کردند. جلیل‌کاربخش افزود: در سال‌های اخیر اعزام چنین هیئت پرجمعیتی از کرمان به نمایشگاه‌های خارجی وجود نداشته



نایب‌رئیس اتاق کرمان: شناسایی نیاز بازارهای هدف دستاورد مهم اعزام هیئت تجاری به دبی بود

(۰۱ اسفند، ۱۴۰۰)



نایب‌رئیس اتاق کرمان گفت: شناسایی نیاز بازارهای هدف و معرفی محصولات صادراتی استان کرمان از دستاوردهای مهم اعزام هیئت تجاری اتاق کرمان به نمایشگاه گلفود و اکسپو دبی بود. جلیل‌کاربخش که ریاست این هیئت تجاری ۶۲ نفره را بر عهده داشت، افزود: حضور پررنگ هیئت فعالان اقتصادی استان کرمان در نمایشگاه مواد غذایی گلفود ۲۰۲۲ که یکی از مهم‌ترین نمایشگاه‌های مواد غذایی، خشکبار، سوغات محلی و گیاهان دارویی است و هر ساله در امارات برگزار می‌شود دستاوردهای مهمی داشت.

مشکلات شرکت‌های پخش در رابطه با سامانه‌های سیپاد و بارانه بررسی شد

(۰۲ اسفند، ۱۴۰۰)



مشکلات شرکت‌های پخش در رابطه با سامانه‌های بارانه (حمل و نقل بار و کالا) و سیپاد (یارانه‌های بخش حمل و نقل شهری) در نشست با حضور رئیس اتاق کرمان، نمایندگان شرکت‌های پخش و نمایندگان دستگاه‌های مرتبط مانند سازمان حمل و نقل شهرداری و اداره کل راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای شمال استان بررسی شد.

توسعه همکاری‌های اقتصادی کرمان و یونان بررسی شد

(۰۴ اسفند، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق در این نشست گفت: با توجه به وجود دو تمدن کهن در ایران و یونان و وجود روابط سیاسی و اجتماعی دو هزار و ۵۰۰ ساله بین دو کشور، اما تاکنون از این ظرفیت برای توسعه صادرات ایران و کرمان به یونان استفاده نشده است. در این نشست برخی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی استان کرمان معرفی و زمینه همکاری‌های مشترک بررسی شد.

در نشست با حضور رئیس و اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، سفیر ایران در یونان، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری، رئیس انجمن ملی خرمای ایران و جمعی از فعالان اقتصادی، توسعه همکاری‌های اقتصادی کرمان و یونان بررسی شد.



نایب رئیس اتاق کرمان: فعالان اقتصادی نگران افزایش ۱۲۸ درصدی مالیات استان هستند

(۰۴ اسفند، ۱۴۰۰)

نشست مسائل مختلف در زمینه برگزاری هر چه بهتر هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی نیز بررسی شد.



نایب رئیس اتاق کرمان گفت: فعالان اقتصادی و بخش خصوصی از افزایش ۱۲۸/۵ درصدی وصول مالیات در نظر گرفته شده برای استان در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال جاری، در لایحه دولت نگران هستند زیرا بیش از ۷۰ درصد این میزان وصولی بر عهده فعالان اقتصادی عضو اتاق بازرگانی و بخش حقوقی اقتصاد است. جلیل کاربخش در نشست با موضوع بررسی مشکلات مالیاتی فعالان اقتصادی با حضور نمایندگان از دادگستری و اداره مالیاتی استان افزود: در سال آینده وصول مالیات بیش از ۲۸ هزار میلیارد تومان برای استان کرمان در نظر گرفته شده، در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۰ تاکنون ۱۵ هزار میلیارد تومان بوده که همین رقم هم بسیار زیاد است. در این

رئیس اتاق کرمان: صادرکنندگان دیگر هیچ اشتیاقی برای شرکت در فرایند انتخاب صادرکننده نمونه ندارند

حتماً باید قدرتمند و با شرکت‌های بزرگ در این بازار ظاهر شویم، اما این فرآیند با توجه به ساختارهایی که در اقتصاد ایران شکل گرفته خیلی راحت نیست. نوری افزود: مجوزها، مشوق‌ها و یارانه‌هایی که به حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در طول این سال‌ها شکل گرفته اگر تجمیع می‌شد و با اندیشه‌ی اقتصادی معتبرتری پیش می‌رفتیم شاید نتیجه‌ی بهتری می‌گرفتیم. در این همایش از ۲۷ صادرکننده نمونه و شایسته تقدیر استان کرمان تجلیل شد.



رئیس اتاق کرمان با طرح این پرسش که آیا برگزاری همایش‌های روز صادرات طی سال‌های گذشته، منجر به رفع مشکل و دغدغه‌های صادرکنندگان شده است، بیان کرد: آیا نسبت به سال گذشته، تعداد صادرکنندگان اضافه شده است؟ آیا بازارهای هدف متعدد شده است؟ آیا حجم کالاهای صادراتی اضافه شده و نوع آن‌ها فرق کرده است؟ معاون سازمان توسعه تجارت ایران نیز در این همایش با بیان این‌که بازار رقابتی بین‌المللی جایی برای شرکت‌های کوچک نیست، گفت:



با همکاری کمیسیون گردشگری اتاق کرمان رقم خورد: ثبت ۵ شهرستان استان به عنوان شهرهای ملی صنایع دستی

به دلیل اهمیت آن در بحث اشتغال، اقتصاد، میراث، فرهنگ و تمدن است که نشست آتی شورای گفت‌وگوی دولت با بخش خصوصی استان را به بررسی مسائل پیرامون صنایع دستی، موانعی موجود و راه‌هایی که باید انتخاب کنیم تا صنایع دستی استان کرمان با همه قدمتی که دارد در جایگاه خود قرار بگیرد، اختصاص دادیم. معاون صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی نیز در این نشست افزود: هدف ما از ثبت شهرها پاسخ به مطالبه مردمی است که در حال حاضر ثبت شهرها برای آن‌ها اولویت محسوب می‌شود و مایل هستند هنر آن‌ها دیده شود.



(۰۷ اسفند، ۱۴۰۰)
در پنجمین نشست شورای راهبردی انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع دستی که با همکاری کمیسیون گردشگری اتاق کرمان و اداره کل میراث فرهنگی برگزار شد، کرمان به عنوان شهر ملی صنایع دستی؛ راور شهر ملی قالی؛ شهر بابک شهر ملی فیروزه و قلعه گنج به عنوان شهر ملی حصیر انتخاب شدند. همچنین، شهر راین نیز با شرط اینکه ظرف شش ماه زیرساخت‌های لازم را فراهم کند به عنوان شهر ملی چاقو معرفی شد. رئیس اتاق کرمان در این نشست گفت: توجه ما به صنایع دستی



سفیر ایران در کابل: شرایط فعلی افغانستان فرصتی طلایی برای اقتصاد ایران است

(۱۷ اسفند، ۱۴۰۰)

مذاکرات، بازدیدها، پذیرش هیات‌ها و امضای تفاهم‌نامه انجام شد. سیدمهدی طبیب‌زاده افزود: منتظر پایدار شدن شرایط جدید در افغانستان بودیم تا برنامه‌ریزی برای شکل‌گیری ارتباطات گسترده‌تر انجام شود و همچنین مشکلاتی مانند نبود سیستم بانکی در افغانستان، حمل و نقل، گمرک، هزینه‌ها، مشکلات انتقال ارز و عدم وجود تفاهم‌نامه‌های تعرفه ترجیحی در زمینه همکاری اقتصادی با افغانستان وجود دارد.



سفیر ایران در کابل گفت: شرایط فعلی افغانستان فرصت طلایی و استثنایی برای ایران است که باید از این کشور به عنوان مکمل اقتصاد ایران استفاده کرد. بهادر امینیان، در نشست بررسی همکاری تجاری کرمان و افغانستان افزود: ایران با صادرات سالانه ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، حدود ۶۰ درصد بازار کشور افغانستان را در دست دارد. وی ادامه داد: در شرایط فعلی کشور افغانستان، می‌توان از یکسری ظرفیت‌ها و فرصت‌ها به صورت انحصاری برای ایران استفاده کرد. استاندار کرمان نیز در این نشست، اتاق کرمان را بسیار فعال در فعالیت‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی دانست و گفت: این مجموعه افراد صاحب‌نام و توانمندی دارد که با هدف‌گذاری مشخص، حوزه‌های مختلف را تعریف و اجرا می‌کند. در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان نیز گفت: پیش از تحولات جدید در افغانستان، اتاق کرمان همکاری‌ها و ارتباطات گسترده‌ای با اتاق‌های بازرگانی برخی استان‌های افغانستان داشت که در پی آنها

واحد آموزش اتاق کرمان رتبه یک برتر را در بین اتاق‌های کشور کسب کرد

(۱۸ اسفند، ۱۴۰۰)

۲۶ دوره عمومی و تخصصی در زمینه توانمندسازی تشکل‌های اقتصادی و ۶ دوره آموزشی توسعه فردی برای پرسنل اتاق و همچنین تعداد ۱۸ دوره ویژه نمایندگان مالیاتی اتاق در هیات‌های اختلاف مالیاتی برگزار شده است. جدیت اتاق کرمان در ارائه برنامه‌های آموزشی متنوع و مورد نیاز، باعث شده واحد آموزش اتاق کرمان، در ۶ سال گذشته نیز رتبه برتر را در بین آموزش اتاق‌های کشور کسب کند.

واحد آموزش اتاق کرمان به طور مشترک با اتاق‌های شیراز، اصفهان و البرز برای هفتمین سال متوالی رتبه یک برتر را در بین اتاق‌های سراسر کشور کسب کرد. براساس اعلام موسسه آموزشی و پژوهشی اتاق ایران، این رتبه برای برگزاری سمینارهای آموزشی در اتاق کرمان طی سال ۱۴۰۰ اختصاص داده شده است. عملکرد واحد آموزش اتاق کرمان در سال ۱۴۰۰ در مجموع دوره‌های برگزار شده برای فعالان اقتصادی و تشکل‌های اتاق ۲۱ هزار نفر ساعت و دوره‌های کاربردی و مهارتی ۲۴ هزار نفر ساعت است. از این تعداد، ۳۲ سمینار با موضوع‌های مربوط به بخش بازرگانی اعم از صادرات، واردات و تولید، ۸ دوره آموزشی مربوط به بخش کشاورزی، ۱۱ دوره در زمینه‌های بانک، بیمه و مالیات، ۵ دوره در زمینه رفع تعهد ارزی، ۲۱ دوره در زمینه دیجیتال مارکتینگ،





مرکز تحقیقات ژئومکانیک کاشیگر
Kashigar Geomechanics Research Center

Kashigar (KGMC)

Geomechanics Research Center



دانشگاه شهید باهنر کرمان

ارائه دهنده:

خدمات میدانی

خدمات آزمایشگاهی

خدمات تحقیقاتی و مشاوره‌ای

- انجام کلیه آزمایش‌های مکانیک سنگ و خاک
- طراحی و انجام آزمون‌های غیرمخرب ژئوفیزیکی
- طراحی سازه‌های فروشویی توده‌ای (Heap Leaching)
- انجام آزمایش‌های استاندارد سنگ‌های ساختمانی متناسب با کشورهای وارد کننده سنگ
- طراحی زهکشی در معادن
- طراحی شیب‌های سنگی و خاکی



کرمان، بلوار جمهوری، دانشکده فنی و مهندسی، بخش مهندس معدن، تلفن تماس: ۰۹۳۷۶۴۲۹۴۸۸



iranGrain

10-11 May, 2022, Tehran
 دومین کنفرانس بین المللی غلات
 ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱



SILVER

GOLD

iranGrain 2022

EDUCATIONAL PARTNER

MEDIA PARTNER

SUPPORTER



برای کسب اطلاعات بیشتر و حضور در کنفرانس
 با ما در تماس باشید. ۰۹۳۵۶۱۳۲۹۵۹
www.irangrain.org
[irangrain_conference](https://www.instagram.com/irangrain_conference)